

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی

دوره دهم، شماره اول (پیاپی ۱۹)، بهار ۱۴۰۰

صاحب امتیاز: سازمان بسیج اساتید کشور

مدیر مسئول: محمدرضا مردانی

سر دبیر: غلامرضا بهروزی لک

اعضای هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

سروش امیری؛ دانشیار روابط بین الملل دانشگاه علوم انتظامی امین

غلامرضا بهروزی لک؛ استاد تمام گروه علوم سیاسی دانشگاه باقر العلوم (ع)

محمدجعفر جوادى ارجمند؛ دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تهران

علیرضا رضایی؛ دانشیار روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

نجف لک زایی؛ استاد تمام گروه علوم سیاسی دانشگاه باقر العلوم (ع)

شمس الله مریجی؛ استاد تمام علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم (ع)

حسین هرسیج؛ استاد تمام علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

مدیر داخلی: سیدمهدی سهیلی مقدم

صفحه آرا: یوسف بهرخ

پست الکترونیک: org.05@basijasatid.ir

نشانی وبگاه: www.iabaj.ir

نشریه «مطالعات بیداری اسلامی» با صاحب امتیازی سازمان بسیج اساتید کشور براساس آیین نامه نشریات علمی مصوب ۱۳۹۸/۰۲/۰۹ در ارزیابی سال ۱۳۹۹ موفق به کسب رتبه «ب» شده است.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، روبه روی در اصلی دانشگاه تهران پلاک ۱۲۴۶

سازمان بسیج و اساتید کشور، دفتر نشریات تلفن: ۰۲۱۶۶۹۷۵۶۰۵

فصلنامه علمی
مطالعات بیداری اسلامی

دوره دهم، شماره اول (پیاپی ۱۹)، بهار ۱۴۰۰

- فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی که در حاضر در چهار شماره در سال منتشر می شود، رعایت نکات و دستورالعمل زیر برای جلوگیری از تأخیر در داوری و انتشار بموقع مجله هنگام ارسال مقالات ضروری است:
- مقاله باید نتیجه تحقیقات شخصی نویسنده (ها) بوده و قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی منتشر نشده نگردیده، در مورد مقالات ارائه شده در مجامع علمی، مشخصات کامل مجمع باید با مقاله همراه باشد.
 - مقاله باید سلیس، روان و از نظر دستور زبان صحیح بوده و در انتخاب واژه‌ها دقت لازم مبذول گردد.
 - در متن فارسی باید تا حد امکان از معادل فارسی کلمات لاتین استفاده شود و چنانچه معادل فارسی به اندازه کافی رسا نباشد، می توان با ذکر شماره در بالای معادل، عین کلمه لاتین را در بخش یادداشتها آورد.
 - مقاله باید با آخرین نسخه برنامه Word و با قلم نازنین فونت ۱۲ (برای چکیده لاتین با قلم تایمز ۱۱) فاصله تقریبی میان سطور ۰.۹ حروفچینی و تاپ گرد. حاشیه از بالا ۶.۵، از پایین ۶.۵، از راست ۴ و حاشیه چپ ۴ سانتیمتر باشد. عنوان مقاله با فونت تیترا ۱۲، مشخصات نویسنده یا نویسندگان با فونت یاقوت ۱۲، چکیده فارسی با فونت نازنین ۱۲، فهرست عناوین متن با فونت نازنین سیاه ۱۲، منابع و مأخذ با فونت نازنین ۱۱ نگاشته شود.
 - تعداد صفحات مقاله نباید از حدود ۱۸ صفحه چاپی به قطع مجله تجاوز کند.
 - مسئولیت محتوای مقالات و ویراستاری با نویسندگان است.

جهت اطلاعات بیشتر به وبسایت زیر مراجعه نمایید:

<http://www.iabaj.ir/journal/authors.note>

فهرست مطالب

- «گفتمان انقلاب اسلامی و مواجهه با چالش بدیل سازی / محمد اسماعیل نباتیان ۷
- «بررسی تطبیقی عملکرد انقلاب اسلامی ایران و اخوان المسلمین مصر در فرآیند دولت سازی / بهزاد قاسمی، بهادر شهریاری ۳۱
- «تکریم سادات و کارکرد آن در بیداری اسلامی / سید سعید حسینی رامشه، حمیدرضا سروریان ۵۳
- «استراتژی دو قدرت بزرگ منطقه ای (جمهوری اسلامی و عربستان سعودی) در حوزه سیاست گذاری خارجی و تروریسم در منطقه تحت نفوذ خود / محسن جمشیدی، میرابراهیم صدیق، محمود بسطامی ۷۷
- «بررسی عوامل مؤثر بر سیاست خارجی عربستان در قبال پرونده فلسطین در دروه محمد بن سلمان / محمد جواد نجفی، علیرضا صفایی مهر ۱۰۳
- «واکاوی اثرات ژنوم ژئوپلیتیک بر سیاست خارجی (مطالعه موردی: رژیم صهیونیستی و سوریه) / سمیه حمیدی، زینب قاسمی ۱۲۵
- «تحلیل محتوای کتب درسی دوره ابتدایی از منظر توجه به ابعاد و مولفه های بیداری اسلامی (تالیف سال تحصیلی ۱۳۹۹/۱۴۰۰) / مهدی میرزایی ۱۴۹
- «روش های تامین امنیت نظامی در جمهوری اسلامی ایران براساس رهنمودهای قرآنی / علی اکبر صیدی ۱۶۷

گفتمان انقلاب اسلامی و مواجهه با چالش بدیل سازی

محمد اسماعیل نباتیان^۱

چکیده

گفتمان انقلاب اسلامی با اتکای بر نقطه قوت ماهیت اسلامی به پیروزی رسید و نظم‌های سکولار را به چالش کشید. اما از بُره‌ای به بعد، این نقطه قوت به آنتی‌تز این گفتمان تبدیل گردید و آن را با چالش مواجه ساخت. حال، این سؤال مطرح است که اسلام سیاسی به عنوان نقطه قوت گفتمان انقلاب اسلامی در ایجاد انقلاب و نظام‌سازی، چگونه به عنوان عاملی تهدیدگر و تضعیف‌کننده آن در جهان اسلام تبلور یافت؟ (مسئله). با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از نظریه گفتمان لاکلا و موف (روش)، این فرضیه به بحث گذاشته شده که گفتمان سلفی تکفیری، با وجود وحدت پارادایمی، اثبات هویت خود را در نفی گفتمان انقلاب اسلامی تعریف نمود و با معناداری متغیر به دال‌های مشابه و مفصل‌بندی آنها حول حکومت/خلافت اسلامی و در سایه حمایت و هدایت نظام سلطه، توانست الگویی از مسلمان اصیل‌تر، متشروع‌تر به سنت نبوی و متخاصم‌تر در برابر کفار را به نیروهای اجتماعی مسلمان معترض القا نماید و گفتمان انقلاب اسلامی را به عنوان «غیر» واجب‌الجهاد جایگزین «غیر»‌های صلیبی و یهود نماید (فرضیه). فرجام آن، تبدیل نقطه قوت گفتمان انقلاب اسلامی به آنتی‌تز و تضعیف‌کننده آن است که جهان اسلام را به تقابل بین مسلمانی‌خسوت‌بار مبتلا ساخته است (یافته). کلیدواژه‌ها: نظریه گفتمان، گفتمان انقلاب اسلامی، گفتمان سلفی تکفیری، چالش بدیل

۱. عضو هیأت علمی گروه انقلاب اسلامی دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، ایران.

me.nabatian@ut.ac.ir

 <https://orcid.org/0000-0002-6659-9007>

مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی رجعت دین به عرصه اجتماع و سیاست بود. با پیروزی انقلاب، گفتمان انقلاب اسلامی به مثابه مسیری جدید برای حرکت‌های اجتماعی در جوامع مسلمان تجلّی یافت. این گفتمان هویت خود را براساس «غیر» پهلویسم، غرب لیبرال سرمایه‌داری و شرق کمونیستی شکل داد که ویژگی مشترک همه آنها، سکولاریسم بود. گفتمان انقلاب اسلامی با مفصل‌بندی نشانه‌های مختلف پیرامون دال مرکزی حکومت اسلامی (مبتنی بر ولایت فقیه)، در پارادایم اسلام سیاسی قابل فهم است. (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۷) نقطه‌قوت انقلاب اسلامی، ماهیت اسلامی آن بود که ضمن بسیج نیروهای اجتماعی در طرد و فروپاشی گفتمان پهلویسم و نیز خرده‌گفتمان‌های سکولار پس از انقلاب در داخل، نظامی دینی را در غیریت‌سازی با سکولاریسم مسلط بر نظام بین‌الملل تأسیس کرد و آن را به چالش فراخواند. با فروپاشی شرق در اواخر دهه ۱۳۶۰، هویت گفتمان انقلاب اسلامی در غیریت‌سازی با غرب لیبرال سرمایه‌داری استمرار یافت و آن را به غیرِ هویت‌بخش خود تبدیل نمود.

این تجربه متفاوت در تکوین، تثبیت و هژمون‌شدن یک گفتمان در قالب پارادایم اسلام سیاسی، انسان مسلمان مستأصل و ناامید از مکاتب مدرن و سنتی ناکام را به تبعیت از آن به تکاپو انداخت و امید‌رهایی از استبدادهای وابسته در پرتو تمسک به اسلام را قوت بخشید. در این راستا جریان‌های اسلام‌گرا به بازبینی اندیشه‌های سیاسی در اسلام پرداختند و با بازخوانی دال‌های شناور اسلام، آنها را برای کاربست در قدرت سیاسی، حول دال مرکزی حکومت اسلامی مفصل‌بندی کردند. اما با وجود حرکت جریان‌های اسلام‌گرا در چارچوب یک پارادایم، برخی از آنها هویت خود را در غیریت‌سازی با گفتمان انقلاب اسلامی تعریف کرده و به ستیز با آن پرداخته‌اند که مهم‌ترین آنها، جریان سلفی تکفیری است. در بررسی موضوع فوق، این سؤال مطرح می‌شود که اسلام سیاسی به عنوان نقطه قوت گفتمان انقلاب اسلامی در انقلاب و نظام‌سازی، چگونه به عنوان عاملی تهدیدگر و تضعیف‌کننده آن ظهور یافت؟ در پاسخ، این فرضیه بررسی می‌شود که با تلاقی گفتمان سلفی تکفیری با نظام سلطه، این گفتمان بدیل، با وجود تکاپو در قالب پارادایم اسلام سیاسی و دال‌های مشابه، گفتمان انقلاب اسلامی را «غیر» هویت‌بخش اصلی خود تعریف نمود و با بازتعریف دال‌های شناور اسلام و معنادهی متغایر، تثبیت خود را در نفی و فروپاشی آن رقم زد. ظهور این گفتمان بدیل، نقطه قوت گفتمان انقلاب

اسلامی، یعنی اسلام‌گرایی را به عامل تهدیدکننده آن تحویل نمود و با تعریف گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان «عدو قریب»، اولویت جهاد را به ستیز با آن و طرد آن داد.

تحلیل گفتمان

برای تبیین متقن مسئله مقاله از نظریه گفتمان لاکلا و موفه بهره می‌گیریم. نظریه گفتمان، کارایی مناسبی در تبیین چگونگی تکوین، تداوم، منازعه و افول گفتمان‌ها دارد. (سلطانی، ۱۳۸۷: ۹۹) در این مقاله بیشتر بر آن بخشی از گفتمان تأکید می‌شود که با «غیریت‌سازی» مرتبط است. گفتمان^۱ از مجموعه‌ای از مفاهیم و عناصر تشکیل شده که ارتباط معناداری باهم دارند. مهم‌ترین عناصر هر گفتمان عبارت است از: نقطه کانونی (مرکزی)^۲، دال‌های شناور،^۳ عناصر^۴ به وقته‌ها^۵، ضدیت^۶ و غیریت‌ها،^۷ زنجیره هم‌ارزی،^۸ مفصل‌بندی^۹ و هژمونی.^{۱۰} (jorgensen and Philips, 2002: 24) گفتمان‌ها یک سیستم مترتب بر پراکندگی است که دال مرکزی موجب انسجام آن می‌شود. دال مرکزی، دال برتر و نیروی جاذب سایر نشانه‌ها و عناصر است که حول آن، مفصل‌بندی می‌شوند. (یورگنسن، ۱۳۸۹: ۳۷؛ حقیقت و حسینی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۰۸) با مفصل‌بندی، عناصر پراکنده در درون یک گفتمان با هم ارتباط می‌گیرند، به گونه‌ای که این عناصر هویت جدیدی می‌یابند. (مارش و استوکر، ۱۳۸۴: ۲۰۲) عناصر نشانه‌هایی تثبیت نشده‌ای هستند که گفتمان‌های مختلف می‌کوشند به آنها معنا دهند. برعکس، وقته‌ها عناصر مفصل‌بندی شده در درون یک گفتمان می‌باشند که به هویت و معنای موقتی دست یافته‌اند. طی مفصل‌بندی، دال‌های اصلی در زنجیره هم‌ارزی با یکدیگر ترکیب می‌شوند و در برابر یک

1. Discourse
2. Nodal Point
3. Floating Signifiers
4. Element
5. Moment
6. Antagonism
7. Otherness
8. Equivalence
9. Articulation
10. Hegemony

«غیر» که تهدید می‌کند قرار می‌گیرند. (منوچهری، ۱۳۸۴: ۱۱۴) از ویژگی‌های ذاتی گفتمان‌ها، ضدیت و غیریت است. براین اساس، گفتمان‌ها با «غیر»، هویت یافته و نظام معنایی خود را تنظیم می‌کنند. در واقع، بررسی نظام معنایی یک گفتمان مستلزم تعریف آن در تقابل آن با گفتمان رقیبش و دستیابی به نقاط تفاوت‌ها و تعارض‌های معنایی میان‌شان است. (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۶۸) به اعتقاد لاکلا و موف، اساساً هویت شکل‌های گفتمانی در روابط غیریت‌سازانه شکل می‌گیرد. (سلطانی، ۱۳۸۷: ۱۱۳؛ تاجیک، ۱۳۸۳: ۴۸)

نکته شایان ذکر اینکه مسئله اصلی یک گفتمان، تشخیص قدرت و اقتدار یک گروه، مرجع یا شخص در تعریف و تنظیم قواعد آن گفتمان و نیز تمیز مرزهای گفتمانی خود است تا به عناصر مفصل‌بندی‌شده معنایی نو بدهد. بنابراین اگر در مورد یک معنای خاص برای یک دال در اجتماع، اجماعی به دست آید، آن دال هژمونیک می‌گردد و با هژمونیک شدن دال‌های یک گفتمان، کل آن گفتمان، هژمون می‌شود. (سلطانی، ۱۳۸۳: ۹۵؛ تاجیک، ۱۳۸۳: ۴۸)

۱. گفتمان انقلاب اسلامی

گفتمان انقلاب اسلامی حاصل مفصل‌بندی نشانه‌های اسلامی و مدرن حول دال مرکزی حکومت اسلامی با ابتدای بر ولایت فقیه است که در قالب پارادایم اسلام سیاسی قابل فهم می‌باشد. در این گفتمان، مفاهیمی چون ولایت فقیه، حکومت اسلامی (مردم‌سالاری دینی)، اشتغال دین بر سیاست (تقابل با سکولاریسم)، اجرای شریعت در جامعه، امت‌گرایی اسلامی (وحدت اسلامی)، دفاع از آرمان فلسطین و مبارزه با استکبار جهانی، به تدریج برجسته گردید و منظومه گفتمانی در غیریت‌سازی با سلطه غرب را شکل داد. (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۷۳)

گفتمان انقلاب اسلامی با مفصل‌بندی مفاهیم فوق حول حکومت اسلامی (ولایت فقیه)، «غیر»‌های خود را از صحنه رقابت طرد کرد و هژمونیک شد. نکته شایان ذکر اینکه گفتمان انقلاب اسلامی در صدد نفی مظاهر تجدد نیست، بلکه از دستاوردهای آن بهره می‌برد؛ اما با تأکید بر مفاهیمی نظیر جامعیت دین، حکومت اسلامی، اشتغال دین بر سیاست و اجرای شریعت در جامعه، از گفتمان‌های مدرن سکولار متمایز می‌شود. در اینجا به دال‌های گفتمان انقلاب اسلامی اشاره اجمالی می‌کنیم.

۱. دال مرکزی عمود خیمه هر گفتمانی است که همه دال‌ها با آن مفصل‌بندی شده و در

پیوند با آن معنا پیدا می‌کنند. دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی، حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه است. نخستین و مهم‌ترین آرمان انقلاب اسلامی تأسیس حکومت اسلامی بود که امام خمینی، نه سال پیش از پیروزی، به عنوان نظام جایگزین سلطنت استبدادی وابسته معرفی نمودند (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۷) و آن را به سان قلمرو حکومت پیامبر (ص) و ائمه (ع) و تنها نظام سیاسی مشروع در عصر غیبت قلمداد کردند.

۲. دال‌های شناور: دال‌هایی هستند که هر گفتمان می‌کوشد با معنادهی آنها در چارچوب منظومه گفتمانی خود، حول دال مرکزی مفصل‌بندی کند. دال‌های شناور مهم گفتمان انقلاب اسلامی عبارت است از:

اشتمال دین بر سیاست، از دال‌های مهم گفتمان انقلاب اسلامی است و آن را از گفتمان‌های سکولار متمایز می‌کند، بلکه هویت آن را در تقابل با سکولاریسم شکل می‌دهد. براین اساس، اسلام جامعیت داشته و همه وجوه دنیوی و اخروی حیات انسان را دربرمی‌گیرد و به دلیل اتکای بر وحی الهی، از گفتمان‌های متکی بر خرد انسانی صرف، برتر می‌باشد. (حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۱۷) بنابراین، حوزه عمومی و جامعه در دایره دین و تعالیم آن تعریف می‌شود، به طوری که به دلیل وجوه اجتماعی اسلام، تفکیک آن از جامعه امکان‌پذیر نمی‌باشد. (شجاعی زند، ۱۳۸۶: ۳۹)

از نشانه‌های مهم این گفتمان، اجرای شریعت و احکام شرعی است. اجرای شریعت از اهداف حکومت اسلامی بوده (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۳۱) و اساساً یکی از وجوه تسمیه دولت و حکومت اسلامی به شمار می‌رود. (عمیدزنجانی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۱۲۷-۱۳۲) از این رو است که در نظام جمهوری اسلامی، قوانین بر مبنای احکام شرعی و به شرط عدم مغایرت با آن تصویب و اجرا می‌شوند و نهاد شورای نگهبان بر این امر نظارت می‌کند. البته با عنایت به رویکرد عقل‌گرا در فقه شیعه، در استنباط احکام شرعی و اجرای آن، مصالح جامعه اسلامی و مقتضیات زمانه مورد توجه قرار می‌گیرد.

امت‌گرایی از دیگر دال‌های گفتمان انقلاب اسلامی است. براساس آن، آرمان‌شهری متشکل از انسان‌های هم عقیده و متحد، تحت عنوان امت اسلامی، ترسیم می‌شود که به فراسوی مرزهای ملی نظر دارد. امام خمینی از آغاز نهضت اسلامی، منادی وحدت مسلمانان و اتکای بر امت اسلامی بودند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۴: ۱۴۲؛ ج ۱۱: ۱۴۸؛ ج ۱۳: ۱۶۳؛ ج ۱۸: ۹۰) و پس از

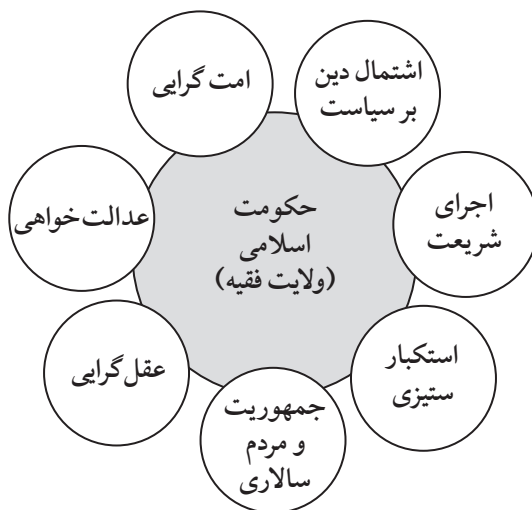
پیروزی انقلاب، فاصله دو روایت شیعی و سنی از تاریخ میلاد پیامبر خدا (ص) را هفته وحدت نام‌گذاری کردند. با این وصف، در گفتمان انقلاب اسلامی، به اقتضای زمانه، مرزهای ملی به رسمیت شناخته شده، و ضمن پذیرش ملیت به عنوان يك واقعیت اجتماعی و سیاسی، آنها را به عنوان کثراتی می‌بیند که باید ذیل مفهوم توحید به وحدت برسند: «اسلام در عین حالی که وطن را آنجایی که زادگاه است احترام می‌گذارد، لکن مقابل اسلام قرار نمی‌دهد. اساس، اسلام است». (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۱: ۱۶۸) در واقع وحدت امت اسلامی مبتنی بر نوعی پذیرش ایمان و تعهد درونی تعمیم‌یافته است که این همدلی و اتحاد در برابر استکبار و نظام سلطه تعریف می‌گردد. (بای سلامی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۱) این رویکرد وحدت‌گرایانه در قانون اساسی جمهوری اسلامی (اصل یازدهم) و سیاست‌ها و اقدامات دولت جمهوری اسلامی در طول چهار دهه پس از انقلاب مشاهده می‌شود. (ایزدی، ۱۳۷۷: ۱۳۹ و ۱۴۰)

استکبارستیزی از دال‌های مهم گفتمان انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. از چالش‌های مهم جهان اسلام در دو سده اخیر، سلطه قدرت‌های بزرگ بوده است؛ از این رو در این دو سده، جنبش‌های اسلامی در کشورهای مسلمان غالباً هدف یا یکی از اهداف اصلی خود را مبارزه با استعمار معرفی می‌کردند. (موثقی، ۱۳۸۰: ۹۳؛ مطهری، ۱۳۷۱: ۱۰-۱۳) گفتمان انقلاب اسلامی هویت خویش را در غیریت‌سازی با استکبار و سلطه غرب تعریف کرد و با آرمان‌رهایی ملت‌ها از ستم و سلطه استکبار به جذب نیروهای اجتماعی پرداخت. (نباتیان، ۱۳۹۷ الف: ۲۳۹) این دال به عنوان یک سیاست مهم و بنیادی در نظام جمهوری اسلامی اتخاذ شده است. (قانون اساسی، اصل سوم و نهم؛ دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۲۵-۲۷)

از دال‌های مهمی که با دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی مفصل‌بندی شده، عدالت‌خواهی است. عدالت از ارزش‌ها و ملاک‌های ثابت در اندیشه شیعه است، به طوری که برای تصدی مسئولیت‌های اجتماعی مختلف از امام جماعت مسجد تا قضاوت، حکومت و ولایت، شرط شده است. اساساً اندیشه سیاسی شیعه بر مدار عدالت تکوین یافته و در آن، هر نظم اجتماعی و نظام سیاسی منهای عدالت، نامشروع تلقی شده است. در گفتمان انقلاب اسلامی، با تأکید بر عدالت و عدالت‌خواهی، میان عدالت و سیاست رابطه‌ای منطقی تعریف شده است. در این راستا امام خمینی (ره) مشارکت به عنوان یک حق را یکی از شاخص‌های عدالت سیاسی فرض نموده است. (میراحمدی و شیر، ۱۳۸۸: ۸۳۹)

از نشانه‌های بنیادی گفتمان انقلاب اسلامی، جمهوریت و مردم‌سالاری است. گفتمان انقلاب اسلامی مدرنیته را به طور کامل نفی نمی‌کند، بلکه می‌کوشد از دستاوردهای آن که با اسلام سیاسی تضادی ندارد، بهره‌گیرد. مردم‌سالاری دینی ناظر بر الگویی از حکمرانی است که بر مشروعیت الهی و مقبولیت مردم استوار بوده و حاکم در چارچوب مقررات الهی، حق‌مداری، خدمت‌محوری و ایجاد بستری برای رشد و تعالی مادی و معنوی ایفای نقش می‌کند. (نوروزی، ۱۳۸۲: ۶۹) در این گفتمان، انسان، خلیفه خداست، ولی محور عالم نیست و ارزش‌های برتر از او نیز وجود دارند. (ایوبی، ۱۳۸۰: ۲۹-۳۰)

دال مهم دیگر گفتمان انقلاب اسلامی، عقل‌گرایی است. این گفتمان با بهره‌گیری از ظرفیت‌های اسلام شیعی و اجتهاد، برای عقل جایگاه ویژه‌ای قائل است. عقل اجتهادی با به دست آوردن ملاک‌های مصالح و مفاسد قوانین، نسبت به ثبات و تغییر احکام شرعی و نقش مقتضیات زمان نظر می‌دهد و با اثبات تغییر ملاک حکمی، حکم نیز دچار تغییر می‌شود. (سیدباقری، ۱۳۹۰: ۸۵) گفتمان انقلاب اسلامی با استمداد از عقل‌گرایی، متغیرات را براساس ثبوتات بررسی و احکام آنها را استنباط می‌کند. به همین دلیل، در برابر مسائل نوپیدا متوقف نمی‌شود و در مسیر حرکت انقلابی و نظام‌سازی، در مواجهه با مسائل مختلف، ملاحظات عقلی و مصالح جامعه و مقتضیات زمان را مدنظر می‌گیرد.



۲. گفتمان بدیل سلفی جهادی تکفیری

اصطلاح سلفی به جریان‌هایی از اهل سنت اطلاق می‌شود که در پی بازگشت به روش سلف صالح در قرون اولیه اسلام می‌باشند؛ چراکه به نظر آنها تنها روش‌شناسی برای تشخیص تفسیر درست شریعت، ابتدائی آن بر قرآن، سنت و سیره مسلمانان صدر اسلام است. این جریان‌ها آرمان خود را در گذشته و صدر اسلام جستجو می‌کنند. (الکنانی، ۱۴۲۷: ۵) گفتمان سلفی جهادی تکفیری در قالب پارادایم اسلام سیاسی قابل فهم می‌باشد.

گفتمان بدیل سلفی تکفیری در بستر اسلام سیاسی سنتی با اقتباس از دال‌های شناور اسلام در گفتمان انقلاب اسلامی، کوشید منظومه معنایی متفاوتی در قالب پارادایم اسلام سیاسی سامان دهد و با تمسک به داده‌های زبانی و غیرزبانی (گفتارها، گزارش‌ها، حادثه‌های تاریخی، سازمان‌ها و ...)، و بهره‌گیری از فضای اجتماعی تحقیرشده در سرزمین‌های اسلامی اشغال شده توسط قدرت‌های بزرگ و در عین حال، هدایت و حمایت این قدرت‌ها، در مسیر جذب و هژمونیک شدن حرکت نماید. (فرمانیان، ۱۳۹۵) در واقع، گفتمان سلفی تکفیری از تلاقی سه زمینه اندیشه‌ای (اعتقادی)، جامعه‌شناختی و نقش نظام سلطه، تکوین یافت و در برهه‌ای هژمونیک گردید. (عماد، ۲۰۰۳: ۲۰-۲۳) در این مقاله، تأکید اصلی بر ابعاد اعتقادی و نقش قدرت‌ها در تکوین و تسلط یافتن گفتمان بدیل می‌باشد؛ اما بعد جامعه‌شناختی و نقش نیروهای اجتماعی تحقیرشده بر اثر چندین سده سلطه قدرت‌های بیگانه و حکومت‌های وابسته و نیز اشغال سرزمین‌های اسلامی توسط قدرت‌ها را نمی‌توان در ظهور و به‌ویژه هژمونی یافتن گفتمان بدیل سلفی تکفیری نادیده انگاشت. (Jabreen, 2015. Bunzel, 2015. Kfir, 2015, 233-252. احمدی، ۱۳۹۰)

دال‌های مهم گفتمان بدیل سلفی تکفیری عبارت است از:

۱. دال مرکزی حکومت/خلافت اسلامی که دال‌های شناور این گفتمان حول آن مفصل‌بندی می‌شوند و معنا پیدا می‌کنند. مراد از خلافت اسلامی در گفتمان سلفی تکفیری، تمرکز قدرت در خلافت و توزیع قدرت از طریق آن می‌باشد. خلافت تنها نظام مشروع در این گفتمان به شمار می‌رود، زیرا از صدر اسلام بر جای مانده و سنت محسوب می‌شود. (قادری، ۱۳۹۲: ۲۲ و ۲۵) به عبارت دیگر، حقیقت دولت فقط در الگوی اسلامی تجلی می‌یابد: «إِنَّ حَقِيقَةَ دَوْلَةِ الدَّعْوَةِ [الاسلامیة] لَا تَجَلِّی إِلَّا فِی التَّجَرُّبَةِ الْاسْلَامِیَّةِ». (رفاعی سرور، ۱۴۳۳: ۹۵) خلافت با

رویکردی ظاهرا گرایانه خود موظف است غیرمسلمانان و مسلمانان غیرسلفی تکفیری را «غیر» تلقی کرده و از اسلام خارج بداند که در این صورت، ریختن خون آنها حلال خواهد بود و جهاد علیه‌شان واجب می‌شود. (علی، ۲۰۰۵، ج ۲: ۱۳۸؛ گروهی از نویسندگان، ۲۰۰۴) برای این اساس، مراجعه به حاکمان سکولار و طواغیت را از نواقض اسلام قلمداد کرده و در استدلال بر آن، به آیه «وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» استناد می‌کنند. (فرمانیان، ۱۳۹۵: ۵۶۷؛ علی، ۲۰۰۵، ج ۲: ۱۳۸) الغای خلافت عثمانی در سال ۱۹۲۴م، جریان‌های اسلام‌گرای سنی را با چالش مشروعیت نظام‌های حاکم بر سرزمین‌های مسلمان مواجه ساخت و تأسیس خلافت را به آرمانی مهم در آثار و آرای متفکران مسلمان تبدیل کرد. (عنایت، ۱۳۷۲: ۹۹-۱۰۰ و ۱۲۸-۱۳۱ ۱۵۴-۱۵۵ و ۱۸۱-۱۸۸) آرای سیدقطب در این زمینه یک نقطه عطف محسوب می‌شود و با بازتعریف آن در اندیشه القاعده از دهه ۱۳۶۰ و هسته‌های وابسته به القاعده از دهه ۱۳۷۰ به بعد، تلازمی میان نیل به خلافت و فریضه جهاد ایجاد شد. (عماد، ۲۰۱۳: ۱۳۲۴-۱۳۱۹)

نخستین تجربه حکومتی گفتمان سلفی تکفیری، تأسیس امارت اسلامی افغانستان به دست گروه طالبان در سال ۱۳۷۵ است. طالبان حاصل تلاقی گفتمان سلفی تکفیری و منافع قدرت‌های غربی در دهه ۱۳۶۰ در افغانستان است. این گروه با اتکای بر دال‌هایی چون اجرای شریعت و تأمین امنیت در پرتو شریعت در جامعه بحران‌زده افغانستان و با هدایت نظام سلطه، توانست بر نیروهای اجتماعی افغانستانی تأثیر بگذارد و با مفصل‌بندی دال‌های اسلامی پیرامون امارت اسلامی، هژمونیک گردد. (عماد، ۲۰۱۳: ۱۳۲۲-۱۳۱۸؛ شیرزاد، ۱۳۹۳: ۱۷۵-۱۵۰) امارت طالبان از بدو ظهور، هویت خویش را در غیریت با گفتمان انقلاب اسلامی تعریف کرد که شهادت دیپلمات‌های ایرانی در مزارشریف نقطه عزیمت این تحاصم قلمداد می‌شود. (میراحمدی و ولدبیگی، ۱۳۹۳: ۴۰۲) از دیگر تجربه‌های حکومت‌داری این گفتمان، امارت الشباب و محاکم شریعت در سومالی است که در سایه اشغال این کشور به دست امریکا و متحدانش شکل گرفت. (عماد، ۲۰۱۳) اما مهم‌ترین و فراگیرتر تجربه تشکیل حکومت توسط گفتمان سلفی تکفیری، خلافت داعش (الدولة الإسلامية في العراق والشام) است. داعش به‌عنوان نسل دوم القاعده، آرمان‌های افراطی‌تر و مسیر نیل به آنها بسیار خشونت‌بارتر و «غیر» واجب‌الاجهاد آن، متفاوت تعریف شده است. (Mortada, 2014؛ نباتیان، ۱۳۹۷: ۴۵۳)

پس از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳م، القاعده با داعیه مبارزه با نیروهای اشغالگر امریکایی، «تنظیم القاعده فی بلاد الرافدین» را تأسیس کرد که در سال ۲۰۱۰م، به الدوله الاسلامیه فی العراق تغییر نام داد. القاعده عراق با بهره‌گیری از شرایط اجتماعی ناشی از اشغال عراق و بحران سوریه و داعیه مبارزه با صلیبی‌ها، به جذب نیروهای اجتماعی از اقصی نقاط دنیا پرداخت. (Astin, 2014) این گروه با ورود به سوریه و تصرف شهر الرقه، دولت اسلامی عراق و شام را در آن اعلام کرد. (Jabreen, 2015) داعش در صدد ارائه نمونه‌ای آرمانی از حکومت «بما أنزل الله» و بازگشت به سلف صالح برآمد. (الأثری، بی تا: ۸؛ نباتیان، ۱۳۹۳: ۴۱۳)

۲. دال‌های شناور: پیوند دین و سیاست از دال‌های مهم گفتمان بدیل به شمار می‌رود. پارادایم اسلام سیاسی و غیریت‌سازی گفتمان بدیل با مدرنیته سکولار، مبتنی بر اعتقاد آن به پیوند دین و سیاست و نفی سکولاریسم و تلقی همه نمادهای مدرن به عنوان مصداق کفر و شرک است: «يعتبر الجهاديون الديمقراطية فلسفه و نظاماً کفریاً يتناقض مع دين الاسلام جمله و تفصيلاً». (السوری، بی تا: ۷۹۴) طرطوسی، از متفکران تکفیری، دموکراسی را فتنه این دوران می‌داند که معتقد و داعی به آن و حکومت براساس آن، موجب کفر و ارتداد است، گرچه در زبان، از مسلمانان تلقی شود. (الطرطوسی، ۱۴۳۵: ۲) حتی قانونگذاری و حکم براساس آن را نیز از اسباب کفر و خروج از اسلام می‌دانند، گرچه ارکان خمسة اسلام را به جا آورند. (گروهی از نویسندگان، ۲۰۰۴: ۱۲۸؛ الطرطوسی، بی تا: ۵؛ فرمانیان، ۱۳۹۵: ۵۶۶ و ۲۵۹)

از دال‌های شناور گفتمان بدیل و بلکه مهم‌ترین هدف اعلامی آن، اجرای شریعت می‌باشد. (نباتیان، ۱۳۹۳، ج ۲: ۴۱۲) در این گفتمان، حکومت به غیر شریعت اسلام، کفر و شرک است، هرچند در آن به مناسک و احکام شرعی عمل شود: «الحکام الذین لایحکمون بشریعة الاسلام فی کثیر من بلدان المسلمین فهؤلاء کفار ... و کل من شارک فی وضع القوانين الوضعیه أو حکم بها فهو کافر کفراً أكبر مُخرجاً من ملة الاسلام وإن أتى بأركان الاسلام الخمسة و غیرها؛ (گروهی از نویسندگان، ۲۰۰۴: ۱۲۸) حاکمان بسیاری از کشورهای اسلامی که براساس شریعت اسلام حکومت نمی‌کنند، کافر هستند... و هر کسی که در وضع قوانین وضعی و اجرای آنها مشارکت کند، کافر است، کفری که موجب خروج از دین اسلام می‌باشد، حتی اگر ارکان خمسة اسلام و دیگر احکام شرعی را به جا آورد». اقدامات گروه‌هایی نظیر القاعده، طالبان، داعش، جبهه النصرة، الشباب، بوکوحرام و... در ایام سلطه بر مناطقی از سوریه، عراق، افغانستان، سومالی،

نیجریه، بیانگر تأکید و اصرار آنها بر اجرای احکام شرعی با برداشتی سطحی و ظاهرگرایانه از آیات و احادیث است و اقداماتی چون: مثله کردن، سربریدن، فروش دختران غیرمسلمان حتی شیعه، نبش قبر صحابه، تخریب مساجد و مقابر و... را به احکام و روایات از پیامبر (ص) و صحابه مستند می‌کنند. (المهاجر، بی‌تا: ۱۱۹، ۱۶۳، ۲۳۴، ۲۵۷-۲۵۴، ۲۷۹-۲۷۰؛ میراحمدی و ولدبیگی، ۱۳۹۳: ۴۰۰-۳۷۰) به‌ویژه که با نمایش این اعمال ضد انسانی در رسانه‌ها، چهره‌ای رعب‌انگیز و خشن را از دولت اسلامی خود به نمایش می‌گذارند و آن را مصداق «ترهبون» در قرآن (انفال: آیه ۶۰) می‌دانند. (المهاجر، بی‌تا: ۱۱۹، ۱۶۳، ۲۳۴)

امت‌گرایی از دال‌های مهم گفتمان بدیل است و با اعتقاد بر امت‌گرایی، بر وحدت مسلمانان تحت خلافت و امامت واحد تأکید دارد و ملت‌گرایی را محصول مدرنیسم شرک‌آلود می‌داند (Jabreen, 2015) که برخلاف تعالیم و سنت اسلامی است. رویکرد امت‌گرایی با حذف مرزهای ملی ریشه در اندیشه متفکرانی چون سیدقطب دارد. (سیدقطب، ۱۳۷۸: ۱۰۶) داعش در خلافت عاجل خود، با تقبیح معاهده ساکس-پیکو که ناظر بر تقسیم جهان اسلام پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی خلافت عثمانی است، وحدت امت اسلامی را مستلزم از میان برداشتن مرزهای ملی ناشی از این معاهده و تأسیس خلافت اسلامی با مرزبندی عصر خلفاء، و بیعت همه مسلمانان با خلیفه داعش می‌دانست. (Mabon, 2017؛ Mccants, 2015) نکته مهم اینکه در این گفتمان، دایره «امت» بسیار محدود تعریف شده و تنها شامل مسلمان سلفی تکفیری می‌شود و مسلمانان غیرسلفی به عنوان «غیر» تلقی می‌شوند.

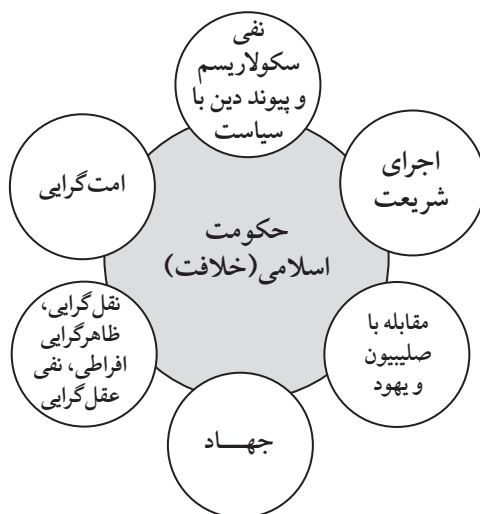
جهاد از مفاهیم کلیدی در گفتمان سلفی تکفیری است، به‌طوری که فریضه جهاد تنها طریق گذار از جامعه جاهلی به حاکمیت اسلامی، و اساس اسلام عملی محسوب می‌شود. (فیرحی، ۱۳۹۳: ۸۰) برخی متفکران تکفیری، تشکیل دولت اسلامی بر اساس شریعت را جز از طریق جهاد امکان‌پذیر نمی‌دانند. (عبدالحلیم، ط، ۱۴۳۵ ب، ج ۷: ۱) فریضه جهاد بالاتر از سائر عبادت‌ها نظیر نماز و روزه و حج است و ملاک درک اسلام می‌باشد (الزرقاوی، ۱۴۲۷: ۴) و اساساً جهاد با امریکایی‌ها، یهودیان و منافقان مرتد (شیعیان) به عنوان واجب عینی، نیازمند کسب اجازه از کسی نیست. (الظواهری، ۱۴۲۳: ۲۸) سلفی‌ها با تقسیم دشمن واجب‌الجهاد به «عدو بعید» و «عدو قریب»، آمریکا و یهود را عدو بعید و حکومت‌های مسلمان و گفتمان انقلاب اسلامی و مسلمانان غیرسلفی را دشمن قریب تلقی نمودند. (عبدالسلام فرج، بی‌تا: ۵؛

فرمانیان، ۱۳۹۵: ۳۴۵) نکته شایان توجه اینکه گرچه در دهه ۱۳۶۰ به مقابله با عدوّ بعید گرایش داشتند، اما از دهه ۲۰۰۰م، اولویت به مقابله با دشمن قریب تغییر یافت. (المهاجر، بی تا: ۷۵-۱۹۶؛ میراحمدی و ولدبیگی، ۱۳۹۳: ۳۷۲-۴۰۵)

مقابله با صلیبی‌ها و صهیونیسم، به عنوان عدوّ بعید، از دیگر دال‌های گفتمان سلفی تکفیری به شمار می‌رود. غیریت‌سازی گفتمان سلفی تکفیری با نظام سلطه و مدرنیته ریشه در اندیشه‌های سید قطب دارد. (سید قطب، ۱۳۸۷: ۲۵) حسّ تنفر و تضاد با استکبار و صهیونیسم در سیاست‌های اعلامی گفتمان سلفی تکفیری به صورتی افراطی مشاهده می‌شود و خود را داعیه‌دار اصلی مبارزه با صلیبی‌ها و یهودی‌ها می‌دانند. (Jabreen, 2015 و Kfir, 2015) نقطه عزیمت گفتمان سلفی تکفیری مواجه آن با اشغالگری شوروی در افغانستان در دهه ۱۹۸۰ (عماد، ۲۰۱۳: ۱۲۱۱ و ۱۳۱۸-۱۳۲۰؛ عزّام، بی تا الف: ۹؛ همو، بی تا ب: ۱۳) و در ادامه، جهاد با آمریکا در حجاز در دهه ۱۹۹۰م است. (عماد، ۲۰۱۳: ۱۳۱۶-۱۳۲۹؛ فرمانیان، ۱۳۹۵: ۵۳۵) در این راستا با تشکیل شبکه گسترده در کشورهای مختلف (از فیلیپین تا مغرب)، استراتژی تأسیس امارت را در هر مکان ممکن در پیش گرفت تا زمینه احیای خلافت فراهم گردد. (عطوان، ۱۳۹۱: ۵۵-۵۸) تشکیل «الجبهة الاسلامیة العالمیة لمواجهة الصلیبین و اليهود» در ۱۹۹۷م، و انفجار سفارت آمریکا در کشورهای کنیا و تانزانیا و همچنین عملیات یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ در خاک آمریکا از جمله اقدامات منتسب به سلفی تکفیری در مخاصمه با عدوّ بعید است (عماد، ۲۰۱۳: ۱۳۱۶-۱۳۱۷؛ فرمانیان، ۱۳۹۵: ۴۰۳-۴۰۲) که برای گفتمان بدیل، جذابیت اجتماعی زیادی در میان مسلمان ایجاد کرد. (عماد، ۲۰۱۳: ۱۳۱۰-۱۳۰۹) اشغال عراق به دست نیروهای آمریکایی در سال ۲۰۰۳م، را باید نقطه عطفی در قوام گرفتن گفتمان سلفی تکفیری و تغییر اولویت آن به جهاد با عدوّ قریب دانست، به طوری که در دهه ۲۰۰۰م، بیش از یکصد گروه وابسته به این گفتمان در عراق فعال بودند. (فرمانیان، ۱۳۹۵: ۵۲۵)

از دال‌های شناور گفتمان سلفی تکفیری، اتّباع و تقدّم نقل بر عقل و ظاهرگرایی افراطی است. به نظر سلفی‌ها تنها روش شناسی برای تشخیص تفسیر درست شریعت، ابتنای آن بر قرآن، سنّت و سیره مسلمانان صدر اسلام است. یکی از پیامدهای اعتقادی این روش شناسی، تعریف خاص از «بدعت» و براساس آن، تکفیر مسلمانان غیر سلفی و رویکرد رادیکالیسم در سلفی تکفیری است. (فیرحی، ۱۳۹۳: ۷۸ و ۷۹) «اتّباع» در برابر تقلید از مجتهد است که با

توجیه «ضرورت بازگشت بی واسطه به قرآن»، به نوعی خودمرجعی افراد منجر شده و رادیکالیسم اسلامی رقم زده است. (فیرحی، ۱۳۹۳: ۸۲) براساس این روش شناسی، «غیر» این گفتمان، همه مسلمانان غیرسلفی تکفیری را شامل می شود. (همان: ۸۳) در واقع با دغدغه دین ناب و خالص، و با تمسک به ظاهرگرایی افراطی، به جز معنای لفظی نصوص دینی، به معنا، مصلحت و قصدی فکر نمی کند، از این رو به همسنجی ادله شرعی و اجتهاد در نصوص نیازی احساس نمی کند؛ بلکه تنها امر مهم، اجرای این نصوص، به ویژه با استناد به جهاد است؛ ابزاری که مشروعیت آن را خود نصّ تضمین و توصیه کرده است. از پیامدهای این روش شناسی، بازتولید ناگزیر خشونت تحت عنوان جهاد است. (همان)



۳. رویکردهای بدیل سلفی تکفیری در تقابل با گفتمان انقلاب اسلامی

در نظریه گفتمان، با یک اثبات و یک نفی مواجه هستیم و هر گفتمان، در عین اثبات خود، «غیر»ها را نفی می کند. در واقع گفتمان هویت ساز برای اثبات هویت خود به نفی «غیر» می پردازد. (تاجیک، ۱۳۸۴: ۱۲) براین اساس، گفتمان انقلاب اسلامی برای اثبات هویت خویش به نفی «غیر» نظام های سکولار غرب (سرمایه داری) و شرق (کمونیسم) و در مقابل، تقریب میان مسلمانان پرداخت. اما گفتمان بدیل سلفی تکفیری با وجود وحدت پارادایمی (اسلام سیاسی)، در اثبات هویت خود به نفی گفتمان انقلاب اسلامی پرداخت و با احیای اختلافات مذهبی و

تاریخی شیعه - سنی و معنادهی متفاوت به دال‌های مشابه و اتکای بر روش‌شناسی ظاهرگرایی افراطی به‌ویژه در تفسیر مفاهیمی چون بدعت، خود را نماینده اسلام سیاسی سنی القا نمود. با وجود این بستر اندیشه‌ای غیریت‌ساز در گفتمان بدیل، نقش برجسته قدرت‌های بزرگ در جبهه‌گیری آن علیه گفتمان انقلاب اسلامی را نمی‌توان نادیده انگاشت. فرجام تلاقی گفتمان بدیل و نظام سلطه در استخدام اسلام، تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی می‌باشد. تقابل و تخاصم گفتمانی بدیل سلفی تکفیری با انقلاب اسلامی در رویکردهای زیر قابل مشاهده است. (۱) تضعیف منزلت ایدئولوژیکی گفتمان انقلاب اسلامی: از وجوه تمایز گفتمان انقلاب اسلامی با دیگر جریان‌های اسلام‌گرا، توانایی ایدئولوژیک آن در ایجاد انقلاب و نظام‌سازی اسلامی است که در پرتو رویکرد تقریب و وحدت اسلامی، الهام‌بخش جریان‌های اسلامی در برون‌رفت از رخوت چند قرنی و حرکت در تقابل با سلطه غرب و دولت‌های وابسته و نیز تضعیف شکاف‌های سنی - شیعه و عرب - فارس، و برجسته‌سازی تضاد اسلام - غرب و اسلام - صهیونیسم بوده است. (حقی، ۱۳۹۸: ۲۳-۲۴) نمونه بارز آن، در مسئله فلسطین و گذار جنبش‌های آزادی‌بخش از رویکردهای سکولار به اسلام سیاسی و توانایی آنها در مهار نسبی رژیم اسرائیل، قابل مشاهده است. این توانایی ایدئولوژیکی، منزلت و مکانت رفیعی برای گفتمان انقلاب اسلامی در میان ملت‌های مسلمان رقم زد. اما گفتمان بدیل با غیریت‌سازی گفتمان انقلاب اسلامی، مهم‌ترین مزیت و نقطه قوت آن، یعنی منزلت ایدئولوژیک در جهان اسلام را به چالش کشید. گفتمان بدیل با ارائه خود به عنوان نماینده اسلام اصیل سنی، با احیای اختلافات مذهبی و تاریخی شیعه - سنی و اتکای بر روش‌شناسی ظاهرگرایی افراطی و تفسیر مفاهیمی چون توحید و بدعت، آن منزلت ایدئولوژیک انقلاب اسلامی در جهان اسلام را به چالش کشاند و الگوی سلفی تکفیری را نماینده اسلام در مبارزه با کفر و شرک و بدعت القا نمود. (پورسعید، ۱۳۸۵: ۸۲۴) گرایش نسبی جوانان سنی به این گفتمان در کشورهای مختلف و حضور در جهاد، مبین این انتقال منزلت می‌تواند باشد.

(۲) امت‌گرایی افراطی در تقابل با امت‌گرایی واقع‌گرایانه: گفتمان انقلاب اسلامی با ابتنای بر تعالیم قرآنی و نبوی، و نظر داشت نقش تخریبی شکاف‌های مذهبی، قومی، زبانی و سیاسی میان مسلمانان بر وحدت و تقریب میان مسلمانان با حفظ مرزهای ملی تأکید داشت و دال امت‌گرایی را بر رویکرد اتحاد در تقابل با سلطه غرب حول حکومت اسلامی مفصل‌بندی نمود. اما گفتمان

بدیل علی‌رغم تشابه ظاهری در دال امت‌گرایی، با برداشتی تنگ‌نظرانه از مفاهیمی چون توحید و بدعت، دایره امت اسلامی را بسیار محدود تعریف کرده و بسیاری از مسلمانان حتی سنی، با برچسب شرک و نفاق، در بیرون از آن و به عنوان «غیر» تلقی می‌کند که جهاد با آنها واجب می‌باشد. (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۸۸) این رویکرد به امت‌گرایی، برخلاف نگاه گفتمان انقلاب اسلامی و فلسفه امت واحده در آموزه‌های قرآنی، خود منشأ تشتت، نزاع و خشونت سهمگین میان مسلمانان گردیده است که جنگ سوریه، عراق، افغانستان و حتی لیبی که هر دو طرف منازعه، سنی هستند، تبلور این امت‌گرایی متناقض می‌باشد. (حقی، ۱۳۹۸: ۲۴)

۳) گذار از «غیر» کفر به «غیر» گفتمان انقلاب اسلامی و شیعه: گفتمان انقلاب اسلامی برای اثبات هویت خویش به نفی «غیر» استکبار غرب و شرق پرداخت؛ هویتی که با رویکرد تقریب و وحدت، همه مسلمانان با مذاهب مختلف را دربرمی‌گرفت. اما گفتمان بدیل با تمسک به دال «نقل‌گرایی - نفی عقل‌گرایی و ظاهرگرایی افراطی» و تکیه بر جایگاه خودمرجعی، برداشتی از مفاهیمی چون توحید، بدعت، کفر و شرک را ارائه نمود که براساس آن، گفتمان انقلاب اسلامی که بر بستر مذهب شیعه شکل گرفته بود، در خارج از دایره هویتی گفتمان سلفی تکفیری و به عنوان «غیر» واجب‌الجهاد قرار می‌گرفت.

گفتمان سلفی تکفیری با پارادایم اسلام سیاسی در حوزه گفتمانگی^۱ انقلاب اسلامی تعریف می‌شد، اما با وجود این، عنصر مقابله با «غیر» انقلاب اسلامی را جذب نمود تا آن را به یک وقته تبدیل نماید و دال کفر را با مدلول تشیع و انقلاب اسلامی پُر کند. در واقع گفتمان بدیل ناچار به غیریت‌سازی مستمر با گفتمان انقلاب اسلامی برای تداوم حیات خود بود. در این راستا طرح موضوع هلال شیعی توسط حاکمان عرب، راه را برای غیریت‌سازی و ضدیت سلفی تکفیری با گفتمان انقلاب اسلامی و تمهید پذیرش آن در افکار عمومی اهل سنت هموار کرد. البته نقش قدرت‌های بزرگ در دگردیسی گفتمان بدیل بسیار پررنگ است، به طوری که برخی محققان این گفتمان را طرح و ساخته نظام سلطه می‌دانند و نه برآمده از ساختار مذهبی و شرایط اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جوامع مسلمان، (Mortada, 2014) و هدف اصلی امریکا در هدایت و تجهیز این جریان را مهار ایران و ایدئولوژی انقلابی آن از طریق جنبش‌های رادیکالیست ضد

شیعی، مانند القاعده، دانسته‌اند. (علی‌یاری، ۱۳۹۴: ۱۲۹) حتی برخی متفکران، هدف آمریکا از حمایت و تجهیز گفتمان سلفی تکفیری را تولید جریان آنتی‌تر انقلاب اسلامی در آینده دانسته‌اند. (آشکار، ۱۳۸۴: ۶۳) در این میان، حمایت جمهوری اسلامی ایران از دولت سکولار سوریه و شیعه عراق که بخش‌هایی از اهل سنت در مخالفت با آنها برخاسته بودند، بُعد اعلامی و تبلیغی این غیریت‌سازی و تخصم با محوریت سلفی تکفیری را شدت بخشید. فرجام این غیریت‌سازی، دگردیسی در گفتمان بدیل و گذار از تقابل با «غیر» صلیبی و یهود به «غیر» انقلاب اسلامی و شیعه در دهه ۲۰۰۰م، می‌باشد. این گذار به روشنی در سخنان ابومصعب زرقاوی، مؤسس القاعده عراق و داعش، دیده می‌شود. به اعتقاد او، آمریکایی‌ها، کردها، دولت عراق و شیعیان دشمنان آنها هستند که در این میان، شیعیان کلید تحولات سیاسی عراق به حساب می‌آیند؛ چراکه اگر ارزش‌های مذهبی، سیاسی و نظامی شیعیان هدف قرار گیرد، آنها تحریک می‌گردند و خوی حقیقی‌شان در قبال اهل سنت را به نمایش می‌گذارند و سنی‌های غافل به نیات واقعی شیعیان آگاه می‌شوند. او شیعیان را دشمنان مکار و کینه‌توز و شرور در لباس دوست می‌داند که عامل تفرقه در تاریخ اسلام بودند و هرگز با اسلام هم‌خوانی نداشته‌اند و بر محور کفر اجتماع کرده‌اند. (زرقاوی، ۱۴۲۷: ۷۲-۷۳)

نکته‌شایان ذکر در این دگردیسی اینکه گفتمان‌های هژمون از طریق زنجیره هم‌ارزی، تفاوت‌ها را می‌پوشانند؛ از این رو با برجسته‌سازی تهدید گفتمان انقلاب اسلامی، همه گروه‌های وابسته به گفتمان سلفی تکفیری، نظیر داعش، جبهه النصره، طالبان و... در زنجیره هم‌ارزی سلفی تکفیری قرار می‌گیرند تا موقتاً تفاوت‌های خرده‌گفتمان‌های سلفی تکفیری با گفتمان هژمون به حداقل برسد و انسجام میان‌شان استمرار یابد. (پورحسن و سیفی، ۱۳۹۴: ۱۴)

۴) مخدوش کردن چهره رحمانی اسلام با خشونت عریان و نفی نمادهای تجدد: گفتمان انقلاب اسلامی گرچه در تقابل و غیریت‌سازی با مدرنیته و سکولاریسم شکل گرفت، اما با اتکای بر دال‌های عدالت و عقل‌گرایی و ملاحظات و مقتضیات زمانه و پذیرش برخی دستاوردهای مدرن نظیر مردم‌سالاری، انتخابات، مشارکت سیاسی و...، چهره‌ای رحمانی و عقلانی از اسلام را در معرض افکار عمومی جهان قرار داد. سیر تصاعدی گرایش به اسلام در کشورهای مختلف پس از انقلاب اسلامی می‌تواند شاهدی بر این باشد. اما گفتمان بدیل با فهم شریعت از طریق تمسک به روش‌شناسی «نقل‌گرا - ظاهرگرای افراطی» و نفی عقل‌گرایی، برداشتی سطحی

و تنگ‌نظرانه از مفاهیمی چون بدعت، کفر و شرک ارائه کرده و آن را اسلام ناب و اصیل معرفی نموده است. آنگاه بر مبنای این برداشت، آحاد جامعه را به مسلمان و مشرک و کافر تقسیم کرده است. خلافت اسلامی مکلف به اجرای متصلّب شریعت در جامعه بر اساس این تقسیم‌بندی و برداشت ظاهری و بدون هرگونه چشم‌پوشی و رحمت و مصالح جامعه می‌باشد. گفتمان سلفی تکفیری این رویکرد متصلّب در اجرای شریعت را به عنوان اسلام اصیل‌تر، متشرع‌تر به سنت نبوی، و مقید و متعبدتر به شریعت در افواه و افکار عمومی القا کرده است. اقدامات خشن، رعب‌انگیز و سبعمانه در اجرای احکام شرع تحت عنوان حکومت اسلامی، نظیر مثله کردن و سربریدن، و رسانه‌ای کردن آن، عملاً آن چهره عقلانی و رحمانی و انسانی از اسلام را گفتمان انقلاب اسلامی منادی آن بود، مخدوش نموده و در افکار عمومی دنیا، حکومت و شریعت اسلامی را مساوی با سبعیت عریان القا نموده‌اند.

۵) بیداری اسلامی در جهان عرب با دال‌های اسلامی و مدرن علیه نظام‌های سکولار وابسته شکل گرفت. این خیزش را باید آغازی بر احیای اسلام سیاسی متأثر از گفتمان انقلاب اسلامی دانست؛ اما در ادامه این حرکت، گفتمان‌های بدیل، آرمان و اهداف بدیلی را پیش روی حرکت‌های مردمی القا کردند و بخش‌هایی از نیروهای اجتماعی را به سمت خود سوق دادند. تزلزل در تداوم انقلاب مردمی و استیلای جریان‌های وابسته به نظام سلطه بر روند جنبش‌ها در برخی کشورها نظیر مصر، سبب گردید که گفتمان بدیل سلفی تکفیری نیز راهی برای نفوذ اجتماعی در این حرکت‌ها پیدا کند. این گفتمان با تأکید بر اجرای شریعت و القای خود به عنوان اسلام اصیل و متشرع به سنت نبوی، توانست بخش‌هایی از جامعه مایوس از تحولات سیاسی پس از بیداری را به سمت خود جذب نموده و با داعیه اسلام‌گرایی، جبهه‌بندی جدیدی را ایجاد کند و به مصاف انقلاب مردمی برود. تداوم بحران در سوریه، لیبی، عراق، تونس و... و خشونت‌های رعب‌انگیز در این کشورها را باید محصول این جبهه‌بندی تلقی کرد. این شرایط بحرانی، اهداف اصلی بیداری اسلامی را به فراموشی سپرد و مردمی را که سودای آزادی و استقلال تحت پرچم اسلام را داشتند، در چکاچک شمشیرهای آخته تکفیر، به امنیت به عنوان مسئله اصلی، قانع کرد و به بازگشت دیکتاتورهای رضایتمند نمود.

۶) توجیه اشغال در سایه شکاف شیعه - سنی: با عنایت به اینکه بخش عمده‌ای از اقدامات دهشتناک و سبعمانه تکفیری‌ها علیه شیعیان در سوریه، عراق، پاکستان، افغانستان و... انجام

می‌گیرد و حتی در مقابل دوربین، جگر یک سرباز سوری را به دندان کشیده می‌شود و سرها بریده و بدن‌ها مثله می‌گردند، مخاطبان غربی در پرتو نمایش پُر تکرار رسانه‌های‌شان به شکاف و دشمنی خونین میان شیعه و سنی سوق داده می‌شوند که این شکاف به دلیل ریشه‌های تاریخی، اعتقادی و جامعه‌شناختی، قابل ترمیم نیست؛ از این رو برای مهار این تخاصم غیرانسانی میان شیعه و سنی، در افکار عمومی جهان، حضور قدرت‌های بزرگ در سرزمین‌های اسلامی ضرورت و مشروعیت می‌یابد.

نتیجه‌گیری

امعان نظر در دو گفتمان انقلاب اسلامی و سلفی تکفیری مبّین وحدت پارادایمی آن (اسلام سیاسی) و تشابه ظاهری دال‌های آن است، به طوری که رسالت هر دو تشکیل حکومت اسلامی برای اجرای شریعت و مقابله با کفار سکولار در پرتو امت اسلامی است. گفتمان انقلاب اسلامی حاصل مفصل‌بندی دال‌های اسلامی و مدرن حول دال مرکزی حکومت اسلامی با محوریت ولایت فقیه است که اثبات خود را در نفی غرب و شرق سکولار تعریف کرده است. در مقابل، گفتمان بدیل سلفی تکفیری در بستر اسلام سیاسی سنی و با دال مرکزی خلافت، اثبات خود را در نفی و غیریت‌سازی با گفتمان انقلاب اسلامی و صلیبی‌ها و یهود رقم زده است؛ اما در ادامه، با برجسته‌سازی تهدید گفتمان انقلاب اسلامی، عملاً و عمدتاً «غیر» واجب‌الجهاد در منطقه را گفتمان انقلاب اسلامی القا نموده است. این گفتمان با رویکرد ظاهرگرایی افراطی در تفسیر تعالیم اسلامی و نفی کلیت نشانه‌های مدرن، داعیه نمایندگی اسلام اصیل‌تر و متشعّتر به سنت نبوی و سلف صالح را دارد و در مقابل، گفتمان انقلاب اسلامی را به اعتبار اعتقادات شیعی، بهره‌گیری از دستاوردهای مدرن و حمایت از دولت‌های محور مقاومت، غیر مشرک و مبتدع تلقی کرده است که جهاد با آن اولویت دارد. در این راستا هدایت و حمایت نظام سلطه و دولت‌های وابسته منطقه به‌ویژه در طرح هلال شیعی در دگردیسی گفتمان بدیل از غیریت‌سازی با صلیبی‌ها و یهود به غیریت‌سازی با گفتمان انقلاب اسلامی، نقش تأثیرگذاری داشته است. در واقع، گفتمان بدیل در قالب پارادایم اسلام سیاسی و بهره‌گیری از ظرفیت آن در غیریت‌سازی با گفتمان انقلاب اسلامی تکوین یافت و هژمونیک گردید؛ در حالی که اسلام سیاسی نیز نقطه قوت گفتمان انقلاب اسلامی در غیریت‌سازی با «غیر» غرب و شرق بود. نتیجه اینکه

اسلام سیاسی به عنوان نقطه قوت گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان آنتی تز و تضعیف کننده آن در چارچوب گفتمان بدیل سلفی تکفیری ظهور یافت و آن را به چالش کشید، به طوری که در میادینی چون عراق، سوریه، افغانستان، پاکستان، لبنان و... شاهد جهاد گفتمان بدیل با داعیه اسلام گرایی علیه گفتمان انقلاب اسلامی و محور مقاومت با شدیدترین شیوه ها هستیم که در سایه این تخاصم بین مسلمانی، امنیت آمریکا و اسرائیل در منطقه تأمین می شود و مسلمانان در پرتو آن، تضعیف و تحلیل می روند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. الاثری، ابوهمام بکر بن عبدالعزیز (۱۴۳۵ق)، مدّ الأیادی لیبیعہ البغدادی، بی‌جا: بی‌نا.
۳. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵)، صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹)، ولایت فقیه و حکومت اسلامی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. ایزدی، بیژن (۱۳۷۷)، درآمدی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۶. ایوبی، حجت‌الله (۱۳۸۰)، «مؤلفه‌های گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی»، فصلنامه پژوهشی اندیشه انقلاب اسلامی، بهار، پیش‌شماره یک.
۷. آشکار، ژیلبر (۱۳۸۴)، جدال در توحش: ۱۱ سپتامبر و ایجاد بی‌نظمی نوین جهانی، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: نشر اختران.
۸. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳)، گفتمان، پادگفتمان و سیاست، تهران: نگاه معاصر.
۹. حقیقت، صادق و سید محمدعلی حسینی‌زاده (۱۳۹۴)، «گفتمان»، رهیافت‌ها و روش در علوم سیاسی، عباس منوچهری، تهران: سمت.
۱۰. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۳)، الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۱. رفاعی سرور، عمر (۱۴۳۳ق)، التصور السياسي للحركة الإسلامية، بی‌جا: النخبة الاعلام الجهادی.
۱۲. زرقاوی، ابومصعب (۱۴۲۷ق)، الكلمات المضیئة (الكتاب الجامع لخطب و کلمات الشيخ المعتر بدینه)، بی‌جا: شبکه البراق الاسلامیه.
۱۳. سلطانی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۳)، «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۲۸، زمستان، ص ۱۵۳-۱۸۰.
۱۴. سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۷)، قدرت، گفتمان و زبان، تهران: نشر نی.
۱۵. السوری، ابومصعب (بی‌تا)، دعوہ المقاومة الاسلامیة العالمیة، بی‌جا: بی‌نا.
۱۶. سیدباقری، سیدکاظم (۱۳۸۷)، راهکارهای عدالت اجتماعی در نظام اسلامی، قم: کانون اندیشه جوان.

۱۷. سید قطب (۱۳۷۸)، نشانه‌های راه، ترجمه محمود محمودی، تهران: نشر احسان.
۱۸. شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۶)، «بررسی امکان همزیستی دین و مدرنیته»، نامه علوم اجتماعی، ش ۳۰، بهار.
۱۹. شیرزاد، ابومسلم (۱۳۹۳)، طالبان در پشت نقاب: راز ظهور، رمز سقوط، معمای بازتولد، کابل: انتشارات سعید.
۲۰. طرطوسی، ابوبصیر (بی‌تا)، حکم الاسلام فی الدیمقراطیه، بی‌جا: منبر التوحید و الجهاد.
۲۱. طرطوسی، ابوبصیر (۱۴۳۵ق)، هذه عقیدتنا و هذا الذی ندعو الیه، بی‌جا: منبر التوحید و الجهاد.
۲۲. ظواهری، ایمن (۱۴۲۳ق)، الولاء و البراء (عقیده و منقوله و واقع مفقود)، بی‌جا: منبر التوحید و الجهاد.
۲۳. عبدالسلام فرج، محمد (۱۳۹۵ق)، الفریضه الغائبه، مصر: دارالمعارف.
۲۴. عزام، عبدالله (بی‌تا الف)، اعلان الجهاد، بی‌جا: منبر التوحید و الجهاد.
۲۵. عطوان، کمال (۱۳۹۱)، سازمان سرّی القاعده، تهران: موسسه اندیشه سازان نور.
۲۶. علی، عبدالرحیم (۲۰۰۵م)، حلف الارهاب (تنظیم القاعده من عبدالله عزام إلى ایمن الظواهری)، بی‌جا: مرکز المحروسه.
۲۷. علی‌یاری، حسن (۱۳۹۴)، «نقش کشورهای غربی در چگونگی شکل‌گیری اندیشه سلفی»، دوفصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال ۴، ش ۷، بهار و تابستان، ص ۱۱۹-۱۳۸.
۲۸. عماد، عبدالغنی (۲۰۱۳م)، الحركات الاسلامیه فی الوطن العربی، بیروت: مرکز الدراسات الوحده العربیه، ج ۲.
۲۹. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۰)، فقه سیاسی، تهران: امیرکبیر، ج ۱.
۳۰. عنایت، حمید (۱۳۷۲)، اندیشه سیاسی اسلام معاصر، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: خوارزمی.
۳۱. فرمانیان، مهدی (۱۳۹۵)، سلفیه از گذشته تا حال، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۳۲. الکنانی، عبدالعزيز بن منصور (۱۴۲۷ق)، الرد علی ادعیاء السلفیه، بی‌جا: شبکه المشکاة الاسلامیه.
۳۳. گروهی از نویسندگان (۲۰۰۴م)، السلفیه؛ النشأة، المراكز، الهویه، بیروت:

معهدالمعارف الحکمیة.

۳۴. مارش، دیوید و جری استوکر (۱۳۸۴)، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱)، بررسی اجمالی از نهضت های اسلامی در صد سال اخیر، تهران: انتشارات صدرا.
۳۶. موثقی، احمد (۱۳۸۰)، سیدجمال الدین اسدآبادی مصلحی متفکر و سیاستمدار، قم: بوستان کتاب قم.
۳۷. المهاجر، ابو عبدالله (بی تا)، مسائل من فقه الجهاد و اعلام السنه المنشورة فی صفات الطائفة المنصورة (فقه الدماء)، بی جا: بی نا.
۳۸. میراحمدی، منصور و علی اکبر ولدبیگی (۱۳۹۳)، «جریان تکفیری و سیاست خشونت»، مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان های افراطی و تکفیری از دیدگاه علما، مهدی فرمانیان، قم: دارالاعلام لمدرسه اهل البيت (ع).
۳۹. میراحمدی، منصور و مریم شیری (۱۳۸۸)، «عدالت سیاسی در گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی»، فصلنامه علوم سیاسی، زمستان، دوره ۱۲، ش ۴۸.
۴۰. نباتیان، محمد اسماعیل (۱۳۹۳)، «الگوی حکومت در اندیشه سلفی تکفیری»، مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلامی، مهدی فرمانیان، قم: دارالاعلام لمدرسه اهل البيت (ع)، چاپ اول، ج ۲، ص ۴۱۱-۴۴۷.
۴۱. نباتیان، محمد اسماعیل (۱۳۹۷ الف)، از اصلاح تا انقلاب، قم: مرکز نشر کتاب.
۴۲. نباتیان، محمد اسماعیل (۱۳۹۷ ب)، «القاعده و داعش در جهان پسدادعش: تقابل یا تعامل؟»، مجموعه مقالات همایش بین المللی نظم های منطقه ای در جهان پسدادعش، تهران: دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران.
۴۳. نوروزی، محمد جواد (۱۳۸۲)، «تبیین نظریه مردم سالاری دینی در قیاس با دموکراسی غربی»، چکیده مقالات همایش مردم سالاری دینی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۴۴. یورگنس، ماریان و لونیز فیلیپس (۱۳۸۹)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشرنی.

45. Jorgensen, M AND philips(2002), Discourse Analysis as Theory and Method, London: Sage Publications.
43. Mabon.Simon& Royal, Stephan (1017), The Origins of ISIS: The Collapse of Nations and Revolution in Middle East. I.B.Tauris PUBLISHER.
44. Mccants, W(2015), The ISIS apocalyse: the history, strategy, and doomaday vision of the islamic State. New York: St.Martins press.
45. Astin, Henry(2014) NBC NEWS,Global Jihadis or al-Qaeda Wannabes:Who are the Islamic State of Iraq and the Levant? January11
46. Bunzel, cole (2015) From PAPER state to Caliphate: The Idrology of the Islamic State . the brookings Project on U.S.Relation with the islamic World, No.19
47. Kfir. Isaac (2015), Social Identity Group and Human (In) Security: The case of Islamic (ISIL),Studies in Conflict & Terrorism. PP.233-252.
48. Jabreen, Yosef (2015), The emerging Islamic State: Terror, territorianlity, and the agenda of social transformation, Urban Planning and Politics, Faculty of Architecture and Town Planning, Technion- Israel Institute of Technology, 33855 Haifa.
49. Mortada, Radwan (2014), Al-Qaeda Leaks Baghdadi and Golani fight over the Levant Emirate, Janurary10. <http://english.alakhbar.com/content>.
50. <http://worlnews.nbcnews.com/news/2014/01/11/22243203>

بررسی تطبیقی عملکرد انقلاب اسلامی ایران و اخوان المسلمین مصر در فرآیند دولت سازی

بهزاد قاسمی (نویسنده مسئول)^۱

بهادر شهریاری^۲

چکیده

پژوهش حاضر به روش کیفی و با استفاده از تکنیک توصیف و تحلیل و با ابزار فیش برداری از منابع کتابخانه‌ای، اسناد و مدارک معتبر علمی انجام گرفته است. (روش) این موضوع در امتداد دولت سازی مورد بررسی واقع شده و سوال اصلی مقاله چنین مطرح شده که؛ علت و زمینه‌های موفقیت نهضت اسلامی ایران در دولت سازی و ناکامی اخوان المسلمین چه بود و عوامل موثر بر آن کدامند؟ (سوال) مفروضه پژوهش این است که نظام برآمده از نهضت اسلامی در ایران مبتنی بر اصول اسلامی و مردم‌سالاری دینی عمل کرده و اخوان المسلمین مصر چنین نبوده و در برپایی نظام سیاسی با ابزارهای دموکراسی نیز ناموفق بود. (فرضیه) علاوه بر آن انقلاب اسلامی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه دولت اسلامی را تاسیس کرد؛ این در حالی بود که در مصر و توسط اخوان المسلمین یک نظریه مورد قبول همه گروها و برخاسته از منظومه فکری و فقهی اهل سنت شکل نگرفته بود. (یافته) کلیدواژه‌ها: انقلاب، ایران، مصر، نظام سیاسی، اسلام.

۱. دکتری تاریخ انقلاب اسلامی و استادیار دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، تهران، ایران.
ghasemi.b1981@gmail.com  <https://orcid.org/0000-0003-0086-2535>

۲. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)، تهران، ایران.

۱. مقدمه

هدف پژوهش بررسی تطبیقی عملکرد نهضت اسلامی ایران و اخوان المسلمین مصر است. اهمیت تحقیق شناخت زمینه و علل موفقیت نهضت اسلامی ایران در دولت سازی مبتنی بر شریعت اسلام و عدم موفقیت اخوان المسلمین در مصر است. با عنایت به اینکه؛ بیداری اسلامی در میان مسلمین ریشه در بازگشت به اسلام و پیاده سازی شریعت و موازین اسلامی در تمام شئون زندگی فرد و اجتماعی قرار دارد. گفتنی است که مسلمین جهان در گذشته تاریخی خود همواره مورد تهاجم قدرت های استکباری، سلطه و اشغال بیگانگان بوده اند. بیداری اسلامی و تلاش در جهت رهایی از استبداد و استعمار موجب شکل گیری نهضت ها و جنبش های اسلامی شد. گسترش و توسعه بیداری اسلامی در جهان اسلام معاصر مطالبات زیادی را به همراه داشته است، از مهم ترین آن ها دولت سازی مبتنی بر اصول اسلامی بوده است. بیداری اسلامی و دولت سازی به عنوان مسئله اصلی و کلان پژوهش، بررسی عملکرد نهضت اسلامی ایران و اخوان المسلمین به عنوان بخشی از جهان اسلام و در کانون مرکزی بیداری اسلامی در جهان اسلام با مرکزیت جهان تشیع و جهان عرب اهل تسنن مورد بررسی قرار گرفته است. اهمیت این مقاله شناخت مبانی و محورهای مشترک بین ایران و مصر برای برون رفت از وابستگی و استقلال خواهی و تأسیس دولت و حکومت مبتنی بر مردم سالاری و نظام دموکراتیک اهمیت دارد. اهمیت دیگر این پژوهش کاربردی کردن و استفاده نتایج حاصل از آن است که با امکان جهت دار کردن فهم و تفکر جنبش های اسلامی و انقلابی با حضور آن ها در تعیین سرنوشت سیاسی و رهایی از محدودیت های پیش رو است. اهمیت دولت سازی اسلامی علاوه بر حوزه داخلی ایران و حیاتی بودن این موضوع بر آینده نهضت های اسلامی در روند مردم سالاری دینی تأثیر گذار خواهد بود. آسیب شناسی اخوان المسلمین مصر در فرایند نظام سیاسی نیز به عنوان یک موضوع در جهت رفع موانع و چالش ها مورد مطالعه جدی قرار گیرد. عدم بررسی عملکرد نهضت های اسلامی و بهره نگرستن از تجارب موفق و آسیب شناسی به موقع بیداری اسلامی در سراسر جهان اسلام، علاوه بر اینکه نیل به دولت اسلامی را دچار مشکل می کند؛ از سوی دیگر خلاء پژوهشی در این زمینه نهضت های کنونی و آینده را در شناخت صحیح مسیر بیداری اسلامی، دچار خطا خواهد کرد.

۱-۱. مسئله و سوال اصلی پژوهش: مسئله اصلی پژوهش در این نوشتار تبیین

دولت سازی و فرایند نهضت های اسلامی در جهت برپایی حکومت دینی است. محور اصلی پژوهش بررسی و مطالعه دولت سازی پس از انقلاب و تحلیل تطبیقی عملکرد نهضت اسلامی ایران و مصر است. بررسی ها حاکی از آن است که، نهضت اسلامی ایران در فرایند دولت سازی موفق عمل کرده و جمعیت اخوان المسلمین چنین نبوده است. علت آن نیز در تفاوت اندیشه سیاسی، تغییر در رویکرد اندیشه سیاسی در اخوان المسلمین، نبود رهبری در انقلاب و برخی متغیرهای دیگر بوده است.

۱-۲. پیشینه تحقیق: بر اساس مطالعه و جستجوهای انجام شده درباره عملکرد نهضت اسلامی ایران و مصر در تاسیس دولت اسلامی به صورت مطالعه تطبیقی اثر مستقل نگارش نیافته است. بررسی های انجام شده، نشان می دهد؛ برخی از پژوهشگران و محققان انقلاب مصر در زمینه نظام سیاسی را مورد نقد و بررسی قرار داده و همچنین نهضت اسلامی ایران را مورد مطالعه و بررسی جداگانه قرار داده اند. اگر چه بیداری اسلامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی سال ۲۰۱۱ و پس از آن نیز مورد توجه قرار گرفته است. مطالعه بیداری اسلامی و دولت سازی در جهان اسلام کمتر مورد مطالعه واقع شده، با بررسی آن می توان به نتایج جدیدی دست یافت. درباره پیشینه پژوهش نیز گفتنی است که، پس از بررسی و مطالعه منابع مختلف پیرامون موضوع به برخی منابع و اسناد و مدارک کتابخانه ای و علمی منتشر شده در این زمینه می توان اشاره کرد؛

محمد مهدی اسماعیلی (۱۳۹۹) مقاله «تعامل جنبش های اصلاحی جهان اسلام: اخوان المسلمین و نهضت اسلامی ایران از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۹»، نتایج این پژوهش اشاره دارد به اینکه نهضت اسلامی ایران برآمده از اندیشه سیاسی شیعی و فقه سیاسی شیعه بوده که بر اساس آن ادبیات مبارزه تولید کرده است و از طریق تعامل بین نهضت اسلامی ایران با اخوان المسلمین مصر آثار زیادی بین این دو جریان سیاسی و اسلامی ترجمه شده و افکارشان گسترش یافته است.

رضا امیری مقدم و دیگران (۱۳۹۹) مقاله «آسیب شناسی بیداری اسلامی در کشورهای مصر، تونس و لیبی»، نتایج این مقاله در پی تحلیل آسیب های اساسی بیداری اسلامی در مصر است. مهم ترین آسیب ها به ترتیب مربوط به امور نظامی امنیتی، ایدئولوژی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده و فقدان آرمان واحد میان انقلابیون، نبود رهبری جامع، وابستگی

اقتصادی و وجود و نفوذ بازماندگان نظام پیشین در مصر و نقش مخرب آمریکا در انقلاب مصر از مهم‌ترین موارد انحراف انقلاب در مصر بود.

امیر حسین مرادی پور دهنوی و محمد ستوده (۱۳۹۸) مقاله «بررسی عوامل سیاسی - اجتماعی ناکامی‌های بیداری اسلامی در مصر بر اساس مکعب بحران» نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین زمینه سقوط دولت اخوانی از نزاع‌ها و رقابت‌های ایدئولوژیکی زمان انقلاب بین قبطیان، صوفیان و سلفیان شکل گرفت. فقدان رهبری، عدم عملکرد مناسب بین انقلابیون و مردم، عدم تغییر سران نظام مبارک پس از انقلاب، عدم حمایت سیاسی و اجتماعی الازهر از دولت انقلابی و ناتوانی دولت اخوانی در دولت سازی و نهادسازی و دخالت‌های امریکا و اسرائیل کودتا و فروپاشی نظام سیاسی پس از انقلاب را تسهیل کرد.

محمد راد مرد (۱۳۹۹) مقاله «موضع پهلوی دوم در قبال اپوزیسیون مذهبی در وضعیت انقلابی»، نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد انقلابی امام خمینی (ره) و سازش ناپذیری ایشان سبب شد که رژیم پهلوی برای بقا خود به جریان‌های میانه رو متوسل شده و نتواند جریان مذهبی و اپوزیسیون را از بین ببرد.

کامران گشنیز جانی و علی محمد حاضری (۱۳۹۹) مقاله «مطالعه تطبیقی تاثیر ساختارهای فرصت سیاسی بر فرجام جنبش‌های اسلام گرا در انقلاب‌های ایران و مصر»، نتایج این مقاله نشان می‌دهد بالاتر بودن تقابل تاریخی بین روحانیون و کنشگران دینی - سیاسی غیرروحانی در مصر، امکان تجمیع منابع در یک جبهه واحد اسلامی را در مقایسه با ایران دشوار کرد. استقلال نیروهای مسلح از شخص اول در مصر و امکان حفظ آن‌ها در برهه انقلاب به عنوان مانعی ساختاری در برابر موفقیت جنبش اسلام گرا را تقویت کرد. مصر بر خلاف ایران در دهه‌های منتهی به انقلاب شاهد نوعی عقب نشینی از سکولاریسم دولتی بود که در کنار بهره مندی نهادهای دینی از بودجه‌های دولتی منجر بر تقویت رضایت و نفوذ اسلام محافظه کار شد و موفقیت جنبش اسلام گراها بر پایه مبارزه سیاسی را تضعیف کرد.

محمد حسن شیخ الاسلامی و دیگران (۱۳۹۸)، مقاله «ناکامی فرایند دموکراسی در مصر بعد از انقلاب ۲۰۱۱ از منظر نظریه عجم اوغلو - رابینسون»، نتایج بدست آمده از این مقاله در صدد است که نشان دهد وابستگی ساختاری اقتصاد به خارج، تاثیرپذیری مصر از نوسانات اقتصادی بین المللی، گرایش جامعه مدنی به نظامیان و ارتش، تلاش وابستگان به مبارک و ارتش

مطالعات

بیداری اسلامی

پژوهشی تطبیقی عملکرد انقلاب اسلامی ایران و اخوان المسلمین مصر در فرآیند دولت سازی
بهزاد قاسمی، بهادر شهریاری

برای افزایش هزینه انقلابیون و بالا بردن خرج انقلاب و همچنین زیرساخت‌های وابسته مانع از بروز و شکل‌گیری دموکراسی در مصر شد.

مصطفی قاسمی، محمد علی بصیری و عنایت الله یزدانی (۱۳۹۹) مقاله «روابط جمهوری اسلامی با اخوان المسلمین؛ از همسویی استراتژیک تا رقابت ایدئولوژیک» نتایج بدست آمده از این مقاله در صدد است که نشان دهد و توصیه نماید به دلیل اینکه نظام سیاسی برآمده از انقلاب مصر ماهیت ایدئولوژیک داشته و انقلاب اسلامی ایران نیز مبتنی بر اندیشه و جنبش شیعی توانست در ایران نظام مبتنی بر فقه سیاسی شیعی و مبتنی بر ولایت فقیه تاسیس نماید. در نتیجه این دو دچار رقابت و اصطکاک‌های ناشی از مباحث اندیشه‌ای شد. توصیه نموده است که مطلوب‌ترین سطح روابط بین ایران و اخوان در سطح دولت - جنبش و در مرتبه راهبرد امتناع دولت - استمرار نهضت تعریف و پیگیری شود.

احمد رهدار، غلامرضا بهروزی لک و حامد اسلامی (۱۳۹۹) مقاله «تحلیل روند ایده پردازی پیرامون نهاد ولایت فقیه در دوره دوم جمهوری اسلامی» نتایج مقاله نشان می‌دهد که روند ایده پردازی پیرامون ولایت فقیه به دلیل مشروعیت ولی فقیه، گشودگی حوزه عمومی، تقویت نهادهای دینی و مسائل مستحدثه سمت و سوی جدیدی یافته است. موضوع ماهیت و مشروعیت ولایت فقیه و باز تفسیر ولایت فقیه در فضای عمومی بیشتر مطرح شده است. ولی عوامل رسمی و غیر رسمی محدود کننده برای تداوم دوران تثبیت نظام جمهوری اسلامی وجود دارد، مخالفت از سوی برخی نهادهای رسمی و غیر رسمی از عوامل مهم موانع ساز یاد شده است.

علیرضا استادیان خانی و محمد اصغریان دستنایی (۱۳۹۹)، مقاله «واکاوی فرایند رویارویی پهلوی دوم با نهاد روحانیت از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷» نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که پهلوی دوم و شخص محمدرضا شاه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با برخورد مخالفان سیاسی خود به صورت خاص بعد از رحلت آیت الله بروجردی در برخورد با روحانیت (حوزه علمیه، مرجعیت و روحانیون) را تشدید کرده و بصورت خاص برخورد کرد.

احمد ترحمی بهابادی، عنایت الله یزدانی و محمد علی بصیری (۱۳۹۹)، مقاله «تبیین مولفه‌های موثر بر سقوط دولت محمد مرسی و افول جنبش اخوان المسلمین در مصر» نتایج این پژوهش در علت‌یابی و تحلیل علل افول نظام سیاسی مصر پس از انقلاب به نقش ضعیف

محمد مرسی، شکاف عمیق در جامعه مصر، ناهنجاری‌های سیاسی و اجتماعی ریشه دار، انحصارگرایی اخوان المسلمین و ناتوانی در مدیریت را اشاره و بررسی کرده است.

عبدالرضا عالیشاهی، حسین مسعود نیا و یونس فروزان (۱۳۹۹)، مقاله «گذار به موج دوم انقلاب: تجزیه و تحلیلی بر عملکرد دولت اقتدارگرایی عبدالفتاح السیسی در مصر پس از سقوط حکومت افسران جوان را در سطح سیاسی و اجتماعی ناموفق دانسته است. مقاله اذعان دارد که مصر توانست پس از انقلاب یک الگوی دولت مبتنی بر دموکراسی در جهان را تاسیس کند و در واقع جهان عرب نیز در این مسیر ناکام مانده است. مصر در عرصه سیاسی و اقتصادی دستاورد قابل توجهی نداشته و اصلاح قانون اساسی و برگزاری انتخابات مهندسی شده و به صورت نمادین و تشریفاتی بود. همه اقدامات در راستای ابقا قدرت یعنی اصل بقا، فساد مالی گسترده به خصوص توسط دستگاه دولتی سیسی، افول اقتصاد و بازگشت و استمرار استبداد از پسادم‌های آن بوده است.

حسن احمدیان (۱۳۹۸)، مقاله «مبانی حکمرانی اخوان المسلمین در مصر و چالش‌های تحکیم نظام جایگزین» نتایج این پژوهش غیر ممکن شدن استمرار نظام انقلابی و اسلامی در مصر را در فضای آشوب زده مصر، سلطه ارتش و دشواری حضور مردم در تحولات سیاسی جامعه تحلیل و بررسی کرده است.

با بررسی پیشینه پژوهش‌های انجام شده در زمینه بیداری اسلامی و دولت سازی؛ بررسی تطبیقی عملکرد نهضت اسلامی ایران و اخوان المسلمین مصر از یک سو اهمیت این موضوع آشکار شده و نشان می‌دهد که همچنان موضوع مطالعه تطبیقی عملکرد نهضت اسلامی ایران و مصر محل پژوهش و در خور تحقیق و پردازش است. از سوی دیگر وجه تمایز مقاله حاضر با سایر پژوهش‌های انجام شده است که در اینجا با رویکردی نو و با ارائه مصادیق و داده‌های مستند متناسب انجام شده است.

۲. چارچوب نظری پژوهش

بیداری اسلامی در منظومه فکری مسلمین و در اندیشه متفکران مسلمان دارای مفهوم و ماهیت ویژه است. بیداری اسلامی در تاریخ معاصر جهان اسلام پیام بازگشت به دین و عصر آزادی،

استقلال، پیاده سازی اصول دینی و هنجارهای اسلامی و ارزش ها در جامعه را دارد. بیداری اسلامی یعنی باور به دین و پیاده سازی آن در عرصه فردی، اجتماعی و سیاسی است. بیداری اسلامی توسط مصلحان و متفکران در جهان اسلام معاصر مطرح شده است. باور و پذیرش بیداری اسلامی در قالب نهضت اسلامی، جنبش های اسلامی و انقلاب اسلامی تجلی و بروز کرده است. امروزه بیداری اسلامی در قالب و چارچوب مردم سالاری دینی، نظام دموکراتیک اسلامی، دموکراسی بر اساس آموزه و شریعت دینی در جهان اسلام در صدد تاسیس دولت اسلامی و دولت سازی هستند. در اینجا نهضت اسلامی ایران و جماعت اخوان المسلمین مصر به عنوان بیداری اسلامی مورد بررسی واقع شده است.

جریان های اسلامی در پرتو بیداری اسلامی در صدد تاسیس دولت بر مبنای اصول و شریعت اسلامی هستند، اندیشه و اذهان نهضت ها مبتنی بر اسلام سیاسی و بازتولید گفتمان انقلابی برای تاسیس دولت هست. هدف جنبش ها و نهضت های اسلامی این است که تمام شئون زندگی مسلمانان و جوامع اسلامی هم چون سیاست، اجتماع، فرهنگ، اقتصاد، قانون اساسی، آداب اجتماعی و سایر امور بر محور دین اسلام پیگیری و عمل شود. نهضت های اسلامی کوشش ویژه بر رهایی بخشی جهان اسلام از بیگانگان، دوری جستن از تقلید در نظام سازی، استقلال فرهنگی و تاکید بر فرهنگ و تمدن اسلامی دارند (البناء، ۱۳۵۸: ۴-۴۸؛ امام خمینی، ۱۳۷۶: ۱۰-۶۵). برای نمونه حسن البناء به عنوان مصلح دینی در مصر به دنبال تاسیس نظام سیاسی مبتنی بر اسلام بود، حسن البناء به دنبال ساخت دولت بر پایه دین و بازگشت به اسلام اولیه بود. حسن البناء برای دولت سازی نیازمند جمعیت و جوانان انقلابی بود و به همین جهت وی به تشکیلات نظامند می اندیشید. البناء برای پیاده سازی اندیشه خود در مصر در سال ۱۹۲۸ اخوان المسلمین تاسیس و دعوت را آغاز کرد (البناء، ۱۳۵۸: ۱۰-۱۵). امام خمینی (ره) نیز دولت سازی بر پایه اسلام و مبتنی بر فقه سیاسی تشیع را یک ضرورت می دانست. امام در این باره اشاره داشت ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصور آنها موجب تصدیق می شود و چندان به برهان احتیاج ندارد؛ به این معنی که هرکس عقاید و احکام اسلام را حتی اجمالاً دریافته باشد، چون به ولایت فقیه برسد و آن را به تصور آورد، بی درنگ تصدیق خواهد کرد و آن را ضروری و بدیهی خواهد شناخت. (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۳). دولت سازی در اندیشه و عمل اجرایی امام خمینی (ره) مبتنی بر ارای مردمی بوده که در راستای اجرای احکام اسلامی و دینی قرار داشت.

از آنجا که دولت سازی برخاسته از مبانی سیاسی و جهان بینی است، دولت های اسلامی و غیر اسلامی با هم تفاوت دارند. هر دولت و نظام سیاسی از منظر خود به انسان، جامعه و جهان هستی و اداره و مدیریت جامعه می اندیشد. در نتیجه اهداف دولت ها نیز متفاوت هستند. بر اساس توصیف انجام شده از رهبران نهضت اسلامی در ایران و مصر هدف آن ها تأسیس نظام سیاسی بر اساس مبانی و اصول اسلامی بوده است. در نتیجه شریعت اسلامی و مبانی و مولفه های آن دولت را شکل داده است. دولت دینی و دولت سازی بر اساس دین به این معنا است که انتخاب و گزینش حاکمان، صفات و اختیارات و وظایف آن ها، نقش حاکمان، جهت گیری، آرمان و اهداف دولت ها باید مبتنی بر اراده الهی و سنت و متون دینی باشد. دولت سازی اسلامی جز قانون الهی نیست. در دولت سازی اسلامی میزان رجوع انقلابیون، رهبران انقلابی به مولفه، شاخص ها و آموزه های دینی مورد بررسی و سنجش واقع شده است. استناد به دین در دولت سازی، پذیرش دین به عنوان مرجع، پیوند دین و سیاست، کوشش در دولت سازی اسلامی در اهل تسنن بر اساس نظریه (اهل حل و عقد، استخلاف، شورا و استیلا) و تشیع (دوره معصوم امام، در دوره ولایت فقها و ولی فقیه) بصورت مقایسه بررسی شده است. در نتیجه نهضت اسلامی ایران و جماعت اخوان المسلمین مصر در فرایند دولت سازی مبتنی بر این نوع نگرش و بر اساس دین اسلام بررسی شده و عملکرد هریک در فرایند انقلاب و پس از آن بصورت تطبیقی مورد کنکاش و تحلیل واقع شده است.

۳. روش تحقیق

روش مورد استفاد در پژوهش حاضر از نوع هدف بنیادی است. اگر چه این تحقیق از نوع تحقیقات بنیادی و نظری به شمار می آید؛ ولی نتایج حاصل از آن می تواند استفاده کاربردی داشته و تنها محدود به توسعه دانش و مطالعه تطبیقی و سنجش دو نهضت اسلامی در دولت سازی اسلامی نباشد. علاوه بر آن ماهیت و نوع تحقیقات بنیادی به جهت ارائه ریشه و مبانی تحولات و پدیده ها راهگشای سایر مطالعات و بررسی ها قرار می گیرد. در نتیجه نتایج حاصل از این پژوهش نیز می تواند مقدمه ای برای تحقیقات بعدی نیز باشد. تحقیق بنیادی با استفاده از روش کیفی انجام شده است. روش مزبور با استفاده از تکنیک توصیف، تطبیق و تحلیل و با ابزار فیش برداری از منابع کتابخانه ای، اسناد، مدارک، منابع معتبر علمی انجام گرفته است.

۴. عملکرد انقلاب اسلامی در فرایند دولت سازی اسلامی

تغییراتی که در نهضت اسلامی ایران با رهبری روحانیت شیعی و با مرکزیت و نقش محوری امام خمینی (ره) به وجود آمد، نهضت اسلامی را وارد روند دولت سازی بر اساس شریعت اسلامی و فقه سیاسی شیعی کرد. گفتنی است که روند تاسیس حکومت مبتنی بر اسلام در دوره مشروطه ایران نیز مطرح شد؛ ولی موفق نبود. امام خمینی (ره) با تئوری سازی پیرامون تاسیس نظام سیاسی توانست دولت سازی نماید. در اینجا روند تاریخی و فرایند اندیشه سیاسی به صورت مختصر بررسی خواهد شد.

۴-۱. روند تاریخی نهضت اسلامی ایران

ریشه و زمینه های تاریخی شکل گیری نهضت امام خمینی (ره) به زمان پیش از محمدرضا پهلوی بر می گردد. امام خمینی (ره) که تحولات سیاسی و فرهنگی دوره رضاشاه را درک کرده بود، اقدامات وی را فریبنده و ضد دین و شریعت می دانست. امام در توصیف زمانه پهلوی اول فرمودند: «در کودتای رضاشاه، ناظر قضایا بوده ام، کارهایشان گاهی به ظاهر خیلی فریبنده بود، لکن بر خلاف مسیر ملت بود. وقتی که او آمد ابتدائاً شروع کرد به اظهار دیانت و اظهار چه و روضه خوانی و سینه زنی و گاهی ماه محرم در (تهران) همه تکیه هایی که در تهران بود، می رفت، می گریست، خودش تا وقتی که سوار مطلب شد، سلطه پیدا کرد... تا قبل از این که قدرت پیدا کرد، درست بر ضد آن کارهایی که کرده بود، شروع کرد به فعالیت، منجمله همین آدمی که این دستگاه روضه را داشت همچون قدغن کرد به دستگاه خطابه و وعظ و روضه و همه اینها را...» (خمینی، ۱۳۷۸: ۴/۷). علاوه بر تناقض رفتاری رضاشاه، وی تمایل زیادی به غربی سازی سیاسی، فرهنگی و اقتصاد ایران داشت. رضاشاه برای تداوم دیکتاتوری خود از هر ابزاری استفاده کرده که آن اقدامات با اسلام و روحانیت در تضاد بود. از زمان تاسیس رژیم پهلوی، رضاشاه همواره به دنبال نوسازی ایران به سبک غربی بود، برنامه خود را تا زمان اشغال ایران توسط متفقین در سال ۱۳۲۰ دنبال کرد. اقدامات رضاشاه در زمینه فرهنگ تعارض زیادی با فرهنگ دینی و اسلامی ایران داشت. بعد از جایگزینی محمدرضا شاه به جای پدر گرچه در ظاهر تغییرات کوتاه صورت گرفت؛ ولی سرشت رژیم پهلوی مبتنی بر استبداد و وابستگی به آمریکا و سبک غربی تداوم پیدا کرد. کشاکش بین روحانیون انقلابی با رژیم پهلوی تا رحلت آیت الله بروجردی وجود

داشت. با عنایت به اینکه تا رحلت آیت الله بروجردی روحانیت کمتر موضوع ورود به سیاست را می‌پذیرفتند. اقداماتی که توسط رژیم پهلوی دوم پیش از رحلت آیت الله بروجردی اتفاق افتاده و فشارهای مضاعف پهلوی بر روحانیت پس از رحلت آیت الله بروجردی و مبارزه با ماهیت استبدادی رژیم پهلوی و وابستگی ایران به بیگانگان نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) را با سرعت بیشتری به عرصه سیاسی و مبارزاتی وارد کرد.

انقلاب سفید یکی از موضوعات مهم در شتاب مبارزات انقلابی بود. انقلاب سفید در ظاهر، تأمین رفاه اجتماعی را یکی از هدف‌های اصلی خود اعلام و چنین وانمود کرد که رژیم برای مردم ایران؛ فرهنگ، بهداشت، رفاه و امنیت به ارمغان آورده است (سولیوان، ۱۳۷۲: ۳۱۳). در واقعیت چنین نبود. هدف انقلاب سفید مقتدر نشان دادن شاه به جهانیان و تضعیف کشاورزان را به همراه داشت. و حتی برای اقشار مختلف جامعه از جمله، بازاریان، کسبه و به خصوص قشر سنتی و مذهبی و اپوزیسیون رژیم نیز ابزار محدود کننده بود (نجاتی، ۱۳۷۱: ۱۴۸). گفتنی است که؛ دولت امینی، اصلاحات ارضی را در سال ۱۳۴۰ اجرا کرد؛ اما اجرای آن، منافع و خواسته‌های شاه را تأمین نمی‌کرد و او را به حاشیه تحولات می‌راند؛ از این رو شاه به طور مستقیم، وارد عمل شد و اصلاحات مورد نظر آمریکا را اجرا کرد. شاه، چند ماه پس از سقوط امینی، طرح خود را در قالب لوایح شش‌گانه و با عنوان «انقلاب سفید» و یا «انقلاب شاه و مردم» اعلام کرد. اصول شش‌گانه انقلاب سفید، طرح و برنامه‌ای ریشه‌دار و عمیق بود که با هدف تحول در ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران در زمان رضاشاه پایه‌گذاری شد. وی که مأموریت تغییر ساختار ایران را در ابعاد مختلف، وظیفه خود می‌دانست، ضربات سنگینی بر نهاد مذهب وارد کرد (زونیس، ۱۳۷۱: ۲۲۱). طرح انقلاب سفید در روز ۱۹ دی ۱۳۴۱ اعلام شد. تصویب لایحه قانونی فروش سهام کارگران در منافع کارگاه‌های تولیدی و صنعتی، لایحه اصلاحی قانون انتخابات، لایحه ایجاد سپاه دانش برای تسهیل اجرای قانون تعلیمات عمومی و اجباری بود. البته طی پانزده سال بعد، چند اصل دیگر از جمله تشکیل سپاه بهداشت، ملی‌شدن مراعات و سایر موارد به فهرست این اصلاحات افزوده شد (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۱۲۰). روحانیون و امام خمینی (ره) پس از اعلام انقلاب سفید، مخالفت شدید خود را با آن و همچنین با رفرا دوم اعلام کرد.

مخالفت امام خمینی (ره) با اقدامات شاه در نتیجه به رویارویی مستقیم بین شاه و امام

خمینی (ره) انجامید. فاجعه رژیم در مدرسه فیضیه قم در روز ۲ فروردین ماه ۱۳۴۲ که مصادف با وفات امام جعفر صادق (ع) از نمونه بارز آن بود. (مدنی، ۱۳۶۱: ۲۱). بعد از این حوادث نهضت اسلامی وسعت و عمق بیشتری به خود گرفت. در ماه محرم ۱۳۴۲ مصادف با خرداد بود. امام خمینی (ره) از این مناسبت برای مبارزه علیه رژیم پهلوی استفاده کرد. در نتیجه تحولات و وقایع مهم و زیادی تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به وقوع پیوست. موضوع کاپیتولاسیون و حق قضاوت کنسولی، اعتصابات کارگران، مطالبات سیاسی و اجتماعی مردم، اعتراض به وابستگی شاه، بحث جشن ۲۵۰۰ ساله رژیم و بسیاری از وقایع مهم دیگر رخ داد ولی؛ از منظر امام خمینی (ره) ریشه تاریخی نهضت اسلامی از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بوده و نقطه آغاز حرکت انقلابی قلمداد شده است.

۴-۲. روند اندیشه سیاسی و تئوری پردازی نهضت اسلامی ایران

اولین دولت سازی اسلامی در صدر اسلام توسط رسول الله شکل گرفت. در واقع هسته مرکزی حکومت اسلامی و ولایت فقیه به صدر اسلام باز می گردد. با رحلت پیامبر امامت و ولایت به معصومین رسید که در این دوره نظام سیاسی مبتنی بر اندیشه معصومین و بر اساس امامت و ولایت بود. بعد از غیبت امام زمان جامعه اسلامی ولی خود را از دست داد و در این زمان نظریه و تئوری های متعددی مطرح شد. طرفداران تئوری ولایت فقیه بر این باور بودند که نباید جامعه معطل بماند و برای اداره امور نیاز به فقها جامع الشرایط و ولی فقیه است. موضوع ولی فقیه از سوی افرادی چون شیخ مفید، محقق ثانی، کاشف الغطا، احمد نراقی، میرزای قمی، فضل الله نوری، علامه نائینی و امام خمینی (ره) مطرح شده و هریک به تئوری پردازی از منظر خود پرداختند. در این روند تاریخی اندیشه سیاسی فقها برای دولت سازی نظر داشته اند. ریشه تاریخی نظریه ولایت فقیه با شکل کنونی به دوره شیخ مفید باز می گردد و ایشان پذیرش منصب از جانب غیر معصوم را مجاز دانسته و برخی مواقع آن را لازم و واجب قلمداد می کند (مفید، ۱۴۱۰ه: ۲۱-۴۶). نقطه آغاز نظریه ولایت فقیه در تاریخ معاصر و دولت سازی بر اساس آن نظریه فقهی در اوایل قرن دهم هجری توسط محقق کرکی مطرح شد. همچنین در دوره های بعد کاشف الغطا در اوایل عصر قاجاریه بر این باور بود که فقیه منصوب عام که ماذون از طرف امام معصوم (ع) است. سلطان یا حاکم بر جامعه اسلامی نصب نماید؛ از مصادیق حکام و سلاطین

جور و ظالم نیست. و می‌توان در جوامع اسلامی به این صورت عمل نمود (نجفی، ۱۳۵۰: ۱۵۷). در این دوره محمد حسن نجفی که هم عصر کاشف الغطا است؛ بر این باور است که چرا در موضوع ولایت فقیه تعلل می‌شود در حالی که اگر عموم در موضوع ولایت فقیه تردید قرار گیرد امور مسلمین و شیعیان بر زمین می‌ماند. اگر حکومت مبتنی بر ولایت فقیه اتفاق نیفتد و فقیه تعیین نشود فقه شیعه و گفتار معصوم فهم و عمل نشده است (نجفی، ۱۳۵۰: ۳۹۸). در واقع محمد حسن نجفی (صاحب جواهر) به اثبات ولایت فقیه پرداخته و بر این باور است که اصل ولایت فقیه از جانب ائمه در تعارض و تضاد نیست (نجفی، ۱۳۵۰: ۳۹۸). برخی شاگردان صاحب جواهر اندیشه استاد خود را ادامه دادند برای نمونه شیخ انصاری در کتاب «مکاسب» به اثبات ولایت فقیه پرداخته و در دلایل آن آورده است که اگر در جامعه فقیه نباشد بر مردم واجب کفایی است که اقدام به تعیین آن نمایند (انصاری، ۱۴۱۰: ۳۶۰). در این زمینه شیخ انصاری غیر از موضوعاتی که نیازمند به اذن معصوم در زمان غیبت است سایر امور و همه آن‌ها به اذن فقیه و بر عهده ولایت فقیه بوده و از اختیارات آن به شمار می‌آید. در تاریخ معاصر پیش از امام خمینی (ره) موضوع ولایت فقیه توسط علامه نائینی مطرح شده و در دواثر فقهی «منیه الطالب» و «تنبيه الامه و تنزيه المله» ولایت فقیه را به عنوان منبع دولت سازی در اسلام می‌داند (نائینی، ۱۳۷۹: ۲۶۱) یعنی نظام استبدادی به مشروطه تبدیل شود. اگر آن را کسی که ماذون از جانب معصوم است، یعنی فقیه تأیید کند ظلم به امام نیز رفع می‌گردد (نائینی، ۱۳۸۵: ۳۶۰). بین فقها امام خمینی (ره) با بهره‌گیری از سابقه فقها در زمینه ولایت فقیه اقدام به تئوری پردازی و تکمیل آن پرداخته و علاوه بر عرصه نظر در جامعه نیز اجرایی کرد.

امام خمینی (ره) در آثار مختلف خود به موضوع حکومت اسلامی پرداخته است. برای نمونه در اولین اثر خود که بحث ولایت فقیه و تاسیس دولت و حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه را طرح کرد در کتاب کشف اسرار بود و پس از آن در آثاری چون البیع که کتاب فقهی و استدلالی است. در شئون و اختیارات ولی فقیه که به موضوع سیاست در احکام اسلامی، ضرورت حکومت اسلامی، ویژگی و صفات حاکم اسلامی و ولایت فقیه پرداخته است. در رساله اجتهاد و تقلید که بحث تقلید است؛ ولی در اواخر کتاب موضوع ولایت فقیه را اشاره کرده است. و در نهایت در کتاب ولایت فقیه به اثبات تشکیل حکومت اسلامی بر پایه ولایت فقیه پرداخته و آن را در ایران اجرایی کرده است (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۴-۶۸). امام خمینی (ره)

بر این باور بودند که؛ در زمان غیبت امام معصوم، اداره امور جامعه بر عهده فقیه جامع الشرایط است. امام خمینی (ره) در نظریه ولی فقیه از طرفداران ولایت عامه بوده و بر این باور بودند که اختیارات حکومتی فقیه گسترده و وسیع است و همه اختیارات حکومتی زمان پیامبر (ص) و معصوم (ع) بر عهده فقیه بوده و به وی انتقال یافته است. امام خمینی (ره) در مبانی و مشروعیت ولایت فقیه و اختیارات ناشی از آن را از سوی خداوند می‌داند. امام خمینی دولت سازی اسلامی را در شکل نظام جمهوری اسلامی عینیت بخشید. عینیت بخشی دولت اسلامی در محتوا اسلامی و از منبع الهی در قالب و شکل مردمسالاری و انتخابات بوده است که جمهوری نامیده می‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۴۴۴/۴).

۵. عملکرد اخوان المسلمین در فرایند دولت سازی اسلامی

اخوان المسلمین مصر به عنوان نهضت اسلامی در جهان اهل سنت است که سابقه تاریخی طولانی و مهمی دارد. اخوان المسلمین مصر توسط حسن البنا و یارانش پایه گذاری شد. زمانی که اخوان در مصر شکل گرفت، این کشور گرفتار سکولاریسم، ملی گرایی افراطی و انحرافات شده بود. هدف جماعت اخوان اصلاح جامعه مصر و تاسیس نظام اسلامی مبتنی بر فرهنگ و مبانی دینی بود (Al-Banna, 1978: 35). اخوان المسلمین بعد از رهبر و مؤسس خود دچار انشعابات شده و رهبران مختلف و با اندیشه‌های متکثری را تجربه کرد. در اینجا روند تاریخی و اندیشه سیاسی جمعیت اخوان المسلمین مورد بررسی قرار گرفته است. اخوان المسلمین بعد از بیداری اسلامی سال ۲۰۱۱ میلادی در مصر کوشیده از فرصت‌های پیش آمده بیشترین سود سیاسی را ببرد. به همین علت در فرایند تاریخی خود دچار دگردیسی، گسست و انقطاع نیز شده است. اگر چه بعد از انقلاب ۲۰۱۱ میلادی اخوان المسلمین در راس قدرت قرار گرفت؛ ولی این تجربه بسیار اندک و مستعجل بود. در اینجا فرایند تاریخی و روند اندیشه سیاسی و تئوری پردازی اخوان المسلمین در دولت سازی مورد بررسی قرار گرفته است.

۵-۱. روند تاریخی جمعیت اخوان المسلمین مصر

جمعیت اخوان المسلمین در مصر با رویکرد صوفی مسلک و اسلام‌گرا در تقابل با گروه‌های سکولار در جهان عرب ظاهر شده و شکل گرفت. اخوان در جهت مبارزه با الغای خلافت و

جلوگیری از گسترش الگوی لائیک در جهان اسلام بود. همچنین در تلاش برای احیای مجدد خلافت و بازگشت به دوره خلافت اسلامی فعالیت می‌کرد (Harris, 1964: 114). این نهضت اسلامی سنی در مصر به عنوان اولین و مهم‌ترین داعیه‌دار نوعی نظام اسلامی، توانست هم در زمینه تولید و پردازش نظریه و آرای سیاسی و هم زمینه‌های سیاسی عملی نقش ایفا نماید. اخوان المسلمین از سال ۱۹۲۸ میلادی فعالیت خود را آغاز کرد، در سال ۱۹۴۸ موسس و رهبر اخوان حسن البنا ترور شد و بعد از وی حسن الهضیبی جانشین وی شد. به این صورت که تا برهه انقلاب ۲۰۱۱ میلادی اخوان المسلمین علاوه بر انشعابات و شاخه‌بندی رهبران و مرشد عام متعددی را تجربه کرد. پس از انقلاب قدرت دست اخوان المسلمین افتاد و این اخوان بعد از انقلاب در مصر با اخوان دوره حسن البنا تفاوت زیادی داشت. اخوان دوره حکومت داری محدودی داشته و بعد از یک سال تجربه دولت داری و تاسیس نظام سیاسی سقوط کرد. در سال ۲۰۱۳ رفته رفته مخالفت با اخوانی‌ها زیاد شد (قاسمی، ۱۳۹۴: ۸۹). و علت سقوط اخوان المسلمین در مصر و ناکامی در استقرار و تثبیت دولت اسلامی ریشه در عوامل و متغیرهای متعددی داشت؛ مهم‌ترین آن خلاء اندیشه سیاسی مستحکم، ناتوانی در اداره سیاسی کشور، وابستگی به آمریکا و انحصارگرایی از عمده آن‌ها بودند.

درباره وضعیت اخوان المسلمین پیش از وقوع انقلاب ۲۰۱۱ میلادی گفتنی است که؛ از مدت‌ها پیش حتی قبل از وقوع انقلاب سال ۲۰۱۱ مصر، این شایعه در رسانه‌های مکتوب و مجازی جریان داشت که بین اخوان المسلمین و آمریکا یک نوع همکاری پنهان وجود دارد. اخوان المسلمین نسبت به سایر احزاب از جمله «وفد» از پایگاه مردمی گسترده‌تری برخوردار بود (حنفی، ۱۳۹۱: ۲۱) از همین رو در انتخابات پارلمانی مجلس ملی مصر در سال ۲۰۰۵ با تأیید آمریکا توافقی بین نظام مبارک و اخوان المسلمین صورت گرفت که طبق آن جایگاه دوم در مجلس به آن‌ها داده شد. اخوانی‌ها ۸۸ کرسی (یک پنجم کرسی‌ها) را از آن خود کردند. آمریکایی‌ها با اذعان به توان اخوان المسلمین با وارد کردن آن‌ها به بازی قدرت می‌خواستند اخوان المسلمین را مدیریت کرده و مانع از سنگ اندازیشان در روند انتقال آرام قدرت از حسنی مبارک به جمال (پسر حسنی مبارک) شوند. در مقابل اخوانی‌ها نیز می‌دانستند که مخالفت با این جانشینی، فایده‌ای عایدشان نمی‌شود و هر گونه مخالفت با این مساله، سرکوب و حبس و حتی خطر از بین رفتن موجودیت جنبش را به دنبال دارد. این احتیاط‌ها، نزدیکی بیشتر

اخوانی ها به آمریکایی را رقم می زد. در انتخابات ۲۰۱۰ حتی یک نفر از اخوانی ها نتوانستند وارد پارلمان شوند. اخوانی ها وقوع انقلاب مردمی را حتی پیش بینی هم نمی کردند و با احتیاط کامل و تا حدی دیر هنگام از انقلاب حمایت کردند. همکاری بین اخوان المسلمین و آمریکا بعد از انقلاب به ویژه در دوران تحول دموکراتیک کشور هم استمرار پیدا کرد؛ دوره ای که فضا باز شده و هر گروهی می توانست سهم خود را از انقلاب بردارد. این همکاری با پیروزی اخوان در انتخابات و همه پرسی قانون اساسی قوی تر هم شد؛ زیرا این گروه به اکثریت کرسی های مجلس و سپس کمیته تدوین قانون اساسی دست یافت تا بتواند قانونی اساسی برای چند دهه آینده مصر بنویسد و به همین دلیل سکولارها را در داخل و خارج دچار وحشت کند (باقری و غلامی، ۱۳۹۶: ۹۸-۱۰۴). آمریکا پس از انقلاب مجدانه تصمیم گرفته بود که مناسبات رسمی با اخوان المسلمین مصر را گسترش دهد. با قدرت گیری محمد مرسی در مصر، اخوان المسلمین مرسی را انحصار گرا دانسته و محمد مرسی را متهم به در انحصار گرفتن قدرت کرد. مرسی نیز اخوانی ها را متهم به تلاش برای بر هم ریختن اوضاع متهم می نمود. در جریان این، آشوب های سیاسی، اعتراضات، قطع برق و کمبود بنزین نیز به وقوع پیوست که مخالفان آن ها را دلیلی بر سوء مدیریت مرسی می دانستند (کربوسه، ۱۳۹۷: ۲-۶). این مخالفت ها از همان آغاز انتخابات مرسی وجود داشت. وی در طی دو دور انتخاباتی به ریاست جمهوری دست یافت. در دور اول ۲۵ درصد آراء را در حالی بدست آورد که مهم ترین رقیبش، احمد شفیق، ۲۴ درصد آرا را بدست آورده بود. در دور دوم نیز او در حدود ۵۲ و احمد شفیق در حدود ۴۸ درصد آرا را بدست آوردند. بنابراین، پیروزی اخوان در انتخابات از همان اول متزلزل بود. با کودتای ۳ جولای ۲۰۱۳ و کنار رفتن مرسی، چند روز پیش از اولین سالگرد تحلیف محمد مرسی، موج جدیدی از اعتراضات علیه مرسی به نام جنبش تمرد به نمایندگی محمد البرادعی شکل گرفت (احمدیان، ۱۳۹۸: ۱۱-۱۸). معترضان محمد مرسی را به تلاش برای گسترش اختیارات خود و اخوان المسلمین متهم کرده و خواهان کناره گیری مرسی از قدرت و برگزاری انتخابات زود هنگام بودند. مرسی نیز گفته بود که منتخب مردم است و کنار نمی رود. چند روز پس از اوج گیری اعتراضات هفت تن از وزرای مرسی و نخست وزیر مصر، هشام قنديل، استعفا کردند. در چنین شرایطی ارتش مصر در ۱۷ ژوئیه ۲۰۱۳ میلادی مهلت ۴۸ ساعته داده بود تا اختلافات حل شوند در غیر این صورت مداخله خواهد کرد. مرسی و اعضای بلندپایه

اخوان المسلمین مصر در پاسخ، این کار ارتش را دخالت در سیاست خوانده بود. ارتش مصر نیز در شامگاه ۳ جولای ۲۰۱۳ پس از تمام شدن ضرب الاجل دوازده اعلام کرده بود که بیانیه‌ای صادر خواهد (mashreghnews.ir). او طی کودتایی و بایانیه فرمانده ارتش مصر عبدالفتاح السیسی و حمایت نماینده مخالفان دولت محمد البرادعی، شیخ الازهر شیخ احمد الطیب و پاپ مسیحیان قبطی مصر پاپ تواضروس دوم از قدرت برکنار شد. طی همان بیانیه عدلی منصور، رئیس دادگاه قانون اساسی مصر به عنوان رئیس جمهور موقت دولت انتقالی تعیین شد. چندین ساعت بعد محمد بدیع رئیس اخوان المسلمین مصر بازداشت شده اما روز بعد آزاد شد، همچنین ۳۰۰ نفر از سران اخوان تحت تعقیب قرار گرفته و شخص محمد مرسى در گارد ریاست جمهوری بازداشت گردید. در ۱۹ آگوست ۲۰۱۳ مرشد عام اخوان، محمد بدیع دستگیر شد. رهبر عام اخوان خط قرمزی بود که حسنی مبارک هم جرأت دستگیری وی را نداشت. دادگاه عالی اداری مصر، بالاترین مرجع قضایی اداری این کشور، شاخه سیاسی اخوان المسلمین در مصر، یعنی حزب آزادی و عدالت را در ۹ آگوست ۲۰۱۴ منحل اعلام کرد و همه دارایی‌های حزب آزادی و عدالت را ضبط کرد تا تمایلات و فعالیت‌های سیاسی و احتمالی این حزب و مهم‌تر از آن کل اخوان المسلمین در مصر را از این به بعد متوقف شدند (theguardian.com).

۵-۲. روند اندیشه سیاسی و تئوری پردازی جمعیت اخوان المسلمین مصر

اندیشه سیاسی اخوان المسلمین در دوره تاریخی و حیات سیاسی خود به دو گفتمان اصلی قابل تقسیم است؛ نخست، گفتمان اندیشه خلافت و حکومت اسلامی (از سال ۱۹۲۸ تا ۲۰۱۱) . دیگری، گفتمان اندیشه نظام دموکراتیک و تمرکز بر حکومت عرفی (از دهه ۱۹۹۰ و پس از آن) بود. بر اساس تقسیم‌بندی سیر تطور تفکر گفتمانی اخوان، روند تحول فراز و فرود زیادی را تجربه کرده است. جمعیت ابتدا در مقابل امواج ملی‌گرایی و سکولاریسم و در جهت ایجاد جریان معتدل اسلام‌گرا شکل گرفت. این جنبش درصدد احیای خلافت اسلامی بود و به همین علت در کشورهای مختلف عربی گسترش یافت. اما به تدریج از نظر تفکر و رویکردهای سیاسی دچار تحول و تکثر شد و به خصوص از ایده خلافت اسلامی به سوی ایده حکومت اسلامی سوق پیدا کرد.

گرچه اخوان المسلمین در ابتدا رویکردی غیر سیاسی را اعلام کرد؛ ولی تمایل به خلافت اسلامی داشت. اما با سپری کردن مراحل رشد و توسعه، تفکرات و رویکردهای سیاسی خود را آشکارا مطرح و دنبال کرد. از دیدگاه، اخوان المسلمین «خلافت» سمبل وحدت اسلامی و مظهر ارتباط ملت‌های مسلمان و احساسی اسلامی بود که اندیشیدن به آن بر هر مسلمانی واجب است (محمد، ۱۳۸۴: ۴۸-۷۳). اندیشه سیاسی اولیه اخوان المسلمین با تأکید بر خلافت اسلامی و تقابل با ملی‌گرایی، رویکردهای سکولار، تکثرگرایی حزبی و مبتنی بودن بر اصول و اندیشه‌های اسلامی، با ایده دولت مدرن دموکراتیک در تعارض قرار داشت.

بعد یک دوره جماعت اخوان از اندیشه خلافت گذر کرده و به سوی حکومت اسلامی حرکت می‌کند و در این چارچوب با صرف‌نظر کردن از شرایط مجری و حاکم، اجرای شریعت اسلامی را مهم تلقی می‌کند. بر این اساس فضای سیاسی خاص و انحصارگرای اخوان المسلمین به تدریج خود را به فضای متکثر و تحزب‌گرا نزدیک می‌کند. اخوان که ابتدا رویکرد انحصارطلبی حزبی را مد نظر داشت، سعی کرد در مفهوم انحصارطلب خود تجدیدنظر کند و به رویکرد جمعیت تکثرگرا نزدیک شود. در این راستا در مارس ۱۹۹۴ دو یادداشت رسمی مهم درباره زنان مسلمان در جامعه اسلامی، شورا و نظام چندحزبی منتشر کرد. یادداشت دوم که به شورا و نظام چندحزبی مربوط بود، با مسائل بین شورا و دموکراسی جدید تطابق داشت و خاطرنشان می‌کرد که ملت منبع قدرت است و آن را به شخص مورد اعتماد خود واگذار می‌کند. با این حال، تأکید داشت، این قانون باید از اصل شریعت و اهداف و مقاصد و اصول کلی آن گرفته شده باشد. این یادداشت شعار سنتی اخوان یعنی «قرآن، قانون اساسی ماست» را به این مضمون تفسیر و توجیه می‌کند و بر حفظ آزادی‌های عمومی و خصوصی و تعیین مسئولیت رهبران و چگونگی رسیدگی به اعمال آنها در مقابل پارلمان، آن هم به صورت آزاد تأکید می‌کند (محمد، ۱۳۸۴: ۲۶۲).

اخوان المسلمین مصر سه دیدگاه مختلف را در موضوع سیاست و حکومت از همدیگر متمایز ساخت که در طول تأسیس این جنبش و دهه‌های گذشته ایجاد شده است. اولین دیدگاه، همان دیدگاه اولیه اخوان المسلمین است که به لزوم حاکمیت حکومت خلیفه‌ای یا خلافت اسلامی مانند صدر اسلام برای پیاده‌سازی دستورات شریعت اعتقاد دارد. در حال حاضر، این دیدگاه طرفداران کمتری دارد. دیدگاه دوم به لزوم تشکیل حکومت اسلامی در مصر باور دارد و از طرفداران قابل توجهی برخوردار است. دیدگاه یا طیف سوم که در سال‌های اخیر به وجود

آمده است به آزادی‌های مدنی و الگوهای غربی در مشارکت سیاسی و آزادی‌های اجتماعی معتقدند. این طیف طرفدار فعالیت زنان، آزادی احزاب سیاسی و حکومتی لیبرالی‌اند. در حالی که اخوان المسلمین سعی در حفظ انسجام داخلی و ارائه رویکرد و مواضع سیاسی واحدی است، این تکرر به تناقضات جدی منجر شده است.

اندیشه سیاسی اخوان المسلمین در برهه انقلاب و دولت‌سازی در مصر از مبانی فکری یوسف قرضاوی به عنوان نظریه پرداز این گروه استفاده شده بود. مرحله گذار به مردم سالاری را در مصر اخوانی‌ها زود هنگام انجام دادند. یعنی زمانی که انقلاب در مصر به وقوع پیوست جمعیت اخوان المسلمین به لحاظ اندیشه‌ای و سیاسی آمادگی برای این مرحله را نداشتند تا پس از سرنگونی رژیم سیاسی مبارک دولت تاسیس کنند و بتوانند آن را اداره نمایند و به همین دلیل اخوانی‌ها و رهبران اصیل آن نتوانستند گروه‌های متعدد و مختلف را با خود همسو کنند یا بتوانند آن‌ها را سازماندهی کنند تا از طریق آن یک دولت اسلامی تاسیس کنند. در نتیجه رهبران افراطی اخوان با نمایندگی مرسعی و با پیشه کردن موضع افراطی و تند این ماموریت را برعهده گرفت (فیرحی و عسگری صدر، ۱۳۹۷: ۱۲۲-۱۲۴).

۶. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در پی بررسی تطبیقی عملکرد انقلاب اسلامی ایران و اخوان المسلمین مصر بود. مقایسه این دو نشان می‌دهد نهضت اسلامی در ایران دارای نظریه نظام ساز بوده و جنبش اخوان المسلمین مصر فاقد تئوری از پیش طراحی شده بود. اخوان المسلمین در ابتدا موفق به تشکیل دولت به رهبری محمد مرسعی شد؛ ولی این دولت مستعجل بود. خلاء رهبری و نبود رهبر مورد قبول همه گروه‌ها از موانع تداوم و بقا آن بود. در علت عدم موفقیت اخوان در دولت سازی عوامل و متغیرهای مختلفی دخیل بودند؛ مهمترین آن فاصله بین آرمان انقلابی و دولت اسلامی بود. یعنی اخوانی‌ها به عنوان نماینده جریان اسلام گرا مشی واحدی در دولت سازی نداشتند. در انقلاب اسلامی ایران، اسلام گرایان مشی واحدی داشتند؛ اگر هم مخالفتی بود بسیار کمتر بود. قانون اساسی در ایران بر اساس شریعت اسلامی و با سرعت انجام شد. در مصر تدوین قانون اساسی با مناقشه میان احزاب اسلامی همراه بود و به نتیجه نرسید. ارتش قبل از پیروزی انقلاب اسلامی با مردم همراهی کرد و بعد از انقلاب با امام بیعت کردند؛ این در حالی

بود که ارتش عامل کودتا در مصر بود. ارتش از موانع اساسی شکل گیری دولت اسلامی در مصر به شمار می آمد. امام خمینی (ره) مانع حضور احزاب و گروه های غیر اسلامی در نظام جدید التاسیس نشد (یعنی دچار انحصارگرایی نشد)؛ ولی اخوان المسلمین انحصارگرایی را پیشه خود ساخته و مانع حضور جریان های غیر اخوانی در دولت شد. در نتیجه علاوه بر تفاوت اندیشه سیاسی در فرایند دولت سازی، تفاوت در بینش رهبران دو نهضت و روش اجرایی و پیاده سازی دولت نتایج متفاوت در عملکرد آن دو را به همراه داشت.

کتابنامه

۱. احمدیان، حسن (۱۳۹۸)، مبانی حکمرانی اخوان المسلمین در مصر: چالش‌های تحکیم نظام جایگزین، فصلنامه دولت پژوهی، دوره ۵، شماره ۱۹، پاییز، صفحه ۱-۳۶.
۲. استادیان خانی، علیرضا و محمد اصغریان دستنایی (۱۳۹۹)، واکاوی فرایند رویارویی پهلوی دوم با نهاد روحانیت از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷، مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۱۷، شماره ۶۰، تابستان، صفحه ۱۱۱-۱۲۹.
۳. اسماعیلی، محمد مهدی (۱۳۹۹)، تعامل جنبش‌های اصلاحی جهان اسلام: اخوان المسلمین و نهضت اسلامی ایران از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۹، مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۱۷، شماره ۶۰، تابستان، صفحات ۱۳۳-۱۵۴.
۴. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. امیری مقدم، رضا و دیگران (۱۳۹۹)، آسیب شناسی بیداری اسلامی در کشورهای مصر، تونس و لیبی، فصلنامه امنیت ملی، سال ۱۰، شماره ۳۷، پاییز، صفحات ۴۳-۸۴.
۶. انصاری، مرتضی (۱۴۱۰)، مکاسب، المجلد التاسع، قم: مؤسسه دارالکتاب.
۷. باقری، حسن و روح‌الله غلامی (۱۳۹۶)، راهبرد ایالات متحده در قبال بیداری اسلامی، مطالعه موردی کشور مصر فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۶ صص ۲۱۳-۱۸۹.
۸. البنا، حسن (۱۳۵۸). خاطرات حسن البنا: بنیانگذار نهضت اخوان المسلمین، (مترجم) جلال الدین فارسی، تهران: برهان.
۹. ترحمی بهابادی، احمد، عنایت الله یزدانی و محمد علی بصیری (۱۳۹۹)، تبیین مولفه‌های موثر بر سقوط دولت محمد مرسی و افول جنبش اخوان المسلمین در مصر، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ۱۰، شماره ۳، پاییز، صفحه ۹۹-۱۳۵.
۱۰. حنفی، حسن (۱۳۹۱)، رابطه اخوان المسلمین و آمریکا، انتخاب، قابل دسترسی سایت انتخاب.
۱۱. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵)، کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۲. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۶)، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی.
۱۳. راد مرد، محمد (۱۳۹۹)، موضع پهلوی دوم در قبال اپوزیسیون مذهبی در وضعیت انقلابی، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال ۶، شماره ۳۳، تابستان، صفحه ۷-۲۵.

۱۴. رهدار، احمد، غلامرضا بهروزی لک و حامد اسلامی (۱۳۹۹)، تحلیل روند ایده پردازی پیرامون نهاد ولایت فقیه در دوره دوم جمهوری اسلامی، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۲۳، شماره ۸۹، بهار، صفحه ۹۹-۱۲۰.
۱۵. زونیس، ماروین (۱۳۷۱)، شکست ماهانه، ملاحظات در باره سقوط شاه ترجمه اسماعیل زند و بتول سعیدی، تهران: نشر نو.
۱۶. سولیوان، ویلیام و پارسونز، آنتونی (۱۳۷۲)، خاطرات دو سفیر، اسراری از سقوط شاه و نقش آمریکا و انگلیس در انقلاب اسلامی، ترجمه محمود طلوعی، تهران: انتشارات علم.
۱۷. شیخ الاسلامی، محمد حسن و دیگران (۱۳۹۸)، ناکامی فرایند دموکراسی در مصر بعد از انقلاب ۲۰۱۱ از منظر نظریه عجم اوغلو- رابینسون، پژوهش‌های روابط بین الملل، دوره ۹، شماره ۳۲، تابستان، صفحه ۱۶۱-۱۸۲.
۱۸. عالیشاهی، عبدالرضا و حسین مسعود نیا و یونس فروزان (۱۳۹۹)، گذار به موج دوم انقلاب: تجزیه و تحلیلی بر عملکرد دولت اقتدار گرای عبدالفتاح السیسی در مصر پس از مرسى، مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۹، شماره ۳۵، پاییز، صفحه ۷۳-۹۶.
۱۹. فیرحی، داود و اکبر عسگری صدر (۱۳۹۷)، علل شکست اخوان المسلمین مصر پس از سرنگونی مبارک، فصلنامه علوم سیاسی، دوره ۲۱، شماره ۸۲، صفحه ۹۹-۱۱۰.
۲۰. قاسمی، بهزاد (۱۳۹۴)، اخوان المسلمین مصر و تجربه نظام سیاسی: از برآمدن حسن البنا تا بر افتادن محمد مرسى، تهران: موسسه اندیشه سازان نور.
۲۱. قاسمی، مصطفی، محمد علی بصیری و عنایت الله یزدانی (۱۳۹۹)، روابط جمهوری اسلامی با اخوان المسلمین؛ از همسویی استراتژیک تا رقابت ایدئولوژیک، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۹، شماره ۳۲، بهار، صفحه ۳۰-۶۶.
۲۲. کربوسه، عمران (۱۳۹۷)، نظام سیاسی مصر بعد از انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱؛ بین چالش اخوان المسلمین و حکومت ارتش، مترجم علیرضا طاقتی، تهران: دانشکده مطالعات بین الملل.
۲۳. کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۶۸)، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: انتشارات پایروس.
۲۴. گشنیز جانی، کامران و علی محمد حاضری (۱۳۹۹)، مطالعه تطبیقی تاثیر ساختارهای

- فرصت سیاسی بر فرجام جنبش‌های اسلام‌گرا در انقلاب‌های ایران و مصر، مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۹، شماره ۳۵، پاییز، صفحه ۹۷-۱۲۱.
۲۵. محمد ابراهیم و دیگران (۱۳۸۴)، جمعیت اخوان المسلمین مصر، ترجمه اندیشه‌سازان نور، تهران: اندیشه‌سازان نور.
۲۶. مردای پور دهنوی، امیر حسین و محمد ستوده (۱۳۹۸)، بررسی عوامل سیاسی - اجتماعی ناکامی‌های بیداری اسلامی در مصر بر اساس مکعب بحران، سیاست متعالیه، سال ۷، شماره ۲۷، زمستان، صفحات ۲۶۷-۲۹۷.
۲۷. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۰ق)، المقنعه، قم: نشر الاسلامی.
۲۸. نائینی، محمد حسین (۱۳۷۶)، منیه الطالب، ج اول، قم: موسسه نشر اسلامی.
۲۹. نائینی، محمد حسین (۱۳۸۵)، تنبیه الامه و تنزیه المله، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳۰. نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۱)، تاریخ سیاسی ۲۵ ساله ایران از کودتا تا انقلاب، تهران: رسا.
۳۱. نجفی، محمد حسن (۱۳۵۰)، جواهر الکلام فی شرایع السلام، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
32. Al-Banna, Hassan, (1978), Five Tracts of Hasan Al-banna: A Selection from the Majumuat Rasail al-imam al-Shahid Hasan al-banna, translated and annotated by Charles Wendell, Berkeley: University of California press.
33. Harris, Christina Phelps (1964), Nationalism and Revolution in Egypt: the role of The Muslim Brotherhood, New York: Hyperion press.
34. www.mashregnews.ir/fa/news/
35. www.theguardian.com/world/2014/

تکریم سادات و کارکرد آن در بیداری اسلامی

سیدسعید حسینی رامشه (نویسنده مسئول)^۱

حمیدرضا سروریان^۲

چکیده

مسلمانان به اهل بیت (ع) مودت دارند که این پشتوانه قرآنی، روایی و عقلی دارد و سادات نیز مورد اکرامند. درباره سادات از وجوه مختلفی پژوهش هایی شده است اما به طور مستقل چرایی تکریم ایشان و از طرفی نقش این تکریم در تحولات اجتماعی-سیاسی بررسی نشده است. (مساله) این پژوهش کاربردی، با روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از منبع کتابخانه به سوالات مطرح شده پاسخ می گوید. (روش) آیه مودت، روایات مربوطه، بزرگداشت سوره کوثر و ادای دین به پیامبر (ص) و حکم عقل در مجموع منظومه حجیت تکریم سادات را تکمیل کرده اند. این تکریم در راستای مودت به اهل بیت (ع) است و امید به رضای الهی در آن است. این تکریم در طول تاریخ بستر ساز بسیاری از تحولات اسلام خواهانه مانند بیداری اسلامی بدست رهبران سید در جوامع اسلامی بوده است که می تواند استمرار داشته باشد. (یافته ها) اگر نخبگان سادات برای نقش آفرینی در بیداری اسلامی اراده کنند قطعا مردم به دو دلیل حق طلبی و ارادت قلبی به سادات به دعوت ایشان لبیک خواهند گفت. (نتیجه) کلیدواژه ها: اهل بیت (ع)، مودت، تکریم سادات، بیداری اسلامی.

۱. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی قرآن و متون اسلامی گروه قرآن و متون اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران. <https://orcid.org/0000-0002-2709-0136>  s_saeid_hosseini_r@yahoo.com

۲. دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران.

مقدمه

مودت و محبت اهل بیت (ع) در میان همه پیروان مذاهب اسلامی معروف و مشهور است که این از پشتوانه قرآنی و روایی برخوردار است. اما در جهان اسلام اغلب، سادات یعنی نسل غیر معصوم پیامبر (ص) نیز مورد تکریم قرار می‌گیرند. اگر چه این تکریم نیز به تبع تکریم اهل بیت (ع) است لکن سوالاتی را به ذهن متبادر می‌کند که از این دسته است: ۱. علت واقعی این تکریم چه می‌تواند باشد؛ تکریم سادات حجیت شرعی دارد یا عملی است که مسلمانان در طول تاریخ در راستای محبت و تکریم خاندان پیامبر (ص) به امید رضا و قرب الهی انجام می‌دهند؟ ۲. با توجه به تحولات اجتماعی-سیاسی در سراسر جهان اسلام نقش تاریخی و جایگاه سادات در میان مسلمانان چه بوده است؟ ۳. امروزه که در جهان اسلام بارقه امید به بیداری اسلامی در دل علاقه‌مندان و مسلمانان روشن شده است نقش تکریم سادات در بیداری اسلامی با توجه به جایگاه اجتماعی-سیاسی ایشان در بستر تاریخ از آغاز تاکنون چه می‌تواند باشد؟

برخی معتقدند از لحاظ تاریخی و سیر تحولات اجتماعی-سیاسی، تکریم سادات کارکردهایی داشته است. این پژوهش ابتدا با سیر منطقی علت تکریم سادات را بررسی کرده و یافته‌های آن را چارچوبی برای پژوهش در نقش و کارکرد این تکریم در جوامع اسلامی در بستر تاریخ، قرار داده و بررسی می‌کند. زیرا با توجه به شرایط کنونی جهان اسلام بهره‌وری از همه ظرفیتها در بیداری اسلامی به نحو احسن و اکمل لازم است. تاکنون ظرفیت اجتماعی-سیاسی سادات در جهان اسلام بررسی نشده است که ضروری است در پژوهشی به آن پرداخته شود. تعریف بیداری اسلامی و مراحل و عوامل آن در این پژوهش از بیانات مقام معظم رهبری اقتباس شده است. همچنین این پژوهش بنای بر انکار نقش غیر سادات اعم از علما، اندیشمندان و سیاستمداران در تحولات و نیز بیداری اسلامی را ندارد. بلکه با توجه به تکریم خاص سادات از جانب مسلمانان در صدد کشف نقش و کارکرد تکریم ایشان در بیداری اسلامی است.

پیشینه

از حیث پیشینه مقالات، کتب و پایان نامه‌های نوشته در راستای موضوع این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند که برخی از پژوهش‌های گذشته در زمره مقالات بدین شرح است: مقاله‌ای از قربانعلی کناررودی و سهیلا نعیمی با عنوان: «علل تداوم حکومت سادات آل کیا در گیلان»؛

مقاله از حسن الهیاری با عنوان: «تحلیل تاریخی حذف حکومت سادات کیایی توسط صفویان (با تاکید بر مبانی نظری)»؛ مقاله‌ای از سیاوش یاری و همکاران با عنوان: «رابطه سادات و حاکمیت؛ مبانی و معیارهای نفوذ سیاسی و اقتدار سادات در حکومت ایلخانان مغول»، مقاله‌ای از سید هاشم آغاجری و حسن الهیاری با عنوان: «جایگاه سادات در منصب کلانتری در دوره صفویه»؛ مقاله‌ای از محمد عباسی و جمشید نورورزی با عنوان: «نقش سادات مهاجر حضرمی در امور سیاسی، دینی، علمی و فرهنگی کوچگاه‌ها؛ مطالعه موردی: شبه قاره هند و جنوب شرق آسیا (قرون ۱۴۱۰ ق)»؛ مقاله‌ای از علی بحرانی پور و فاطمه حاجی آبادی با عنوان: «واکاوی جایگاه و نقش سادات در تحولات سیاسی - اجتماعی شبه قاره هند (۳۸۰-۹۳۲ ه. ق)» و همچنین از حیث کتابشناسی در راستای پیشینه این پژوهش باید اشاره کرد به کتابی از رضا جعفری نوقاب با عنوان: سادات حسینی در عصر مروانیان؛ کتابی از ابوالفضل حسن آبادی با عنوان: سادات رضوی در مشهد از آغاز تا پایان قاجاریه؛ کتابی از سید مرتضی میر تبار با عنوان: سادات در ایران: تأثیر مهاجرات سادات بر گسترش تشیع در ایران؛ کتابی از طالب مروج بلخابی با عنوان: و رود سادات در افغانستان؛ کتابی دیگر از طالب مروج بلخابی با عنوان: در پنهان: شمه‌ای از فضائل سادات «روابط متقابل سادات و مردم» کتابی از اشرف علی کربلایی با عنوان: حکومت شیعی سادات نیشابور در شمال هند کتابی از سید عبدالرحمن حسینی نقشبندی با عنوان: سادات نقشبندی و جنبش‌های ملی کرد در گذر تاریخ و ... و نیز در زمره پایان نامه‌های همسو با موضوع این پژوهش باید از پایان نامه‌ای با عنوان: نقش سادات در ایران عهد بویان، استاد راهنما: مریم معزی، استاد مشاور: هادی وکیلی، دانشجو: مجتبی حسینی کفشدار؛ پایان نامه‌ای با عنوان: بررسی نقش و جایگاه سادات در ساختار سیاسی - اداری تیموریان، استاد راهنما: حسن صادقی سمرجانی، استاد مشاور: غلام محمد محمدی خرم آبادی، دانشجو: حسن مقام پور و ... نام برد. اما وجه تمایز این پژوهش علاوه بر نگاه به مقوله تکریم سادات نقش ایشان در جهان اسلام و مقدار تأثیر ایشان در نهضت بیداری اسلامی است که این از نوآوری‌های این پژوهش است و هیچکدام از مقالات، کتب و پایان نامه‌های نام برده از این دریچه به جایگاه سادات نزد مردم و کارکرد آن نپرداخته‌اند.

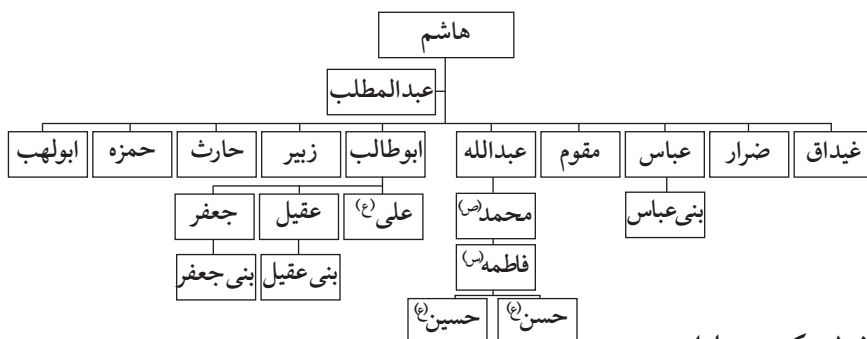
روش تحقیق

در این پژوهش که نوع آن کاربردی است، با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع معتبر کتابخانه‌ای تلاش شده است که در سیری منطقی مسائل پژوهش مُتَقَن پاسخ داده شده و نتیجه‌گیری حاصل شود.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. سادات

سید واژه‌ای عربی در اصل سیّد (پیش از اعلان) بوده و جمع آن سادات است. به معنای آقا، سرور، رب، مالک، شریف و فاضل است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۳: ۲۲۹) نسل هر انسانی فرزندان وی در دوران مختلف را گویند که اصطلاحاً به کسانی که نسبشان به هاشم بن عبد مناف جدّ پیامبر (ص) می‌رسد سید گفته می‌شود (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰ ق، ج ۴: ۳۰۶) اما امروزه در عرف به فرزندان غیر معصوم پیامبر (ص) از نسل فاطمه زهرا (س) و حضرت علی (ع) به فرزندان ذکور «سید» و به فرزندان آنات «سیده» یا «پسوند سادات» گفته می‌شود. تاریخ دقیق استفاده از واژه سید برای نوادگان پیامبر (ص) مشخص نیست اما به نظر می‌رسد در قرن چهارم رایج بوده است. (قمی، ۱۳۸۵: ۶۸۷ و ۷۵۹؛ ابن حوقل، ۱۹۳۸، ج ۱: ۲۴۰) البته واژگان دیگری همچون؛ شریف، نقیب (مذکر) شریفه، نقیبه، بی بی، بیگم (مؤنث) (روضاتی، ۱۳۳۵: ۳۴-۳۷)، علوی برای مذکر و علویه برای مؤنث (کحالة، ۱۴۱۴ ق، ج ۵: ۳۴۴)، میر و شاه نیز برای سادات بکار رفته است. همچنین کیا، امیر، میرزا و بیگ نیز گفته شده است. (حسینی اشکوری، ۱۴۱۹ ق: ۵۳-۵۷) در اندونزی سادات از احترام بسیار ویژه‌ای برخوردارند به ایشان حبیب می‌گویند. (www.ganaislamika.com/melacak-asal-usul-habib)، آیت الله العظمی سید حسین طباطبائی بروجردی (۱۳۴۰) نسل سی و دوم امام حسن (ع) است. (دوانی، ۱۳۷۹، ج ۱۲: ۶۹-۹۵) لذا به نظر می‌رسد سادات کنونی حدوداً نسل سی و پنجم پیامبر (ص) می‌باشند. نمودار بنی هاشم به نقل از (خرگوشی، ۱۳۶۱: ۱۹۱) به شرح زیر است:



۱-۲. تکریم سادات

احترام، اکرام، مدح، گرمی داشتن و احسان به سادات آگاهانه یا ناخودآگاه به صورت پایدار در قرون متمادی از سوی مذاهب و جوامع مختلف اسلامی تکریم سادات می باشد.

۲. دلایل تکریم سادات

در اغلب جوامع اسلامی سادات مورد تکریمند علت این اکرام چیست؟ پاسخ این سؤال از دو حیث قابل بررسی است: ۱. تشریع قانون تکریم سادات از جانب پروردگار؛ ۲. سیره مسلمانان به امید کسب قرب و رضای الهی. اگر بخواهیم از حیث اول بررسی کنیم عمدتاً به یک آیه و یک سوره در قرآن استناد می شود و چندین روایت در توصیه به احترام و تکریم به سادات، که به ترتیب بررسی خواهد شد:

- آیه مودّت

«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛ (شوری، آیه ۲۳) بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم. واژه «مودّت» اسم مصدر (فیومی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲: ۶۵۳) و از ریشه «وَدَدَ (وَدَّ)» می باشد. و معنای آن همان معنای محبّت و دوست داشتن چیزی یا کسی است و مشتقات آن معنای آرزو داشتن و تمایل زیاد برای بدست آوردن چیزی نیز می دهد زیرا این آرزو و تمایل متضمن محبت زیاد است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۸۶۰؛ ابن فارس، ۱۳۹۹ ق، ج ۶: ۷۵)، مثلاً در آیه: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً؛ [خداوند] در بین شما دوستی و رحمت قرار داد» (روم، آیه ۲۱). و نیز: «سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا؛ بزودی (خدای) گسترده مهر، برای آنان محبّتی (در دل ها) قرار می دهد» (مریم، آیه ۹۶). اگر بعد از آن واژه «لو» بیاید معنای آرزو داشتن می دهد: «وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ؛

کافران آرزو دارند که شما از اسلحه‌ها و متاع‌های خویش غافل شوید» (نساء، آیه ۱۰۲). مودّت الهی رعایت حال بندگان از جانب خدا نیز گفته شده است. (راغب: همان) غالباً گفته شد مودّت و محبت را مطابق هم هستند، در حالی که اندک تفاوتی دارند و آن اینست که مودّت آثار و تبعات ظاهری و عملی همچون تسلیم بودن و تأثیر پذیری دارد بر خلاف محبت که قلبی است. (طباطبایی، ۱۳۷۵، ج ۱۶: ۱۶۶) یکی از اسماء الهی نیز ودود بودن است [که ناشی از فیض رسانی به بندگان از طریق نعمت‌ها می‌باشد]. «إِنَّ رَبِّيَ رَحِيمٌ وَدُودٌ» (هود، آیه ۹۰). (راغب: همان). معرفت نیز از لوازم مودّت است.

مراد از قربی در آیه مودت

مصدر از ریشه «قُرب» است، در لغت: به معنای نزدیک کردن که نقیض «بُعد» (دوری) است. (ابن منظور، همان، ج ۱: ۶۶۲)، بنا بر نظر راغب چند وجه دارد که همگی در قرآن استعمال شده است: ۱. قرب مکانی (توبه، آیه ۲۸)؛ ۲. قرب زمانی (انبیاء، آیه ۱)؛ ۳. قرب مقام و منزلت (نساء، آیه ۱۷۲، آل عمران، آیه ۴۵ و واقعه، آیه ۱۰-۱۱)؛ ۴. قرب در رعایت (فرو دستان) (بقره، آیه ۱۸۶، اعراف، آیه ۵۶)؛ ۵. قرب اقتداری (واقعه، آیه ۸۵، ق، آیه ۱۶)؛ ۶. قرب نسبی (نساء، آیه ۸). (راغب، همان: ۶۶۳-۶۶۵) قُربای هر شخصی را، رحم و نزدیکیان وی گویند. (فیومی، همان، ج ۲: ۴۹۵). و گفته شده است که چون «فی» ظرف است پس قربی ظرف مودّت است. (زمخشری، همان، ج ۴: ۲۱۹) در واقع آیه شریفه می‌گوید: «از شما هیچ پاداشی بر این (رسالت) نمی‌طلبم جز مودّتی که در نزدیکیانم جای گیرد».

مقصود از خاندان پیامبر (ص)، کسانی اند که از چنان مقام و منزلت معنوی والایی برخوردارند که مودّتشان با رسالت رسول خدا برابری می‌کند و می‌تواند به عنوان پاداش رسالت به شمار آید و زمینه ساز دستیابی به طریق راستین حقیقت باشد. چنین افرادی از ویژگی افضلیت و عصمت برخوردارند و در نتیجه دارای مقام امامت و رهبری امت اسلامی پس از رسول گرامی می‌باشند. (حلی، ۱۹۸۲ م: ۱۷۵ و ۱۳۷۹: ۱۲۲) لذا غیر از امامان دوازده گانه اهل بیت (ع) کسی از ویژگی افضلیت و عصمت مطلقه و در نتیجه مقام امامت برخوردار نیست. (رک: ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۶: ۶-۲۵).

- سوره کوثر

«عرب کسی را که پسر نداشت «ابتر» (یعنی بلا عقب) می‌نامید، و لذا برخی از معاندان «قریش» این نام را بعد از فوت پسر پیامبر (ص) برای حضرت انتخاب کرده بود (سوره فوق نازل شد و پیغمبر اکرم (ص) را به نعمت‌های بسیار و کوثر بشارت داد، و دشمنان او را ابتر خواند). توضیح این که: پیامبر (ص) دو فرزند پسر از بانوی اسلام «خدیجه» داشت: هر دو از دنیا رفتند، این موضوع زبان بدخواهان «قریش» را گشود، و کلمه «ابتر» (یعنی بلا عقب) را برای حضرتش انتخاب کردند. آن‌ها طبق سنت خود، برای فرزند پسر اهمیت فوق العاده‌ای قائل بودند، او را تداوم بخش برنامه‌های پدر می‌شمردند، بعد از این ماجرا، آن‌ها فکر می‌کردند با رحلت پیامبر (ص) برنامه‌های او به خاطر نداشتن فرزند ذکور، تعطیل خواهد شد و خوشحال بودند. سوره فوق نازل شد و پیامبر (ص) را به نعمت‌های بسیار و کوثر بشارت داد. قرآن مجید نازل شد و به طرز اعجاز آمیزی در این سوره، به آنها پاسخ گفت، و خبر داد: دشمنان او ابتر خواهند بود، و برنامه اسلام و قرآن هرگز قطع نخواهد شد، بشارتی که در این سوره داده شده از یکسو، ضربه‌ای بود بر امیدهای دشمنان اسلام، و از سوی دیگر، تسلی‌خاطری بود به رسول الله (ص) که بعد از شنیدن این لقب زشت و توطئه دشمنان، قلب پاکش غمگین و مکدر شده بود». (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۲۷: ۳۹۵) لذا مسلمانان در طول تاریخ علاوه بر تکریم و تعظیم اهل بیت (ع) خاصه دختر پیامبر (ص) فاطمه زهرا (س) معتقدند که عقل و وجدان حکم می‌کند با توجه به مفاد آیه: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» (کوثر، آیه ۱) که در نتیجه تحقیر برای مقطوع النسل بودن و توهین به پیامبر (ص) به دلیل نداشتن فرزند ذکور نازل گشته است (واحدی، ۱۴۱۱ ق: ۴۹۴) و اینکه خداوند عطیه بزرگ و بی بدیل خویش را که همان نسل پی در پی ایشان تا قیامت است را کوثر نامیده است که هم از نظر تعداد و هم از حیث کیفیت و برجستگی شخصیت‌های ایشان در همه زمینه‌ها موجب مباهات است، سادات نیز باید تکریم شود.

- روایات تکریم سادات

محبت به اهل بیت (ع) در طول تاریخ توسط علاقه‌مندان به ایشان توسعه مفهومی پیدا کرده و شامل فرزندان ایشان نسل در نسل شده است که استناد آن‌ها عمدتاً روایات است که برخی از آنها بررسی می‌شود: از پیامبر (ص) روایت شده است: «أربعة أنا لهم شفيع يوم القيامة: المكرم

لذیتی و القاضی لهم حوائجهم و الساعی لهم فی أمورهم عند ما اضطروا الیه و المحب لهم بقلبه و لسانه» (قندوزی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۴۶۴) چهار نفرند که روز قیامت، من شفیع آنها خواهم بود: کسی که پس از من، فرزندانم را گرامی بدارد؛ کسی که نیازهای آنان را بر آورده سازد؛ کسی که وقتی آنان به او محتاج شدند، در رفع گرفتاری هایشان بکوشد؛ و کسی که با دل و زبان خویش، آنان را دوست بدارد.

این روایت در عیون اخبار الرضا (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲: ۲۳۰) و نیز در أمالی شیخ طوسی (۱۴۱۴، ج ۱: ۳۶۶) نقل شده است. به نظر می‌رسد واژه «ذیتی» که در روایت محور سفارش رسول خدا قرار گرفته است در آن توسعه مفهومی صورت گرفته است و معنای آن به همه فرزندان ایشان نسل در نسل توسعه پیدا کرده است. شبیه این روایت در توصیه به اکرام و احترام و یا شرط وصول شفاعت پیامبر (ص) و غیره دیده می‌شود اما در همه آنها واژه «ذیتی»، «ذریه»، «ذریتنا»، «ذریتهما» که مراد از ضمیر هما، امام حسن و امام حسین (ع) است، دیده می‌شود. (رک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۳: ۲۲۰-۲۲۵؛ ج ۸: ۳۷؛ ج ۹۶: ۲۲۵؛ ج ۴۳: ۸۵؛ ج ۱: ۵۲۸؛ ج ۹۶: ۲۱۸؛ مستنبط، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۸۶؛ ج ۱: ۸۴۱). اما روایاتی هست که واژه «اولادی» یا «ولدی» را آورده است (ر.ک: مستنبط، همان، ج ۱: ۱۶۸؛ نوری، ۱۴۲۵، ج ۱۲: ۳۷۶؛ ابن جوزی، ۱۴۱۸، ص ۳۲۵ و ۲۲۵؛ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶: ۳۳۴).

قدر متیقن این روایات چه «ذریه» و چه «ولد»، یازده امام معصوم (ع) فرزندان حضرت زهرا (س) و امیرالمؤمنین (ع) هستند و در صورت تعمیم این احترام و اکرام بایستی توسعه در مفهوم و مصداق داده شود. و فقط به یک روایت می‌توان استناد کرد که معنایی فراتر از چهارده معصوم را برساند و آن روایت حضرت زهرا (س) است که در واپسین لحظات عمر به امام علی (ع) وصیت کرد: «... وَ أَقْرَأُ عَلَى وُلْدِي السَّلَامُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (مجلسی، همان، ج ۳: ۲۱۴)؛ ... به فرزندان من تا قیامت سلام برسان. که این نیز می‌تواند کنایه از شأن و عظمت فرزندان حضرت زهرا (س) باشد زیرا یقیناً امام علی (ع) نمی‌توانستند تا قیامت عمر کنند که سلام ایشان را به فرزندان ایشان برسانند.

در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که حضرت ذیل آیه شریفه: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ؛ همانا خدا، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان (برتری داد، و) برگزید» (آل عمران: ۳۳). می‌فرماید: «ولا يكون الذرية من

القوم الا نسلهم من اصلاهم» این روایت در برخی منابع به سند: ابی عمرو الزبیری آمده است که می‌گوید از امام صادق (ع) پرسیدم که چه حجت شرعی در قرآن آمده است که مقصود از آل محمد، اهل بیت (ع) هستند؟ امام (ع) پاسخ فرمودند: قول خدای متعال: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ و...» و در ادامه فرمودند: آل محمد (ص) همان آل ابراهیم هستند و [مراد از آل همان] ذریه ایشان [و مراد از ذریه همان] فرزندان ایشان از نسل ایشان است. (عیاشی، بی تا، ج ۱: ۱۷۰؛ مجلسی، همان، ج ۲۳: ۲۲۷) در این روایت نیز بعید به نظر می‌رسد با توجه به قرینه سؤال ابی عمرو زبیری درباره تطبیق آل محمد (ص) با اهل بیت (ع) مراد حضرت از «ذریه» و «نسلهم من اصلاهم» نسل‌های غیر معصوم کنونی باشد. بدیهی است بحث واژگانی فوق فقط در مستندات محبت به نسل پیامبر (ص) می‌باشد، وگرنه در برخی آیات قرآن مراد از ذریه همه نسل جد مشترک دور دست بوده است مانند آیه نسل حضرت ابراهیم (ع) که برخی از ذریه وی نیکوکار، و برخی ستم کار بوده‌اند: «وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ مُبِينٌ» (صافات، آیه ۱۱۳) و نیز گروهی هدایت یافته و بسیاری فاسق بودند: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النَّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُّهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ» (حدید، آیه ۲۶) و چون خداوند ابراهیم را پیش از این آگاه کرده بود که گروهی از فرزندان او ستم‌کار خواهند بود و عهد خدا (امامت) به آنان نمی‌رسد: «قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره، آیه ۱۲۴)، لذا ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع)، دعا کردند که خداوند برخی از فرزندان را «امتی مسلمان» قرار دهد. «وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ... رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً». (بقره، آیات ۱۲۷-۱۲۸). (طبری، همان، ج ۲: ۲۴-۲۰). حائز اهمیت است که دلالت روایات فوق بر نسل غیر معصوم پیامبر (ص) را قاطعانه نمی‌توان رد کرد و در حد مفید ظن می‌توان به عنوان مؤید از آنان بهره جست.

- تکریم سادات به امید رضای الهی

همانگونه که بررسی شد شأن نزول آیه مودت و سبب صدور روایات تکریم فرزندان پیامبر (ص)، اهل بیت (ع) هستند. در طول تاریخ این مودت و علاقه توسعه مفهومی به نسل غیر معصوم پیامبر (ص) پیدا کرده است که این نیز در راستای همان مودت اهل بیت (ع) است. غالب مسلمانان از شدت علاقه و محبت سرشاری که به خاندان پیامبر (ص) دارند هر نشانه و اماره‌ای

را که یاد و ذکر ایشان را زنده کند و انفعال قلبی ایجاد کند دوست داشته و در راستای محبت به اهل بیت (ع) آن را نیز تکریم می‌کنند. بارزترین علامتهای تداعی کننده یاد اهل بیت (ع) نسل ایشان هستند که مردم با وجود علم به اینکه ایشان غیر معصومند و به غیر از اتصال نسبی به اهل بیت (ع) با دیگران هیچ فرقی ندارند، با این حال ایشان را تکریم و تعظیم کرده و ظنّ به رضای الهی در این تکریم دارند.

بدین سان نزد مسلمانان تکریم سادات، تکریم اهل بیت (ع) است و این به تبع حکم عقل است که «حبّ به شیء مستلزم حبّ به آثار و لوازم آن شیء است». (سبزواری، ۱۳۸۳: ۱۷۶). گرچه قرآن کریم تنها راه سعادت و تکریم بندگان را در تقوی بیان کرده است. پیامبر (ص) اگر چه معصوم است و منزل وحی، اما این در اثر شدت قرب الهی، ورع و تقوی و خلق عظیم به ایشان اعطا شده است. با تمام مرارت‌ها در میان خشن‌ترین و سرسخت‌ترین قوم به تبلیغ پرداخت و بعد از مشقت فراوان و جنگ‌ها و سرایای زیاد و حصر شدید شعب ابیطالب و مهاجرت و ... موفق شد جامعه اسلامی را بنا کند و انسان‌های زیادی به اسلام ایمان آوردند و این قرون متمادی ادامه پیدا کرد تا هنگامی که وعده الهی محقق شود. حال خداوند به پیامبرش فرموده: «بگو: از شما هیچ پاداشی بر این (رسالت) نمی‌طلبم جز دوستی در (مورد) نزدیکان» و نزدیکان ایشان همان فاطمه (س) و علی (ع) و فرزندان ایشان تا امام دوازدهم می‌باشند. که همگی افضل مخلوقات در علم و عمل بوده و در نهایت جانفشانی برای اسلام به شهادت رسیدند در حالی که امامان معصوم و جانشینان پیامبر (ص) بودند. و مودّت شامل نسل غیر معصوم ایشان نمی‌شود چنانکه حضرت ابراهیم (ع) بعد از قبولی در آزمایشات سخت الهی، به مقام امامت رسید و بعد از رسیدن به این مقام در پی درخواست مقام برای فرزندان خود آمد که خداوند این مقام را فرزندان غیر معصوم شایسته نداشت. (بقره، آیه ۱۲۴)

۳. تکریم سادات و بیداری اسلامی

با توجه به بررسی علت تکریم سادات در جوامع اسلامی که به نظر می‌رسد شامل مجموعه قرائن قرآنی، روایی، حکم عقل و ظنّ به رضای الهی در تکریم سادات در راستای تکریم اهل بیت (ع) باشد، نقش ایشان در تحولات اجتماعی-سیاسی بررسی می‌شود که از مهمترین این تحولات در جهان امروز مسئله بیداری اسلامی است. بیداری اسلامی در نگاه مقام معظم رهبری

عبارت است از، ایجاد یک حالت برانگیختگی و آگاهی‌ای در امت اسلامی که به تحولات و دگرگونی‌های بیرونی منجر می‌شود (اجلاس بین المللی بیداری اسلامی ۱۳۹۰/۶/۲۶). در نگاه ایشان سخن از بیداری اسلامی سخن از یک مفهوم نامشخص و مبهم و قابل تأویل و تفسیر نیست؛ بلکه این مفهوم به معنای یک واقعیت خارجی مشهود و محسوس است که فضا را انباشته و قیامها و انقلابهای بزرگی را پدید آورده و مهره‌های خطرناکی از جبهه‌ی دشمن را ساقط کرده و از صحنه بیرون رانده است. (وبسایت مقام معظم رهبری)، نکته حائز اهمیت این است که با توجه به جایگاه سادات نزد مسلمانان بخصوص مردم منطقه و محل ظهور و بروز ایشان، می‌توان از این ظرفیت برای تولد و تحرک بیداری اسلامی بهره برد کما اینکه در قرون گذشته علی‌الخصوص دو قرن اخیر که جریان بیداری اسلامی شکل گرفته است، حمایت مردمی مهمترین عامل این شکل‌گیری بوده است. که نقش سادات تاثیرگذار در آن بررسی خواهد شد.

۱-۳. حضور سادات در تحولات جهان اسلام

سادات در این ۱۴ قرن متمادی، کما و کیفاً تأثیر گذارترین خاندان بوده‌اند. (مطالعه بیشتر: ابن عنبه: ۱۳۸۰ ق؛ حسینی: ۱۳۹۸؛ رجایی: ۱۳۸۵؛ حقی: ۱۴۲۴ ق) مصداق بارز کوثر بودن ایشان در شهادت و ایثار، شهدای فراوان از ایشان است که در کتاب مقاتل الطالبیین ابوالفرج اصفهانی (۳۵۶ ق) بخشی از ایشان ذکر شده و در علم و دانش، دانشمندانی چون سید رضی و سید مرتضی و فقها، متکلمان، مفسران و حکمای شیعه که بخشی از ایشان در کتاب الذریعه آقا بزرگ تهرانی (۱۳۴۸) ذکر گردیده است. و در نهایت سید جمال و امامین انقلاب اسلامی سید روح الله موسوی خمینی ره (۱۳۶۸) و سید علی خامنه‌ای (متولد ۱۳۱۸) که در دوران معاصر در کنار سادات تأثیر گذار دیگر همچون شهید سید محمد باقر صدر (۱۴۰۰ ق) و امام موسی صدر (مفقود در ۱۹۷۸) و دیگران، پایه‌های تمدن نوین اسلامی را بنا نهاده‌اند. جمعیت کنونی سادات جهان حدود یکصد میلیون نفر تخمین زده می‌شود. (www.irna.ir) که در نوع خود از هیچ نسل شناخته شده‌ای با جدّ دوردست مشترک نظیر ندارد.

۱-۳-۱. غرب آسیا

منطقه بین النهرین اصلی‌ترین و مهمترین خواستگاه نسل پیامبر (ص) بوده است. وجود

دارالحکومه علوی در کوفه، قیام حسینی در کربلا و به تبع آن مشاهد مشرفه اهل بیت (ع) در ایران و عراق پراکندگی امامزادگان در این منطقه که ریشه در مظلومیت ایشان و فرار از دست ستم بوده است و مقابر ایشان همواره محلی برای انس و آرامش مومنان شیعه و سنی بوده که از دلایل حضور سادات است. به طور نمونه در کردستان عراق که خاندان سادات برزنجی خاندانی کُرد از شیوخ طریقت نوربخشیه و قادریه در سلیمانیه می‌باشند. و منسوب به امام کاظم (ع) هستند (ادموندز، ۱۳۶۷، ج ۱: ۸۰ و ۸۳-۸۴) و خاندان سادات پیرخضری از نوادگان امام رضا (ع) سکونت دارند. (میرزایی، ۱۳۷۸: ۱۴۲) که در آن منطقه نزد همگان محترم شمرده می‌شوند. و این خاندان در کردستان ایران نیز سکونت دارند (همان) اساساً وجود امامزادگان فراوان در منطقه کردستان ایران و حضور بیش از ۲۲ خاندان بزرگ سادات این منطقه را متفاوت کرده است. (صفی زاده، ۱۳۶۷: ۲۴۵) در دیگر نقاط ایران و عراق سادات فراوانی حضور دارند. به طور نمونه سلسله سادات طباطبایی که منسوب به محمد بن ابراهیم (۱۹۹ ق) مشهور به ابن طباطبا می‌باشند. (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۵ ق: ۳۴۳)، و نیز: سادات حسینی: از نسل فرزندان امام سجاد (ع)؛ و نیز: سادات محمدی که از نسل محمد اکبر معروف به حنفیه بوده و خود شاخه‌ای از سادات علوی محسوب می‌شوند به طور نمونه خاندان عقیلی اصفهانی جزو این دسته است. ساداتی نیز در کشور عراق وجود دارند که منسوب به حضرت عباس (ع) هستند. و نیز: سادات موسوی: از نسل فرزندان امام کاظم (ع)؛ از این دسته‌اند. و نیز: سادات رضوی از نسل احمد بن موسی مبرقع (۲۹۶ ق) فرزند امام جواد (ع)؛ جزو این قسم هستند. و نیز: سادات هاشمی: از نسل عقیل و جعفر از فرزندان ابو طالب (ع)؛ از این گروه هستند. (www.solale.ir) اما در لبنان بیش از سی خاندان بزرگ سادات از قرن سوم به بعد حضور دارند که مهمترین ایشان سادات شرف الدین که علامه سید حسین شرف الدین (۱۳۷۷ ق) از این نسل است (الامین، ۱۳۸۰ ق، ج ۱: ۳۶)، سادات صدر که از تأثیر گذارترین شخصی‌های معاصر یعنی امام موسی صدر از ایشان است. و نیز: آل فضل الله که سید حسین فضل الله (۱۴۳۱ ق) از ایشان بود. و همچنین سادات رضویان نوادگان جعفر کذاب فرزند امام هادی (ع) نیز در لبنان سکونت دارند. (سعیدی زاده، ۱۳۸۴: ۱۳۵-۱۴۹)، و نیز سادات عربستان که از نسل برخی از سادات نامبرده شده در عراق، ایران و لبنان هستند اما در عصر کنونی چهره مهم ایشان سید هاشم الشخص از نوادگان ابراهیم مجاب از فرزندان امام کاظم (ع) است. (الشخص، ۱۴۲۸ ق: ۱۰۱)، سادات

یمن سلسله مهم دیگر نسل پیامبر (ص) هستند ایشان که حکومتی با قدمت حدود هزار سال در این منطقه بنا کرده‌اند. گفته شده از آغاز تا این اواخر، ۶۶ امام زیدیه از این خاندان فرمان‌روایی کردند: ۵۹ تن از نسل الهادی یحیی بن حسین بن قاسم بن ابراهیم طباطبا، ۵ تن از نسل یکی از نوادگان امام حسن (ع) و ۲ تن از نوادگان علی بن محمد (ع) امام دهم شیعیان بود (الامین، ۱۳۹۵ ق، ج ۱۱: ۷۰-۷۱).

۲-۱-۳. دیگر نقاط دنیا

در اندونزی حضور سادات و تکریم ایشان بسیار پر رنگ است. و از تأثیر گذارترین خاندان در این کشور می‌باشند. (دلیار، ۱۳۷۰: ۳۰۲)، در برونی، مالزی و فیلیپین نیز سادات به ریشه خود افتخار و دیگر مسلمانان ایشان را تکریم می‌کنند و پادشاه برونی خود را از نسل شریف علی از سادات مهاجر به شرق آسیا می‌داند. و نکته حائز اهمیت این است که همه سادات برونی، فیلیپین، مالزی و اندونزی متفق القول نسل خود را منشعب از امام حسن (ع) و امام صادق (ع) می‌دانند. (شهاب، ۱۴۲۶: ۶۳-۷۲) و نیز حضور ایشان در سنگاپور و تایلند که خود را همچون سادات اندونزی و مالزی سادات حسینی نامیده و از نسل امام سجاد (ع) می‌دانند گزارش شده است. (Jacobsen, 2009, p. 19-22) و نیز سادات در شبه قاره هند که از قرن هفتم در این کشور حضور داشته و نزد همه ادیان و مذاهب قابل احترام و تکریم‌اند. (نهایندی، ۱۹۲۵ م، ج ۳: ۷۳۴) و در گذشته ایشان که باره سادات نامیده می‌شدند در تحولات سیاسی و اجتماعی تأثیر گذار بوده‌اند. (لاهوری، ۱۸۶۸ م، ج ۲: ۴۳-۴۴) بعدها این گروه از سادات قدرت خویش را از دست دادند (خافی خان، ۱۹۲۵ م، ج ۳: ۸۹۷) امروزه سادات در هند و پاکستان بخصوص مناطق کشمیر و پاراچنار محترمند. (نهایندی، همان) و شهدایی چون سید عارف حسین حسینی (۱۹۸۸) را در راه مبارزه و روشنگری تقدیم نموده‌اند. و نیز در آفریقا بخصوص مراکش سادات حضور چشمگیری داشته و بسیار مورد اکرام هستند گفته شده تعدا ایشان بیش از یک میلیون نفر است و به ادریسی یا العلوی مشهورند که پادشاه مراکش نیز از ایشان است. (واعظ زاده، ۱۳۷۳: ۹) همچنین در مصر و سودان نیز وجود دارند. (همان: ۳۲) در افغانستان، آسیای میانه، ترکیه، چین و... حضور سادات و تکریم ایشان گزارش شده است. (همان) حائز اهمیت است که حضور سادات در اقصی نقاط دنیا در طول تاریخ همواره با مبارزه با حاکمان ظالم همراه بوده است. که سرآغاز مهم آن قیام امام حسین (ع) بوده است

و در دوران معاصر در همه تحولات اعم از انقلاب اسلامی ایران و شکل گیری جبهه مقاومت در لبنان و یمن و... نقش سادات برجسته است. لذا به نظر می‌رسد تکریم سادات هم می‌تواند وحدت آفرین باشد و هم الگویی برای بیداری اسلامی در دوران کنونی است.

۲-۳. نقش سادات در بیداری اسلامی معاصر

در نگاه اندیشمندان خاصه مقام معظم رهبری بیداری اسلامی عواملی دارد که بدین شرح است:

۱-۲-۳. شکست الگوهای غیر اسلامی و رشد اسلام خواهی

از ابتدا سادات نقش مهم و برجسته‌ای در روشنگری جوامع اسلامی و ترغیب ایشان برای بازگشت به اسلام داشتند شاید مهمترین ایشان در قرن گذشته سید جمال الدین اسدآبادی (۱۳۱۴ ق) باشد. مقام معظم رهبری درباره وی و حرکت اسلام خواهانه او می‌فرماید: «سید جمال کسی بود که برای اولین بار بازگشت به اسلام را مطرح کرد کسی بود که مسأله حاکمیت را و خیزش و بعثت جدید اسلام را اولین بار در فضای عالم بوجود آورد... او مطرح کننده، به وجود آورنده و آغازگر بازگشت به حاکمیت اسلام و نظام اسلام است. این را نمی‌شود دست کم گرفت و سید جمال را نمی‌شود با کس دیگری مقایسه کرد. در عالم مبارزات سیاسی، او اولین کسی است که سلطه استعماری را برای مردم مسلمان آن زمان معنا کرد قبل از سید جمال چیزی به نام سلطه استعماری برای مردم مسلمان حتی شناخته شده نبود. او کسی بود که در ایران، در مصر، در ترکیه، در هند، در اروپا کلاً در خاورمیانه در آسیا و در آفریقا سلطه سیاسی مغرب زمین را مطرح کرد و معنا کرد و مردم را به این فکر انداخت که چنین واقعیتی وجود دارد و شما می‌دانید آن زمان، آغاز عمر استعمار بود چون استعمار در اول نشرش در این منطقه اصلاً شناخته شده نبود و سید جمال اولین کسی بود که آن را شناساند. این‌ها را نمی‌شود دست کم گرفت. مبارزات سیاسی سید جمال چیزی است که قابل مقایسه با هیچ یک از مبارزات سیاسی افرادی که حول و حوش کار سید جمال حرکت کردند نیست.» (مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی، ۳۰ خرداد ۱۳۶۰). لازم به ذکر است که سال‌های بعد در ادامه حرکت اصلاحی سید جمال افراد دیگری نیز نقش داشتند که از مهمترین ایشان سید قطب (۱۳۸۷ ق) می‌باشد. وی صاحب تفسیر مهم فی ظلال القرآن است. این تفسیر از بهترین تفاسیر ادبی- اجتماعی است که به هدف احیای نهضت اصیل اسلامی به رشته تحریر در آمد.

۲-۳. تقریب مذاهب اسلامی

یکی دیگر از عناصر بیداری اسلامی احساس ضرورت نزدیک شدن مذاهب اسلامی بخصوص علمای شیعه امامیه و الازهر مصر بود. تقریب مذاهب موجب وحدت جهان اسلام و یکپارچگی در برابر استعمار و ایادی آن می شود. همانگونه که خداوند فرموده است: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران / ۱۰۳) که اندیشمندان از سادات پیشگامان این تقریب بودند که از آنجمله می توان به آیت الله العظمی بروجردی (ره) و آیت الله سید عبد الحسین شرف الدین (۱۳۷۷ق) اشاره کرد. شهید مطهری در مقاله ای با عنوان «مزایا و خدمات آیت الله بروجردی» می نویسد: «... یکی از مزایای معظم له توجه و علاقه فراوانی بود که به مسئله وحدت اسلامی و حسن تفاهم و تقریب بین مذاهب اسلامی داشت. این مرد چون به تاریخ اسلام و مذاهب اسلامی آشنا بود، می دانست که سیاست حکام گذشته در تفرقه و دامن زدن آتش اختلاف چه اندازه تأثیر داشته است و هم توجه داشت که در عصر حاضر نیز سیاست های استعماری از این تفرقه حداکثر استفاده را می کنند و بلکه آن را دامن می زنند و هم توجه داشت که بُعد و دوری شیعه از سایر فرق سبب شده است که آن ها شیعه را شناسند و درباره آنها تصوّراتی دور از حقیقت بنمایند. به این جهات بسیار علاقه مند بود که حسن تفاهمی بین شیعه و سنی برقرار شود که از طرفی وحدت اسلامی که منظور بزرگ این دین مقدس است، تأمین گردد و از طرف دیگر، شیعه و فقه شیعه و معارف شیعه، آن طور که هست، به جامعه سنی که اکثریت مسلمانان را تشکیل می دهند، معرفی می شود. از حسن تصادف، چند سال قبل از زعامت و ریاست معظم له که هنوز ایشان در بروجرد بودند، «دار التقرب بین المذاهب الاسلامیه» به همت جمعی از روشنفکران سنی و شیعه تأسیس شده، معظم له در دوره زعامت خود تا حد ممکن با این فکر و با این مؤسسه کمک و همکاری می کرد. برای اولین بار بعد از چندین صد سال، بین زعیم روحانی شیعه و زعیم روحانی سنی شیخ عبدالمجید سلیم و بعد از فوت او به فاصله دو سه سال شیخ محمود شلتوت مفتی حاضر و رئیس جامع ازهر، روابط دوستانه برقرار شد و نامه ها مبادله گردید». (طباطبایی و دیگران، ۱۳۴۱: ۲۴۵ - ۲۴۹) علامه شرف الدین از رهبران مبارزه مردم لبنان علیه استعمار و صاحب کتب المراجعات و النص و الاجتهاد نیز نقشی بی بدیل در تقریب مذاهب اسلامی داشته است. (برای مطالعه بیشتر: ذاکری، ۱۳۹۳)، سالهای بعد امام موسی صدر علاوه بر احیای روح ماهوی شیعیان لبنان، راه وی را در تقریب مذاهب پیمود.

۳-۲-۳. تلاش شخصیت‌های بزرگ فکری، جهادی و جریان‌ساز اسلامی

اگر چه موج بیداری اسلامی امروزه سراسر جهان اسلام را فراگرفته است، اما خاستگاه اصلی آن را چهار سرزمین مهم اسلامی در سده‌ی گذشته یعنی ایران، دنیای عرب (عمدتاً مصر و شام)، ترکیه عثمانی و هند تشکیل می‌دهد. (ولایتی، ۱۳۹۰: ۱۳-۱۴). در همین راستا برخی جنبش‌ها و شخصیت‌های جریان‌ساز بدین شرح است: جنبش شاه ولی الله در هند، سنوسی در لیبی، مهدی السودانی در سودان، نهضت‌ها و جریان‌های اسلامی-اصلاحی در اندونزی (مطالعه بیشتر: موثقی، ۱۳۷۷)، اخوان المسلمین در مصر، جنبش امل و حزب الله در لبنان، انقلاب اسلامی در ایران و جنبش‌های اسلامی در تونس، الجزایر، مراکش، عربستان، عراق، بحرین، کویت، یمن، فلسطین و سوریه. مقام معظم رهبری حضور شخصیت‌های فکری و جهادی بزرگ و جریان‌ساز اسلامی در مصر، عراق، ایران، هند و کشورهای دیگری از آسیا و آفریقا در صد و پنجاه سال اخیر را پیش زمینه‌های وضع کنونی دنیای اسلام می‌دانند (اجلاس بین المللی بیداری اسلامی ۱۳۹۰/۶/۲۶).

رهبر معظم انقلاب وجود متفکران، مبارزان را در قرن گذشته بستر ساز بیداری اسلامی دانسته و می‌فرماید: «قرن گذشته قرن فریادگری فریادگران اسلام بود. از اوایل قرن که میرزای شیرازی در برخورد با کمپانی انگلیسی، آن فتوای قاطع را داد و یک ملت را به حرکت درآورد، تا واقعه‌ی مشروطیت در ایران، تا حرکت‌های اسلامی در هند، تا بیداری اسلامی در غرب دنیای اسلام و بزرگانی که سخن گفتند و سید جمال الدین‌ها و دیگران و دیگران، تقریباً قرن فریاد و قرن مبارزات بود، و قرن بعد، قرن تجربه است. این قرنی که ما امروز در آن قرار داریم، قرن تجربه است». (سخنرانی در عید مبعث ۱۳۷۰/۱۱/۱۳). تقارن حرکت روشنگرانه سید جمال در مصر و فتوای تاریخی تحریم تنباکو توسط سید محمد حسن میرزای شیرازی (۱۲۷۳ ق) در کلام مقام معظم رهبری نشان از سرآغاز بیداری اسلامی است. نکته مهم دیگر در کلام ایشان اشاره به قرن حاضر به عنوان قرن تجربه است. که این نیز در نوع خود می‌تواند تجربه تأسی و اعتماد مردم به متفکران و مبارزان اسلامی به خصوص نسل پیامبر (ص) باشد. که بسیار نزد مسلمانان قابل احترامند. مهم‌ترین از سادات در عصر کنونی خود شخصیت آیت الله العظمی خامنه‌ای می‌باشد.

۴-۲-۳. انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران که در امتداد مبارزات آزادی خواهان مسلمان همچون سید حسن مدرس شکل گرفت، همواره نامش با ولایت فقیه عجین است از بدو تأسیس ولی فقیه آن امام خمینی (ره) از تبار سادات است و امروزه در سراسر جهان اسلام آیت الله سید علی خامنه‌ای علاوه بر محبوبیت به عنوان فقیهی نواندیش و سیاستمداری کارکشته و ضد ظلم که محور مقاومت از غرب آسیا تا اقصی نقاط جهان ایشان را هادی و رهبر خویش می‌دانند شهرت دارند. و نیز آیت الله خامنه‌ای نماد مبارزه با اسرائیل و بازپس گیری فلسطین و احیای تمدن الهی اسلامی در برابر تمدن مادی غرب همواره بر استکبارستیزی بخصوص مقابله با امریکا تاکید دارد. ایشان امروزه مهمترین و تأثیر گذارترین فرد از سلسله سادات در جهان معاصر می‌باشند. متفکر تونسی جهان عرب راشد الغنوشی درباره انقلاب اسلامی ایران می‌نویسد: «انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی (ره) نمایانگر تحولی بزرگ در سطح بین المللی و منطقه بوده که حق پدیده‌ای به این گستردگی را نمی‌توان با سخنانی کوتاه ادا کرد وی بر این اعتقاد است که با وجود اینکه پایگاه اصلی انقلاب اسلامی را مذهب تشیع شکل می‌دهد، ولی این انقلاب وابسته به یک جریان جهانی فراگیر است که هدف آن برانگیختن روح اسلامی، بیداری امت و هدایت آن تا مرحله رهبری تمدن جهانی است». (غنوشی، ۱۳۷۲: ۶۵ و ۶۹).

۵-۲-۳. جبهه مقاومت اسلامی فلسطین و لبنان

نهضت بیداری اسلامی قبل از اشغال فلسطین شکل گرفت اما یکی از محرکهای مهم این نهضت، جهاد برای آزادسازی آن بود، رژیم صهیونیستی درصدد گسترش تصرفات خود در سرزمینهای اسلامی و هویت مسلمانان منطقه بود که با مقاومت گروه‌ها و نهضت‌های منطقه روبرو شد. شکست اعراب در جنگ با اسرائیل همه امیدها را تبدیل به یأس نمود محمد حسنین هیکل اندیشمند نامدار مصری، این فضا را اینگونه توصیف می‌کند: «پس از جنگ ۱۹۶۷ تمام مردم خاورمیانه ناچار شدند یک سری از اصول را مورد تجدید نظر قرار دهند، تمام آرمانهایی که پرورانده شده بود به سراب و یقینیات قبلی به دروغ تبدیل شده بود، آیا چیزی مانده بود که بتوان به آن دل بست؟ مذهب تنها پاسخ موجود بود». (هیکل، ۱۳۶۲: ۲۳۰-۲۳۱) و نیز مقام معظم رهبری از مساله فلسطین با عنوان جراحی عمیق بر پیکر امت اسلامی (خطبه نماز عید فطر

۱۳۸۷/۷/۱۰) و خنجری در پهلوی کشورهای مسلمان منطقه یاد کرده‌اند (اجلاس بین المللی بیداری اسلامی ۱۳۹۰/۶/۲۶). ایشان یکی از مبادی اصلی طغیان مسلمانان، رشد و گسترش حرکت‌های اسلام گرایانه و موج جدید بیداری اسلامی را همین مساله می‌دانند (دیدار با مسئولان نظام در روز میلاد پیامبر اکرم (ص) ۱۳۸۹/۱۲/۲). باورهای مذهبی راهی جز مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی نگذاشته بود. گروه‌های فلسطینی جنبش جهاد اسلامی و حماس از ابتدا با حمایت قاطع انقلاب اسلامی ایران به مبارزه درون فلسطینی پرداختند و حزب الله لبنان نیز که از موسسان آن سید عباس موسوی بود راه مقاومت در برابر رژیم اشغالگر قدس را پیمود و در ادامه جانشین وی سید حسن نصرالله نیز چنین کرد. مقام معظم رهبری تأثیر بحران فلسطین را در بیداری اسلامی چنین بیان داشته‌اند: «ظلم و زور گوئی روز افزون رژیم صهیونیستی و همراهی برخی حکام مستبد و فاسد و مزدور آمریکا با آن از یک سو و سر بر آوردن مقاومت جانانه فلسطینی و لبنانی و پیروزی معجزه آسای جوانان مؤمن در جنگ‌های لبنان ۳۳ و ۲۲ روزه غزه از سوی دیگر، از جمله‌ی عوامل مهمی بودند که اقیانوس به ظاهر آرام ملت‌های مصر و تونس و لیبی و دیگر کشورهای منطقه را به تلاطم در آوردند، انتفاضه اقصی حتی در خارج از مرزهای جغرافیائی فلسطین، عموم ملت‌های مسلمان و عرب را به صحنه بکشاند». (کنفرانس بین المللی حمایت از انتفاضه فلسطین ۱۳۹۰/۷/۹). (برای مطالعه بیشتر: مشتاقی، الله کرم، ۱۳۹۱)

۳-۲-۶. تأثیر گذاری سادات در دوران کنونی

در منطقه جبل عامل و سرزمین لبنان رهبر مبارزه با دشمن اسرائیل و حمایت از آرمان فلسطین یعنی سید حسن نصر الله به عنوان نماد رهبر مبارز عربی که از نسل سادات نیز می‌باشد در سراسر جهان اسلام از محبوبیت و مقبولیت فراوانی برخوردار است. (بابایی، راضیه؛ غفاری، زاهد، ۱۳۹۸: ۲۰۳-۲۳۴) حائز اهمیت است که علاوه بر مردم نظام سیاسی و اجتماعی کشور سوریه که از سال ۲۰۰۷ تا کنون درگیر جنگ با جبهه تکفیر است از لحاظ عاطفی و معنوی و از لحاظ سیاسی و استراتژیک به رهبران ایران و حزب الله لبنان وابسته است. (نیاکوئی، سید امیر و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۷-۱۶۴) در کشور عراق که به صورت سنتی مرجعیت شیعه نقش بسیار پررنگی در تحولات آن داشته است در دوران معاصر علاوه بر مرجعیت آیت الله العظمی خویی ره (۱۴۱۳ ق) و آیت الله العظمی سیستانی (متولد ۱۳۰۹) خاندان مبارز صدر

و حکیم را نیز به چشم دیده است که این نیز بر ارادت فراوان مردم این کشور به سادات افزوده است. خاندان صدر همانطور که گفته شد در عراق، ایران و لبنان منشأ تحولات فراوانی بوده‌اند. (مطالعه بیشتر: کمالیان، ۱۳۹۴) همچنین است خاندان مبارز حکیم (عبیری، ۱۳۷۵: ۳۰؛ علوی، بی تا: ۳۵۱-۳۵۵) و ... (مطالعه بیشتر: ادیب؛ موسوی، ۱۳۸۳) در یمن نیز نقش سادات غیر یمنی و سادات یمنی در جنبش حوثی‌ها در بیداری و جهاد اسلامی بسیار پررنگ است. (عباسی، مجید؛ گلچین، سعید، ۱۳۹۴: ۶۹-۱۰۲) بر اساس باور زیدیه اگر سیدی از نسل فاطمه زهرا (س) قیام به سیف کند و دیگران را به امامت خود و جهاد دعوت کند اطاعت از او واجب است. (سلطانی، ۱۳۹۰: ۲۷۱-۲۷۲)، بر اساس برخی گزارشات حوثی‌های یمن بر اساس تفکرات سیاسی حسین الحوثی شکل گرفتند. و وی بسیار تحت تأثیر اندیشه‌های امام خمینی (ره) بود. (حسین حوثی، ۲۰۰۱: ۱-۳) و رهبر معنوی ایشان بدرالدین الحوثی است. (السالمی، ۲۰۱۶: ۳۱۳) و نیز در افغانستان که از دیرباز سادات حضور دارند. (عادلی، ۱۳۸۹: ۴۲-۷۵) امروزه در میان رهبران ایشان در مبارزات و تحولات سیاسی اجتماعی نقش سادات پر رنگ است.

به نظر می‌رسد رهبران سادات در دوران کنونی به دلیل نقش بی بدیل خویش در همه تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان رهبران بیداری اسلامی حداقل در منطقه غرب آسیا در جهت موازنه قدرت و بازدارندگی در مقابل جریانات رقیب هستند.

نتیجه‌گیری

مسلمانان علاقه ویژه‌ای به اهل بیت (ع) دارند و ایشان را تکریم می‌کنند و در این راستا هر آنچه که یادآور آنان باشد را ارج نهاده و به آن محبت می‌ورزند و سادات شاخصترین این نشانه‌ها هستند. تکریم سادات که گستره آن تمامی سرزمین‌های محل حضور مسلمانان است می‌تواند در تحولات اجتماعی-سیاسی نقش آفرین باشد که از مهمترین این تحولات جریان بیداری اسلامی در دو قرن اخیر بوده است که مسلمانان هر کجا سیدی اراده و دعوت به اسلام‌خواهی و یا ظلم‌ستیزی کرده است به دو دلیل پیروی از حق و ارادت خاصی که به سیادت وی داشته‌اند او را تنها نگذاشته و یاری رسانده‌اند. که این سیره همچنان ادامه دارد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ادموندز، سیسیل جی ادموندز (۱۳۶۷)، کردها، ترک‌ها، عرب‌ها، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: روزبهان.
۳. ادیب، عادل و موسوی، حسین، (۱۳۸۳)، حزب الدعوه اسلامی عراق: پیشینه تاریخی و اندیشه سیاسی، تهران: مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۴. بابایی، راضیه؛ غفاری هاشجین، زاهد، (۱۳۹۸)، «نقش رهبری سید حسن نصرالله در به‌کارگیری قدرت هوشمند حزب‌الله در مواجهه با مخالفان»، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره ۱، صص ۲۰۳-۲۳۴.
۵. حسینی، سید حسن (۱۳۹۸)، اطلس تاریخی سادات ایران (از آغاز تا پایان قرن نهم هجری): سادات قم و آوه، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۶. دلپار، نوثر، ۱۳۷۰، نهضت‌های نوین اسلامی اندونزی، ترجمه ایرج رزاقی و محمد مهدی حیدرپور، مشهد: آستان قدس رضوی.
۷. دوانی، علی (۱۳۷۹)، مفاخر اسلام، تهران: مرکز فرهنگی قبله.
۸. ذاکری، محمد اسحاق (۱۳۹۳)، اندیشه‌های تقریبی علامه شرف الدین عاملی، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۹. ربانی گلبایگانی، علی (بهار ۱۳۹۶)، «امامت اهل بیت (ع) بر مبنای آیه مودّت»، فصلنامه انتظار موعود، سال هفدهم، شماره ۵۶، صص ۵-۳۱.
۱۰. صفی‌زاده، فاروق (۱۳۶۷)، اهل بیت در قرآن و روایات، تهران: نشرالجهاد.
۱۱. عادل، سید جعفر، (۱۳۸۹)، کوثر النبی (پژوهش در تاریخ سادات افغانستان)، کابل: صبح امید.
۱۲. عباسی، مجید؛ گلچین، سعید، (زمستان ۱۳۹۴)، «انقلاب اسلامی ایران و ژئوپلیتیک تشیع در یمن: از هویت یابی تا بیداری»، مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۶۹، صص ۶۹-۱۰۲.
۱۳. عبیری، عباس، (۱۳۷۵)، سیدمحسن حکیم: مرزبان حوزه نور، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، معانت پژوهشی.

۱۴. غنوشی، راشد (۱۳۷۲)، حرکت امام خمینی و تجدید حیات اسلامی، ترجمه هادی خسرو شاهی، تهران: موسسه اطلاعات.
۱۵. کمالیان، محسن، (۱۳۹۴)، مشاهیر خاندان صدر، تهران: موسسه تحقیقاتی امام موسی صدر.
۱۶. لاهوری، عبدالحمید (۱۸۶۸ م)، پادشاهنامه، به کوشش کبیرالدین احمد و عبدالرحیم کلکته: بی نا.
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین، و دیگران (۱۳۴۱)، بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم.
۱۸. مشتاقی، الله کرم (۱۳۹۱)، مفهوم بیداری اسلامی و ریشه های آن از نگاه مقام معظم رهبری، وبسایت مقام معظم رهبری.
۱۹. موثقی، سید احمد، (۱۳۷۷)، جنبش های اسلامی معاصر، تهران: سمت.
۲۰. میرزایی، محمدامین (۱۳۷۸)، سراج الطریق و راهنمای اهل تحقیق ابوبکر بن هدایه الله، سنجندج: انتشارات کردستان.
۲۱. نهاوندی، عبدالباقر (۱۹۲۵ م)، مآثر رحیمی، تصحیح محمد هدایت حسین، کلکته: بی نا.
۲۲. نیاکوئی، سید امیر؛ اسماعیلی، علی؛ ستوده، علی اصغر، (بهار ۱۳۹۳)، «عوامل گسترش روابط استراتژیک سوریه با ایران از صعود بشار اسد به قدرت تا ناآرامی های اخیر (۲۰۱۱-۲۰۰۰)»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، شماره نهم، صص ۱۳۳-۱۶۴.
۲۳. نیکویی، حجت الله (۱۳۹۶)، نگاهی نقادانه به مبانی نظری نبوت، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
۲۴. واعظ زاده خراسانی، محمد (۱۳۷۳)، «جایگاه اهل بیت (ع) در جوامع اسلامی»، مجله مشکاة، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، شماره ۴۳، صص ۴-۳۸.
۲۵. ولایتی، علی اکبر (۱۳۹۰)، بیداری اسلامی، تهران: بی نا.
۲۶. هیکل، محمد حسنین (۱۳۶۲)، ایران: روایتی که ناگفته ماند، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات الهام.
۲۷. ابن جوزی، سبط (۱۴۱۸ ق)، تذکرة الخواص، قم: منشورات الشریف الرضی.
۲۸. ابن حنبل، احمد (۱۴۰۳ ق)، فضائل الصحابه، بیروت: موسسه الرسالة.

۲۹. ابن حوقل، محمد (۱۹۳۸ م)، صورة الارض، بيروت: دارصادر.
۳۰. ابن عنبه، احمد بن على (۱۳۸۰ ق)، عمدة الطالب فى أنساب آل أبى طالب، نجف: منشورات الشريف الرضى.
۳۱. ابن فارس، احمد (۱۳۹۹ ق)، معجم مقاييس اللغة، تحقيق: عبد السلام محمد هارون، بيروت: دار الفكر.
۳۲. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بيروت: دار صادر.
۳۳. ابوالفرج اصفهانی، (۱۳۸۵ ق)، مقاتل الطالبیین، قم: مؤسسة دار الكتاب.
۳۴. امين، حسن (۱۳۹۵ ق)، دائره المعارف الاسلاميه الشيعيه، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۳۵. الامين، محسن (۱۳۸۰ ق)، خطط جبل عامل، تحقيق حسن الامين، بيروت: الانصاف.
۳۶. بلاذرى، احمد بن يحيى (۱۴۱۷ ق)، انساب الاشراف، تحقيق سهيل زكار، بيروت: دارالفكر.
۳۷. حسینی اشكوری، سيد صادق (۱۴۱۹ ق)، القاب السادة، قم: مجمع الذخائر الاسلامية.
۳۸. حسين حوثی (۲۰۰۱)، دروس من هدى القرآن، يوم القدس العالمی، یمن: بی نا.
۳۹. حقى، اسماعيل جارشلی (۱۴۲۴ ق)، اشراف مكة المكرمة و امرائها فى العهد العثمانى، به كوشش خليل على مراد، بيروت: الدار العربية للموسوعات.
۴۰. خافى خان نظام الملکى، محمد هاشم ۱۹۲۵ م، منتخب اللباب، به كوشش ولزلى هيگ، كلكته، بی نا.
۴۱. خرگوشى، ابوسعید (۱۳۶۱)، شرف النبى، تهران: نشر بابک.
۴۲. راغب اصفهانی، حسين بن محمد (۱۴۱۲ ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بيروت: دار الشاميه.
۴۳. رجایى، سيد مهدى (۱۳۸۵)، المعقبون من آل ابى طالب، قم: موسسه عاشورا.
۴۴. روضاتى، سيد محمد على (۱۳۳۵)، جامع الأنساب، اصفهان: چاپخانه جاويد.
۴۵. زمخشرى، محمود (۱۴۰۷ ق)، الكشف عن حقائق غوامض التنزيل، بيروت: دار الكتاب العربى.
۴۶. سالمى، عبدالسلام بن أحمد (۱۴۳۳ ق)، الجماعات الإسلامية فى اليمن، دارالكتب صنعاء.
۴۷. سبزواری، ملا هادى (۱۳۸۳)، اسرار الحكم، قم: مطبوعات دينى.
۴۸. سلطانى، مصطفى (۱۳۹۰)، تاريخ وعقايد زيديه، قم: انتشارات اديان.

۴۹. شخص، سید هاشم محمد (۱۴۲۸ ق)، رائد المنبر التقی السید محمد الشخص، قم: مؤسسة الكوثر للمعارف الإسلامية.
۵۰. شهاب محمد، اسد (۱۴۲۶ ق)، الشيعة في اندونيسيا، جاكرتا: مؤسسة الثقافة.
۵۱. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴ ق)، عيون اخبار الرضا، بيروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۵۲. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۲۰ ق)، عروة الوثقی، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
۵۳. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۵)، المیزان، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۵۴. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ ق)، الأمالی، بيروت: دار الثقافة.
۵۵. علوی، حسین، (بی تا)، الشيعة و الدولة القومية في العراق: ۱۹۱۴-۱۹۹۰، قم: دارالمجتبی.
۵۶. عیاشی، محمد بن مسعود (بی تا)، تفسیر عیاشی، تهران: المكتبة العلمية الإسلامية.
۵۷. فیروزآبادی، مجد الدین (۱۴۲۶ ق)، قاموس المحيط، بيروت: مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع.
۵۸. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ ق)، مصباح المنیر، قم: دارالهجرة.
۵۹. قمی، حسن بن محمد (۱۳۸۵)، تاریخ قم، قم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی گنجینه مخطوطات اسلامی.
۶۰. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۳۸۵)، ینایع المودة لذو القربی، قم: انتشارات اسوه.
۶۱. کحالة، عمر رضا (۱۴۱۴ ق)، معجم قبائل العرب القديمة و الحديثة، بيروت: مؤسسة الرسالة.
۶۲. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار، بيروت: مؤسسة الوفاء.
۶۳. مستنبط، سید احمد (۱۳۸۵)، القطره، قم: نشر الماس.
۶۴. نوری، میرزا حسین (۱۴۲۵ ق)، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسة آل البيت (ع).
۶۵. واحدی نیشابوری، علی بن احمد (۱۴۱۱ ق)، اسباب نزول القرآن، بيروت: دارالکتب العلمية.
66. Jacobsen, Frode F, 2009, Hadrami Arabs in Present-day, Indonesia, An Indonesia-Oriented group whit an Arab signature, London: Routledge Contemporary Southeast Asia Series.
67. www.ganaislamika.com/melacak-asal-usul-habib-di-indonesia-1-siapakah-habib/#_ftn1.

68. www.irna.ir/news/83209524.
69. <http://solale.ir/fa/> شاخه‌های اصلی سادات در ایران.
70. https://farsi.khamenei.ir/others-article?id=24715#_ftn78.

استراتژی دو قدرت بزرگ منطقه ای (جمهوری اسلامی و عربستان سعودی) در حوزه سیاست گذاری خارجی و تروریسم در منطقه تحت نفوذ خود

محسن جمشیدی (نویسنده مسئول)^۱

میرابراهیم صدیق^۲

محمود بسطامی^۳

چکیده

در چند دهه ی اخیر ایران و عربستان بعنوان دو قدرت منطقه ای دچار تعارضات ایدئولوژیکی - ژئوپلیتیکی (در حوزه مشترک تحت نفوذ) باهم بوده اند (مسئله). به نظر می رسد با توجه به تحولات شکل گرفته و همچنین موقعیت و منافع استراتژیکی - راهبردی این دو قدرت هر کدام با اتخاذ سیاست های مورد نظر در پی حذف رقیب و نائل شدن به هدف مورد نظر (هژمون منطقه) می باشند (فرضیه). در پژوهش حاضر از روش کیفی - تفسیری با رویکرد توصیفی - تحلیلی استفاده شده است (روش). جمهوری اسلامی در پی حفظ آرمان های انقلاب اسلامی و افزایش قدرت خود در تمامی ابعاد و گسترش حوزه ی نفوذ ایدئولوژیک خود و همچنین حفظ بقا (محور مقاومت - شرق و تشیع گرایی) و گسترش قدرت نرم خود با بالا بردن افزایش ضریب تاثیر گذاری خود در برهم زدن معادلات منطقه است. اما عربستان سعودی بعنوان نقطه مقابل این جریان در پی حفظ بقا سیاسی قدرت سنی - وهابیت و (محور غربی - عربی) و همچنین گسترش آموزه های وهابیت و افزایش قدرت نسبی خود در مقابل با حوزه نفوذ ایران است. لذا واکاوی معادلات منطقه ی تحت نفوذ و آینده ی آن، با استفاده از رویکردهای دوگانه ای که دو قدرت منطقه ای (ایران، عربستان) اتخاذ نموده اند (یافته ها) را شکل می دهند.

کلیدواژه ها: تروریسم تکفیری، محور مقاومت، ایران، عربستان، سیاست گذاری خارجی.

۱. دکتری تخصصی علوم سیاسی (گرایش مسائل ایران)، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، کرمانشاه، ایران.

mohsenmd16@yahoo.com

 <https://orcid.org/0000-0001-8694-0324>

۲. استاد یار و عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

۳. دانش اموخته ی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران.

۱. مقدمه

ایران و عربستان از جمله کشورهای بسیار مهم و تاثیرگذار در جهان اسلام اند. سیاست ها و رویکردهای این دو قدرت تاثیر مستقیم بر وحدت مسلمان و معادلات سیاسی در خاور میانه دارد، که شاهد تعارضات اساسی در روابط دو کشور بزرگ همسایه در نتیجه تفرقه افکنی، تضاد سیاسی هستیم. تفاوت در مولفه های مذهبی و فرهنگی، نوع نظام سیاسی، ایستارهای نظامی و امنیتی، نوع راهبرد و استراتژی تعامل با دیگر قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای و... باعث تشدید تعارضات بین دو کشور همسایه شده است، بطوریکه در اکثر محافل روشنفکری و تحلیل گران سیاسی ایران را بعنوان سردمدار شیعیان در منطقه خاور میانه که در پی تحولات بهار عربی و سقوط دیکتاتوری های سنی مذهب منطقه بعنوان مرکز ثقل و پایگاه شیعیان مناطق مختلف بلاد اسلامی که از آنها حمایت می نماید مطرح است، که در پی رسیدن به هژمون منطقه ای بر مبنای آموزی های مکتب شیعی است و در نقطه مقابل عربستان سعودی قرار دارد که خود را بعنوان نماینده سنی مذهبان معرفی کرده و خواستار حفظ وضع موجود و مقابله با ایران و شیعیان است، بطوریکه اکثر گروههای تروریستی تکفیری از جمله داعش به صراحت بدین نکته اذعان کرده است. ایران در عرصه منطقه ای با توجه به رقابت سه ژئوپلیتیک تشیع (به رهبری ایران)، سلفی (به رهبری عربستان سعودی) و اخوانی (به رهبری ترکیه) باید راهبرد موازنه سه بعدی قدرت را مورد توجه قرار دهد: نخست، تأکید بر طرح مردم سالاری دینی به عنوان یک الگوی منطبق با ارزشها و هنجارهای منطقه ای؛ دوم، تلاش در جهت گسترش همکاریهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی با کشورهای مهم منطقه به منظور کاهش میزان دخالت نیروهای بیرونی در فرآیند ایجاد نظم منطقه ای، اصلاح ساختارهای اقتصادی و پاسخ به تقاضاهای فزاینده خیل عظیم جمعیت جوان و جویای کار در منطقه از طریق کمک به بازارها و اتحادیه اقتصادی منطقه ای. سوم، جلوگیری از بروز هرگونه ائتلافی میان ترکیه و عربستان، چهارم، تلاش برای یافتن راه حلی سیاسی برای بحران سوریه و ممانعت از طولانی شدن آن و نیز جلوگیری از شدت گیری منازعات مذهبی و فرقه ای در منطقه، و پنجم، ارتقای همکاری های اقتصادی با چین و تسری آن به حوزه های فرهنگی و نظامی (امیری، ۱۳۹۷: ۱۱۲). توزیع قدرت منطقه ای در حوزه مشترک وضعیتی را بوجود آورده که عربستان به عنوان کارگزار نیابتی غربی - عربی عهده دار سازماندهی کشورهایی است که خود را با الگوی رفتاری این جبهه در روند امنیت سازی منطقه ای هماهنگ می سازند. در این فرآیند، بازیگر مداخله گر بیش از آنکه دارای قدرت فرادستی باشد، با جلوههایی از چالش سیاسی و منطقه ای دست به گریبان است (Tramp, 2017: 93).

۲. طرح مسئله و تبیین بحث

سیاست های دو قدرت بزرگ منطقه ای یعنی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی برای تاثیرگذاری بر منطقه و بازیگران بسیار مهم و حیاتی تلقی می گردد، جمهوری اسلامی ایران در پی آرمان های انقلاب اسلامی و افزایش قدرت خود در تمامی ابعاد و گسترش حوزه نفوذ ایدئولوژیک خود در قالب (محور مقاومت و تشیع گرایی) در منطقه خاورمیانه است. عربستان سعودی بعنوان نقطه مقابل این جریان در پی گسترش آموزه های وهابیت و افزایش قدرت نسبی خود و مقابله با حوزه نفوذ ایران است، که همین امر باعث می شود عربستان را نماینده ائتلاف غربی و عربی در منطقه بدانیم. تروریسم تکفیری یکی از واکنش های اصلی به این تعارضات منافع در سطح بین المللی و منطقه ای است که باعث و بانی اصلی وضعیت جنگ زده در چند کشور خاورمیانه از جمله به صوت مشخص عراق و سوریه است.

الف. سوال: استراتژی ایران و عربستان در حوزه مشترک تحت نفوذ برای حذف رقیب و تبدیل شدن به تنها هژمون منطقه در حوزه سیاست گذاری خارجی چگونه بوده است؟
ب. فرضیه: به نظر می رسد با توجه به تحولات شکل گرفته، همچنین موقعیت و منافع استراتژیکی-راهبردی، این دو قدرت هر کدام با اتخاذ سیاست های مورد نظر در پی حذف رقیب و نائل شدن به هدف مورد نظر (هژمون منطقه) می باشند.

در توضیح بحث فرضیه بایستی یاد آور شد که جمهوری اسلامی در پی حفظ بقاء (محور مقاومت، شرقی) و همچنین گسترش قدرت نرم و افزایش ضریب خود در برهم زدن معادلات کنونی منطقه است، لذا بعنوان یک قدرت منطقه ای در تعارض کامل با محور مخالف قرار دارد. اما عربستان در پی حفظ بقاء سیاسی (محور غربی - عربی) و حفظ وضع موجود و مقابله با محور مقاومت است. لذا با توجه به مشروعیت دینی (وهابیت) که در قبال این گروهها دارد، در تعارض و تقابل کامل با ایران و محور مقاومت است.

ج. اهمیت و ضرورت پژوهش: پژوهش فوق باعث شناخت اجمالی واقعیات پشت پرده وضعیت جنگی و نامطلوب منطقه خاورمیانه در نتیجه رشد و گسترش تروریسم تکفیری، در نتیجه سهم خواهی همه قدرت های منطقه ای و بین المللی است. بررسی برنامه ها و تلاش دو قدرت منطقه ای برای تحقق بر حریف و حذف آن در فضای تحت نفوذ می باشد.

د: روش پژوهش: در این تحقیق از روش کیفی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی استفاده شده

است. همچنین روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها را با استفاده از کتب و مقالات جدید و قدیم (کتابخانه‌ای) بوده است.

۳. پیشینه تحقیقاتی و مطالعاتی بحث

در خصوص موضوع مورد بحث به صورت مستقیم موضوعی یافت نشد. اما با مشابعات های فراوان از جمله روابط ایران و عربستان، تعارضات ایران و عربستان یا نقش عربستان در تروریسم تکفیری کتب و مقالات فراوانی موجود است که به اختصار به بررسی آنها می پردازیم:

الف. داعش اثر محمد ابراهیم نژاد (۱۳۹۳) که نویسنده در این کتاب کاملاً جریان تکفیری داعش را از ابتدای شکل گیری و مبنای شکل گیری و اهداف و رویکردها مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است که در اثر حاضر از منابع همکاری داعش با عربستان سعودی با توجه به مستندات ارائه شده در کتاب بهره گرفته شد.

ب. سید محمد موسوی و دیگران (۱۳۹۱) در اثری با عنوان تاثیر مسائل ایدئولوژیک بر سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال ایران از سال ۲۰۰۳ به بعد معتقدند که پس از تحولات بین المللی تشدید تعارضات ایدئولوژیک بین ایران و عربستان را در منطقه خاور میانه به بحث و بررسی نشسته اند، که از اثر فوق و مستندات آن در جهت بررسی تعارضات ایدئولوژیک فی مابین ایران و عربستان در قالب تشیع گرایی و محور مقاومت و اهل تسنن و اختلاف فرق اسلامی در روابط کشورهای همسایه فوق الذکر بهره گرفته شده است.

ج. سید سعید صادقی (۱۳۹۴) در اثر خود تحت عنوان نقش عربستان در گسترش گروههای تکفیری معتقد است که ارتباط عربستان سعودی را با گروههای تکفیری در منطقه مورد واشکافی و بررسی قرار داده است که در پژوهش حاضر برخی استنادات اثر فوق مورد استفاده قرار گرفته است و یکی از مهمترین منابع مورد استفاده بوده است.

د. چند منبع دیگر که به صورت فرعی و غیر مستقیم و بعنوان منابع ارشادی از آن استفاده شده است: شهرباف (۱۳۹۱)، حق شناس و دیگران (۱۳۹۳)، پرتو (۱۳۹۰)، عبدالله خانی (۱۳۸۹)، حکیم و غلامی (۱۳۹۹).

۴. رهیافت نظری پژوهش

وضعیت آنارشیک منطقه‌ی خاورمیانه در نتیجه عملکرد گروه‌های تکفیری و نبود یک قدرت فائقه جهت کنترل این وضعیت است، دیگر تحولات منطقه باعث شده است که قدرت‌های منطقه‌ای همچون ایران و عربستان در نهایت به ضمن فکر به حفظ بقای خود، به نوعی در فکر افزایش قدرت نظامی خود و افزایش حوزه نفوذ خود باشند، که منتهی به خودیاری دولت‌های مذکور است. این مولفه‌ها منطبق با آئتم‌های رئالیسم تهاجمی یا نو واقع‌گرایی تهاجمی و نوواقع‌گرایی تدافعی است که جان مرشایمر و کنت والتز بعنوان بزرگترین نظریه پردازان آن مطرح‌اند. پس از تحولات سال ۲۰۰۱ و حملات آمریکا به عراق و افغانستان و نهایتاً ترک منطقه توسط نظامیان آمریکایی (در حالت جنگی) شاهد نوعی احاله‌ی مسئولیت به نمایندگان محور غربی عربی هستیم که در این میان نقش عربستان و ترکیه از دیگر کشورها فعال‌تر است، در این پازل به دولت‌ها بعنوان بازیگران اصلی نظام بین‌الملل توجه شده است و سازمان‌های بین‌المللی بالتبع نفوذ قدرت‌های بزرگ عملاً چندان کارایی لازم را ندارند، این وضعیت باعث می‌شود؛ کشوری همانند عربستان سعودی خواهان توزیع قدرت در منطقه به نفع خود باشد (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۸۳-۸۴). هدف دولت‌ها ضمن حفظ بقاء نهایتاً افزایش قدرت و حوزه نفوذ است (حق‌شناس و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۷-۵۵). کاملاً محسوس و مبرهن است امروزه در تحولات خاورمیانه شاهد جنگ‌های تمام‌عیار تکفیرها (نیابتی)، نوعی باجگیری، طعمه‌گذاری و موازنه‌سازی مثبت به نفع منافع خودی و احاله‌ی مسئولیت و دنباله‌روی هوشمند و غیر هوشمند از قدرت‌ها هستیم که ما را به این نکته سوق می‌دهد (مرشایمر، ۱۳۸۸: ۷۰-۵۵) مبتنی بر واقعیات به نوعی رویکرد رئالیسم تهاجمی و نوواقع‌گرایی بهترین نظریه جهت تبیین این موضوعات است. در مقابل سیاست‌های واقع‌بینانه ایران در منطقه خاورمیانه در قبال کشورهای متحد می‌توان گفت: تلفیقی از رئالیسم تدافعی و تهاجمی است، که نمود آن مثلاً در عراق و از طریق ائتلاف سیاسی در حکومت مرکزی و مبارزه فراگیر با داعش که تمامی منابع برای دفاع از وطن بسیج شده است و ایران در این کارزار در کنار دولت و ملت عراق ایستاد. نتیجه می‌گیریم؛ قدرت سیاسی ملی بعنوان توانایی بسیج منابع مادی و انسانی اهمیت پیدا می‌کند از مولفه‌های اصلی رئالیسم تدافعی است. (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۱۳۴) دقیقاً این سیاست را ایران در قبال سوریه و عراق پیش گرفته است. اما مثلاً در مسئله بحرین و یمن در پی گسترش حوزه

نفوذ خود مبتنی بر رئالیسم تهاجمی است. البته انتقاداتی در این رهگذر بر این سطوح تحلیل نظری ضمن سودمندی تحلیل واقعیات وارد است که بدان اشاره خواهد شد. و نهایتاً رویکرد واقع گرایی تدافعی مبتنی بر مولفه هایی همچون معضله امنیت، برداشت های ذهنی رهبران و تقویت نیروی داخلی مبتنی بر کاهش احتمال جنگ (بازدارندگی) ایران در قبال دفاع از خویش و منافع راهبردیش در منطقه بعنوان یکی از مولفه های اصلی بکار گرفته گرفته است، که از مولفه نظری پژوهش حاضر است.

۵. تعارضات منافع استراتژیک و راهبردی جمهوری اسلامی و عربستان سعودی

رقابت منطقه ای ایران و عربستان (رویکرد مقابله با ایران) در قالب گسترش هلال شیعی و توهم توطئه علیه عربستان؛ یک اصل کلی و تعیین کننده است، از این رو نگرانی عربستان در قبال ایران راهبردی است نه تاکتیکی و در یک نگاه واقع بینانه عربستان به دنبال احیای نقش مدیریتی در حوزه نفوذ ایران است که منجر به گسترش قدرت و حوزه نفوذ سعودی ها و رقابت جهت هژمون منطقه است. یکی از ابزارها برای اجرای این تاکتیک تروریسم تکفیری است که مورد حمایت همه جانبه عربستان در مناطق حوزه نفوذ ایران است (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۳: ۷۲). اینکه عربستان تحت تعالیم وهابیت و منافع ملی از هیچ گونه حمایتی از گروه های سلفی گری در سوریه دریغ نکرده است. پافشاری محور غربی عربی و مخالفان در کناره گیری اسد از قدرت مهمترین مسائل این بحران بین طرفین است که عملاً دو کشور پنجه در پنجه هم شده اند. مسئله دیگر طلای سیاه نفت است که عربستان سعی در تضعیف بازار دارد چونکه سعودی ها بر این باورند افزایش تولید و فروش نفت ایران به قدرت ایران خواهد افزود این دعوی نفتی را مطمئناً با توجه به تحولات در سال ۲۰۱۶ نیز شاهد خواهیم بود. و مسئله دیگر عدم مشروعیت سیاسی و غیر مردم سالار در نظام حاکمیتی عربستان است که در تقابل با مدل جمهوری اسلامی ایران یکی از نقاط ضعف بزرگ دولت سعودی محسوب می شود. رقابت های تاکتیکی از جمله: تلاش های ایران پس از جنگ تحمیلی از جمله بازسازی نیروهای مسلح خویش تجدید رقابت مدیریتی، تهدیدات نسبت به بستن تنگه هرمز، افزایش هزینه نظامی، تقابل نیابتی، تراحم امنیتی، تلاش در جهت تبدیل به هژمون منطقه ای، تحولات و دخالت های منطقه ای، پیام های نگران کننده ای برای ریاض ارسال کرده است (شعرباف، ۱۳۹۱: ۲۶۲). افزایش دخالت ایران در مناطق

عربی محور مقاومت و نفوذ در مقابل حوزه‌های نفوذ سنتی عربستان از طریق الحوثی‌های و شیعیان در یمن و بحرین و ایران هسته‌ای دلایل عمده کاهش سطح روابط و تعارض در منافع قلمداد نموده‌اند. (موسوی، ۱۳۹۱: ۸۷). نتیجتاً عربستان، ایران قدرتمند را تهدیدی برای منافع و جایگاه منطقه‌ای خود می‌داند از این رو نقش موثری در تهییج موج‌های سیاسی ضد ایرانی‌ها ایفا می‌کند و عامل اصلی اجرای سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا در بحران‌سازی درارتباط با نفوذ ایران مبادرت می‌ورزد (علائی، ۱۳۹۱: ۸۵۴) حمایت از تروریسم تکفیری در منطقه در راستای اجرای این پروسه است. لذا با تمامی این توضیحات بایستی یادآور شد که ائتلاف‌های منطقه‌ای - منطقه‌ای و بین‌المللی موجود در محور و منطقه با هدف مقابله با تهدیدهای داخلی در منطقه و خارجی موجود تشکیل یافته‌اند. در این میان قریب به اتفاق ائتلاف‌ها ایران را تهدید اصلی منطقه می‌دانند که به دنبال هژمونی منطقه‌ای و احیای قدرت از دست رفته گذشته دور خود می‌باشد. لذا محور رقیب این کشور سعی نموده با سیاست ایران هراسی سایر کشورهای عربی و اسلامی منطقه را حول خود گرد آورد (حکیم و غلامی، ۱۳۹۹: ۱۳).

۶. مبانی و اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی در قبال گروه‌های تکفیری

۱- ۶. حفظ بقا و امنیت ملی محور مقاومت در منطقه: طبیعی است ایران مرزهای دفاع از خود را فراتر از مرزهای جغرافیایی برده است و در قالب حزب الله و حماس، سوریه موانعی در مقابل دشمنان ایجاد کرده و بعنوان منافع راهبردی و حیاتی برای حفظ بقای نظام سیاسی جمهوری اسلامی محسوب می‌شود. به مانند یک دومینو حیات سیاسی هر یک از شریان‌های محور مقاومت به یکدیگر وابسته است و ایران نیز بعنوان راس هرم در نهایت افراد دشمنان قرار دارد. پس می‌توان ادعا داشت مبانی اولیه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال گروه‌های تکفیری در منطقه به خصوص در کشورهایی همانند سوریه، عراق دفاع جهت حفظ بقا و امنیت ملی خود و در درجه دوم حفظ محور مقاومت در منطقه است. در قالب واقعیات منطقه دست به دفاع از منافع حیاتی خود می‌زند. البته نفوذ ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران یک واقعیت انکار ناپذیر محسوب می‌شود که جبهه مقابل فقط توانایی مادی را مد نظر قرار داده که این نکته نیز یکی از اشکالات وارده بر تعریف سیاست‌های ایران در قالب نوواقع‌گرایی نیز می‌باشد (Lustick, 2013 : 2).

۶-۲. برهم زدن نظم وضع موجود تغییر معادلات منطقه: وضع موجود در منطقه خاورمیانه بالتبع نظام بین الملل به سمت هژمون و به تبعیت از آن ائتلاف غربی و عربی گرایش دارد و این ائتلاف سعی دارد تحولات بیداری اسلامی (بهار عربی) را به سود خود مصادره کند و تمامی تلاش خود را در جهت حفظ وضع موجود و افزایش قدرت روز افزون خود گرفته تا گسترش حوزه نفوذ خود انجام می دهد که این راهبردها در قالب تاکتیک های مختلف پیاده می شود که جنگ های نیابتی بر علیه دشمنان از طریق گروه های تکفیری از جمله این رویکردهای هژمون و ائتلاف غربی عربی است که در مقابل آن راهبرد محور مقاومت و شرق (روسیه) حضور دارد که سعی دارد در دفاع تمام عیار از منافع خود در قبال گروه های تروریستی و تکفیری نسبت به حفظ محور مقابل جریان مسلط اقدام و در مرحله بعد تلاش در جهت تغییر وضع موجود داشته باشند که این باعث تعارض در حوزه سیاست خارجی می گردد. بعنوان مثال در بحران سوریه جمهوری اسلامی با حضور نظامی مستقیم در سوریه و همچنین روس ها در بمباران هوایی مواضع تروریست های تکفیری سعی در مقابله با آنها در مقابل دولت اسد متعهد اند. مبنای دوم سیاست خارجی ج ۱ ایران در جهت مبارزه با تروریسم تکفیری بر هم زدن نظم موجود و تغییر معادلات منطقه به نفع محور مقاومت و روس است که در نهایت هژمونی منطقه ای را دنبال می کند.

۶-۳. گسترش حوزه نفوذ و صدور انقلاب: با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی و اسناد بالا دستی افق توسعه کشور تا سال ۱۴۰۴ ه.ش ایران باید به رتبه اول منطقه در تمامی ابعاد برسد که صدور انقلاب و گسترش حوزه نفوذ و ایدئولوژیک و متحدان راهبردی ج ۱ ایران مولفه اساسی و بنیادی این اسناد است، که این همان هژمون منطقه ای در نو واقع گرایی است که در قالب محور مقاومت شرق ایران می خواهد این هدف را محقق سازد؛ ولی این امر برخلاف وضع موجود و هژمون حاکم است و بدین منظور طیف رقیب در مقابل این هدف به سختی مقاومت می کند و رویکرد تروریسم تکفیری در مناطق حوزه نفوذ ایدئولوژیک و سیاسی ایران ابزار کنونی جبهه مقابل برای ایجاد مانع در تحقق هلال شیعی در منطقه و تقویت محور مقاومت و شرق است و در نهایت هدف مقابله با ایران و برهم زدن نظم محور مقاومت است، با این استدلال ایران راهی جز مبارزه فراگیر مادی و معنوی با تروریسم تکفیری در مناطق حوزه نفوذ خود برای بقای محور مقاومت و تحقق هژمون منطقه ای و هلال قدرتمند شیعی در

منطقه ندارد، که فعلا بزرگترین مسئله منطقه در کشورهای همسایه ایران مبارزه با تروریسم تکفیری است (اسدی، ۱۳۹۱: ۱۷۷-۱۶۵).

۴- ۶. مقابله با اسرائیل و مسئله فلسطین: بدون شک یکی از مهمترین مسائل هژمون و پیش روی دولت آمریکا و بالتبع ائتلاف غربی عربی مسئله امنیت اسرائیل است، که همیشه بعنوان یکی از خطوط قرمز ایالات متحده در خاورمیانه مطرح بوده است، عربستان سعودی نیز در راستای باج‌هایی که معمولا جهت حفظ حاکمیت سیاسی به قدرت‌های بزرگ می‌دهد غیر مستقیم از تمامیت این رژیم غیرمستقیم دفاع تمام‌قد می‌نماید. مهار قدرت دولت‌های متخاصم به ویژه جمهوری اسلامی ایران و متحدانش مانند سوریه، حزب الله، گروه‌های جهادی فلسطینی با نام محور مقاومت شناخته می‌شود، در دستور کار این ائتلاف قرار دارد. ارتباط تنگاتنگ عربستان با اسرائیل در خصوص مقابله با ایران و محور مقاومت نیز دلیل دیگر بر این مسئله است که تشکیل کشور مستقل فلسطینی و مبارزه با اسرائیل یکی از رویکردهای و اهدافی اساسی در راه مقابله و غلبه بر تروریسم تکفیری برای ایران و متحدانش محسوب می‌شود (کوشکی، ۱۳۹۳: ۳).

۵- ۶. چالش‌ها و فرصت‌های جمهوری اسلامی نسبت به رویکرد خود در خاورمیانه و تحولات سوریه: بعضی از صاحب‌نظران معتقدند بحران سوریه از دو منظر برای ایران نگران‌کننده است: نخست، سقوط دولت سوریه ضربه‌ای راهبردی مهمی بر ایران وارد خواهد کرد و تغییر رژیم در سوریه به عنوان نزدیک‌ترین و مهم‌ترین متحد ایران بر توانایی کشورمان برای نمایش قدرت در شرق مدیترانه تأثیر خواهد گذاشت. دوم، تحولات سوریه در جهت مخالف روایت ایران از بهار عربی به عنوان «بیداری اسلامی» الهام گرفته از انقلاب اسلامی است. براین اساس بحران سوریه نه تنها منافع راهبردی بلکه پویایی و جامعیت روایت ایران از تحولات منطقه به عنوان بیداری اسلامی را مورد چالش قرار می‌دهد. در مورد تأثیرگذاری سناریوهای آینده برای ایران می‌توان قضاوت‌های متعدد و پیچیده‌ای ارائه داد. در تبیین اولیه به نظر می‌رسد تغییر رژیم در سوریه باعث زیان راهبردی مهم برای ایران و کاهش نفوذ ایران در حوزه شرق مدیترانه، مسائل لبنان و فلسطین و حتی عراق شود. سقوط رژیم اسد، نه تنها می‌تواند نفوذ ایران در دنیای عرب را تحت تأثیر قرار دهد، بلکه می‌تواند حمایت نظامی این کشور از حزب الله را نیز کاهش بدهد. همچنین باعث تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای به نفع رقبای منطقه‌ای ایران از جمله عربستان

سعودی و ترکیه خواهد شد. در مقابل، چنانچه دولت کنونی بتواند قدرت گذشته خود را بازیابد و بحران فعلی را پشت سر بگذراند، پیروزی مهمی برای ایران در بازی های راهبردی منطقه خواهد بود. نظام سوریه به محض خروج از وضعیت قرمز امنیتی، سناریوهای متنوعی را برای انتقام‌گیری از طرف‌های مختلف دخیل در ناآرامی در سوریه تدارک خواهد دید. به اعتقاد برخی از تحلیل‌گران خاورمیانه، هر دولتی که در سوریه بر سر کار آید، با توجه به اختلافات خود با رژیم اسرائیل در مورد جولان، به جمهوری اسلامی ایران نیاز خواهد داشت (اسدی، ۱۳۹۱: ۱۷۰-۱۶۹).

۷. مبانی و اصول سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال گروه‌های تکفیری

۷-۱. حفظ بقاء و امنیت ملی، موازنه قوا و مقابله در منطقه: عربستان سعودی و در راس آن آل سعود با توجه به مسائل داخلی و موقعیت منطقه ای و بین‌المللی و همچنین تحولات منطقه و بیداری اسلامی (بهار عربی) حفظ بقاء و امنیت ملی خود را بعنوان بزرگترین مولفه راهبردی آل سعود در دستور کار قرار داده‌اند (3: Barzegar, 2012). در خصوص تحولات منطقه ای و در پی بیداری اسلامی و سقوط یک به یک دیکتاتوری های منطقه باعث شده است سیاستمدار ریاض را در نوعی خوف همیشگی قرار دهد. آل سعود به شدت نگران نفوذ منطقه ای ایران به خصوص در میان شیعیان است و تلاش می‌کند نقش و نفوذ ایران را در منطقه کاهش دهد (8: Altamini, 2012). عربستان برای پیشبرد اهداف خود در منطقه از حمایت کشورهای عربی و ایالات متحده برخوردار است. هرچند عربستان در حمله به کشور یمن بر خلاف عرف بین‌المللی که: معمولاً کشورها با استفاده از کلیه امکانات و ضوابط قانونی بین‌المللی مانند سازمان ملل و شورای امنیت برای توجیه مداخلات خود بهره می‌گیرند (کاضمی، ۱۳۶۶: ۶۰) . عربستان از نفوذ ایدئولوژیک و سنتی خود نمی‌تواند استفاده کند از این رو برای دستیابی به اهداف ترسیم شده مجبور به حمایت کامل از گروه‌های تکفیری در منطقه خاورمیانه است و در صورت شکست در این رقابت نیابتی و غیر مستقیم مطمئناً ضمن تقویت مواضع رقیب دولت عربستان از وضعیت کنونی بدتر را تجربه خواهد کرد چرا که حتی می‌تواند تاوانش سقوط آل سعود در عربستان باشد (6: Kamrava, 2013).

۷-۲. کارگزار نیابتی و احاله مسئولیت و ایفای نقش فعال‌تر در منطقه: از مولفه های اساسی نواقع گرایي همانطوریکه در قسمت رهیافت نظری نیز به گوشه ای از آن اشاره کردیم،

جنگ‌های نیابتی و احواله مسئولیت به دیگر بازیگران روابط بین الملل از سوی قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای در میدان کارگزار و ایفای نقش فعال‌تر در منطقه تحت نفوذ و نهایتاً تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای است. پیروزیهای گروهک‌های تکفیری و مخالفان در حوزه میدانی و بالتبع تأثیرات آن در حوزه سیاسی و دیپلماتیک باعث تقویت نقش فعال‌تر سعودی‌ها در منطقه خاورمیانه خواهد شد هر چند که برعکس آن نیز صادق خواهد بود. به نوعی می‌توان ادعا کرد دفاع از عربستان و منافع آن در جنگ نیابتی بعثت حمایت مادی و معنوی و وظیفه تروریسم تکفیری در خدمت دیپلماسی آل سعود است؛ ولی مسئولیت اقدامات متوجه خود گروه‌های تروریستی و تکفیری است (9: 2013، Kamrava).

۳-۷. جریان وهابیت و گروه‌های تکفیری منطقه: جریان وهابیت بدون تردید قوی‌ترین جریان مسلط مذهبی در داخل شبه جزیره عربستان است نوعاً سیاست خارجی و مبانی ایدئولوژیک آل سعود نیز مستقیماً ریشه در این جریان انحرافی و تندروی مذهبی دارد و باعث صدور تفکرات این جریان تندرو سلفی گر به خارج از مرزها شود و آموزه‌های از مبانی اصلی شکل‌گیری تروریسم تکفیری و جریان‌های انحرافی در دین اسلام شده است. در حال حاضر یکی از عوامل مهم فتنه‌گری در منطقه جریان سلفی تکفیری است که در لباس دفاع از سنت، عملاً در مسیر منافع غریبان گام بر می‌دارد. حضور این افراد در محافل و جوامع و انتشار آثار و فرآورده‌های فرهنگی آن در برخی از مراکز، باعث جلب توجه برخی از مراکز، باعث جلب توجه برخی از جوانان پرشور که از اقدامات سرکوب‌گرانه اشغالگران به ستوه آمده‌اند، شده است. مهمترین جریان‌های تکفیری منطقه عبارتند از: طالبان و القاعده، جبهه النصره، ارتش انصار السنه، حزب التحرير، جیش الطائفة المنصورة، گروه یاران اهل سنت (مناصروا و اهل السنه)، سپاه عمر، گروه الانصار وابسته به گروه انتحاری براء بن مالک، جیش محمد (الحق)، گردان زبیر بن عوام، گروه ابوایمن، احرار شام، بوکوحرام (شاخه آفریقا) و بالاخره جریان اصلی یعنی داعش و... نتیجه‌تاً: مهمترین فتنه‌گری در منطقه جریان سلفی تکفیری است که در لباس دفاع از سنت، عملاً در مسیر منافع غریبان گام بر می‌دارد. جریان انحرافی سلفی‌گری و وهابیت گفتمان ایدئولوژیک خاندان آل سعود در حوزه سیاست خارجی که این افکار متحجرانه ادامه بقای سیاسی آل سعود را در نظم جدید و نوین حتی با دوستان و متحدان غربی اش سخت خواهد کرد و ساختار نظام جهانی و جبر گرای مد نظر نواقع گرایی عربستان را مجبور به تجدید نظر کند (صادقی، ۱۳۹۴: ۸).

۴-۷. انحراف توجه بین المللی از شرایط داخلی عربستان: در راهبرد امنیتی خاندان آل سعود، امنیت شبه جزیره را باید بخش ی از امنیت عربستان دانست برای کنترل بحران مشروعیت در سرزمین حجاز و دیگر کشورهای شبه جزیره از الگوی کنش پیش دستانه امنیتی بهره می گیرد، در تحقق این سیاست است که عربستان به حمایت از گروههای تروریستی و تکفیری موسوم به داعش و دیگر گروههای تکفیری در عراق و سوریه می پردازد. منافی که عربستان از این اقدام به دست می آورد علاوه بر کسب حمایت آمریکا برای ادامه حکومت آل سعود، منحرف کردن توجه ها بین المللی از اعتراض ها در داخل آن کشور و صدور بحران داخلی خود به خارج است. همچنین انحراف از دخالت های نظامی عربستان است. عربستان در تلاش است تا مانع از انجام دموکراسی صادراتی در کشور به شدت محافظه کار و دارای حکومت سنتی خانوادگی خود شود. کاملاً این مسئله به نفع عربستان سعودی است با این انحراف باعث نفوذ و گسترش تفکر و سلفی گری در قالب تروریسم تکفیری به سود افزایش قدرت و نفوذ آل سعود خواهد شد (صافی، ۱۳۹۴: ۸).

۵-۷. اختلافات ایدئولوژیکی، تقابل مقاومت با محافظه کاری عربی: یکی از جلوه های تقابل عربستان در برابر سوریه به سیاست های سوریه در منطقه بر می گردد. حکومت عربستان سعودی به طور کلی تلاش کرده است تا از نظر هویتی و ایدئولوژیک نوعی بنیادگرایی سنی را در منطقه گسترش دهد. در واقع گسترش اسلام وهابی و مخالفت با شیعیان از وجوه بارز سیاست منطقه ای عربستان محسوب می شود. بر این اساس می توان سرکوب شیعیان در بحرین و حمایت از گروه های سلفی سوریه در مقابل رژیم علوی سوریه را تبیین نمود. عربستان نماینده اسلام وهابی و پرچمدار کشورهای عرب محافظه کار می باشد؛ از اینرو ناچار است علاوه بر موقعیت دولت و منافع ملی خود، به جهان سنی، در زمانه ای که اسلام شیعی حسب برخی قرائن در حال برآمدن است، نیز بیندیشد. عربستان امروز وجدانی معذب دارد، اسلام گرایی شیعی به نحوی مداوم و البته ملایم در حال برآمدن است (طاهایی، ۱۳۸۸: ۶۳). مقامات سعودی بر این باورند که سیاست جدید آن ها منافع عربستان را به شکل کامل تامین خواهد کرد. با این وجود، هرچند احتمالاً این پیامدها در کوتاه مدت در راستای منافع این کشور است، اما در میان مدت عملاً شرایط را برای سعودی ها سخت تر خواهد کرد. مقامات سعودی بر این باورند که این سیاست می تواند وزن عربستان در خاور میانه در حال تحول را افزایش دهد و به شکلی روند امور

را دوباره به سود کشورهای عربی با محوریت اهل تسنن تقویت نماید. به باور آن‌ها تغییر در کشورهای حامی ایران باعث تضعیف محور مقاومت و تقویت جریان محافظه کار با محوریت عربستان خواهد شد (نیاکونی، ۱۳۹۱: ۱۶۶).

۶-۷. چالش‌ها و فرصت‌های عربستان سعودی نسبت به رویکرد خود در تحولات منطقه و سوریه: با تشدید بحران سوریه توجه و تمرکز جامعه بین‌المللی و بازیگران منطقه‌ای به این بحران معطوف می‌شود و در نتیجه جنبش‌ها و مطالبات مردمی درون عربستان و محیط پیرامونی به خصوص بحرین و یمن دست کم در مقطعی با وقفه و بی‌توجهی مواجه می‌گردد. پیامد مثبت دیگر بحران سوریه برای عربستان سعودی آن است که ابعاد قومی - فرقه‌ای و اهمیت راهبردی تحولات سوریه و همچنین تعارض منافع بازیگران که در نهایت، مناقشه‌های منطقه‌ای را گسترش می‌دهد، باعث می‌شود نقش عربستان به عنوان نماینده اهل سنت در مناقشه فرقه‌ای و رقابت‌های راهبردی منطقه‌ای ارتقا پیدا کند. تحولات و ناآرامی‌های سوریه فرصتی برای عربستان به منظور تضعیف موقعیت ایران در موازنه قدرت منطقه‌ای است. بحران سوریه علاوه بر نتایج مثبت کوتاه مدت برای عربستان سعودی در بلند مدت پیامدهای منفی برای سعودی‌ها خواهد داشت. اصلی‌ترین پیامد اینکه هر نوع تغییر و دگرگونی در سوریه در نهایت در مدار تغییرات منطقه‌ای را گسترده‌تر خواهد کرد و کمکی به حفظ وضع موجود و سنتی در منطقه نمی‌کند. نکته مهم اینکه سوریه در هر شرایطی به وضعیت گذشته باز نخواهد گشت و بیشتر به کشورهای مردم‌سالار نزدیک‌تر خواهد شد. در نتیجه موج تغییر در منطقه گامی دیگر پیش خواهد رفت و ممکن است در مراحل بعد و پس از به سامان رسیدن شرایط کشورهای بحرانی کنونی و به خصوص سوریه، عربستان سعودی و کشورهای پیرامونی آن مجبور شوند سیاست‌های جدید در قبال جنبش‌ها و مطالبات مردمی اتخاذ کنند. این موضوع در چارچوب ظرفیت‌های کنونی دولت سعودی و رویکردهای آن ممکن است باعث ایجاد چالش‌های سیاسی و امنیتی مهمی برای سعودی‌ها شود (اسدی، ۱۳۹۱: ۵۹-۱۵۸).

۸. تقابل سیاست خارجی ایران و عربستان در قبال تکفیری‌ها در مسئله سوریه و عراق
عربستان در خاورمیانه یکی از فعال‌ترین اعضای ائتلاف غربی - عربی است. در یک هماهنگی استراتژیک با آمریکا به هیچ وجه حکومت اسد را بدلیل اینکه اصلی‌ترین متحد ایران در منطقه، کمک‌رسان به حزب الله در جنگ با اسرائیل و بالاخره یکی از موانع اصلی صلح اعراب و

اسرائیل است و یار و یاور مقاومت اسلامی اسلامی فلسطین است شایسته حکومت نمی داند (کوشکی، ۱۳۹۳: ۷). افزون بر آن مداخلات لبنان و عراق و پیوند نظامی اش با روسیه به شکل پایگاه نظامی در طرطوس و دیگر همکاری راهبردی که داشته است (پرتو، ۱۳۹۱: ۱۸۲). این اقدامات به زعم آل سعود خصمانه دولت سوریه در نهایت باعث گسترش حوزه نفوذ ایران و محور مقاومت و تغییر موازنه قوا در منطقه و تغییر معادلات منطقه ای به سود محور شیعی در منطقه و در نهایت تهدید جدی برای حفظ بقاء و امنیت ملی عربستان سعودی است. باید به هر وسیله ای از جمله حمایت تمام کمال از تروریسم تکفیری در قالب داعش و دیگر گروههای سلفی و تکفیری جلوی اقدامات محور مقابل مسدود گردد. تا بتواند از تثبیت ساختار سیاسی دولت اسد در سوریه در نتیجه محور مقاومت جلوگیری کرده و موازنه منطقه ای به سود عربستان گردد (صادقی، ۱۳۹۴: ۱۱-۹). عربستان در این راستا به گزارش پایگاه (ورلدنت دیلی) در سال ۲۰۱۴ کمکی ۳۰۰ میلیون دلاری به داعش در جهت موفقیت میدانی در مسئله سوریه داشته است. در آوریل ۲۰۱۵ رئیس جدید ائتلاف ملی مخالفان سوریه یعنی خالد خوجه را همزمان با زهران علوش رهبر سابق جیش الاسلام (گروه نزدیک به عربستان در جنوب سوریه) را به ریاض دعوت کرده است و از آنان خواسته است که به گروهک تروریستی تکفیری احرار الشام جهت کمک و موفقیت در حوزه میدانی جنگی در سوریه روابط حسنه برقرار کنند، مطابق خواست عربستان که در آخر الامر علوش در خاک ترکیه صورت این دیدار صورت گرفت. یا مثلاً به نقل از رسانه های سوری حمایت های عربستان سعودی از شورشیان سوریه ای بسیار گسترده است، به طوری که عربستان تسهیلات مالی و نظامی گسترده ای در اختیار معارضان سوری قرار داده است (tucci, 2014: 139). اسناد بسیاری که مبین حمایت همه جانبه و فراگیر عربستان سعودی از تروریسم تکفیری در حوزه میدانی سوریه در تقابل با دول سوریه، ایران و محور مقاومت داشته و دارد در دست است. یا مثلاً نقل شده است که از همان ابتدای بحران سوریه عربستان با ارسال درخواست هایی برای اتحادیه عرب، سازمان ملل و شورای امنیت و همچنین افتتاح کانالی در جهت ارتباط با شورشیان بر امداد تا بر دولت بشار اسد فشار وارد کند (Harriet, 2012). اما در خصوص مساله عراق دغدغه عربستان نسبت به ایران و محور مقاومت به چندین سال گذشته پس از سقوط صدام حسین در عراق بر می گردد. با این کیفیت که پس از به قدرت رسیدن شیعیان در عراق و گسترش مراودات با تهران و نفوذ ایدئولوژیک فوق العاده

ایران در عراق باعث وحشت مقامات ریاض جهت تحقق هلال شیعی در منطقه خاورمیانه شد و همین عامل باعث شد که عربستان سعودی ارتباطات خود را با گروه‌های سنی تندرو و مخالف در عراق و همچنین باقیمانده‌های حزب بعث در جهت تغییر و تضعیف وضع موجود بکار گیرد و این ارتباط تا آن زمان غیر مستقیم بود پس از حضور داعش در عراق عربستان مستقیماً وارد کارزار عراق شد و از طریق کانال‌های ارتباطی خود از داعش و اقدامات آن در عراق در جهت مقابله با دولت شیعی و ایران و محور مقاومت بهره جست و دقیقاً با سیری در اقدامات عربستان در قبال گروه‌های تکفیری در منطقه تقابل مستقیم سیاست خارجی ایران و عربستان کاملاً مشهود است و همانطوریکه در ابتدای این مبحث اشاره شد سوریه و عراق کارزار مستقیم تقابل ایران و عربستان سعودی است. عربستان در صدد است با بیداری حس شیعه ستیزی علمای وهابی داخلی و متوجه کردن آنها به ارتقای وضعیت شیعیان و شکل‌گیری دولت‌های شیعه اذهان سران وهابی را از روابط دوجانبه با امریکا و حضور نیروهای غربی به سمت شیعیان منطقه منحرف کند (Bruce and saab, 2008).

۹. تقابل سیاست خارجی ایران و عربستان در قبال مسائل یمن و بحرین

قبل از تحولات بیداری اسلامی (بهار عربی) یمن در زمان حکومت دیکتاتوری علی عبدالله صالح و بحرین تحت حاکمیت آل خلیفه بعنوان حوزه نفوذ سنتی و به اصطلاح حیات خلوت عربستان سعودی محسوب می‌شد؛ اما پس از تحولات مذکور شیعیان این کشورها به تاسی از حرکت ملت ایران و دیگر ملل عربی دست به تحرکاتی بر ضد حکومت مرکزی زدند که این امر ناشی از نفوذ ایدئولوژیک ایران در این مناطق می‌باشد و همین امر باعث احساس خطر جدی از سوی آل سعود نسبت به ایران در این مناطق شد. بعنوان مثال در مورد بحرین در ۱۴ مارس سال ۲۰۱۱ حکومت آل خلیفه جهت سرکوب قیام شیعیان بحرین از شورای همکاری خلیج فارس تقاضای کمک نمود که در این راستا عربستان سعودی حدود هزار نیروی نظامی به بحرین اعزام نمود و امارات متحده عربی در قالب شورای همکاری خلیج فارس نیز حدود پانصد نیروی پلیس به بحرین اعزام کردند. (Terril, ۲۰۱۱: ۲۲) هم اکنون نیز این حمایت‌های همه جانبه نظامی و سیاسی از سرکوبگری آل خلیفه بر علیه شیعیان بحرین با حمایت‌های عربستان ادامه دارد و بارها حکومت آل سعود و آل خلیفه ایران را متهم به حمایت از شیعیان بحرین نموده‌اند.

ملک عبدالله در یک اظهارات رسمی در مورد بحرین گفته است: (هرگز اجازه نخواهیم داد حکومت شیعی در بحرین به سرکار بیاید) و آمریکا را به عدم حمایت از متحدان و تقویت ایران متهم کرده است. در مورد یمن عربستان اخیرا دست به ماجراجویی زد و پس از استعفاء و فرار علی عبدالله صالح به ریاض راسا وارد جنگ نظامی با صنعا شده است و دقیقا در این بخش ایران را متهم به حمایت مادی و معنوی از الحوثی ها و انصار الله یمن (شیعیان یمن) می نماید و بارها در جنگ مستقیم ضربات مهلکی از این مقاومت مردمی خورده است و نهایتا نقش ایران را در این مقاومت ها بسیار پررنگ می بیند؛ اما سعودی ها در خصوص نفوذ ایدئولوژیک ایران بر شیعیان بحرین و یمن کاملا خشمگین و بارها حتی مستقیما به ایران نیز حملات لفظی داشته اند می توان گفت: سعودی های از مسئله بحرین و یمن به نفع حمایت از گروههای تروریستی تکفیری در منطقه گروگانگیری کرده اند و غیر مستقیم از مبانی تلافی جویانه آنان نسبت به ایران قلمداد می شود (Gause، 22:2011).

۱۰. بررسی علل چرخش سیاست عربستان در تشکیل ائتلاف علیه تروریسم

عربستان سعودی در یک تغییر تاکتیکی نه راهبردی به خاطر ملاحظات سیاسی و نظامی که داشت به ظاهر وارد مبارزه با فرزند خلف خود (تروریسم تکفیری) شده است. این امر را فقط می توان نوعی ظاهر سازی و تغییر مواضع تاکتیکی نه راهبردی پنداشت. چند دلیل عمده پشت پرده از تغییر تاکتیکی عربستان را در تشکیل ائتلاف می توان در موارد ذیل خلاصه کرد. نخست انحراف افکار عمومی و خلع سلاح شعار راهبردی جبهه متقابل، عربستان سعودی در تقابل با ایران و محور مقاومت شرق و حتی بعضی کشورهای غربی متهم به حمایت از تروریسم تکفیری بوده که افکار عمومی نسبت به عربستان بدبین کرده، حال دولت سعودی با حفظ اصول راهبردی خود با تغییر تاکتیک در قالب تشکیل ائتلاف علیه تروریسم سعی در بازسازی وجهه خود نزد افکار عمومی و کسب برائت از اتهام حمایت از تروریسم در مقابل دیگر بازیگران روابط بین الملل را دارد. هدف بعدی بدون شک در این تاکتیک دنبال می شود جهت احیای تقویت نقش رهبری عربستان در جهان عرب و منطقه است. هدف دیگر مقابله با ایران و کشورهای همسو با آن است، با سیری در فهرست اعضای ائتلاف اعلامی نبود هیچ یک از نام این کشورها موید نوعی پیام برای تقابل با ایران و محور مقاومت است باز تعریف فتنه و تروریسم در محور مقاومت

یکی دیگر از اهداف پشت پرده این ائتلاف تلقی می‌گردد. امر دیگر را می‌توان راضی نگه داشتن کشورهای غربی و انتقادات مستمر آنان را در پاسخ به این سوال چرا عربستان در عدم مبارزه فراگیر به صورت انفعالی عمل می‌کند که به خصوص پس از حملات تروریستی اخیر به قلب اروپا (اقدامات تروریستی پاریس) این فشارها شدت گرفت و دولت عربستان نیز در قالب این تغییر تاکتیک سعی در دادن یک جواب قانع کننده به منتقدانش را داشت. در نهایت مشکل سنتی عربستان تشکیل ائتلاف برای عدم توجه قدرت های بین المللی به داخل عربستان و آموزه های وهابیت و سلفی گری که بعنوان مسائل داخلی عربستان مستقیماً با تروریسم تکفیری مرتبط این تغییر تاکتیک و آرایش جدید نوعی مصونیت مقطعه ای ایجاد کند (Lvov: 2015: 17).

۱۱. مسئله انرژی و ذخایر نفتی دیگر مورد اختلاف زای بین دو کشور

ایران و عربستان همواره به عنوان دو کشور و دو قدرت تأثیرگذار جهان اسلام، در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس مطرح بوده اند و هر کدام بنا به دلایلی، نقشی برتر برای خود در روند تحولات منطقه ای قائل می باشند. با این حال، روابط بین دو کشور از زمان پهلوی اول تاکنون همواره با نوساناتی توأم بوده است (Alvandi, 2012: 369-370). مهمترین مؤلفه ژئوپولیتیکی کشور عربستان، وجود ۲۵ درصد منابع نفت کل جهان در این کشور است؛ به گونه ای که عربستان می تواند روزانه ۱۲ میلیون بشکه، نفت تولید کند و به این وسیله بازار نفت جهان را در اختیار گیرد. این قدرت تولید، در سطح منطقه ای و جهانی به این کشور امکان داده است که در قیمت گذاری نفت و به طور کلی تولید، توزیع و مصرف آن، نقش خاصی را ایفا کند. ذخایر نفت عربستان، حدود ۱۶۰ میلیارد بشکه تخمین زده شده است که شامل ۱/۴ ذخایر موجود دنیا و بیش از ۱/۳ درصد از کل ذخیره اوپک می شود. ذخایر نفت این کشور را ۲۵۰ میلیارد بشکه نیز برآورد کرده اند. تولیدات نفتی عربستان، سالانه در اواخر دهه، ۱۹۸۰ به مقدار ۲ میلیارد بشکه نفت بود که بعد از حمله عراق به کویت در ۱۹۹۰ افزایش یافت. در سال ۱۹۹۹ عربستان سعودی ۳/۱ میلیارد بشکه نفت تولید کرد که بیشترین تولید نفت توسط یک کشور در جهان محسوب می شود (Wallerstein, 2012: 4).

۱۲. برنامه‌ی هسته‌ای ایران، خروج امریکا از برجام و فضای پسا برجام (اعمال تحریم‌های جدید و شدید علیه ایران)

با طرح ادعای گروهک منافقین در سال ۱۳۸۱ مبنی بر فعالیتهای پنهانی ایران در غنی‌سازی اورانیوم در تأسیسات نطنز و تجهیزات آب سنگین اراک، برنامه هسته‌ای ایران از این مقطع زمانی از سوی جامعه بین‌المللی به منزله تهدیدی برای امنیت منطقه‌ای و جهانی مطرح گردید. با گزارش مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز، پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت فرستاده شد و در آنجا قطعنامه‌های متعددی علیه برنامه‌ی هسته‌ای ایران صادر شد. در این برهه عربستان سعودی در راستای تشدید بحران هسته‌ای ایران سعی در امنیتی‌سازی ایران داشت. چرا که ایران و به طور خاص برنامه هسته‌ای آن را تهدیدی برای موجودیت خود تلقی می‌کرد. رژیم صهیونیستی در مقایسه با سایر کشورهای جهان در مورد برنامه هسته‌ای ایران خود را نگران تر می‌داند و همواره آن را در راستای اهداف نظامی ایران و تهدیدی جدی علیه موجودیت خود می‌داند. امنیتی‌سازی ایران این فرصت را در اختیار عربستان قرار می‌دهد تا با تهدید پنداشتن ایران برای خود و منطقه، به خرید تسلیحات نظامی پیشرفته از کشورهای غربی روی آورد. از سوی دیگر باعث شد تا ایران را به عنوان جایگزین اسرائیل در دشمنی با اعراب و بخصوص عربستان سعودی تصور کنند (رستمی و تارا، ۱۳۹۷: ۱۳۱). از ابتدای مذاکرات هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱ عربستان سعودی با همراهی اسرائیل همواره تلاش خود را برای شکست این مذاکرات به کار بردند و ناموفق شدند، و پس از توافق نیز مواضع خصمانه خود نسبت به توافق هسته‌ای با ایران را نشان دادند. در همین زمینه، آویگدور لیبرمن این توافق را با قرارداد مونیخ که با آلمان نازی منعقد شد مقایسه کرد و موشه یعلون نیز گفت این توافق بر اساس دروغ و فریب بنا شده است و آن را یک تراژدی برای همه کسانی که خواهان ثبات منطقه هستند و از ایران هسته‌ای ترس دارند، دانست (Dassa Kaye, 2016: 2-3). دشمنان ایران همچون اسرائیل و عربستان با استفاده از تبلیغات و کمک طرفداران خود از جمله لابی قدرتمند آپیک، تلاشهای بسیاری در واکنش به توافق هسته‌ای ایران و غرب و همچنین تهدید آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران و مهمتر از آن پیامدهای حاصله از توافق مذکور برای ایران، انجام دادند. آنها ادعا کردند که ایران از ابتدا در پی هژمونی منطقه‌ای و تغییر موازنه قدرت به نفع خود بوده و وقوع توافق هسته‌ای آنها را به اهداف خود نزدیک می‌کند. از این رو، آپیک بلافاصله پس از توافق برجام،

برنامه ای را با عنوان رد توافق هسته ای با ایران در کنگره ارائه کرد. در این راستا، آپیک در صفحه اصلی سایت خود بسته ای از ۳۳ فایل شامل تحلیل، یادآوری تاریخی، نقل قول مقامات رسمی و کلیپ ویدئویی را بارگذاری کرده که هدف آن گوشزد کردن ناقص بودن این توافق در تمامی بخشها بود. همچنین عربستان سعودی در طول سالهای گذشته و با جدی شدن مذاکرات هسته ای ایران، با کمک اسرائیل و برخی کشورهای عربی منطقه، لابی عبری-عربی را علیه ایران و برای تخریب روند مذاکرات تشکیل داد. اما این لایبها با انعقاد برجام عملاً شکست خورد. لابی سعودی موسوم به ساپراک در اواخر سال ۱۳۹۵ در واشنگتن تأسیس شد و در اقدامی ضدايراني، با ساخت مستندی ۶۰ دقیقه‌ای، از خطر ایران برای آمریکا و جهان سخن گفتند و مدعی شدند تهران در همه عملیاتهای تروریستی جهان دست دارد (رستمی و تارا، ۱۳۹۷: ۱۳۴). دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا سفر به عربستان را به عنوان نخستین سفر خارجی خود در مقام ریاست جمهوری انتخاب کرد. یکی از دستاوردهای مهم سفر ترامپ به عربستان امضای قرارداد فروش تسلیحات نظامی به ارزش ۴۶۰ میلیارد دلار به عربستان بود. کاخ سفید در بیانیه‌ای اعلام کرد: «در جریان سفر دونالد ترامپ به عربستان سعودی قراردادی به ارزش ۴۶۰ میلیارد دلار با این کشور به امضا رسانده است. این توافق که بخشی از آن به ارزش ۳۵۰ میلیارد دلار است برای مدت ۱۰ سال و بخش ۱۱۰ میلیارد دلاری آن به صورت آنی و در جریان سفر کنونی ترامپ، عملیاتی و اجرا خواهد شد. این بسته تجهیزات و خدمات نظامی به منظور تقویت امنیت عربستان و منطقه خلیج فارس و نیز در برابر تهدیدات ایران بوده و در راستای تقویت توانمندی این کشور در مشارکت در عملیاتهای ضدتروریستی در منطقه به انجام رسید. ایران و عربستان در حال حاضر در یمن، عراق، سوریه و لبنان نوعی جنگ نیابتی را دنبال می کنند. هر چند جنگ عربستان در یمن بیشتر به صورت حمله مستقیم نظامی دنبال می شود و با توجه به روندهای موجود، عربستان احتمال موفقیت و پیروزی خود در جبهه های مذکور به ویژه در عراق و سوریه را پایین می بیند اما به معنای آن نیست که از حمایت های گسترده خود از گروههای مخالف در عراق و سوریه و همچنین تضعیف حزب الله در لبنان با هدف فرسایش توان ایران دست بکشد (رستمی و تارا، ۱۳۹۷: ۱۳۶). اگر چه تا پیش از توافق هسته ای در مورد حضور ایران در حل بحرانهای منطقه ای از سوی کشورهای غربی و بخصوص آمریکا و متحدین منطقه ای اش تردید وجود داشت و باعث پررنگ تر شدن نقش دیگر بازیگران از جمله عربستان و رژیم اسرائیل

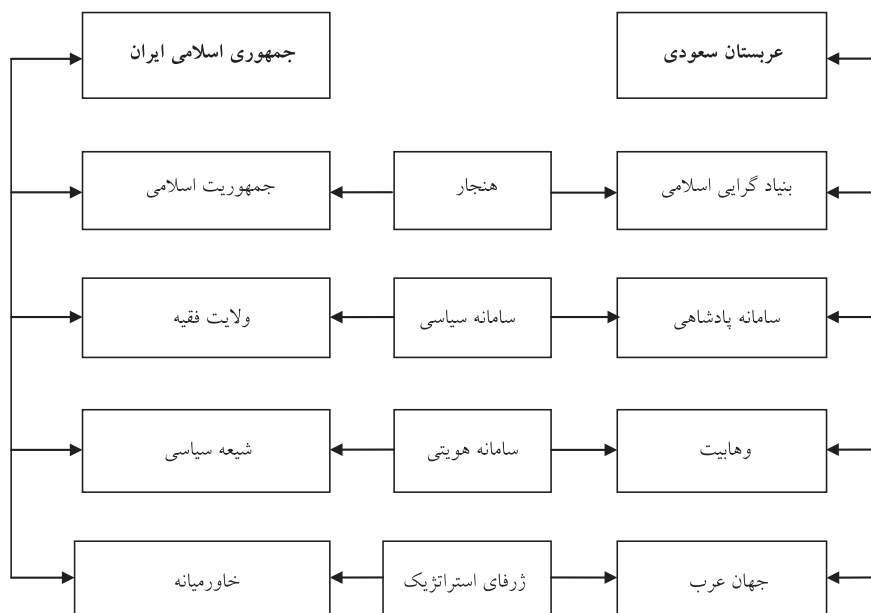
می شد، اما با توافق برجام، ایران و نیروهای نظامی و مستشاری اش به اصلی ترین بازیگر در این عرصه تبدیل شده اند. در واقع، برجام باعث شده است که ایران وارد گفتگو و مذاکره بر سر تأمین ثبات و امنیت خاورمیانه شود (Alcaro, 2018: 3).

۱۳. جمع بندی پایانی

جمهوری اسلامی در پی حفظ بقاء (محور مقاومت، شرقی) و همچنین گسترش قدرت نرم و افزایش ضریب خود در برهم زدن معادلات کنونی منطقه است، لذا بعنوان قدرت بالقوه در تعارض کامل با محور مخالف قرار دارد. اما عربستان در پی حفظ بقاء سیاسی (محور غربی - عربی) و حفظ وضع موجود و مقابله با محور مقاومت است. لذا با توجه به مشروعیت دینی (وهابیت) که در قبال این گروهها دارد، در تعارض و تقابل کامل با ایران و محور مقاومت است. عربستان بعنوان یکی از فعال ترین نمایندگان ائتلاف غربی - عربی در منطقه خاورمیانه در جهت حفظ وضع موجود همگون با هژمون حرکت می نماید و خواستار حفظ و گسترش روابط اعراب و اسرائیل، حفظ دیکتاتورهای همسو در منطقه، به قدرت رسیدن طیف خاص مذهبی در کشورهای غیر همسو در راستای سیاست های سعودی ها، مبارزه فراگیر با محور شیعی، ترویج وهابیت و... در خاورمیانه است. اما ایران پس از پیروزی و تثبیت جمهوری اسلامی بعنوان یک قدرت منطقه ای و محور مقاومت (تشیع گرایی) در منطقه عمل نمود و بعنوان نقطه مقابل سیاست های ائتلاف غربی عربی و عربستان سعودی محسوب می شود که به نوعی می توان در راستای فشار بر غرب و منافع خود نیز روسیه و چین نیز مستقیم و غیر مستقیم در قالب ائتلاف دسته بندی می شوند. پس از تحولات بیداری اسلامی (بهار عربی) و سقوط یک به یک دیکتاتوری های عربی و گسترش روز افزون نفوذ ایدئولوژیک ایران در بین شیعیان منطقه عربستان سعودی کاملاً احساس خطر کرد و در جهت مقابله با ایران و محور مقاومت در تقابل با وضع موجود در راستای ترویج وهابیت شروع به حمایت های گسترده از گروههای تروریستی تکفیری در منطقه نمود، که این تقابل کاملاً در حوزه میدانی نبرد تروریست های تکفیری در سوریه و عراق بر علیه دولت و ملت آن کشورها و منافع راهبردی ایران و محور مقاومت کاملاً مشهود است و باعث اثبات این فرضیه می شود؛ اقدامات تروریست تکفیری در منطقه در راستای سیاست های ائتلاف غربی عربی و به خصوص عربستان است. کاملاً

همپوشانی منافع دارد و سعودی با حمایت غیر مستقیم و جنگ نیابتی و احاله مسئولیت وارد گود شده اند برای این راهبرد خود نیز دارای مبانی و اصول توجیه گر هستند از جمله: انحراف توجه بین المللی از شرایط داخلی عربستان، حفظ بقاء و امنیت ملی؛ موازنه قوا و مقابله در منطقه، ترویج و گسترش وهابیت، کارگزار نیابتی و احاله مسئولیت و ایفای نقش فعال تر در منطقه و... از این اهداف می باشد. نقطه مقابل این سیاست ها ایران بعنوان رهبر محور مقاومت در منطقه و حریف اصلی ائتلاف غربی - عربی و عربستان در منطقه محسوب شده که براساس واقعیت های موجود به نگاهی واقع بینانه نسبت به مسائل به دفاع از منافع راهبردی و حیاتی خود در منطقه می پردازد که با وجود تهدیدات جدی عربستان و ائتلاف غربی عربی در قالب تروریسم تکفیری بر علیه ایران و متحدانش به مبارزه فراگیر با این پدیده در منطقه پرداخته است. در این مبارزه با گروههای تکفیری اصول و مبانی راهبردی ایران را می توان چنین انگاشت: حفظ بقاء و امنیت ملی و محور مقاومت در منطقه، گسترش حوزه نفوذ و صدور انقلاب، تبدیل به هژمون منطقه ای در پی تحولات بهار عربی تغییر وضع موجود و تثبیت مواضع ایران را می توان از اصول در حوزه سیاست خارجی در مبارزه با گروههای تروریستی تکفیری در منطقه دانست. اما سه مسئله فی مابین ایران و عربستان وجود دارد که مستقیماً به حمایت از سیاست دو کشور در حمایت از تکفیری ها بر نمی گردد؛ ولی از این مسائل طرفیت جهت حمایت و تقابل با تکفیری ها گروگانگیری کرده اند آن هم مسائل یمن، بحرین، مسئله فلسطین و اسرائیل داست که بدون شک از مبانی پشت پرده و غیر مستقیم از حمایت یا تقابل با تروریسم تکفیری در منطقه است، پس نتیجا می توان گفت: منافع ایران در تعارض کامل با اقدامات تکفیری ها در منطقه است و تقابل این گروهک ها از اصول راهبردی سیاست خارجی ایران در حوزه مسائل خاور میانه خواهد بود.

برخی از زمینه های هنجاری - سیاسی - هویتی و ژئوپلتیک بین ایران و عربستان که باعث ناسازواری شده است (ترسیم نگارندگان).



فهرست منابع و مآخذ

۱. ابراهیم نژاد، محمد (۱۳۹۳)، داعش، قم، چاپ اول، جلد اول، انتشارات دارالاعلام لمدرسه اهل بیت (ع).
۲. اسدی، علی اکبر (۱۳۹۱)، بحران سوریه و تاثیر آن بر بازیگران و مسائل منطقه‌ای، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال سیزدهم، شماره ۵۰.
۳. امیری، سروش (۱۳۹۷)، نسبت دگرگونی های منطقه غرب آسیا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال ۸، شماره دوم.
۴. پرتو، امین (۱۳۹۰)، بیداری اسلامی و امنیت ملی ایران، فرصت ها و تهدیدها، تهران، انتشارات انجمن ژئوپلیتیک ایران.
۵. حق شناس، محمدرضا (۱۳۹۲)، مواضع و عملکرد مختلف بازیگران در قبال بحران سوریه، ماه نگار راهبردی دیده بان امنیت ملی، شماره ۱۸.
۶. حکیم، حمید و غلامی، سعید (۱۳۹۹)، بحران سوریه چالش ها و فرصت ها (با تاکید بر جمهوری اسلامی و رژیم اسرائیل)، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، سال نهم، شماره هیجدهم، پاییز و زمستان.
۷. رستمی، فرزاد؛ تارا، علیرضا (۱۳۹۷)، تحلیل روابط عربستان سعودی و اسرائیل در سایه توافق هسته ای ایران، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، دوره هفتم، شماره ۲.
۸. شعر باف، جواد (۱۳۹۱)، محیط امنیتی و هزینه های نظامی، خاورمیانه در سال های (۱۹۷۰-۲۰۱۰)، ویژه نامه مسائل داخلی عربستان، نشر ابرار معاصر.
۹. صادقی، سید سعید (۱۳۹۴)، نقش عربستان در گسترش گروه های تکفیری، مقاله پنجم تیر ماه روزنامه کیهان، شماره ۲۱۲۱۸.
۱۰. طاهایی، سیدجواد (۱۳۸۸)، خاورمیانه جدید تر (چشم انداز وسیع روابط ایران و سوریه)، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، معاونت پژوهشی.
۱۱. عبدالله خانی، آرش (۱۳۸۹)، تحولات جهان عرب، الگوهای تغییر نظام امنیتی در خاورمیانه (با تاکید بر مصر)، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۷، شماره ۲.
۱۲. کاظمی، سیدعلی اصغر (۱۳۶۶)، مدیریت بحران های بین المللی، تهران، نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وابسته به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران.

۱۳. کوشکی، محمد صادق (۱۳۹۳)، پارادوکس‌های سیاست خارجی آمریکا در قبال سوریه، پژوهشنامه روابط بین الملل، دوره ۷، شماره ۲۶، تابستان.
۱۴. مرشایمر، جان (۱۳۹۰)، تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ، ترجمه غلامعلی چگینی زاده، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی.
۱۵. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۰)، تحول در نظریه‌های روابط بین الملل، تهران، انتشارات سمت.
۱۶. موسوی، سید محمد و دیگران (۱۳۹۱)، تاثیر مسائل ایدئولوژیک بر سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال ایران از سال ۲۰۰۳ به بعد، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۱، تابستان.
۱۷. نیاکوئی، سید امیر (۱۳۹۱)، کالبد شکافی انقلاب‌های معاصر در جهان عرب، چاپ اول، نشر میزان.
18. Alcaro, Riccardo (2018), Netanyahu and the Iran Nuclear Deal: Using Half-Truths to Support a Lie. Institute Affari Internazionali, [Http://www.iai.it/sites/default/files/iaicom1827.pdf](http://www.iai.it/sites/default/files/iaicom1827.pdf)
19. Altamini, Naser (2012), China, SudiaArbia Relations and Nerguizian Aram.Us and Iranian Strategic Competition, CSIS, Marc.
20. Alvandi, R. (2012), Nixon, Kissinger, and the Shah: the Origins of Iranian primacy in the Persian Gulf, Diplomatic history.
21. Dassa Kaye, Dalia (2016), Israel's Iran Policies After the Nuclear Deal, Rand Corporation. [Http://www.rand.org/pubs/oerspectives/PE207.html](http://www.rand.org/pubs/oerspectives/PE207.html)
22. Keyhan, Barzegar (2012), The Arab spring and Balance of power in the Middle East, Belfer for Science and Internatinal Affairs, harvadKennd School.
23. Kamrava, Mehran (2013), Mediation and Saudi Policy, Availbleat: <http://explore.Gerogetown.edu/publications/index.cfm?Action=view>.
24. Peter, Lvov (2015), Syrian Regim is Going Down In Flames, Availble at: <http://Journal-neo.org.2015/5/15-rus-siriya-rezhim-by-storo-slabeet>.
25. Riedea, Bruce and Bilal y saab (2008), Arabea washinyton quarterly, spring.
26. Trump, Donald (2017), US National Security Strategy. Translated to Persian by Fars News Agency. Tehran [in Persian].

27. Guffey, R., A. (2009), Saudi-Iranian Relations Since the fall of Saddam, Rivalry, Cooperation and Implications for U.S.A Policies, Middle East Journal, No.4, Vo1.61.
28. Lustick, I. (2013), Saudi Arabia and American Oil: A Geopolitical Perspective, BDP Global Leadership Summit, Philadelphia, U.S.A [http://www.bdpinternational.com / wp/ wp-content/uploads/Saudi-Arabia-and-American-Oil.pdf](http://www.bdpinternational.com/wp/wp-content/uploads/Saudi-Arabia-and-American-Oil.pdf).
29. Wallerstein, I. (2012), The Geopolitics of Arab Turmoil, Al Jazeera Centre for Studies, 27 September 2012.

بررسی عوامل مؤثر بر سیاست خارجی عربستان در قبال پرونده فلسطین در دروه محمد بن سلمان

محمد جواد نجفی^۱

علیرضا صفایی مهر (نویسنده مسئول)^۲

چکیده

مسئله فلسطین یکی از موضوعات چالش برانگیز در سیاست خارجی عربستان سعودی می باشد که در دهه اخیر بالاخص در دوره محمد بن سلمان مورد تغییرات عمده ای واقع گردیده است. به طور کلی رفتار سیاست خارجی هر بازیگری با توجه به نقش عوامل گوناگون شکل می گیرد و بدلیل اینکه همواره رویکرد عربستان سعودی به عنوان بازیگر مؤثر در جهان اسلام، در چگونگی روند این پرونده مؤثر بوده است؛ لازم می آید به منظور تحلیل و مدیریت مناسب این تغییر رویکرد، عوامل و فاکتورهای مؤثر شناسایی و احصاء گردد. (بیان) پژوهش حاضر با بهره گیری از مدل پیش تنوری جیمز روزنا و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به دنبال شناسایی عوامل تاثیرگذار در سیاست خارجی عربستان سعودی به طور مشخص پس از روی کار آمدن محمد بن سلمان می باشد. (روش) با قبول اینکه دو متغیر فرد و نظام بین الملل بیشترین اثرگذاری را در این دوره دارا می باشد (فرضیه)، نتایج احصاء شده از این پژوهش بیان گر آن است که؛ از یک سو تحولات محیط داخلی عربستان به ویژه نقش رهبر جدید و ویژگی های شخصیتی وی و از سوی دیگر عوامل خارجی همچون همکاری های استراتژیک با ایالات متحده، تنش های منطقه ای از جمله رقابت با جمهوری اسلامی ایران، ناکامی در بحران یمن و ایجاد موازنه قوا به عنوان مؤثرترین عوامل تغییر رفتار سیاست خارجی عربستان در قبال پرونده فلسطین مشخص شده اند. (یافته ها)

کلیدواژه ها: پرونده فلسطین، عربستان، سیاست خارجی، جیمز روزنا.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی تاریخ اسلام، گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران. <https://orcid.org/5037-7347-0002-0000> ID mohammadgavad71@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای، گروه مطالعات منطقه ای، دانشکده مطالعات بین الملل، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران. <https://orcid.org/0000-0003-0961-612x> ID

۱. مقدمه

رژیم صهیونیستی جهت مشروعیت بخشی به خود و دستیابی به عمق استراتژیک در منطقه نیازمند برقراری رابطه با دولت های منطقه می باشد. این رژیم با جاه طلبی های برخی سران منطقه، فرصت بی نظیری برای توسعه دکترین رابین- پرز با محوریت خلیج فارس یافته و با فراهم نمودن زمینه های لازم برای تعمیق روابط با این کشورها، روز به روز بر ابعاد و پیچیدگی های آن افزوده است. از جمله این اقدامات می توان به توافق اخیر رژیم صهیونیستی با امارات و بحرین اشاره نمود. این بدعت و ادامه این روند در منطقه می تواند نظم امنیتی منطقه، محور مقاومت، امنیت جمهوری اسلامی ایران و پرونده فلسطین را تحت تاثیر قرار دهد که این امر نشان دهنده ضرورت پایش و رصد اقدامات و راهبردهای کشورهای منطقه از جمله عربستان در مقابل این رژیم می باشد. به علاوه فلسطین یکی از مهمترین مسائل جهان اسلام از منظر ایدئولوژیک و همین طور یکی از مهمترین مسائل بین المللی می باشد. بنابراین نقش دولت عربستان سعودی و چگونگی سیاست خارجی این کشور که همواره فلسطین را موضوعی مربوط به خود و جهان عرب می داند و تحرکات این کشور در راستای بدست گرفتن ابتکار عمل در حل مسئله فلسطین، بسیار حائز اهمیت می باشد و در نتیجه، ضرورت آن است تا شاخص های سیاست خارجی عربستان در قبال پرونده فلسطین مشخص گردد.

این نوشتار به دنبال پاسخ به پرسش اصلی؛ بررسی ماهیت رویکرد عربستان در قبال پرونده فلسطین در دوره محمد بن سلمان و شناسایی عوامل و فاکتورهای مؤثر بر موضع گیری عربستان در قبال بحران غزه و بطور کلی مسئله فلسطین می باشد. در این مقاله چگونگی سیاست خارجی عربستان در قبال پرونده فلسطین در دوره محمد بن سلمان بر اساس نظریه جیمز روزنا بررسی گردیده و بدین منظور ۵ متغیر که شامل ویژگی های شخصیتی بن سلمان، نقش او در عربستان، ارزش ها و ایدئولوژی حاکم بر جامعه و سیاست عربستان، ساختار بوروکراتیک عربستان و محیط بین المللی مورد بررسی قرار گرفته است. به نظر می رسد بر اساس مدل جیمز روزنا به نظر می رسد نقش متغیر فرد یعنی ویژگی های شخصیتی و روانشناختی محمد بن سلمان و محیط بین الملل می تواند در این دوره بیشترین تاثیر را در شکل گیری و چگونگی رویکرد سیاست خارجی عربستان سعودی نسبت به مسئله فلسطین داشته باشد. چرا که از زمان تصدی محمد بن سلمان به عنوان ولیعهد سعودی، تلاش های مکرری به منظور

رسیدن به رهبری جهان اسلام صورت گرفته، تا جاییکه ممکن است به زعم برخی کارشناسان به منظور جلب حمایت ایالات متحده و مقابله با محور مقاومت، به توافق به رژیم صهیونیستی روی بیاورد. با بررسی قرائن، شواهد و تحلیل رویکرد سعودی‌ها در قبال پرونده فلسطین می‌توان بیان نمود که عربستان سال‌های طولی است که رویکرد خود را نسبت به مسئله فلسطین تغییر داده است و این تغییر رویکرد برخاسته از نگاه محافظه‌کارانه به تحولات منطقه، صلح اعراب و شناسایی رژیم صهیونیستی می‌باشد، که همراه با پروژه موسوم به معامله قرن نیز همراه شده است. علاوه بر این قرارگرفتن رضایت‌مندی ایالات متحده امریکا نیز به عنوان عامل مؤثر در سیاست خارجی دولت سعودی، و همچنین افزایش قدرت منطقه‌ای ایران در ذیل محور مقاومت موجب گردیده؛ تا عربستان پس از تحریم نفتی غرب و حامیان رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۷۳ و در خلال جنگ اکتبر، عملاً رویکرد خود را به مسئله فلسطین تغییر داده و دولت‌های عربی را حول یک خط مشی واحد که برخاسته از شیوه‌های سیاسی - دیپلماتیک است، هماهنگ نماید که البته این تغییر رویکرد در دوره بن سلمان به حد اعلای خود رسیده است.

بررسی تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که شاخص‌های کلی سیاست خارجی عربستان سعودی مشخص و شناسایی شده‌اند و از منظر تئوری‌های مختلف نیز تبیین شده، علاوه بر آن عوامل مؤثر بر سیاست خارجی عربستان در خصوص پرونده فلسطین نیز مورد بررسی قرار گرفته است، اما این پژوهش‌ها یا در دوره قبل از روی کار آمدن محمد بن سلمان بوده و یا با تاکید بر دیگر عوامل مؤثر بر سیاست خارجی بوده و نقش عوامل دیگر را پررنگ تر می‌دانسته‌اند، به عنوان مثال در یکی از پژوهش‌های پیشین، محقق نقش پررنگ‌تری برای فرقه وهابیت نسبت به دیگر عوامل در فرآیند تشکیل و چگونگی تغییر رویکرد سیاست خارجی عربستان قائل گردیده بود.

متغیر اصلی این پژوهش؛ سیاست خارجی عربستان سعودی و متغیر مستقل آن نیز پرونده فلسطین می‌باشد. این مقاله با روش کتابخانه‌ای به گردآوری داده‌ها پرداخته و روش آن تحلیلی - توصیفی با رویکرد قیاسی است که از حیث هدف، پژوهشی تحلیلی - توصیفی بوده و از حیث بعد زمانی نیز مقطعی می‌باشد (دوره محمد بن سلمان).

۲. مبانی نظری

۱-۲. سیاست خارجی

سیاست دولت‌ها اصولاً یا به امور داخلی مربوط می‌شود یا به امور بین‌المللی؛ اصطلاح سیاست خارجی در مقابل امور داخلی به کار می‌رود البته در روند تصمیم‌گیری و اجرایی سیاست خارجی همواره با دو محیط داخلی و بین‌المللی مواجه هستیم که هر یک به نحوی بر سیاست خارجی تأثیر می‌گذارند. در خصوص سیاست خارجی به تعریف‌های زیادی بر می‌خوریم، بدون آنکه این تعریف‌ها تفاوت ماهوی و مفهومی داشته باشند و تقریباً همه‌ی آن‌ها به یک مفهوم اشاره دارند. اما از میان آن‌ها تعریف زیر کامل‌تر و روشن‌تر به نظر می‌رسد:

«سیاست خارجی عبارت است از؛ خط مشی و روشی که دولت در برخورد با امور و مسائل خارج از کشور برای حفظ حاکمیت و دفاع از موجودیت و (تعقیب و تحصیل) منافع خود اتخاذ می‌کند (منصوری، ۱۳۳۵: ۱۱).

در واقع رفتار سیاست خارجی را می‌توان محصول تعامل نیازهای داخلی دولت و نظام بین‌الملل دانست که آن دولت در آن عمل می‌کند (احتشامی، ۱۳۹۰: ۱۷).

منابع خارجی ماهیت و ساختار نظام بین‌الملل، خصوصیات واحد‌های سیاسی تشکیل دهنده‌ی آن، توانایی واحد‌های سیاسی در تعاملات بین‌المللی و میزان تأثیرگذاری بر یکدیگر را در بر می‌گیرد. از عوامل مهم داخلی تأثیرگذار بر سیاست خارجی باید به منابع حکومتی، اجتماعی، شخصیتی و سازمانی اشاره کرد که هر یک از آنها در جهت‌گیری سیاست خارجی، توانایی ایجاد وحدت ملی، تأمین امنیت نقش دارند. البته تجارب تاریخی نشان می‌دهد که کشورهای به اصطلاح در حال توسعه از دگرگونی‌های نظام بین‌الملل تأثیر پذیری بیشتری دارند تا شرایط داخلی. (ازغندی، ۱۳۸۱: ۵۱) هر یک از این عوامل ذکر شده مشخص می‌نمایند که یک کشور که جهت‌گیری سیاست خارجی را برگزیند.

۲-۲. چارچوب پیش‌تئوری جیمز روزنا

ارائه متغیرهای مستقل، وابسته و واسطه‌ای، نشان از رفتار سیاسی هر دولت بر اساس مجموعه‌ای از عوامل گوناگون است که با اولویت‌های مختلف در کنار هم جمع گردیده‌اند. بر اساس مدل جیمز روزنا، رفتار سیاست خارجی هر کشوری برگرفته از متغیرهای مستقل، وابسته و

واسطه ای می باشد. متغیرهای مستقل عبارتند از: نوع قدرت، اقتصاد، فرهنگ، جامعه و متغیر وابسته را فرد، نقش، جامعه، حکومت و نظام بین الملل و متغیر واسطه ای را نیز نوع حکومت می باشند (Rosenau, 1971: 98).

الف) متغیر فرد: متغیر فرد عبارت است از ویژگی های انحصاری تصمیم گیرندگان که شامل تمامی جوانب تصمیم گیرنده است. روزنا معتقد است که خصایص فرد بیشتر در کشورهای توسعه نیافته، تازه استقلال یافته و کوچک مطرح است که فاقد نقشهای سازمان یافته و نهادهای بوروکراتیک بوده و در اصل جوامعی که رهبران کمتر تحت نفوذ و تاثیر افکار عمومی و گروه های ذی نفوذ قرار دارند. البته با توجه به این متغیر، روزنا معتقد است که تصمیم های متخذ از ناحیه یک شخص با تصمیم های شخص دیگر در همان موقعیت به خاطر توانایی ها و روحیات متفاوتشان، متفاوت می باشد (Neack, 2005: 2).

ب) متغیر نقش: این متغیر بدین معناست که مسئولان دولتی بدون توجه به خصوصیت فردی و انحصاری که در متغیر فرد به آنها اشاره شد، با تکیه بر سمت و جایگاهی که در حکومت دارند نسبت به موضوعی از خود واکنش نشان می دهند. جایگاه فرد در ساختار حکومتی و وظایف، مسئولیتها و وفاداری هایی که بر اساس این جایگاه از او انتظار می رود، بر تصورات فرد از جهان و تصمیم گیری های او در عرصه سیاست خارجی تاثیر می گذارد (Rosenau, 1996: 2). به طور کلی می توان نقش را این گونه تعبیر کرد: تصویری که یک دولت، حکومت و یا یک فرد می پندارد که باید بر اساس آن عمل کند. نقش به ویژگی های رفتاری تعریف می شود که ناشی از مسئولیت های سیاست گذاری یک بازیگر است و هر فردی که چنین جایگاهی را پر کند، از او نیز رفتار مشابهی انتظار می رود (راست و استار، ۱۳۸۱: ۳۵۶-۳۵۹).

نقش نیز یکی دیگر از متغیرهایی است که در جهت گیری سیاست خارجی دخیل می باشد. در واقع متغیرهای وابسته به نقش عبارتند از: تاثیرگذاری پست و مسئولیت بر رفتار صاحب منصبان و مسئولان که به صورت شرح مشاغل و مسئولیت ها یا قواعد رفتاری مورد انتظار از آنان تعریف می شود. (فیروزآبادی ۱۳۸۹: ۸۰-۷۶).

ج) متغیر دولتی یا بوروکراتیک: متغیر دولتی، بدین معنا که به جوانب ساختاری دولتی اطلاق می شود. ساختار پیچیده یک دولت، روابط سازمان های درون دولتی و در نهایت، کارشناسان و متخصصان درون یک تشکیلات، تدوین کننده و ارائه دهنده پیشنهادها و خطوط

کلی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی می‌باشند و هیچ تصمیم‌گیرنده‌ای قادر نیست فارغ از این ملاحظات تصمیم‌گیری نماید، به ویژه در نظام‌های گسترده بوروکراتیک دولتهای غربی، این عامل و متغیر بیشتر بروز می‌کند. منظور از این متغیر، نوع سیستم تصمیم‌گیری موجود در یک کشور و تاثیر این روش و سازوکار بر سازمان‌های دارنده استانداردهای هدایت شده و برنامه ریزی شده است که منجر به تصمیم‌گیری یا سیاست‌گذاری می‌شود. حال با تقسیم‌بندی کشورها به سیستم باز و بسته و یا ترکیبی از هر دو، می‌توان الگوهای متفاوتی را جهت روند تصمیم‌گیری و اتخاذ نوع آن مطرح کرد. معمولاً در سیستمهای باز، محیط بازی اعم از عوامل محیط خارجی و داخلی تاثیرات قابل ملاحظه‌ای بر روند تصمیم‌گیری دارند، در حالیکه در سیستمهای بسته این امر چندان مقدور نیست. در سیستم‌های باز معمولاً تصمیم‌گیری بسیار کند صورت می‌گیرد؛ زیرا نظام بوروکراسی فوق‌العاده به تخصصی شدن تمایل دارد، حال آنکه در سیستمهای بسته چون منصب از مقام جدا نیست و سلسله مراتب وجود ندارد و اساس و ارتقای مقام، نه شایستگی بلکه میزان ارتباط و وابستگی به کانون قدرت و ایدئولوژی است، به همین خاطر در این شرایط روند تصمیم‌گیری از سرعت بیشتری برخوردار بوده ولی دقت عمل در این نوع در حداقل قرار دارد (احمد بخشایشی، ۱۳۷۹: ۷۹). این متغیر به آن دسته از ساختارهای حکومتی اشاره دارد که گزینه‌های سیاست خارجی را محدود و یا افزایش می‌دهد. تاثیر رابطه قوه مجریه و قوه مقننه در سیاست خارجی نمونه‌ای از عملیاتی شدن متغیر حکومت است (Rosenau, 1971: 108-109).

د) متغیر اجتماعی: متغیر اجتماعی در اصل تمامی جوانب غیر دولتی یک جامعه را شامل می‌شود که روند اتخاذ تصمیم‌های سیاست خارجی دخیل است که ارزشها، ایدئولوژی‌های حاکم بر یک جامعه ملی، گروه‌های ذی‌نفوذ و فشار و دیگر موارد را شامل می‌گردد (Rosenau, 1971: 108-109). البته این عوامل در جوامع سنتی و مدرن دارای تضادهایی هستند، به طوری که در جوامع مدرن احزاب و تشکلهای تعریف شده‌ای وجود دارد که هم بر سیاست داخلی و هم سیاست خارجی تاثیرگذار هستند و همچنین دارای اهداف و برنامه‌هایی نیز در این خصوص می‌باشند، به طوری که می‌توانند از طریق پارلمان، افکار عمومی و دیگر طرق بر فرآیند تصمیم‌گیری اثر بگذارند. به همین خاطر در کشورهای دموکراتیک، سیاست خارجی کشور تحت تاثیر نظام حزبی و شرایط و وضعیت احزاب قرار دارد، به طوری که در کشورهای دو حزبی سیاست خارجی

از ثبات لازم برخوردار است؛ چون در این گونه جوامع سیاست خارجی جزو منافع ملی کشور محسوب می شود و حزب مخالف نیز اجازه دخالت در روند سیاست خارجی را به خود می دهد.

ه) متغیر سیستماتیک یا نظام بین الملل: دولت در روند تصمیم گیری از محیط اطراف خود نیز متأثر می گردد و واکنش به این نظام در محاسبه تصمیم گیرندگان منظور می شود که این نظام در اصل همان نظام منطقه ای و جهانی است که شامل قطب بندی های مختلف می گردد و همچنین نظام های بازدارندگی و موازنه قوا و یا توازن وحشت (Rosenau, 1996: 2). روزنا در تشریح متغیرهای مستقل، دولت ها را از نظر قدرت به دو دسته قدرت های بزرگ و کوچک تقسیم می کند و معتقد است که قدرت های بزرگ و قدرت های کوچک از لحاظ اقتصادی نیز یا دارای اقتصادی پیشرفته اند و یا عقب افتاده. در کنار آن، وی نوع جامعه دولتها را به دو دسته باز و بسته تقسیم می کند و معتقد است که فرهنگ نیز نفوذپذیر است یا نفوذناپذیر. روزنا در خصوص متغیر واسطه ای که نوعی سیاست خارجی است، این گونه بیان می کند که سیاست خارجی با ارزش های پیشینی هستند و یا ارزش های پسینی و یا ترکیبی از هر دو مورد. در ارزش های پیشینی، روند تصمیم گیری به علت غیر قابل معامله بودن منافع ملی به دشواری اتخاذ می گردد و پیچیدگی آن بسیار زیاد بوده است، حال اینکه ارزش های پسینی منفعی هستند که قابل معامله بوده و در این صورت روند تصمیم گیری دشواری های ارزش های پیشینی را ندارد، اما هر از گاهی نیز برخی از تصمیم ها ترکیبی از ارزش های پیشینی و پسینی است که در این حالت فشار بر تصمیم گیری به حدی است که ترتیب اهمیت عوامل تاثیرگذار به وضعی جبری درآمده و بازیگر دیگر خود را قادر به تصمیم گیری مناسب نمی بیند (سیف زاده، ۱۳۷۸: ۳۳).

۳. تاریخچه رویکرد عربستان سعودی در قبال فلسطین

در پی ناکامی سیاست های ضد اسرائیلی جمهوری های انقلابی دنیای اعراب بخصوص در جنگ های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳، تدریجا دولت های مذکور مبادرت به شناسایی دو جانبه اسرائیل گرفتند که در ابتدا منجر به اتخاذ صلح میان مصر و اسرائیل گردید، که این امر به شدت مورد آماج رهبران عراق، سوریه و ساف گردید و اخراج مصر از اتحادیه عرب گردید. متعهد شدن مصر به برقرای روابط سیاسی و اقتصادی با اسرائیل، رویکرد دنیای عرب در خصوص اسرائیل دچار افتراقی اساسی شد. عراق درگیر جنگ با ایران گردید و بطور کلی توجه خود را معطوف

به ایران نمود، اردن نیز در خصوص کرانه های غربی با اسرائیل به توافقاتی رسید و سوریه هم عملاً از آن تاریخ به بعد تهدیدی را متوجه اسرائیل ننمود. بنابراین این تغییر رفتار رهبران دنیای عرب که ناشی از شرایط منطقه ای بود، عربستان را در موضعی برتر قرار داد تا دست به ابتکاراتی در این خصوص بزند و اعراب را حول یک محور هماهنگ نماید. بخصوص که افزایش قیمت نفت در دهه ۷۰ به بعد به عربستان این قابلیت را می داد. بنابراین ابتکارات عربستان منجر به شکل گیری دو طرح گردید. طرح صلح ملک فهد در سال ۱۹۸۱ و طرح صلح ملک عبدالله در سال ۲۰۰۲ که هر دو به دلایلی از جمله مخالفت هایی که در آن مقاطع از این طرح گردید و همچنین عدم پذیرش از سوی رژیم اسرائیل راه به جایی نبرد و تنها عربستان را در موضعی قرار داد تا وانمود سازد که آل سعود همواره به حقوق فلسطینیان توجه نموده است. در دیداری که بعد از جنگ جهانی دوم میان عبدالعزیز و روزولت صورت گرفت، هر چند ابن سعود به طرح مهاجرت نامحدود یهودیان به سرزمین فلسطین رضایت نداد و با آن مخالفت نمود، اما به نوعی پذیرفت که اسرائیل در راهبرد آمریکا و متحدان غربی اش جایگاه ویژه ای دارد و در نتیجه می بایست سیاست خاصی را در قبال آن اخذ کرد که ضمن حفظ نگرانی های آمریکا، دلارام اعراب هم باشد. بنابراین عربستان از همان آغاز برای مواجهه با این کشمکش سعی نمود تا دولت های عربی را حول یک خط مشی واحد که برخاسته از شیوه های سیاسی-دیپلماتیک بود، هماهنگ نماید (کرمی: ۱۳۹۱).

از این رو تلاش های این کشور در خصوص این قضیه به سه طرح منجر گردیده است؛ طرح صلح ملک فهد در دهه ۸۰ و طرح صلح ملک عبدالله در سال ۲۰۰۲ که هر دو طرح به دلایلی از جمله خواسته های تمامیت خواهانه اسرائیل عملاً راه به جایی نبرده است. البته شاید بتوان بیان نمود طرح های گذشته مقدمه ای بودند و زمینه ساز که در ۲۰۱۹ منجر به ارائه طرحی موسوم به معامله قرن در دوره محمد بن سلمان گردید.

روابط جدید خلیج فارس و اسرائیل بخشی از تغییر و تحولات بزرگی است که دولت دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا در تلاش است تا از آن حمایت کند، به موجب آن کشورهای عربی سنی منطقه ای آشکارا در مخالفت با ایران خود را با اسرائیل هماهنگ می کنند. کاخ سفید یک توافق صلح میان اسرائیل و فلسطین را بخشی از این روند می داند (دالیا هاتوکا: ۲۰۱۹).

بن سلمان در سیاست خارجی عربستان اثبات کرد که حمایت بی چون و چرای از

سیاست‌های امریکا در منطقه خاورمیانه دارد. حمایت از پروژه امریکایی - صهیونیستی موسوم به معامله قرن نشان می‌دهد که وی مسئله فلسطین را نادیده گرفته و به نوعی سیاست انفعالی نسبت به این قضیه در پیش گرفته است. ملاحظه می‌شود در پرتو این رفتار عربستان، دیگر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نیز به سمت عادی‌سازی روابط با اسرائیل گام بر می‌دارند. سفر اخیر نخست وزیر اسرائیل به عمان و دیدار با سلطان قابوس، سفر وزیر فرهنگ اسرائیل به امارات، و سفر وزیر اقتصاد اسرائیل به قطر به منظور شرکت در همایشی اقتصادی، مصادیقی از پیامدهای رفتار بن سلمان نسبت به قضیه فلسطین است. با این حال ما شاهد محکومیت این رفتارها از سوی علمای اهل سنت سعودی و دیگر کشورهای خلیج فارس نیستیم و این نشان می‌دهد که علمای دینی این کشورها هم به طور ضمنی موافق چنین سیاست‌هایی هستند. (صحراei: ۱۳۹۷).

۴. عوامل تاثیرگذار بر سیاست خارجی عربستان در دوره محمد بن سلمان

بررسی ماهیت و تحلیل رویکرد بازیگران در بحران‌ها و مسائل منطقه‌ای یا بین‌المللی برخواسته از یکسری عوامل و مولفه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است که تحلیل زوایای آن می‌تواند به فهم عمیق‌تر از پویای‌های موجود بینجامد. در این بخش سعی می‌شود با استفاده از چارچوب نظری جیمز روزنا، عوامل تاثیرگذار بر جهت‌گیری سیاست خارجی عربستان در دوره محمد بن سلمان بر مبنای عوامل یاد شده تجزیه و تحلیل شود تا بتوان به سوال اصلی پژوهش پاسخ داده شود. در چارچوب مدل روزنا، به نظر می‌رسد چندین عامل در جهت‌گیری و تغییر در سیاست خارجی عربستان نسبت به مسئله فلسطین مؤثر بوده است:

۱-۴. فرد: نخستین متغیر در نظریه پیوستگی روزنا، متغیر فردی است که شامل خصوصیات منحصر به فرد تصمیم‌گیرندگان حوزه سیاست خارجی یک کشور می‌شود. این متغیر همه جنبه‌های تصمیم‌گیرنده یعنی ارزش‌ها، استعدادها و تجربه‌های پیشین فرد را شامل می‌شود و موجبات تمایز او از دیگر تصمیم‌گیرندگان و یا اتخاذ یک سیاست خارجی جدید را فراهم می‌نماید. خصیصه‌های شخصی و روانی تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی به دو دسته ذاتی و اکتسابی تقسیم می‌شوند که شخصیت آنان را تشکیل می‌دهند. ویژگی‌هایی چون احتیاط

در برابر عجله و بی‌پروایی، دوراندیشی در مقابل عصبانیت، مصلحت‌اندیشی در برابر جرم‌گرایی، تواضع در برابر تکبر و تفاخر، احساس برتری در مقابل احساس حقارت، خلاقیت در برابر تخریب‌گری، اعتماد به نفس بیش از حد در مقابل روان‌پریشی، شجاعت در برابر ترس، قاطعیت در برابر تزلزل، تساهل در برابر تقید، تاثیر انکارناپذیری بر سیاست خارجی دارند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۷۰).

سلمان بن عبدالعزیز در زمان نشستن به تخت پادشاهی عربستان، شاخص‌های سیاست خارجی سعودی را بر اساس معیارهای زیر تبیین کرد:

- تقویت مناسبات با کشورهای حاشیه خلیج فارس و شبه‌جزیره عربستان.
- رعایت حسن همجواری و عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر.
- حمایت از مناسبات با کشورهای عربی و اسلامی و منافع مشترک آنها.
- در پیش گرفتن سیاست بی‌طرفی بر پایه تعمیق مناسبات همکاری با کشورهای دیگر.

محمد بن سلمان نظریه‌پرداز سیاست داخلی و بین‌المللی عربستان به‌صورت تدریجی با افزایش قدرت خود در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی، کنترل اوضاع این کشور را در دست گرفت، اما با توجه به رویکردهای شخصیتی که داشت، اقداماتی را آغاز کرد که کاملاً در تناقض با سرفصل‌هایی بود که در زمینه مبانی سیاست خارجی سعودی‌ها مطرح شده بود، به همین علت امروز شاهد آن هستیم که عربستان به‌جای کاهش تنش با کشورهای منطقه و تعامل مثبت و سازنده با کشورهای عربی و اسلامی همسایه به‌دنبال بهبود مناسبات خود با رژیم صهیونیستی برآمده و برای اجرای پروژه‌های آمریکا و اسرائیل، جنگ یمن و محاصره قطر و افزایش اختلاف با گروه‌های فلسطینی، تنش با کویت، عمان، اردن، مصر و دشمنی با عناصر محور مقاومت منطقه را در پیش گرفته است. ترکش‌های سیاست خارجی ناپخته بن‌سلمان هم‌پیمانان قدیمی عربستان را یکی پس از دیگری از این کشور جدا کرده است، در واقع عامل انحطاط سیاست خارجی عربستان، ویژگی‌های شخصیتی شاهزاده سعودی است که با توجه به سن و تجربه کم سیاسی زمام امور این کشور را به‌دست گرفته است. بن‌سلمان دارای شخصیتی تکرو است که تصمیمات حیاتی را بدون مشورت می‌گیرد و زمانی که مسأله‌ای او را به خشم آورد، از اتخاذ تصمیمات جنجالی ابایی ندارد. ناپختگی سیاسی این جوان سعودی ضمن تلفیق با روحیه و شخصیت آرمان‌گرایانه و بلندپروازی‌های محمد بن سلمان، معجونی تلخ از تصمیم‌های

احساسی و انفعالی را فراروی سیاست خارجی عربستان قرار داد، تصمیماتی که گرچه دستگاه حاکمه سعودی مجبور به توجیه فواید آن در عرصه‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی برای عربستان بود، اما گذشت زمان ناموفق بودن این طرح‌ها را ثابت کرد، طرح‌هایی که میلیاردها دلار هزینه روی دست سعودی‌ها گذاشته بود، به‌عنوان مثال لشکرکشی نظامی عربستان به یمن که قرار بود یک‌ماهه به پایان برسد، در شرایطی وارد پنجمین سال خود شده است که علاوه بر هزینه‌های سنگین اقتصادی و نظامی، هیچ افقی برای پیروزی عربستان در آن قابل تصور نیست، بلکه به‌عکس ریاض به دنبال خروج آبرومندانه و سرپوش گذاشتن بر شکست خود در این جنگ است (خبرگزاری تسنیم: ۱۳۹۸).

برخی نگرانی‌ها درباره سیاست خارجی عربستان سعودی تحت مدیریت رهبران کنونی این کشور توجیه شده است. محمد بن سلمان جوانی است که در زمینه امور پیچیده جهان تجربه ای ندارد. به نظر می‌رسد که وی نمی‌تواند از اشتباهاتش درس بگیرد. محمد بن سلمان بیش از اندازه عجولانه تصمیم می‌گیرد و اطرافش را با افرادی پر کرده است که همگی بله قربان گوی، او شده‌اند. ولیعهد عربستان سعودی بر این باور است که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، بدون هیچ گونه قید و شرطی از او حمایت می‌کند. اما دونالد ترامپ فردی است که اگر کوچکترین نمونه بی وفایی در میان دوستان سابقش مشاهده کند، به آنها نیز می‌تازد. همه این مسائل را که کنار هم می‌گذاریم مشاهده می‌کنیم که سیاست خارجی عربستان سعودی یک فرمول خطرناک را فراروی خود دارد. این وضعیت حتی می‌تواند از در حال شکل‌گیری بودن یک فاجعه حکایت داشته باشد (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۷).

رهبری جهان اسلام که در نظریات دولت سعودی به خصوص در دوره بن سلمان تبلور یافته به صورت کارآمدی بر اساس نظریه سازه‌انگاری قابلیت تبیین دارد. از آنجا که سازه‌انگاری به نقش فرهنگ در روابط خارجی تأکید دارد، نظریه‌پردازان آن معتقدند «فرهنگ که خود متأثر از مذهب، تاریخ و جغرافیای مشترک است، نقش مهمی در سیاست خارجی بازی می‌کند. با توجه به اهمیت فرهنگ در این دیدگاه و به تبع آن مذهب تاریخ و جغرافیا، هویت منطقه‌ای و همسایگان از اهمیت بالایی برخوردار می‌گردند» (مشیرزاده، ۱۳۸۶). بر همین اساس مشاهده می‌شود که در دکتترین رهبری جهان اسلام عربستان باید بتواند نقش رهبری و هدایت‌کننده روندها و تحولات در این مناطق را بر عهده گیرد. البته باید توجه داشت که این مسئولیت‌پذیری

و رهبری نباید با سیاست خارجی متمایل به غرب به خصوص ایالات متحده و رژیم صهیونیستی در تضاد باشد، همچنان که نباید در سیاست روبه شرق این کشور منجر به تضاد و تقابل با همسایگان گردد.

اما عناصر و شاخص های تشکیل دهنده ذهنیت محمد بن سلمان در سیاست خارجی چیست، به عبارتی عواملی که به پیش داوری ها، ذهنیت ها، اندیشه ها، هویت و نهایتاً رفتار محمد بن سلمان شکل و وزن می دهد:

الف) شخصیت اقتدارطلب: شاهزاده جوان سعودی به واسطه ناتوانی پدر در کنترل کشور و اینکه در مهمترین پست اجرایی فعلی عربستان قرار گرفته و امکان تغییرات فراوان در حوزه های مختلف را دارد، شخصیتی اقتدارطلب و تمامت خواه یافته است. یکی از جلوه های اقتدارطلبی بن سلمان را می توان در مواجهه با مخالفان داخلی خود در عربستان نگریت. تقریباً هر چند ماه یکبار تغییرات سطح کلان و ساختاری در دستگاه های اجرایی عربستان صورت می گیرد به گونه ای که می توان هر یک از آن ها را برای تغییرات در ۲۰ سال در نظام سیاسی فرسوده عربستان کافی دانست (الکوثر، ۱۳۹۶).

ب) شیفته مدرنیسم و جهانی شدن: در پرتو دوگانه سنتی - مدرن که این روزها دامن عربستان را گرفته است، شاهزاده جوان تمایل دارد به سرعت عربستان را وارد باشگاه کشورهای مدرن دنیا کند. در بین پادشاهانی که در منطقه پیشتر چنین تمایلی را برای رساندن جامعه به مظاهر مدرنیسم پیش کشیده اند می توان به رضاخان و آتاتورک اشاره کرد. انتشار سند ۲۰۳۰ عربستان که در آن شاخص های توسعه اقتصادی فزاینده از ظرفیت عربستان توصیف شده است. بحث هایی که در خصوص بزرگترین شهر رباطی جهان در عربستان می شود و ... نشان می دهد که شاهزاده جوان شیفتگی زائد الوصفی به مدرنیسم و جهانی شدن دارد (الکوثر، ۱۳۹۶).

ج) شتاب زدگی: اگر مثلاً یک فیلم مصاحبه تلویزیونی محمد بن سلمان را از ابتدا تا به انتها مرور کنید، متوجه حرکات سریع، بی دقتی در برابر دوربین، سرعت در استفاده از کلمات و به طور کلی شتاب زدگی در شخصیت او می شوید. علاوه بر رفتارهای حوزه شخصی او در حوزه سیاست

ورزی نیز این شتاب زدگی را مشاهده می‌کنید فاصله بین اینکه بن سلمان تصمیمی را می‌گیرد تا زمانی که آن تصمیم عملی می‌شود، بسیار کوتاه است. او به یکباره تصمیم می‌گیرد به یمن حمله کند، به یکباره ادعا میکند سه ماهه کل یمن را آزاد می‌کند، به یکباره چیدمان قدرت را تغییر می‌دهد، به یک باره تمام شاهزادگان متمول عربستان را در هتل حصر می‌کند، به یک باره نظامیان را در سطوح کلان تغییر می‌دهد. بسیاری از ناکامی‌های بن سلمان نیز به دلیل همین شتاب زدگی‌ای است که در شخصیت او وجود دارد. فعال تئوتیری سعودی معروف به مجتهد می‌گوید: «محمد بن سلمان ولیعهد عربستان شخصیت بسیار نگرانی دارد و همواره مضطرب است و زمانی که می‌خواهد بر روی یک مسأله‌ای متمرکز شود از لحاظ ذهنی بسیار خسته می‌شود (الکوثر، ۱۳۹۶).

(د) دوآلتی (دوگانه سازی): وبسایت «TRTWorld» در گزارشی به قلم «مراد سوفوگلو» مهمترین موتور محرکه تحولات اخیر در درون عربستان را «مقابله با نفوذ ایران در منطقه» می‌داند. به نوشته «مراد سوفوگلو» محمد بن سلمان به منظور مقابله با قدرت ایران در منطقه هر چه بیشتر تلاش می‌کند تا به اسرائیل، به عنوان یکی از دشمنان اصلی ایران در منطقه نزدیک‌تر شود و با بازداشت شاهزاده‌ها و برخی از مقامات پیشین و فعلی در واقع مخالفان طرح خود را پاکسازی می‌کند، اما تاکنون هیچ دستاوردی در منطقه نداشته و روزبه‌روز نفوذ خود را در منطقه از دست می‌دهد و عربستان را از بازیگران کلیدی منطقه دورتر می‌کند. وی هراس از نفوذ منطقه‌ای ایران را عامل اصلی نزدیکی ریاض به تل‌آویو و تنش با دیگر قدرت‌های منطقه می‌داند و می‌افزاید: بسیاری از کشورهای مسلمان منطقه هم‌اکنون به نقش عربستان در امور منطقه بیشتر حساس شده‌اند و با عملکرد محمد بن سلمان در حال حاضر ترکیه، قطر، لبنان و عراق هر چه بیشتر از عربستان دورتر می‌شوند و از مهمترین دلایل این تنش نزدیکی عربستان به اسرائیل است. در خصوص دوگانه سازی یا غیرسازی از ایران می‌توان به این موضوع اشاره کرد که «بن سلمان هم به لحاظ شخصیتی بر اساس روانشناسی سیاسی و هم به لحاظ کارکرد دشمن سازی از ایران، ایران را به عنوان مهمترین دشمن عربستان به نمایش می‌گذارد، موضوعی که سبب شده است تا بسیاری از مخالفان او در مورد رفتار با ایران تحت شدیدترین اقدامات امنیتی بن سلمان قرار گیرند. بخشی از دوگانه سازی بن سلمان از این موضوع نشأت می‌گیرد که او شدیداً از اینکه توسط دشمنانش مورد گزند واقع شود، هراسان است.

ه) **عادی سازی روابط:** بن سلمان در تلاش مضائف برای عادی نشان دادن شخصیت عربستان نزد کشورهای غربی است، در پیچه ورود به این مسئله را نیز روابط با اسرائیل می داند. تلاش برای عادی سازی شخصیت عربستان نزد دولت های غربی همان چیزی است که سبب شده است بن سلمان ادعا کند به دنبال ارائه یک اسلام میانه رو نزد کشورهای غربی است، مشکلی با راه حل دو دولتی ندارد، با پروازهای هواپیماهای صهونیستی از فراز حریم هوایی سعودی مشکلی ندارد و به طور کلی این اسرائیل نیست که مشکل منطقه است. از تازه ترین نمونه های افزایش تنش بین عربستان و دیگر کشورهای مسلمان، نشست اضطراری سازمان همکاری کشورهای اسلامی است که در استانبول برگزار شد؛ در روز ۲۲ آذر ماه شماری از کشورهای مسلمان در شهر استانبول گرد هم آمدند و به اتفاق آرا تصمیم دونالد ترامپ در اعلام شهر قدس به عنوان «مرکز دائمی» اسرائیل را رد کردند. (الکوثر، ۱۳۹۶).

مروری بر فعالیت ها و سوابق محمد بن سلمان از ابتدای رسیدن به قدرت به خوبی گویای موضع او در موضوعات داخلی و خارجی است و در حوزه سیاست خارجی همگان در جهان بر روی این مسئله اجماع دارند که رفتار محمد بن سلمان در خارج از کشور یک رفتار غیر منطقی، تند و خطرناک است.

۲-۴. **متغیرهای محیطی (بین المللی):** این متغیر در خارج روی می دهد و گزینه های سیاست خارجی تصمیم گیرندگان را تحت تاثیر قرار می دهند. میزان تاثیرگذاری متغیرهای محیطی به طور مستقیم به میزان قدرت یک کشور بستگی دارد. در نظام بین الملل، سلسله مراتب غیر دستوری بازیگران بسته به نوع قدرت طلبی مطلق و یا نسبی و نیز حوزه فعالیت بین المللی، منطقه ای و محلی در پنج پله (دسته) از بالا، ابر قدرت، قدرت بزرگ، قدرت منطقه ای، قدرت کوچک و ریز قدرت جای می گیرند. در این شرایط ریز قدرت ها تحت فشار محیط داخلی، منطقه ای و بین المللی هستند. هر چه از پله های پایین به سمت بالاتر می رویم از میزان و فشار این محیط ها کاسته می شود. هر چند ابر قدرت ها هم از وابستگی مصون نیستند، اما میزان وابستگی آنها کمتر است (سیف زاده، ۱۳۷۸: ۲۱۲).

سیاست خارجی پادشاهی عربستان سعودی مبتنی بر اصول، ثبات و جغرافیایی، تاریخی، مذهبی، اقتصادی، امنیتی، سیاسی و در چهارچوب های اصلی است که مهمترین آنها عبارتند

از: همسایگی خوب، عدم دخالت در امور داخلی سایر کشورها، تقویت روابط با کشورهای حوزه خلیج فارس و شبه جزیره عربستان و تقویت روابط با کشورهای عربی و اسلامی به شکلی که به منافع مشترک این کشورها خدمت کرده و از مسائل آنها دفاع کند، همکاری با کشورهای دوست برقرار می‌کند و در چارچوب سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نقش فعالی را ایفا می‌کند؛ و این سیاست از طریق شماری از سازمان‌های بین‌المللی تحت عنوان‌ها خلیج فارس، عربی و اسلامی فعال است (الازدی، ۲۰۱۸).

عربستان نیز دکت‌رین رهبری جهان اسلام و بدون رقیب در خاورمیانه را دنبال می‌کند. سیاست بن سلمان گرچه براساس نوعی هویت‌جویی جدید شکل گرفته است، دو هدف دارد: بازیابی هویت منطقه‌ای براساس تلفیق اندیشه اسلام متساهل با دستاوردهای مدرنیته که خواستگاه اجتماعی استواری در مصر، تونس، مراکش، سوریه و کشورهای عرب دارد؛ و دوم ارتقای نقش جهانی عربستان؛ که روابط نزدیکی با آمریکا و اسرائیل دارد. به عبارت دیگر بنابر نظر سازه‌نگاری از آنجا که منافع ملی متأثر از فرهنگ و هویت اجتماعی است، الزاماً اتحادها و همکاری بین‌المللی بوجود نمی‌آید و نوعی رقابت همیشگی در این موضوع وجود دارد (Checkel, 1998: 137).

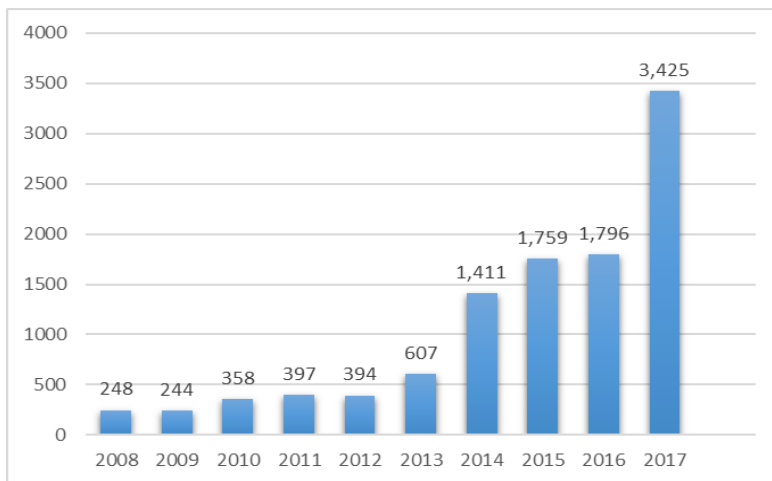
عوامل بین‌المللی که عربستان سعودی در سیاست خارجی خود مدنظر قرار می‌دهد:

الف) مصلحت‌گرایی در رابطه با غرب: بررسی سیاست خارجی عربستان طی قرن بیستم نشان می‌دهد که این کشور همواره علاوه بر حفظ نگرانی‌های آمریکا و همکاری استراتژیک با آمریکا، سعی کرده دلارام اعراب هم باشد. البته به در دوره بن سلمان این همکاری با آمریکا به حد اعلای خود رسیده است و توجه به دولت‌های عربی و ناسیونالیسم عربی کاهش یافته است. در واقع عربستان تلاش دارد تا درک مصلحت‌گرایی سیاسی، پل بین اسلام و غرب باشد با این توان که بتواند تحولات و روندهای بین این دو منطقه را خود مدیریت نماید. در واقع عربستان با نقش آفرینی در خاورمیانه به دنبال ارسال این پیام به غرب است که زمینی برای بازی غرب در خاورمیانه فراهم می‌سازد و لذا لازم است تا آمریکا با همکاری و برقراری روابط استراتژیک با این کشور، از توسعه طلبی‌های ایران و محور مقاومت جلوگیری نماید.

ب) توسعه طلبی یا بهره‌مندی از عمق استراتژیک در خاورمیانه: رویکرد سیاست خارجی

عربستان در قبال خاورمیانه را نمی‌توان الزاماً در قالب وجه اشتراک مذهبی این کشور با خاورمیانه دانست. بلکه نوعی توسعه‌طلبی و منفعت‌اندیشی سیاسی و تاریخی در این رویکرد دیده می‌شود که از هویت اسلامی جدید بن سلمان برمی‌آید. همان‌گونه که در چهارچوب نظری مطرح شد، هویت سیاست‌گذاران برساختی از هویت اجتماعی آنان است همان‌گونه که تعریف منافع ملی تابع آن می‌باشد. به همین دلیل مشاهده می‌شود که عربستان با تعریف تازه‌ای که از خود و سیاست خارجی خود ارائه کرده حضور در خاورمیانه را اساس کار خود قرار داده است و به دنبال برای رسیدن به این تعاریف باید بستر اجتماعی داخلی خود را نیز فراهم کند که دست به اقدامات و تغییرات گسترده جهت ایجاد هویت اجتماعی جدید زده است. تغییر روابط با امارات متحده عربی و دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس، حمله به یمن و دیگر رفتارهای این کشور نشان دهنده آن است که به دنبال ساخت هژمونی برای خود در منطقه می‌باشد که البته رقابت ایدئولوژیک با انقلاب اسلامی را نیز نمی‌توان نادیده گرفت؛ ترکیب این مسأله با تاریخ و جغرافیا و نمود آن در دکترین عمق استراتژیک سبب می‌شود که عربستان هدف خود در خاورمیانه را از تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای تغییر داده و تبدیل شدن به قدرت مرکزی را در دستور کار خویش قرار دهد و از تمام موقعیت‌هایی که در منطقه فراهم است در جهت رسیدن به این هدف و تثبیت موقعیتش استفاده کند بطوریکه تنها بازیگر در این حوزه بالاخص میان کشورهای اسلامی باشد و حل و فصل مسئله فلسطین و ارتباط با اسرائیل نیز بخشی از این طرح می‌باشد. عربستان اما در راستای تبدیل شدن به قدرت مرکزی و حفظ این موقعیت تلاش دارد بحران‌های منطقه خاورمیانه را مدیریت کند و با همکاری با اسرائیل، امارات متحده و آمریکا خود را تنها بازیگر موثر در این منطقه نشان دهند. به علاوه روابط عربستان و آمریکا به اندازه‌های مهم است که این کشور از نقض شدید حقوق بشر در عربستان چشم‌پوشی کرده و حتی پس از قتل جمال خاشقچی و اثبات نقش دولت عربستان در انجام این جنایت، ترامپ روابط با عربستان را بسیار مهم و راهبردی توصیف کرد. همچنین آمریکا بزرگترین صادرکننده تسلیحات به عربستان سعودی می‌باشد. طبق برآوردهای موسسه بین‌المللی صلح استکهلم (سپیری) عربستان سال ۲۰۱۸ در فهرست هزینه‌های نظامی رتبه سوم جهان را با صرف ۶۷/۶ میلیارد دلار داشته‌است.

(www.sipri.org/research/armament-and-disarmament/arms-transfers-and-military-spending)



نمودار ۱ - ارزش صادرات تسلیحات آمریکا به عربستان سعودی (به میلیون دلار)

(McCarthy, 2018)

ج) نگاه میانه رو و محافظه کارانه سعودی: عربستان سعودی همواره نگاه میانه رویی نسبت به تحولات منطقه ای و پیرامونی خود داشته و عملاً خود را از درگیری سازی در تحولات و بحران ها دور می دارد که برخاسته از تمایلات همواره محافظه کارانه این کشور است. هر چند در مقاطعی که ایجاب کند عملاً نقش اصلی را در قبال محیط پیرامونی خود بازی خواهد نمود. اما به طور کلی روند رویکرد عربستان در قبال مسئله فلسطین کاملاً محافظه کارانه و با برآورد شرایط و مقتضیات منطقه ای بوده است. رویکرد عربستان در مواجهه با مسئله فلسطین و به طور کلی صلح اعراب و اسرائیل کاملاً معتدل بوده، که به انتقاداتی از این رویکرد عربستان در جهان اسلام منجر گردیده است. انتقاداتی که مدعی است، دولتی که ادعای نقش رهبری جهان عرب و جهان اسلام را دارد، چطور در مواجهه با اسرائیل چنین عمل می نماید. بنابراین این نگاه میانه رو از آنجا نشأت می گیرد که عربستان می بایست به عنوان همپیمان غرب در خاور میانه در مقابل سیاست های رادیکالیستی و ناسیونالیستی رهبران عرب موضعی معتدل اخذ نماید. از اینرو عربستان از همان آغاز سعی نمود تا نگاه منطقه ای خود را بر اصل حفظ وضع موجود تنظیم نماید و در مقاطعی خاص و محدود به اظهار نظر تند بپردازد (کرمی: ۱۳۹۱).

د) تقابل با جمهوری اسلامی ایران: طی سال های گذشته، عربستان و رژیم صهیونیستی

افزایش قدرت ایران را به معنای کاهش ضریب امنیت خود و تشدید ناامنی به خطر افتادن بقاء تفسیر کرده‌اند. انعقاد توافقنامه برجام، افزایش توان موشکی و تثبیت نظام سوریه و متعاقب آن تقویت حضور و نفوذ ایران در این کشور، برای بازیگرانی مانند عربستان و رژیم صهیونیستی به معنای تقویت قدرت منطقه‌ای ایران و افزایش تهدید می‌باشد. (هژبری، ۱۳۹۶) و همین‌طور ایران با تکیه بر عوامل غیرمادی یعنی ارزش‌هایی نظیر گسترش ایدئولوژی شیعی و دفاع از مظلومان در منطقه خاورمیانه و کاهش دشمن‌هراسی و همچنین عوامل مادی یعنی جلوگیری از نفوذ عربستان، اسرائیل و سعی در کاهش تنش با همسایگان و ایجاد ارتباطات اقتصادی و سیاسی با کشورهای منطقه سیاست خارجی خود را در منطقه حساس خاورمیانه تنظیم کرده است. به همین خاطر می‌بینیم که ایران در مناطقی نظیر لبنان، بحرین و یمن بسیار فعال است و سعی دارد از جنبش‌های شیعی حمایت کند. (تیموری و عبدالله زاده، ۱۳۹۵)

از سوی دیگر، بعد از قیام‌هایی که در کشورهای عربی رخ داد، ماهیت تهدیدات در خاورمیانه تغییر پیدا کرد به طوری که این تهدیدات به طور مستقیم مشروعیت و ثبات سیاسی رژیم آل سعود را بیش از گذشته به چالش کشید. به همین دلیل، سعودی‌ها تلاش کردند بر راهبرد ایجاد موازنه علیه منبع تهدید که در چند دهه گذشته اتخاذ کرده بودند بیشتر متمرکز شوند و یارگیری‌های جدیدی را در سطح منطقه انجام دهد. (همیانی، ۱۳۹۴) در یارگیری جدید، سعودی‌ها علاقه بسیار زیادی دارند تا در مسیر دستیابی به اهداف خود از انگیزه‌ها و تمایلات ضد ایرانی صهیونیست‌ها استفاده کنند. بنابراین می‌توان گفت بعد از قیام‌های عربی، سعودی‌ها رویکرد محافظه‌کارانه خود در قبال رژیم صهیونیستی را کنار گذاشتند و با اتخاذ رویکرد عملگرایانه‌تر و تهاجمی‌تر، به روند عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی سرعت دادند (زارعان، ۱۳۹۸).

۵. نتیجه‌گیری

در این نوشتار با کاربست مدل نظریه پیوستگی جیمز روزنا تلاش نموده‌شده به شناسایی دگرگونی‌های محیطی و داخلی تاثیرگذار در تغییر جهت‌گیری سیاست خارجی عربستان پرداخته شود. پس از بررسی و تجزیه و تحلیل متغیرهای ارائه شده توسط روزنا این نتیجه حاصل گردید که عربستان به عنوان یک بازیگر مهم در قبال پرونده فلسطین در روند تغییر رویکرد سیاست

خارجی در دوره محمد بن سلمان از دو متغیر فرد و نظام بین الملل بیشترین تاثیر را نسبت به سایر متغیرها پذیرفته است. بنابراین باید در ارتباط با پیش‌بینی رفتار عربستان در خصوص مسئله فلسطین و در تحلیل رویکرد عربستان سعودی هر دو مسئله را مدنظر داشت و مورد ارزیابی قرار داد تا به یک برآورد منطقی تری از رویکرد کلی عربستان دست پیدا نمود.

به طور کلی باید گفت که رویکرد سیاست خارجی عربستان به نوعی دچار پارادوکس می‌باشد، چرا که از یکسو عربستان مدعی رهبری دنیای عرب و تحقق حقوق فلسطینیان است و از سوی دیگر می‌بایستی به نگرانی‌های آمریکا در خصوص اسرائیل توجه نماید. البته افزایش قدرت منطقه ای ایران و محور مقاومت را نیز نباید فراموش نمود؛ چرا که این امر سبب افزایش نگرانی عربستان گردیده و یکی از عواملی می‌باشد که سیاست خارجی عربستان را در منطقه تغییر داده است. سیاست خارجی عربستان با روی کار آمدن بن سلمان فاقد توازن سیاسی در حوزه داخلی و خارجی بوده و سیاست‌های بلند پروازانه وی در زمینه تحقق شکوفایی اقتصادی با رفتارهای دوگانه (انفعالی و تهاجمی) در حوزه سیاست همخوانی ندارد. برخی از تحلیل‌گران معتقدند که این دوگانگی در رویکرد سیاست خارجی عربستان از شخصیت دمدمی مزاج بن سلمان نشأت می‌گیرد و وی با این رفتارها به دنبال رهبری جهان اسلام می‌باشد. تحلیل رویکرد عربستان سعودی در خصوص کشمکش اعراب و اسرائیل در واقع برخاسته از عواملی است که در برآیند نهایی آن سبب گردیده تا سعودی‌ها رویکرد متمایزی نسبت به این کشمکش داشته باشند که بر محور هماهنگی دولت‌های عربی جهت اتخاذ یک موضع مشترک مبتنی بر شیوه‌های سیاسی-دیپلماتیک و نه راه حل‌های دوجانبه و یا توسل به جنگ در خصوص اسرائیل است.

منابع و مأخذ

۱. احتشامی، انوشیروان (۱۳۹۰)، سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه، مترجم: رحمان قهرمان پور و مرتضی مساح، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
۲. ازغندی، علیرضا (۱۳۸۱)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات قومس.
۳. بخشایشی اردستانی، احمد (۱۳۷۹)، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر آوای نور.
۴. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت.
۵. سیف زاده، سیدحسین (۱۳۷۸)، اصول روابط بین الملل (الف و ب)، تهران: انتشارات دادگستر.
۶. منصوری، جواد (۱۳۶۵)، نظری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۷. وهاروی استار، بروس راست (۱۳۸۱)، سیاست جهانی: محدودیتها و فرصت های انتخاب، مترجم: علی امیدی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۸. باقری دولت آبادی، علی و نوروزی نژاد (۱۳۹۳)، بررسی علل دگردیسی در سیاست خارجی ترکیه بر اساس رهیافت سازه انگاری، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال دوم، شماره ۹.
۹. تیموری روح اله، عبدالله زاده حسن و محمد آگاه (۱۳۹۵)، تقابل سیاست خارجی ایران و عربستان در بحران یمن با روش سازه انگارانه، دو فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، دوره ۵ شماره ۱۰.
۱۰. زارعان، احمد (۱۳۹۸)، تاثیر عادی سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی بر جبهه مقاومت، مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۷۸.
۱۱. همیانی، مسعود (۱۳۹۴)، تغییر جهت در سیاست خارجی عربستان سعودی؛ از استراتژی موازنه تا رهبری ائتلاف، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۱، پیاپی ۱۱۳، بهار.
12. Checkel, Jeffrey. T. (1998), Norms and Domestic politics: Bridging the Vol. 3(4).

13. Rosenau, James (1971), **The scientific study of foreign policy**, Free Press.
14. Rosenau, J. N. (1996), **Powerful tendencies, Startling discrepancies and elusive dynamic: The challenge of studding world politics in a turbulent era**. Australian Journal of International Affairs, 50(1), 23-30.
15. Laura Neack, Jeanne A.K. Hey and Patrick J. Haney (2005), **Generational Change in Foreign Policy Analysis**, p.2,
۱۶. الازدی، احمد (۲۰۱۸)، اصول و متغیرها در سیاست خارجی عربستان، مرکز الجزیره للدراسات.
۱۷. باشگاه خبرنگاران جوان (۱۳۹۷)، سیاست های جنجال برانگیز محمد بن سلمان.
۱۸. خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۸)، بررسی سیاست خارجی عربستان؛ از وابستگی محض به آمریکا تا شکست سیاست های منطقه ای.
۱۹. صحرایی، توحید (۱۳۹۷)، سیاست خارجی بن سلمان در قبال تحولات خاورمیانه، موسسه آینده پژوهی جهان اسلام.
۲۰. کریمی، کامران (۱۳۹۱)، تحلیل رویکرد عربستان سعودی به مسئله فلسطین: انفعال یا تغییر رویکرد، مرکز بین المللی مطالعات صلح. IPSC
۲۱. الکوثر (۱۳۹۶)، شاخص های تشکیل دهنده ذهنیت محمد بن سلمان، مصطفی اسلامی.
۲۲. هاتوکا، دالیا (۲۰۱۹)، چگونه کشورهای حوزه خلیج فارس با اسرائیل همدست شدند و فلسطین را فراموش کردند، foreign policy.
۲۳. هژبری، محمدعلی (۱۳۹۶)، موازنه تهدید؛ راهبرد سیاست خارجی عربستان در منطقه، مجله ایرانی روابط بین الملل.
24. Handout on Rosenau's "pre-theory" (2005), Foreign policy Models of Decision making.
25. www.sipri.org/research/armament-and-disarmament/arms-transfers-and-military-spending
26. McCarthy, N. (2018), **The U.S. Has Ratcheted Up Arms Sales to Saudi Arabi**, Statista, November, at: <https://www.statista.com/chart/15797/the-value-of-us-arms-exportsto-saudi-arabia>

واکاوی اثرات ژنوم ژئوپلیتیک بر سیاست خارجی (مطالعه موردی: رژیم صهیونیستی و سوریه)

سمیه حمیدی (نویسنده مسئول)^۱

زینب قاسمی^۲

چکیده

ژنوم ژئوپلیتیک، نقشه جغرافیای سیاست است و برخاسته از جغرافیا که سیاست خارجی یک کشور را تحت تأثیر قرار می دهد. سوریه به دلیل تقابل وکنش سه عامل جغرافیا، قدرت و سیاست یه منطقه استراتژیک است. شناخت ژنوم ها و کدهای ژئوپلیتیک موجود در کشورهای همسایه، می تواند نقش مؤثری در بکارگرفتن سیاست خارجی هم راستا با وزن ژئوپلیتیک سوریه ایفا نماید. رژیم صهیونیستی از جمله همسایه های سوریه است که تعارضات رژیم صهیونیستی با سوریه را نه تنها از زاویه تعارضات ایدئولوژیک، بلکه از زاویه تعارض ژنوم ژئوپلیتیک و اهداف توسعه طلبانه این کشور می توان بررسی نمود. (مسئله) سوال نوشتار حاضر بر این اساس است که ژنوم های ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی و سوریه چه نقشی در سیاست خارجی واگرا و تقابلی شان داشته است؟ (سوال) فرضیه این نوشتار بر این اساس است با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی سوریه و وجود ژنوم های تقابلی در ساخت ژئوپلیتیکی دو کشور مطالعه ژنوم های ژئوپلیتیک این کشورها برای جهت شناسی سیاست خارجی شان ضروری است. (فرضیه) با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره گیری از نظریات ژئوپلیتیک و تحلیل درون مایه های ژئوپلیتیک سوریه و رژیم صهیونیستی، پیوند ژنوم آب و زمین را بر سیاست خارجی تنش زا میان دو کشور رژیم صهیونیستی و سوریه مورد بررسی قرار دهد. (روش) رویکرد بحران زا و تعارضی رژیم صهیونیستی در قبال بحران سوریه ریشه در ژنوم ژئوپلیتیک دارد که این امر در تحلیل مداخلات رژیم صهیونیستی در بحران سوریه نیز مصداق دارد. (یافته ها)

کلیدواژه ها: سیاست خارجی، ژنوم ژئوپلیتیک، سوریه، رژیم صهیونیستی، هیدروپلیتیک.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.

Somaye.hamidi@birjand.ac.ir

 <https://orcid.org/0000-0002-9879-056x>

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.

Zeynab.ghasemi1990@gmail.com

 <https://orcid.org/0000-0003-2317-353x>

مقدمه

ژئوپلتیک اثر محیط و شکل یا پدیده‌های محیطی چون موقعیت جغرافیایی، شکل سرزمین، منابع کمیاب، امکانات ارتباطی و انتقالی زمینی، دریایی، هوایی، فضایی و وسایل ارتباط جمعی را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی به‌ویژه در سطح گسترده منطقه‌ای و جهانی مطالعه می‌کند (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۸). ژنوم ژئوپلتیک را نقشه عوامل ثابت و متغیر جغرافیایی اثرگذار بر عرصه سیاست دانسته‌اند. ژنوم‌ها حاصل شرایط جغرافیایی یک کشور هستند که دستگاه سیاستگذاری بویژه در حوزه سیاست خارجی را تحت تاثیر خود قرار می‌دهند (خلیلی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۷). شناخت این ژنوم‌ها به‌عنوان واقعیات موجود در بستر ژئوپلتیک کشورها از سویی به دولت‌ها در اتخاذ یک سیاست خارجی پویا و موثر بر مبنای رویکردی واقع‌گرایانه کمک می‌کند و از سوی دیگر دولت را در ادراک نقاط قوت و ضعف همسایگان و زمینه‌های اتحاد و ائتلاف با آنان یاری می‌رساند. در واقع این عامل روشن‌کننده مسیر سیاست خارجی کشورهاست که هم واقعیات موجود را برای آن‌ها ترسیم می‌کند و هم سیاست خارجی هم‌راستا با وزن ژئوپلتیک را برای آن‌ها رقم می‌زند.

شکل‌گیری بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ زمینه‌ساز یکی از راهبردی‌ترین چالش‌های امنیتی در خاور میانه شده است و پیامدهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به همراه داشته است. آنچه باعث تعمیق دامنه بحران در این کشور شده؛ نقش‌آفرینی مستقیم و غیرمستقیم بازیگران منطقه‌ای و غیرمنطقه‌ای در تحولات میدانی سوریه بوده است. در این راستا رژیم صهیونیستی به دلیل موقعیت ژئوپلتیکی سوریه کنش قابل توجهی در بحران سوریه داشته است. از جمله اهداف رژیم صهیونیستی دستیابی به اراضی موعود سرزمینی از نیل تا فرات است. مساله نوشتار حاضر بر این اساس است که ژنوم‌های ژئوپلتیکی چه نقشی در توسعه سیاست خارجی بحران‌زای رژیم صهیونیستی با سوریه دارند؟ فرضیه این نوشتار بر این اساس است که وجود ژنوم‌های تقابلی در ساخت ژئوپلتیکی دو کشور از دلایل بروز سیاست خارجی تنش‌آفرین در روابط دو کشور بوده است. ژنوم‌های ژئوپلتیک هر کشور منحصر به فرد و متفاوت با کشور دیگر است که سبب می‌شود توان تاثیرگذاری کشورها در عرصه سیاست خارجی با یکدیگر متفاوت باشد. تعامل یا تقابل کدهای ژئوپلتیک یک کشور با کشور همسایه به وجود آورنده فضای استراتژیک کنش‌های سیاسی در قالب دوگانه‌های صلح/جنگ، منازعه/همکاری و همگرایی و واگرایی در

عرصه نظام بین الملل می شود. ژنوم ژئوپلیتیک را به مثابه نقشه جغرافیایی ژنتیک سیاست در یک کشور تعریف می کنند که جهت دهنده به نحوه رفتار و عملکرد بازیگران در نظام بین الملل است. از این نگاه همان گونه که انسان ها مطابق نقشه ژنتیکی خود در عرصه زندگی عمل می کنند و استعدادهایی را از خود بروز می دهند، کشورها نیز مطابق ژنوم های ژئوپلیتیک خود راهبری می شوند (خلیلی، ۱۳۹۰: ۱۰۱). ژنوم های ژئوپلیتیکی عامل همگرایی یا واگرایی کشورها در عرصه روابط بین الملل هستند. از این رو میزان و نوع کدهای ژئوپلیتیک و میزان مطابقت آن با ژنوم های کشور همسایه سبب ساز اتخاذ رویکردهای تعاملی یا تقابلی در سیاست خارجی کشورها هستند.

در خصوص پیشینه تحقیق باید گفت هرچند در باب اهمیت جایگاه ژئوپلیتیک در سیاست خارجی تاکنون پژوهش های متعددی انجام شده است؛ اما در باب تاثیر ژنوم های ژئوپلیتیکی بر سیاست خارجی که بر ساخته ای نوآورانه است، تنها می توان به طرح پژوهشی «پیوندکد/ژنوم ژئوپلیتیک و سیاست خارجی: ایران و همسایگان» (خلیلی، ۱۳۹۱) و مقالات مستخرج از این طرح اشاره کرد. در خصوص تاثیر سیاست خارجی رژیم صهیونیستی و سوریه نیز اگرچه تاکنون مقالات بیشماری نوشته شده است؛ اما پژوهش مستقلی در باب تاثیر کدهای ژئوپلیتیکی بر سیاست خارجی دو کشور انجام نشده است.

مبانی نظری

ژئوپلیتیک از جمله اصطلاحات رایج در مباحث سیاسی است که کاربرد فراوان دارد، اما معانی و تعاریف متنوعی را در بر می گیرد. در ژئوپلیتیک بررسی رابطه انسان با طبیعت، ارتباط قدرت ملی و جغرافیا یا ریشه های جغرافیایی قدرت ملی و میزان امکان تغییر عوامل زیست محیطی در جهت رفع نیازهای انسانی و ملی و اثر آن در سیاست ملل بررسی می شود (حافظنیا، ۱۳۹۰: ۲۸). به عبارتی دیگر ژئوپلیتیک عبارت است از مطالعه پدیده های سیاسی بر اساس رابطه فضایی و مکانی آن ها و همچنین وابستگی و تاثیرشان بر زمین و کلیه عوامل فرهنگی و انسانی که موضوع علم جغرافیای انسانی به طور عام می باشد. بنابراین نظریه پردازان ژئوپلیتیک استدلال می کنند که عوامل و عناصر جغرافیایی هر کشور نقش تعیین کننده ای در قدرت ملی و جهت گیری سیاست خارجی آن دارد. آن ها رفتار سیاست خارجی کشورها را تابعی از شرایط

و وضعیت جغرافیایی می‌دانند و تصمیم‌گیری سیاستگذاران ملی را در چهارچوب الزامات ژئوپولیتیک تحلیل می‌کنند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۳۲).

کد ژئوپلتیک عبارت است از دستورکار عملیاتی سیاست خارجی یک کشور که در ماورای مرزهای خود، مکان‌های جغرافیایی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. کدهای ژئوپلتیک مربوط به زیرساخت سیاست خارجی یک کشور است که این کدها مختص همان کشور است. کشورها سعی می‌کنند برای رسیدن به اهداف خود کدهای ژئوپلتیک دیگران را تحت تأثیر قرار دهند. ژنوم ژئوپلتیک به عنوان یک کد ژئوپلتیک از طرف کشور رقیب دانسته می‌شود که سعی در خنثی کردن آن دارد. حجم قابل توجهی از سرچشمه‌های قدرت به ژئوپلتیک یک کشور مربوط است. ژنوم ژئوپلتیک واقعیت‌های جغرافیایی را بنا بر نقش مثبت و منفی و اهمیتی که می‌توانند در عرصه سیاست خارجی داشته باشند مورد توجه قرار می‌دهد.

کپیوترها که یکی از ژنوم‌های اثرگذار بر سیاست خارجی رژیم صهیونیستی است برای اولین بار ۳۸ پیش از تأسیس رسمی اسرائیل یعنی در سال ۱۹۱۰ میلادی و در کنار دریاچه طبریه توسط یهودیان روسیه که به دلیل اذیت روسیه تزاری به قیومیت بریتانیا به فلسطین مهاجرت کرده تأسیس شدند. کپیوترها به معنی دهکده اشتراکی است و از روی مدل یوشاو، نخستین مهاجر یهودی، در سرزمین فلسطین ایجاد شد. بعد از تشکیل دولت رژیم صهیونیستی، با ویران ساختن روستاهای عرب‌نشین و آواره کردن مردم اصلی سرزمین فلسطین و راندن آن‌ها به اردوگاه‌ها کپیوترها گسترش یافت. کپیوترها اغلب در مناطقی تشکیل شد که اهمیت استراتژیک داشت تا از یک طرف رژیم صهیونیستی بتواند جامعه ای یکدست (مذهبی - نژادی) ایجاد کند و از طرف دیگر جلوی مقاومت مردم عرب روستاهای فلسطینی را بگیرد (پورقمی، بی تا، ۱۴-۱۳).

ژنوم‌های اثرگذار بر سیاست خارجی بحران‌زا و تهاجمی رژیم صهیونیستی

۱. موقعیت استراتژیکی

رژیم صهیونیستی با حمله و قتل عام وسیع و بی‌رحمانه در سال ۱۹۴۸ ظهور یافت و از این تاریخ به بعد مستقیماً درگیر یک جنگ گسترده با جهان عرب گردید. ماهیت تجاوزکارانه تأسیس این رژیم و دغدغه کشورهای اسلامی برای نجات فلسطین و احقاق حقوق مردم ستمدیده از همان ابتدا سبب شکل‌گیری سیاست خارجی متعارض میان رژیم صهیونیستی و همسایگانش

شد. از جمله مسائل مورد اختلاف میان رژیم صهیونیستی و سوریه مساله بلندی های جولان است که رژیم صهیونیستی این مناطق را در حمله گسترده ای از ۱۹۶۷ اشغال نمود (علیخانی، ۱۳۷۹: ۲). سوریه همچنان برای الحاق این مناطق تلاش می کند و این امر یکی از پایه های اساسی سیاست خارجی این کشور است.

۲. کیبوتزها

رژیم صهیونیستی از نخستین سال های تأسیس خود به سبب ناهمگونی و نارسایی وسایل و امکانات تلاش نمود شیوه خاصی از توسعه را در پیش بگیرد. روستاهای رژیم صهیونیستی که روستاهای موزونی هستند با پیشرفته ترین روستاهای دنیای غرب برابری می کنند. کیبوتزها که بوسیله نخستین مهاجران یهودی در سرزمین فلسطین ایجاد شد؛ بعد از تشکیل دولت رژیم صهیونیستی، با ویران ساختن روستاهای عرب نشین و آواره کردن مردم اصلی سرزمین فلسطین و راندن آن ها به اردوگاه ها و کیبوتزها گسترش یافت. کیبوتزها از یک خصوصیت اساسی دیگر نیز برخوردارند و آن اینکه همه چیز کیبوتز، مال همه اهالی آن جامعه است و در عین حال مال هیچ یک از آنها نیست؛ یعنی پایگاه های واقعی هستند که در مواضع استراتژیک، پیوسته برای جنگ آمادگی دارند. اصل بر این است که کیبوتزها خود نیازهای اولیه زیستی و حتی نظامی خود را در حد مقدور تأمین کنند و بتوانند هر آن به یک دژ نظامی درآیند (پور قمی، بی تا: ۱۳). در واقع این سازه قابلیت کاربرد دوگانه نظامی و زیستی دارد.

۳. لابی صهیون

چنانچه پیشتر گفته شد کد ژئوپلیتیک عبارت است از دستور کار عملیاتی سیاست خارجی یک کشور که در ماورای مرزهای خود، مکان های جغرافیایی را مورد ارزیابی قرار می دهد. ژئوم ژئوپلیتیک واقعیت های جغرافیایی را بنا بر نقش مثبت و منفی و اهمیتی که می توانند در عرصه سیاست خارجی داشته باشند مورد توجه قرار می دهد. در حوزه سیاست خارجی رژیم صهیونیستی می توان گفت لابی صهیون به مثابه یک ژئوم ژئوپلیتیک با تاثیرگذاری بر سیاست خارجی امریکا نقش مهمی ایفا می کند. لابی صهیون صرفاً یک گروه محدود نیست؛ بلکه مجموعه ای با شاخه های متعدد است. رژیم صهیونیستی از همان آغاز شکل گیری با پی بردن

به اهمیت این جریان در سیاست خارجی آمریکا درصدد فعال‌تر نمودن آن برای بهره‌گیری از نیروی آمریکا جهت تاثیرگذاری بیشتر در منطقه بود. این سازمان یهودی در آمریکا مستقیماً با کاخ سفید در ارتباط است. اعضا لابی عموماً با استفاده از توانایی‌های شخصی و حرفه‌ای بالای خود، با یهودیان مقیم آمریکا همکاری دارند و نشست‌هایی را با رئیس‌جمهور و دیگر دست‌اندرکاران سیاست خارجی آمریکا در امور خاورمیانه ترتیب می‌دهند (استیری، ۱۳۸۰: ۴۷). در همین زمینه مناقشه رژیم صهیونیستی و سوریه به‌خصوص پس از انتخابات جرج بوش و افزایش قدرت نومحافظه‌کاران که اکثر آنان یهودی بوده و حامی سرسخت رژیم صهیونیستی می‌باشند بیشتر نمایان شده است. تغییر رژیم در عراق نتیجه تلاش و برنامه‌ریزی گسترده نومحافظه‌کارانی بود که به حمایت از رژیم صهیونیستی صورت گرفت. این نومحافظه‌کاران در گزارش تغییر جهت کامل که برای نتانیاهاو در ۱۹۹۷ فرستاده بودند، خواهان تغییر رژیم سوریه شده بودند (روحی، ۱۳۸۸: ۷۴). به عقیده بسیاری از کارشناسان آمریکایی صلح بین رژیم صهیونیستی و سوریه مشکلات بسیاری را در مورد سوریه حل خواهد کرد و باعث خواهد شد که سوریه حمایت خود را از گروه‌های تروریستی پایان دهد. همچنین مانع از تلاش‌های این کشور برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی شود. بعد از ۱۱ سپتامبر و ۸ ماه پس از اشغال عراق در پی شرایط استراتژیک منطقه، بشار اسد به از سرگیری مذاکره با رژیم صهیونیستی ابراز تمایل کرد. برخی از جمله سیلویان شالوم، وزیر خارجه رژیم صهیونیستی، و افرادی در وزارت دفاع به رژیم صهیونیستی توصیه کردند که این پیشنهاد را بپذیرد. اما برخی دیگر این پیشنهاد را یک تغییر تاکتیکی از سوی اسد دانسته و عنوان کردند با این نشانه مثبتی که بشار اسد از خود نشان داده است باید تحت فشار قرار گرفته شود. جرج بوش و شارون نیز با شک و تردید به آن نگرستند و اعلام کردند که بشار اسد بایستی به حمایت خود از گروه‌های تروریستی خاتمه دهد و از لبنان عقب‌نشینی نماید؛ اما بشار اسد آن را نپذیرفت.

در فوریه ۲۰۰۳ انفجاری در تل‌آویو صورت گرفت. در پاسخ به این انفجار در ۵ اکتبر ۲۰۰۳، رژیم صهیونیستی‌ها حمله هوایی به آن‌چه که به‌عنوان اردوگاه آموزشی گروه‌های فلسطینی در سوریه تلقی می‌شد؛ انجام دادند که منجر به مرگ ۲۰ نفر شد. بوش از این اقدام رژیم صهیونیستی حمایت و آن را دفاع از خود دانست و اعلام کرد که رژیم صهیونیستی نبایستی برای دفاع از خود تحت فشار قرار گیرد و در این زمینه محدود باشد. او بیان داشت که

ما نیز همان کار را انجام می‌دهیم (روحی، ۱۳۸۸: ۷۵). بعد از این جریان، بشار اسد رژیم صهیونیستی را یک دولت نامشروع و حتی نژادپرست‌تر از نازی‌ها دانست. این اظهارات بشار اسد باعث خشم و واکنش شدید جرج بوش شد و در پی آن احساسات ضد سوری نیز در میان یهودیان رژیم صهیونیستی و یهودیان آمریکایی افزایش یافت.

در زمینه روابط میان رژیم صهیونیستی و آمریکا دو دیدگاه مطرح است. یک دیدگاه از تابعیت محض رژیم صهیونیستی از ملاحظات و راهبردهای متنوع آمریکا سخن می‌گوید و تمامی کمک‌های واشنگتن به تل‌آویو را در جهت تأمین بالاترین سطوح منافع برای آمریکا قلمداد می‌کند و دیدگاه دیگر معتقد است که آمریکا در میان تدابیر ظریف و بنیادی رژیم صهیونیستی و گروه فشار آن محدود شده است. در این دیدگاه اهمیت رژیم صهیونیستی برای آمریکا بیش از آن‌که یک موضوع حیاتی در سیاست خارجی باشد، یک موضوع سیاست داخلی است؛ به این معنی که فشار لابی یهودی در آمریکا تصمیم‌گیرندگان این کشور را ناچار به حمایت از رژیم صهیونیستی می‌نماید. البته اهمیت رژیم صهیونیستی و جایگاه آن در راهبرد منطقه‌ای آمریکا این است که این کشور در خاورمیانه همانند نقش ژاپن در شرق آسیا، بریتانیا در اروپا برای آمریکا است و همانند دو کشور فوق رابطه با آن‌ها برای آمریکا ضروری است (ایمان‌پور، ۱۳۸۳: ۷۰). تضمین منافع و موجودیت رژیم صهیونیستی همواره از برنامه‌های غیرقابل تغییر آمریکا از ابتدای پیدایش این رژیم بوده است. با روی کار آمدن اوباما و شعار تغییر نیز تغییری در این امر صورت نگرفت. آمریکا خواهان نابودی پل ژئوپلیتیکی سوریه و از میان برداشتن روابط میان ایران و صف اول مقاومت (سوریه) به عنوان تضمین رژیم صهیونیستی است.

۴. حاکمیت رژیم صهیونیستی بر جولان

در ۵ ژوئن ۱۹۶۷، حمله رژیم صهیونیستی به مصر و سپس اردن آغاز شد. در ۹ ژوئن، پس از آنکه ارتش‌های مصر و اردن شکست خوردند؛ حمله زمینی در جبهه جولان آغاز شد. با سقوط شهر قنطره ۱۲۶۰ کیلومتر از جولان اشغال شد. در این نبرد با اشغال کامل صحرای سینا از خاک مصر، نوار غزه، کرانه غربی رود اردن و بلندی‌های جولان، ۶۸۰۰ کیلومتر از خاک کشورهای همسایه رژیم صهیونیستی اشغال شد (موسوی، ۱۳۸۸: ۸-۹). ۲۱۸۰ کیلومتر از خاک سوریه در ۳۰ کیلومتری دمشق، در اشغال رژیم صهیونیستی بود. سرزمینی که ۶۰ درصد آب رژیم

صهیونیستی و هم چنین امنیت این رژیم را تأمین می‌کند. حاکمیت رژیم صهیونیستی بر جولان برتری فاحش استراتژیکی برای رژیم صهیونیستی به دنبال داشت. از جمله پایگاه ارتش این کشور را در ۳۵ کیلومتری دمشق، پایتخت سوریه، قرار داد. تسلط رژیم صهیونیستی بر منابع آبی منطقه از جمله رودخانه بانیا س - یعنی شاخه عمده رودخانه اردن که ۱۴ هزار متر مکعب آب در ساعت از آن بدست می‌آید - تحقق بخشید (نهایزی، ۱۳۸۷: ۴۲-۴۳) و نهایتاً فرصت‌های جدیدی برای اسکان یهودیان در منطقه فراهم آورد. از دیدگاه سوریه از دست دادن بلندی‌های جولان شدیداً این کشور را در برابر حمله زمینی رژیم صهیونیستی آسیب‌پذیر ساخت. چرا که این بلندی‌ها به عنوان سد دفاعی طبیعی در برابر حمله رژیم صهیونیستی محسوب می‌شدند. به علاوه کنترل رژیم صهیونیستی بر جولان از لحاظ دسترسی، منابع آبی برتری خاصی به رژیم صهیونیستی بخشید. همچنین حاکمیت رژیم صهیونیستی بر منطقه، به معنای بی‌دفاع شدن شهروندان سوری در برابر رژیم صهیونیستی‌ها بود که مجبور به ترک منطقه شدند. براساس سیاست‌های رژیم صهیونیستی، تنها ۱۶ هزار نفر از ساکنین ۵ روستای عرب، در مقایسه با ۱۳۰ هزار نفری که در ۱۳۹ روستا قبل از سال ۱۹۶۷ زندگی می‌کردند، در منطقه باقی می‌مانند (برزگر، ۱۳۷۹: ۵۱).

جولان از نظر اقتصادی نیز اهمیت دارد. در حال حاضر، رژیم صهیونیستی ۴۰ شهرک یهودی‌نشین در این منطقه ایجاد کرده و به تدریج به انتقال یهودیان به شهرک‌های جدید ادامه می‌دهد. کارخانه‌های این منطقه از اهمیت ویژه‌ای برای رژیم صهیونیستی برخوردار است و پیش‌بینی می‌شود بیش از دو میلیارد دلار درآمد توریستی در این منطقه در سال داشته باشد. اهمیت فرهنگی جولان کمتر از ابعاد اقتصادی و نظامی آن نیست. اهمیت فرهنگی جولان ارتباط تنگاتنگی با مساله هویت دارد. هویتی که رژیم صهیونیستی‌ها درصدد تحصیل و جعل آن هستند. رژیم صهیونیستی به دنبال ایجاد شکاف بین مسلمین است و دولت سوریه را به پاک‌سازی نژادی کرده‌ها متهم می‌نماید. در حالی که شواهد و قرائن موجود نشان می‌دهد که در ژوئن ۱۹۶۷ رژیم صهیونیستی‌ها مسلمانان را در این منطقه آواره نمودند. نخستین اقدام آنان در فضای بعد از اشغال بلندهای جولان، اسکان یهودی‌ها در ۱۹۸۴ بود (بیات، ۱۳۷۸: ۱۰۹).

رژیم صهیونیستی درصدد رویایی جدید است که بتواند نوعی شکاف عربی - کردی را در منطقه جزیره شامات به وجود آورد. سیاست‌های دولت بشار اسد و تاکید بر مقاومت در برابر توطئه‌های رژیم صهیونیستی ناظر بر همین رویکرد تفرقه افکنانه رژیم صهیونیستی است.

۵. هیدروپلیتیک

بررسی آب به عنوان یک عنصر طبیعی و عملکردهای سیاسی آن به ویژه در کشورهای خشک و نیمه خشک مطرح است. این اصطلاح، مترادف اصطلاح دیپلماسی آب است و به مسائل مربوط به آب شیرین قابل تجدید و استفاده از منابع آب و شکل گیری سیاست های جهانی آب می پردازد. آب ممکن است در آینده به یک حربه سیاسی مبدل شود و مطرح شدن مسائل آب در سطح سازمان ملل، نشانه ای از این موضوع است (آقابخشی، ۱۳۸۶: ۳۰۳). جست و جو برای منابع آبی را محرک دولت ها برای تسلط بر منابع آبی می دانند. دولت ها در حوزه های مشترک آبی به طور جدی خواستار نگهداری آب هستند. این تلاش بیشتر از سوی کشورهای بالادست رودخانه ها که نیاز آن روز به روز افزون تر می شود، صورت می گیرد. این کشورها تلاش می کنند جریان آزاد رودخانه ها را قبل از عبور از مرزهای ملی محدود کنند. از هنگام آغاز تاریخ، جهان شاهد بروز کشمکش ها و حتی جنگ بر سر مالکیت و چگونگی بهره گیری از آب بوده که نتایج آن بر سیستم منطقه ای تأثیر گذاشته است. پس عجیب نیست که آب از جایگاه والایی در تمدن های باستانی و همین طور در سیاست های معاصر برخوردار باشد (پرز، ۱۳۷۶: ۱۷۶). آب را باید مقوله ای کاملاً سیاسی در خاورمیانه به طور عام و کشورهای عربی به طور خاص معرفی نمود. از حیث تاریخی، کم آبی عامل مهمی در ضعف دول و روی کار آمدن رژیم های اقتدارگرا در منطقه خاورمیانه داشته است (افتخاری، ۱۳۷۹: ۱۶۸). بیان صریح شیمون پرز مبنی بر اهمیت جایگاه و نقش آب در تمدن بشری و روابط سیاسی منطقه، از آگاهی جنبش صهیونیستی به حساسیت استراتژیک آب حکایت می کند. به همین دلیل آب از همان ابتدا به عنوان یکی از ارکان امنیتی رژیم صهیونیستی مطرح بوده و حتی پیش از تأسیس رسمی این واحد سیاسی، از سوی صهیونیست ها به عنوان یک منبع حیاتی در معادلات کلان منطقه از آن بسیار یاد می شده است. مهم ترین اقدامات صهیونیست ها نسبت به این مایع استراتژیک ذیلاً تشریح می شوند. تعریف حدود امن از دیدگاه رژیم صهیونیستی در طول تاریخ به عنوان یک استراتژی برای تجاوزات بیشتر مطرح بوده و نسبت مستقیمی با مساله آب دارد. با مراجعه به نقشه های طراحی شده از حدود امن رژیم صهیونیستی و وضعیت منابعی چون رود اردن فیرموک، جبل الشیخ، بلندهای جولان و ... معلوم می گردد که به گفته وایزمن آب عنصر اساسی امنیت رژیم صهیونیستی بوده و رژیم صهیونیستی بدون به دست آوردن اهداف مورد نظرش در این زمینه، تن به جنگ و یا امضای

قرارداد صلح نمی‌دهد. علاوه بر این آرمان جاه‌طلبانه صهیونیسم برای تأسیس واحدی به نام رژیم صهیونیستی به گونه‌ای طراحی شده که مهم‌ترین منابع آبی را در بر می‌گیرد. به عنوان مثال مشاهده می‌شود که در کنفرانس بازل سوئیس تئودور هرتسل، یهودی اتریشی، در اولین کنگره جهانی در سال ۱۸۹۷ در مقام تشریح مرزهای دولت یهود، به مرزهای آبی استناد کرده و خواستار تأسیس کشوری یهودی ترجیحاً در فلسطین شده است (آقابخشی، ۱۳۸۶: ۷۵۰-۷۴۹). بنیان‌گذاران و سیاست‌مداران رژیم صهیونیستی همیشه به گونه‌ای از منابع آبی منطقه سخن می‌گویند که بیانگر بعد معنوی و آرمانی آن است. بدین صورت که گویا هستی رژیم صهیونیستی در گرو گرفتن منابع آبی است که اساساً متعلق به آن‌ها بوده و غفلت از این سیاست، آرمان آن‌ها را نابود می‌سازد. این شیوه، حساسیت یهودیان را نسبت به وضعیت آب در منطقه افزایش داده و به آن صبغه دینی می‌بخشد. در این زمینه بنیان‌گذاران صهیونیست از ابتدای تأسیس و حتی قبل از آن به اهمیت و نقش آب در توسعه و پیشرفت منطقه آگاهی داشتند. آزر روبین از چهره‌های بنام رژیم صهیونیستی در ساختار سرزمین رژیم صهیونیستی یادآور شده، توسعه و بهبود اقتصادی عامل اصلی مهمی در توجه و جنگ رژیم صهیونیستی بوده است و عوامل اقتصادی ایجاب می‌کند که فلسطین به سمت شرق اقتدار پیدا کند تا این که منبع دیگری را بدست آورد (موجودیت رژیم صهیونیستی لبنان، ۱۳۷۵: ۱۴). در واقع استراتژی آب در رژیم صهیونیستی ارکان متعددی دارد. صهیونیسم از ابتدا تاکنون استراتژی کلان و واحدی را درباره آب اتخاذ کرده است. این استراتژی مبتنی بر تأمین امنیت آب می‌باشد (کیوان حسینی، ۱۳۷۵: ۳۱). در مجموع استراتژی آب رژیم صهیونیستی از همان ابتدا به سه رکن حمایتی، نظامی و دیپلماتیک استوار است که در نهایت به تأمین حداکثر منافع برای این رژیم منجر می‌شود (افتخاری، ۱۳۷۹: ۱۰۰).

حمایت‌های خارجی و در درجه اول حمایت قدرت‌های بزرگ از رژیم صهیونیستی نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین منابع آبی این رژیم داشته است. در کنار دو رکن دیپلماتیک و نظامی حمایت‌های حقوقی، علمی، تبلیغی، رسانه‌ای، مالی و تخصصی نیز از این رژیم به عمل آمده است (افتخاری، ۱۳۷۹: ۱۰۸-۱۱۰). رژیم صهیونیستی به منظور تحصیل منافع آبی هرچه بیشتر هم از چهره عریان زور (جنگ) و هم از بعد پنهان (تهدید) بهره برده است. تکوین اولیه رژیم صهیونیستی بر پایه جنگ و تجاوز بوده، بنابراین این عامل در استمرار آن نیز نقش مؤثری دارد؛ به گونه‌ای که صهیونیست‌ها بیشتر به حل مشکلات خود از این طریق تمایل دارند. اما

با توجه به محدودیت‌هایی که برای اعمال زور عریان در سطح روابط بین‌الملل وجود دارد، رژیم صهیونیستی در مواقع بسیاری سعی کرده از اهرم‌های فشار و تهدید برای نیل به اهداف خود استفاده کند. این استراتژی در حوزه کشورهای عربی تأثیرگذار بوده است؛ به طوری که از سوی برخی کشورهای عربی شاهد اعطای امتیازات ویژه‌ای به صهیونیست‌ها بوده‌ایم (حسینی و رضایی، ۱۳۸۴: ۶۴-۶۵).

اولین مراحل چانه‌زنی برای آب از سال‌های اولیه مطرح‌شدن اسکان صهیونیست‌ها در فلسطین آغاز شد. طرح کمسیون پل، گزارش پل، گزارش لوید، طرح لاودرمیک، طرح هابز و طرح بانگر از اقدامات دیپلماتیکی هستند که در این راستا صورت گرفته است. دعوت به مذاکره و سازش از دیگر سیاست‌های رژیم صهیونیستی بوده است. رژیم صهیونیستی بعد از یک دوره تهاجم و سلطه بر اراضی و منابع آبی، اکنون در موقعیتی قرار دارد که بیش از جنگ، صلح و مذاکره می‌تواند در نیل به منابع آبی بیشتر به این رژیم یاری دهد (افتخاری، ۱۳۷۹: ۱۰۴). عوامل متعددی باعث شده است که رژیم صهیونیستی را به پای میز مذاکره بکشاند. سیاست معامله و پنهان‌کاری هم یکی دیگر از رکن‌های رژیم صهیونیستی در رسیدن به اهداف خود بوده است. از این دیدگاه معامله‌گری سران رژیم صهیونیستی را در سیاست خارجی آن‌ها می‌توان مشاهده کرد. چرچیل به هنگام وقوع جنگ جهانی دوم پس از مذاکراتی که با یهودیان داشت بیان کرد: یهودیان رسماً از من خواستند جنوب لبنان که رودخانه لیطانی در آن قرار دارد، به فلسطین ضمیمه شده و در مقابل، امکانات یهودیان در خدمت متحدین قرار گیرد (حسینی و محمد رضایی، ۱۳۸۴: ۶۴). نمونه دیگر این پنهان‌کاری نشست‌های مخفیانه شاه حسین و تانیاهاو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی، بود. یاسر عرفات نیز طی نشست‌های محرمانه‌ای که با شیمون پرز داشت، در نهایت توافقنامه‌ای را در گذرگاه ایرتزر در موضوع آب به امضا رساند که به موجب آن ۶۰ درصد از آب قنات‌های موجود در کرانه باختری به رژیم صهیونیستی و بقیه به تشکیلات خودگردان تعلق می‌گرفت (افتخاری، ۱۳۷۹: ۱۰۷). بنابراین در اختیار داشتن منابع آب در منطقه در افزایش توان رژیم صهیونیستی در مقابله با محور مقاومت نقش مهمی ایفا می‌کند و سبب می‌شود تا محور مقاومت به لحاظ استراتژیکی با بحران مواجه شود و آسیب‌پذیری آن را افزایش می‌دهد.

ژنوم‌های مؤثر بر سیاست خارجی سوریه

در این بخش ژنوم‌های ژئوپلتیکی مؤثر بر سیاست خارجی سوریه در ارتباط با منطقه و نحوه اثرگذاری آن بر جهت‌دهی سیاست خارجی این کشور در قبال رژیم صهیونیستی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. موقعیت استراتژیک

جمهوری عربی سوریه با جمعیتی بالغ بر ۹ میلیون نفر و مساحتی حدود ۱۸۵۱۸۰ کیلومتر مربع هفتادمین کشور جهان از نظر وسعت محسوب می‌شود (سراج، ۱۳۹۰: ۵). این کشور دارای ۱۴ استان است. دمشق (پایتخت) حلب، درعا، حمص، سلمیه، لاذقیه، صیدنا یا از شهرهای مهم این کشور محسوب می‌شوند (پروین و قفقوزی بیلندی، ۱۳۹۱: ۳۹). سوریه از جمله کشورهایی است که تقابل و کنش سه عامل جغرافیا، قدرت و سیاست موجب شکل‌گیری نوعی رقابت بین‌المللی برای تأثیرگذاری و مدیریت حوادث داخلی در این کشور شده است. این کشور قسمتی از سرزمین بزرگ شام است و به لحاظ موقعیت قرارگیری در منطقه استراتژیکی واقع شده است. سوریه در جنوب غرب آسیا و ساحل شرقی دریای مدیترانه واقع گردیده و از شمال با ترکیه از شرق با عراق و از جنوب با رژیم صهیونیستی و اردن، از غرب با لبنان و دریای مدیترانه هم مرز است (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۰۳). سال‌هاست سوریه در وضعیت بغرنجی در منطقه قرار دارد. رقابت ایدئولوژیکی دمشق با دولت بعث عراق، درگیری جنگ داخلی لبنان و بعدها در سیاست این کشور، اختلاف نظر با کردها و درگیری با رژیم صهیونیستی بر سر بلندهای جولان از جمله مشکلات این کشور در منطقه بوده است (هنسن و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۳۷). مهم‌ترین عارضه ژئوپلتیک سوریه این است که در جوار مرزهای فلسطین اشغالی، یعنی قلب خاورمیانه و کانون معادلات چندمجهولی این منطقه واقع شده است. سوریه اصطلاحاً در محور مقاومت قرار دارد؛ این بدان معنی است که از گروه‌های جهادی فلسطین، مخصوصاً حماس و جهاد اسلامی فلسطین و همچنین حزب الله لبنان در برابر رژیم صهیونیستی حمایت مادی و معنوی می‌نماید (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۰۴) و همین امر سبب افزایش حساسیت در میان برخی کشورهای منطقه نسبت به این کشور شده است.

از سوی دیگر حادثترین مسائل و بحران‌های جهان در این منطقه روی داده‌اند و این منطقه

همواره خبرساز و توجه جهانیان را به خود جلب نموده است. جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی، تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان، صلح خاورمیانه، درگیری آمریکا و عراق و اشغال این کشور توسط آمریکا و حمله عراق به کویت و... از حوادث مهم اثرگذار در قرن اخیر در این منطقه می باشد. همه این موارد نشان از راهبردی بودن این منطقه و اهمیت آن در جهان دارد. سوریه در اکثر این بحران ها دارای نقش محوری بوده است (کتاب سبز سوریه، ۱۳۸۷: ۲۹-۲۷). به دلیل این اهمیت و نقش استراتژیکی که سوریه در منطقه برخوردار است؛ بسیاری از کارشناسان روابط بین الملل سوریه را بزرگترین کشور کوچک جهان می نامند.

از سوی دیگر واقع شدن سوریه بر کناره شرقی دریای استراتژیک مدیترانه بر اهمیت ژئوپلیتیکی این منطقه افزوده است. این کشور حدود ۱۸۳ کیلومتر ساحل در کنار دریای مدیترانه دارد. وجود این سواحل، سوریه را به عنوان یک کشور حوزه مدیترانه و متأثر از تحولات آن قرار داده است. وجود سوریه در این منطقه در واقع پل ارتباطی سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا به حساب می آید. سوریه از طریق خطوط لوله نفت در بندر نیاس، بخشی از نیازهای نفتی کشورهای حاشیه را تأمین می کند و یکی از مراکز مهم انتقال انرژی (نفت و گاز) به اروپا به حساب می آید (خلدی، ۱۳۸۹: ۷۹). مسیر سوریه وابستگی عراق و ایران را برای صادرات انرژی به خلیج فارس، کانال سوئز و حتی ترکیه تقلیل می دهد. این موقعیت باعث برانگیخته شدن حس رقابت ژئوپلیتیکی ترکیه با سوریه گردیده است. مشابهت موقعیت ژئوپلیتیکی سوریه با رژیم صهیونیستی سبب شکل گیری فرصت ها و تهدیدهای مشابهی برای دو کشور و برخورد منافع آنها با یکدیگر شده است. از دیگر فاکتورهای مهم در زمینه ژئوپلیتیک موقعیت جغرافیایی این کشور است. وسعت، شکل، وضع طبیعی، مرزها و وضعیت اقلیمی جملگی از مهم ترین عواملی هستند که باید در ارزیابی قدرت کشورها مورد توجه قرار گیرند. هریک از این فاکتورها بدون در نظر گرفتن مولفه های دیگر ناکارآمد است. سرزمین وسیع ضمن آنکه می تواند نیروی انسانی زیادی را در خود جای دهد، در دوران جنگ امکان عقب نشینی نیروهای نظامی را فراهم کرده و موقعیت تسخیرناپذیری به آن می دهد. سوریه یک کشور کوهستانی است، با توجه به اینکه سلسله کوه های سوریه بیشتر در حاشیه دریای مدیترانه می باشد؛ موقعیت استراتژیکی ویژه ای به ساحل غربی سوریه بخشیده است. ضمن اینکه دژ مستحکمی در برابر حملات دریایی به این کشور محسوب می شود.

۳. جایگاه سوریه در استراتژی صلح اسحاق رابین

رژیم صهیونیستی همواره به لبنان و خاک این کشور به عنوان ضرورتی اجتناب ناپذیر نگریسته است که به لحاظ امنیتی و ژئوپلیتیکی به ارتش و سازمان جاسوسی آن امکان مانور و فضای تحرک می دهد تا از این طریق به سوریه به عنوان متحد لبنان فشار آورد (معصوم زاده کیانی، بی تا: ۷۹). با آغاز دهه ۸۰، رقابت سوریه و رژیم صهیونیستی برای تسلط بر لبنان بالا گرفت و سرانجام سوریه به برتری یافت. سوریه هم چنان در جنگ لبنان کوشید تا با کسب قدرت نظامی لازم برای غلبه بر رژیم صهیونیستی توازن استراتژیک با اسرائیل برقرار کند. رژیم صهیونیستی حکومتی متجاوز و توسعه طلب است که در صد تسلط بر سرزمین های عرب و دستیابی به اراضی موعود، سرزمینی از نیل تا فرات است و برای رسیدن به آن می کوشد تا مانع پیشرفت فرهنگی و تکنولوژیک کشورهای عرب شده توان نظامی، اقتصادی و سیاسی آن ها را درهم شکند تا هیچ قدرت عربی نتواند آن را تهدید کند (زیسر، بی تا: ۵۰۵). اما گرفتار شدن رژیم صهیونیستی در گرداب جنوب لبنان که سوریه در این منطقه نفوذ و قدرت فراوانی داشت؛ صلح را برای اسرائیل، ضرورتی اجتناب ناپذیر نمود. اگر رژیم صهیونیستی بتواند به نوعی، خطرات جانبی و تهدیدات امنیتی احتمالی را پیش بینی و پیش گیری نماید شاید چندان نیازی به عقد قرارداد صلح احساس نکند، اما به این نکته باید توجه داشت که بسیاری از رژیم صهیونیستی ها ضرورتی برای انعقاد قرارداد صلح با سوریه نمی بینند؛ زیرا آن ها معتقدند که در حال حاضر هیچ خطری رژیم صهیونیستی را تهدید نمی کند و وضعیت فعلی می تواند کماکان سال های متمادی استقرار یابد (علی خانی، ۱۳۷۹: ۱۰). اما تلاش های رژیم صهیونیستی برای دستیابی به صلح با سوریه، گویای اهمیت برقراری یک صلح فراگیر میان اعراب و رژیم صهیونیستی است که این امر جز از طریق سازش با سوریه برای مقام های رژیم صهیونیستی میسر نیست (معصوم زاده کیانی، بی تا: ۸۱). سوریه تنها کشور عربی است که در میان کشورهای خاور میانه و آفریقای عربی نقش مستقلی در مناسبات منطقه ای و بین المللی ایفا می کند.

درگیری رژیم صهیونیستی با سوریه به دلایل نظامی و استراتژیک در منطقه است. در حال حاضر نیروهای مسلح سوریه تنها ارتش کلاسیک عربی هستند که می تواند امنیت رژیم صهیونیستی را در معرض خطر قرار دهد. از این رو مقامات رژیم صهیونیستی، سوریه را به عنوان تهدید استراتژیک به حساب می آورند. در واقع تمایل سوریه برای مذاکره با رژیم صهیونیستی را

می‌توان معلول دو علت دانست: ۱- تحول جدیدی که در جهان عرب نسبت به امکان همزیستی با رژیم صهیونیستی پیش آمد. ۲- امیدواری حافظ اسد به امکان باز پس‌گیری بلندهای جولان پس از سال‌ها ناامیدی (زیسر، بی‌تا: ۵۵۹). رژیم صهیونیستی از این صلح به دنبال دستیابی به نظام امنیتی پایدار، حل معضل مخالفت‌های بنیادگرایانه، دستیابی به توان اقتصادی و احاده حیثیت بین‌المللی است. اما به نظر می‌رسد رژیم رژیم صهیونیستی آماده پرداخت هزینه زیاد برای رسیدن به این صلح نباشد (علیخانی، ۱۳۷۹: ۱۱). مخالفت سوریه با سیاست‌های آمریکا در منطقه و همسویی آن با جریان مقاومت اسلامی، به رسمیت نشناختن رژیم صهیونیستی و مخالفت با طرح‌های صلح عربی در مساله فلسطین منجر به احساس خطر از این ناحیه برای آمریکا شده است. به همین دلیل و بنا بر اهمیت راهبردی سوریه سناریوی تولید بی‌ثباتی با هدف گرفتن امتیاز و تغییر ساختار سیاسی سوریه، در دستور کار جبهه مخالف مقاومت اسلامی قرار گرفته است (پورصادق و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱۷). لذا نحوه نگرش به فرآیند صلح و مطالبات متناقض از عوامل واگرایی سیاست خارجی سوریه و رژیم صهیونیستی بوده است.

۴. ساخت اجتماعی در سوریه

در جامعه سوریه نیز احزاب و فرهنگ‌های سیاسی مختلفی از اسلام‌گرایی تا پان‌عربیسم و لیبرالیسم حضور داشته‌اند. به‌طورکلی احزاب سیاسی سوریه را می‌توان به احزاب حکومتی و احزاب مخالف تقسیم کرد (نیاکویی، ۱۳۹۰: ۱۴۸-۱۴۹). حدود ۹۰ درصد از جمعیت ۲۰ میلیونی سوریه، عرب زبان‌اند و ساختار اجتماعی آن شامل عرب‌ها، غیر عرب‌ها (کردها، ارامنه، ترکمن‌ها و قفقازها) می‌باشد. از نظر مذهبی نیز به مسلمانان سنی علوی، دروزی‌ها و مسیحیان تقسیم می‌شوند. اعراب در همه نواحی سوریه زندگی می‌کنند؛ اما اعضای اقلیت قومی و مذهبی سوریه معمولاً در یک یا دو ناحیه متمرکز شده‌اند. کردها که بزرگ‌ترین اقلیت قومی سوریه محسوب می‌شوند؛ عمدتاً در ناحیه جزیره در شمال شرق سوریه سکونت دارند. در بحران سوریه ناراضیاتی اقلیت‌ها از دولت مرکزی و تحریکات بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای یکی از نقاط آسیب‌زای سیاست خارجی سوریه بود. از سوی دیگر کم‌وکیف جمعیت اعم از دوران صلح یا جنگ در موقعیت دولت در عرصه سیاست بین‌الملل نقش مؤثری دارد، به گونه‌ای که کم‌وکیف جمعیت لازم و ملزوم یکدیگر هستند (قوام، ۱۳۷۰: ۱۵۳). برتری جمعیت سوریه نسبت

به جمعیت رژیم صهیونیستی یک امتیاز مثبت در منطقه‌ای است که یک نزاع قدیمی و ریشه‌دار میان اعراب و رژیم صهیونیستی وجود داشته است. هرچند بیشتر جمعیت سوریه در قسمت غربی در حاشیه ساحل دریای مدیترانه و مرز لبنان مسقر هستند و قسمت‌های مرکزی و جنوبی به علت کویری خالی از سکنه می‌باشد که این امر ضریب آسیب پذیری را تاحدی بالا ببرد.

۵. تحولات سوریه و راهبرد امنیتی رژیم صهیونیستی در قبال آن

منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در چند سال گذشته عرصه تحولات سیاسی و اجتماعی قابل توجهی شده است که پایه‌های ساختار سیاسی و فضای فرهنگی آن‌ها را به شدت دگرگون کرده است.

از عوامل مهمی که در بروز حوادث اخیر سوریه تأثیر داشته است، می‌توان به تک حزبی بودن و عدم برگزاری انتخابات آزاد در این کشور، فشارهای بیش از حد سیستم‌های امنیتی به مردم و برخی از نخبگان مذهبی، فساد اقتصادی موجود در بدنه حاکمیت نظام و وجود فقر، بی‌ثباتی سیاسی و رفت و آمدهای سریع کابینه‌ها بود؛ به گونه‌ای که این کشور به سرزمین کودتا معروف شد. بی‌ثباتی در سوریه علاوه بر مداخلات خارجی، ریشه در بافت جمعیتی این کشور داشت (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱: ۲۷). بیشتر مردم سوریه خواهان انجام اصلاحات در حکومت می‌باشند، اما نه به قیمت براندازی نظام فعلی به ریاست بشار اسد (موسوی‌زاده، ۱۳۹۰: ۵۳). بیداری اسلامی کلید واژه مناسبی برای این دگرگونی‌ها است. بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه و ام‌دار پارادایم مقاومتی است که متشکل از یک سازه سه بعدی شناختی، پست مدرنیستی، پسااستعمارگری و انقلاب اسلامی است که ژئوکالچر جدیدی در برابر هژمونی لیبرال دموکراسی جهان غرب محسوب می‌شود (قزل‌سلفی و فرخی، ۱۳۹۲: ۱۴۲). بیداری اسلامی از سال ۲۰۱۰ میلادی در کشور تونس شروع و در ژوئای ۲۰۱۱ به سوریه کشیده شد. این جنبش ظرف مدت کوتاهی فضای غیردموکراتیک منطقه را تغییر داد و دولت‌های همسو با کشورهای محافظه‌کار منطقه را بدست مردم ساقط کرد. اما تحولات در سوریه به گونه‌ای پیش رفت که تکفیری‌ها برای از بین بردن قدرت بشار اسد گرد هم آمدند همین امر توجه مقامات دولتی و امنیتی اسرائیل را به تحولات اخیر سوریه جلب نموده است. مخالفت سوریه با سیاست‌های آمریکا در منطقه و همسویی آن با جریان مقاومت اسلامی، به رسمیت نشناختن اسرائیل و مخالفت با طرح‌های

صلح عربی در قضیه فلسطین منجر به احساس خطر از این ناحیه برای آمریکا و متحد آن یعنی اسرائیل شده است. به همین دلیل و بنابر اهمیت راهبردی و رویکرد سیاسی سوریه با عث شده است که سناریوی تولید بی ثباتی با هدف گرفتن امتیاز و تغییر ساختار سیاسی سوریه، در دستور کار جبهه مخالف مقاومت اسلامی قرار بگیرد (پورصادق و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱۷). امنیت ملی اسرائیل که به طور سنتی مترادف با راهبرد نظامی کشورهای متخاصم عربی و غیر عربی خاورمیانه تعریف گردیده است. با تحولات پدید آمده در منطقه خاورمیانه نه دولت اسرائیل در اتحاد با آمریکا که دارای منافع مشترکی می باشند سعی بر آن دارند تا از قدرت گرفتن نیروهای تندرو مذهبی در سوریه و دیگر نقاط خاورمیانه جلوگیری نمایند (جعفری، ۱۳۸۹، ۱۱۳-۱۸۶). بنابراین در اثر نفوذ داعش در کشورهای اسلامی، حوزه نفوذ رژیم صهیونیستی از لحاظ سیاسی و امنیتی در جهان اسلام افزایش یافت و برای رژیم صهیونیستی به یک فرصت تبدیل شد. اساس و موجودیت این رژیم بر پایه جنگ افروزی استوار است؛ بنابراین ایجاد و دامن زدن به جنگ های طایفه ای و درگیری شیعه و سنی، سرگرم کردن کشورها به مشکلات داخلی در کشور سوریه از جمله طرح ها و برنامه های این رژیم برای حفظ امنیت خود در این منطقه بود (نجات، ۱۳۹۴: ۱۰۷). ظهور نیروهای تکفیری داعش در کشور سوریه و عراق باعث شد این کشورها امکانات خود را در راستای مقابله با این تهدید جدید به کار ببرند و این امر موجب مغفول ماندن آن ها در کوتاه مدت از تهدید اصلی یعنی رژیم صهیونیستی گردیده است. در واقع گروه نوسلفی خواسته یا ناخواسته در معمای ترسیم شده رژیم صهیونیستی برای تضعیف محور مقاومت نقش ایفا می کند. افزون بر این، عملکرد داعش و گروه های سلفی - تکفیری باعث رشد تضاد امت اسلامی با رژیم صهیونیستی به سمت داخل جهان اسلام و بر اساس مبانی مذهبی شده است (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۷). در واقع خود دگر سازی و تشدید دشمنی میان اهل سنت و تشیع در جهان اسلام از نتایج رشد گروه های تکفیری بوده است (حمیدی و زنگنه، ۱۳۹۶: ۱۰۸). راهبرد امنیتی رژیم صهیونیستی در ابتدا ایفای نقش در پس پرده و سکوت درباره سوریه بود تا اینطور به نظر نرسد که معارضان سوری با رژیم صهیونیستی ارتباط دارند.

حمله رژیم صهیونیستی به سوریه که در سه نوبت انجام شد و بیشتر ذخایر تسلیحات ارتش سوریه را هدف قرار داد، همکاری رژیم صهیونیستی با گروه های تروریستی را اثبات کرد (قمی، ۱۳۹۲: ۲۰). رژیم صهیونیستی دو مأموریت مهم در فضای پنهان صحنه سوریه پیگیری

می‌کند. ۱. تخریب زیر ساخت های نظامی و امنیتی سوریه ۲. ترور و حذف چهره‌های نظامی و امنیتی کلیدی این کشور. بنابراین تضعیف سوریه بر مبنای تضعیف موقعیت ژئوپلیتیکی این کشور در منطقه و تقویت موقعیت ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی به‌ویژه در حوزه ژنوم آب در راستای تضعیف محور مقاومت از جمله محورهای تحرکات ژئوپلیتیکی این کشور در منطقه است.

نتیجه‌گیری

شکل‌گیری بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ زمینه‌ساز یکی از راهبردی‌ترین چالش‌های امنیتی در خاورمیانه شده و پیامدهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به همراه داشته است. آنچه باعث تعمیق دامنه بحران در این کشور شده از نقش‌آفرینی مستقیم و غیرمستقیم بازیگران منطقه‌ای و غیرمنطقه‌ای در تحولات میدانی سوریه ناشی می‌شود. در این راستا، رژیم صهیونیستی به‌دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی سوریه کنش قابل توجهی در بحران سوریه داشت. مسئله ژنوم‌های ژئوپلیتیک فاکتور مهمی برای امنیت رژیم صهیونیستی می‌باشد؛ لذا رژیم صهیونیستی با بحرانی کردن منطقه، شکستن خط مقاومت و بحران سوریه را دامن می‌زند تا منافعش در منطقه تثبیت شود. ژنوم‌های موثر بر سیاست خارجی رژیم صهیونیستی در قبال سوریه را می‌توان موقعیت استراتژیکی این کشور، مساله کیبوتزها، لابی صهیون، منطقه جولان و هیدروپلیتیک دانست. در مقابل ژنوم‌های موثر بر سیاست خارجی سوریه در موقعیت استراتژیک، استراتژی صلح اسحاق رابین، ساخت اجتماعی می‌باشد. در این میان ژنوم هیدروپلیتیک مهم‌ترین ژنوم در سیاست خارجی رژیم صهیونیستی در قبال سوریه می‌باشد.

در آغاز قرن ۲۱ در جهان معضل کمبود آب، بیش از هر زمان دیگری، به‌عنوان مسئله‌ای بین‌المللی رخ نموده و در کنار عناصر استراتژیک دیگری هم چون نفت، ارزش امنیتی پیدا کرده است. رژیم صهیونیستی در پنج دهه گذشته، همواره در پی دستیابی به منابع آبی، حتی در سرزمین همسایگان خود بوده است. جنبش صهیونیستی حتی پیش از اشغال فلسطین و تشکیل رژیم صهیونیستی به اهمیت آب پی برده بود. آب در امنیت ملی و سیاست دفاعی رژیم صهیونیستی اهمیت ویژه‌ای دارد. بر این اساس آب و مساله زمین به‌عنوان نیاز حیاتی و منابع استراتژیک از عوامل اصلی جهت‌دهنده سیاست دفاعی و امنیتی این رژیم است. از این رو

یکی از ژنوم‌های مؤثر بر سیاست خارجی سوریه و رژیم صهیونیستی هیدروپلیتیک است. در خاورمیانه معضل آب موجب مشاجرات زیادی بوده و در آینده نیز خواهد بود. به طوری که برخی از تحلیل‌گران جنگ آینده در خاورمیانه را بر سر آب می‌دانند. هیدروپلیتیک خاورمیانه به شدت تحت تأثیر قدرت‌های خارجی و رژیم صهیونیستی می‌باشد. آب از جهت ایدئولوژیکی، امنیت، بقا و توسعه پایدار برای رژیم صهیونیستی دارای اهمیت زیادی است و عامل بقای این رژیم و یکی از عناصر قدرت آن می‌باشد. استراتژی آبی این رژیم بر سه رکن حمایتی، نظامی و دیپلماتیک استوار است. این استراتژی در نهایت، به تأمین منافع ملی منجر شده است. سه رکن این استراتژی به گونه ای است که هم دیگر را تکمیل می‌کنند. حقیقت آن است که رویکرد صلح و جنگ دوروی استراتژی امنیتی آبی رژیم صهیونیستی را تشکیل می‌دهند و بدون شک آب یکی از متغیرهای تأثیرگذار در روند صلح اعراب و رژیم صهیونیستی است.

منابع

۱. آقابخش، علی اکبر؛ افشاری راد، مینو (۱۳۸۳)، فرهنگ علوم سیاسی، ویرایش ششم: تهران: چاپار.
۲. اخوان کاظمی، مسعود؛ ویسی، سارا (۱۳۹۱)، «نگاهی گذرا بر قدرت یابی علویان سوریه»، اخبار شیعه، ماهنامه خبری و تحلیلی شیعیان جهان، سال هشتم، شماره ۸۴ و ۸۵، آبان و آذر صص ۳۲-۲۳.
۳. اشرف نظری، علی؛ السمیری، عبدالعظیم (۱۳۹۳)، «ازخوانی هویت دولت اسلامی در عراق و شام (داعش)»، علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره ۶۸، زمستان.
۴. افتخاری، علی اصغر (۱۳۷۹)، «اسرائیل و بحران آب (۳)»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی، شماره سوم.
۵. استیری، جان (۱۳۸۰)، «نقش گروه‌های فشار در شکل‌گیری سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه»، ترجمه حجت رسولی، مطالعات منطقه‌ای، اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی، جلد نهم، صفحات ۷۰-۴۱.
۶. امیری، مجتبی (۱۳۸۲)، نظریه برخورد تمدن‌ها، تهران: دفتر انتشارات مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۷. ایمان‌پور، عباس (۱۳۸۳)، «جایگاه فرایند صلح خاورمیانه در سیاست خارجی ایران و آمریکا»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال یازدهم، شماره ۲، تابستان، صفحات ۷۶-۵۵.
۸. برزگر، کیهان (۱۳۷۹)، «ارزیابی مواضع لیکود در روند مذاکرات صلح سوریه»، مطالعات منطقه‌ای، اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی، جلد چهارم، صفحات ۶۰-۴۷.
۹. بیات، حمید (۱۳۸۷)، «نقش بلندهای جولان در آینده گفت‌وگوهای سوریه و رژیم صهیونیستی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره ۴، صفحات ۱۰۹۱-۱۱۰۸.
۱۰. پرز، شیمون (۱۳۷۶)، خاورمیانه جدید، ترجمه عدنان فاروقی، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی.
۱۱. پورقمی، ناصر (بی‌تا)، «اعراب و جامعه اسرائیل»، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۱۲. پورصادق، ناصر؛ علوی وفا، سعید؛ خراشادی زاده، محمد رضا (۱۳۹۱)، «تبیین برهم کنش گران تأثیرگذار بر امنیت ملی سوریه با استفاده از نقشه شناختی فازی»، فصلنامه مدیریت نظامی، شماره ۴۷، سال دوازدهم، پاییز، صفحات ۱۳۴-۹۵.
۱۳. تیلور، گری (۱۳۹۲)، ایدئولوژی و رفاه، ترجمه حسین محقق‌کی کمال و مهدی نصرت آبادی، تهران: نشر جامعه شناسان.
۱۴. جعفری، علی اکبر (۱۳۸۹)، منافع استراتژیک و اتحاد آمریکا-اسرائیل، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
۱۵. حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۹۰)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
۱۶. حسینی، حسین و محمد رضایی، مجتبی (۱۳۸۴)، «جایگاه آب در سیاست دفاعی و امنیتی رژیم اشغال‌گر قدس»، فصلنامه سیاست دفاعی، سال سیزدهم، شماره ۵۱، تابستان، ۵۱-۹۰.
۱۷. حمیدی، سمیه؛ زنگنه، پیمان (۱۳۹۶) «تبارشناسی دگرستیزی گروه‌های افراطی-تکفیری: گذار از دیگر دگرسازی به خود دگرسازی»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ششم، شماره ۲۳، زمستان، صفحات ۱۸۴-۱۶۱.
۱۸. خلدی، احمد (۱۳۸۹)، روابط سوریه و ایران، تهران: مؤسسه مطالعاتی اندیشه سازان.
۱۹. خلیلی، محسن (۱۳۹۰)، «بن‌مایه‌های دگرگون‌شونده ژنوم ژئوپلیتیک در خاورمیانه عربی»، مجموعه مقالات همایش اسلام و تحولات خاورمیانه، تهران: سوم اسفند.
۲۰. خیراله، پروین؛ فقوفوزی بیلندی، محمد صاق (۱۳۹۱)، «اجرای حق تعیین سرنوشت توسط ملت‌ها: مطالعه موردی سوریه»، فصلنامه مطالعات حقوق بشری، صفحات ۷۰-۳۷.
۲۱. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (۱۳۸۷)، کتاب سبز سوریه، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۲۲. دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، تهران: سمت.
۲۳. روحی، مجید (۱۳۸۸)، «سیاست خارجی آمریکا در قبال سوریه بعد از ۱۱ سپتامبر»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال شانزدهم، شماره ۱، بهار، صفحات ۵۵-۸۸.
۲۴. رنجبران و همکاران (۱۳۹۳)، جریان‌شناسی داعش: چستی‌ها و شاخصه‌ها و راهکارهای

- مواجهه، تهران: انتشارات سخنوران، مطالعات فرهنگی بین المللی.
۲۵. زیسر، آیل (بی‌تا)، سوریه و اسرائیل میان جنگ و صلح، گروه تحقیق و بررسی مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، فصلنامه خاورمیانه، ۵۴۶-۵۶۳.
۲۶. سراج، رضا (۱۳۹۰)، «نگاهی به تحولات سوریه»، پایگاه تحلیلی و تبیینی برهان.
۲۷. علیخانی، علی اکبر (۱۳۷۹)، «سوریه - اسرائیل نزاع بر سر صلح»، فصلنامه مطالعات منطقه ای، اسرائیل شناسی آمریکا شناسی، جلد سوم، صفحات ۱-۲۸.
۲۸. کیوان حسینی، سید اصغر (۱۳۷۵)، «استراتژی منابع آبی رژیم صهیونیستی»، مجله مصباح، سال پنجم، شماره ۱۷، ۴۴-۲۹.
۲۹. قربانی نژاد، ربیاز و دیگران (۱۳۹۳)، «بررسی مفهوم منازعه در نظریه های روابط بین الملل و ژئوپلیتیک»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و سوم شماره ۷۰، بهار، ۲۹۱-۲۶۵.
۳۰. قزلسل، محمدتقی؛ فرخی سمیه (۱۳۹۲)، «پارادایم مقاومت و بیداری اسلامی در پرتو تحولات شمال آفریقا و خاورمیانه»، فصلنامه جهان اسلام، شماره ۲، پاییز، صص ۱۳۹-۱۶۰.
۳۱. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۰)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، چاپ هفتم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۳۲. قمی، محسن (۱۳۹۲)، «تحلیلی بر تحولات اخیر کشورهای حوزه بیداری اسلامی»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، زمستان، شماره ۳۵، صفحات ۲۴-۹.
۳۳. موجودیت اسرائیل در لبنان (۱۳۷۵)، بخش بررسی اداره مرکزی امنیت حزب اله لبنان، کتابخانه پژوهشکده مطالعات راهبردی تهران، یادداشت شماره ۱۳ک.
۳۴. موسوی زاده، سید علی (۱۳۹۰)، «بیداری اسلامی و ریشه شناسی بحران سوریه»، ویژه نامه نهمین هم اندیشی نمایندگان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، ش ۲.
۳۵. نجات، سید علی (۱۳۹۴)، «گروهک های تروریستی داعش و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ چالش ها و فرصت، فصلنامه سیاسی، سال دوم، شماره ششم، تابستان ۱۱۹-۱۰۳.
۳۶. نصری، قدیر (۱۳۸۴) «نفت و معمای امنیت در خاور میانه»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال سوم، شماره هفتم، صفحات ۳۱-۲۹.
۳۷. نهازی، غلام حسین (۱۳۷۸)، «بحران آب در خاور میانه»، مرکز پژوهش های و مطالعات

استراژیک خاورمیانه، سال دوم، شماره ۱، صفحات ۳۰-۱۵.

۳۸. نیاکویی، سید امیر (۱۳۹۱)، کالبد شکافی انقلاب های معاصر در جهان عرب (ریشه ها، پیامدها، اندیشه ها)، تهران: میزان.

۳۹. نیاکویی، سید امیر؛ بهمنش، حسین (۱۳۹۱)، «نقش بازیگران معارض در بحران سوریه، اهداف و رویکردها»، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره چهارم، زمستان، صفحات ۱۳۵-۹۷.

۴۰. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: سمت.

۴۱. موسوی، سید حسین (۱۳۸۱)، «بلند های جولان و امنیت رژیم صهیونیستی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، شماره دوم، تابستان، شماره مسلسل ۴۴، صفحات ۱۷۹-۱۵۱.

۴۲. هنسن، برت؛ پیترتافت و آندره ویول (۱۳۹۰)، راهبردهای امنیتی و نظم جهانی آمریکایی قدرت از دست رفته، ترجمه سید امیر نیاکویی و احمد جانسیز، رشت: انتشارات دانشگاه گیلان.

تحلیل محتوای کتب درسی دوره ابتدایی از منظر توجه به ابعاد و مولفه های بیداری اسلامی (تالیف سال تحصیلی ۱۳۹۹/۱۴۰۰)

مهدی میرزایی^۱

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تحلیل محتوای کتب درسی دوره ابتدایی با توجه به ابعاد و مولفه های مسئله بیداری اسلامی انجام گرفته است. روش پژوهش، توصیفی شامل: تحلیل اسنادی و نیز تحلیل محتوا و رویکرد آن نیز کاربردی است. جامعه پژوهشی شامل دو بخش یعنی: متون مرتبط با ابعاد و مولفه های بیداری اسلامی و سه عنوان کتاب درسی دوره ابتدایی (فارسی، تعلیمات اجتماعی و هدیه های آسمان) چاپ شده در سال تحصیلی ۱۳۹۹/۱۴۰۰ می باشد. (مسئله) ابزارهای اندازه گیری فرم فیش برداری و سیاهه (چک لیست) تحلیل محتوا با استفاده از شاخص های آمار توصیفی هستند. (روش) در ادامه مشخص شد که مولفه های ظلم و استکبار ستیزی، آزادی خواهی و جلوگیری از پیامدهای نفوذ استعمار، انسجام، همگرایی و همبستگی اسلامی، معنویت گرایی و تقویت معرفت دینی، شهادت طلبی و میل به ایثار و جهاد در راه خدا، مقابله با رفتارهای خشونت طلبانه، باز تولید فرهنگ مقاومت و ایستادگی و ثبات قدم، تاکید بر حقوق مسلم انقلابیون و مسئله بیداری اسلامی و عدالت گرایی، حق گویی و حق گرایی قرار دارند. همچنین به ترتیب کتب هدیه های آسمان، فارسی و تعلیمات اجتماعی بیشترین فراوانی مربوط به ابعاد و مولفه های بیداری اسلامی را شامل شده و پایه پنجم بیشترین تاکید را در این زمینه داشت. در پایان می توان گفت: محتوای کتب درسی از شناخت و آگاهی نسبتاً خوبی در زمینه های ظرفیت های بیداری اسلامی برخوردار بودند. (یافته)

کلیدواژه ها: تحلیل محتوا، کتب درسی، دوره ابتدایی، بیداری اسلامی

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم تربیتی (برنامه ریزی آموزشی)، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، ایران. <https://orcid.org/0000-0002-9235-6578> ID mmirza1000@gmail.com

مقدمه

بیداری^۱ از نظر لغوی به معنای هوشیاری و آگاهی است که در مقابل خواب و نوم قرار می گیرد (دهخدا، ۱۳۷۲). بیداری اسلامی^۲ عنوانی است که بنا به دلایل فرهنگی، تمدنی، هویتی، اجتماعی و دینی به حوادثی که در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا صورت گرفته و این مناطق را دستخوش تحولات و دگرگونی های گسترده ای کرده و ابعاد آن به صورت روزافزون در حال گسترش است اطلاق می گردد.

یکی از تحولات عمده سیاسی و اجتماعی قرن بیستم، پدیده اسلام گرایی مبتنی بر اسلام بود که روز به روز گسترش بیشتری یافت و به بیداری اسلامی نام گرفت. ماهیت این بیداری از مردم است و مردم، خود صاحب نتایج و دستاوردهای آن هستند و می توان شروع نهضت بیداری اسلامی را حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه) دانست (شفیعی، ۱۳۹۱). بیداری اسلامی به معنای زنده شدن دوباره در پرتو اسلام اصیل است. به بیان دیگر، در معنای تجدید حیات اسلام در کالبد فرد و جامعه به کار می رود که در پناه آن، استقلال، عدالت و همه آموزه ها و ارزش های متعالی خداوند، بار دیگر حیات می یابد (شیرودی، ۱۳۹۰).

امواج بیداری اسلامی را می توان در سه سطح و مرحله تاریخی دسته بندی کرد: ۱. موج اول بیداری اسلامی (از مبارزات سید جمال الدین اسدآبادی تا نهضت امام خمینی (رحمه الله علیه)) ۲. موج دوم بیداری اسلامی (از نهضت امام خمینی (رحمه الله علیه) تا بهار بیداری اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا) ۳. موج سوم بیداری اسلامی (از پیدایش تحولات اخیر منطقه تا کنون) (ابوالفتحی و پیرمحمدی، ۱۳۹۳).

مؤلفه های اساسی بیداری اسلامی در اندیشه ی سیاسی حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) به مواردی از قبیل الگوی ساختار، حکومت مبتنی بر نظریه ولایت فقیه، تاکید بر عدم جدایی دیانت از سیاست، جهان شمولی حکومت اسلامی، لزوم حمایت و دفاع از مظلومان جهان از جمله آرمان فلسطین، اصل دعوت و صدور انقلاب اسلامی، نفی سبیل و عدم تعهد به دول شرق و غرب، استکبار ستیزی، تاکید بر امت واحده اسلامی و نفی ملی گرایی تاکید شده است (غفاری هاشجین و علی زاده، ۱۳۹۱).

1. Awakening

2. Islamic Awakening

نظریه بیداری اسلامی که مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در مورد انقلاب های خاورمیانه ارائه کردند در پی مصادره انقلاب های منطقه نیست. آنچه همواره معظم له بر آن تاکید ورزیده، حضور مردم و ارزش های الهی است و بر این فرض مبتنی است که اگر حضور مردم در منطقه بدون تحمیل و آزادانه باشد، به طور طبیعی حرکت به سمت ارزش هدی الهی و اسلامی خواهد بود. دیدگاه امام خمینی (رحمت الله علیه) نیز بر همین اساس بوده است و دو عنصر تحجر و جزم اندیشی و خودباختگی به عنوان آفت بیداری اسلامی مطرح شده و بیداری اسلامی در مقابل افراط گرایی و تفریط قرار می گیرد (حسینی، ۱۳۹۰).

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) مولفه های آغاز بیداری اسلامی را شامل: ناآگاهی حاکمان اسلامی فاسد، غربگرا و غیر مردمی، زور و قدرت استعماری و استکباری قدرت های بزرگ در منطقه، وقوع انقلاب اسلامی ایران به عنوان الگوی بیداری اسلامی، احساس سرخوردگی، تحقیر تاریخی و بازگشت به هویت اسلامی، تلاش شخصیت های بزرگ فکری، جهادی و جریان ساز اسلامی، بحران فلسطین و شکست الگوهای غیر اسلامی می دانند (انصاری و محمدی، ۱۳۹۴).

انحراف امت اسلامی از اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم)، مخالفت استکبار با بیداری و عزت اسلامی، بازگشت به اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم)، وحدت تنها راه نجات امت اسلامی، پرهیز از ناامیدی و اختلاف در موضوع بیداری اسلامی، تاکید بر عدالت، صلح و آرامش، بیداری نخبگان، تاکید بر جنگ اراده ها، لزوم هوشیاری و تغییر معادله ی مقاومت در منطقه باید در جریان بیداری اسلامی ملل منطقه مورد نظر قرار گیرد (خامنه ای، ۱۳۹۱).

ضرورت تبیین بیداری اسلامی از آنجاست که موج بیداری اسلامی تنها نسخه رهایی بخش و امید آفرین ملت های آزادی خواه مسلمان از یوغ دول وابسته به غرب و استکبار جهانی بوده و زمینه خودآگاهی و برانگیختگی عمومی و چشم امید داشتن به آینده و برپایی حکومت اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) به دور از تحجر طلبی، تفرقه افکنی و ناامنی همراه با گسترش صلح و دوستی، برادری، برابری، انسجام و همبستگی با هدف غلبه بر مسائل و مشکلات فعلی جهان اسلام و نیرنگ دشمنان اسلام را در پی دارد. این امر بویژه برای دست اندرکاران نظام تعلیم و تربیت، برنامه ریزان، پژوهشگران، مولفان کتب درسی، معلمان، دانش

آموزان و والدین بسیار مهم، اساسی و حساس است که این پژوهش با استفاده از تحلیل محتوا^۱ کتب درسی^۲ از این حیث به دنبال آن است.

در خصوص بیداری اسلامی، آنچه که دارای اهمیت بسزایی است و نباید نادیده انگاشته شود، نقش بی بدیل مولفه ها، شاخصه ها و ابعاد این جنبش دینی، معنوی، سیاسی و مردمی است که تحلیل این مولفه ها و ابعاد به شیوه های مختلف از جهات علوم حاضر، برتری معارف دینی و معنوی در قیاس با تاثیرات صرفا اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن منجر شده و از این منظر بیداری اسلامی وجهی فراملی و جهانی داشته و به عنوان پدیده ای جهان گرایانه معرفی می شود (افتخاری، ۱۳۹۱).

کتب درسی از پرکاربردترین و مهم ترین رسانه های آموزشی در نظام های آموزشی کشورهای مختلف جهان، به ویژه نهاد آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران است که سند مکتوب و مدون تعلیم و تربیت محسوب شده و فعالیت های یادگیرندگان بر محور آن سازماندهی می شود (دیبايي صابر و همکاران، ۱۳۸۹).

نقش کتب درسی فراهم نمودن امکانات و شرایط مناسب برای ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار دانش آموزان از طریق فرایند یاددهی و یادگیری است. از این نظر محتوای برنامه درسی به جهت نقشی که در تحقق اهداف شناختی، عاطفی، روانی- حرکتی و عملکردی در همه زمینه ها ایفا می کنند از اهمیت خاصی برخوردار است. لذا اگر برنامه درسی و محتوای کتب درسی و تحلیل این محتوا مربوط، هماهنگ و هم سو با اهداف کلی و جزئی نظام آموزش و پرورش نباشد، نمی توان نسبت به تحقق یافتن هدف های مورد انتظار امیدی داشت. موضوع بیداری اسلامی هم از این قاعده مستثنی نیست. در پژوهش حاضر، ابتدا برای استخراج موارد مشترك و مهم با رویکردی کل نگر و جهانی بیداری اسلامی که باید در محتوای کتب درسی به عنوان مرجع اصلی برنامه درسی^۳ مورد توجه قرار گیرند، مبانی نظری کلی بیداری اسلامی و تحقیقات مختلف در این زمینه، مورد مطالعه قرار گرفته تا مولفه های کلیدی استخراج گردند. سپس محتوای کتب درسی با توجه به این چارچوب تحلیل شد تا مشخص شود محتوای کتب درسی تا

-
1. Content Analysis
 2. Textbooks
 3. Curriculum

چه اندازه با توجه به آموزش های همه جانبه و جهان نگر بیداری اسلامی و تدوین شده اند و به طور مشخص تر، تا چه میزان در متن محتوای کتب درسی به ابعاد و مولفه های مختلف بیداری اسلامی توجه شده است.

مهم ترین این مولفه های محتوایی عبارت اند از: شهادت طلبی و میل به جهاد در راه خدا، باز تولید فرهنگ مقاومت و ایستادگی و ثبات قدم، عدالت گرایی، حق گوئی و حق گرایی، مقابله با رفتارهای خشونت طلبانه صهیونیسم، تاکید بر حقوق مسلم انقلابیون و مسئله بیداری اسلامی، انسجام و همبستگی اسلامی، احیا گرایی و خودباوری اسلامی و اعتماد به نفس به جوانان، صبر در برابر دشواری ها، اراده طلبی الهی و پوشالی بودن قدرت های استکباری و بارزه با مداخلات قدرت های بزرگ منطقه، آزادی خواهی و جلوگیری از پیامدهای نفوذ استعمارگران، معنویت گرایی و تقویت معرفت دینی، ظلم و استکبار ستیزی، امید به آینده جهان اسلام، کامیابی ملل منطقه در مقابله با حاکمان دیکتاتور وابسته به غرب، آگاهی از حکومت مردم سالاری دینی و برانگیختگی و خودآگاهی.

بررسی وضعیت موجود تحلیل محتوای کتب درسی از نظر مسائل مختلف بیداری اسلامی از این جهت مهم است که تصویر دقیقی از کم و کیف توجه به مضامین به دست می دهد و در حکم بررسی وضعیت موجود، بینش های لازم را برای برنامه ریزان و دست اندرکاران طراحی محتوا و پوشش دادن حیطه ها و برنامه های مغفول را فراهم می آورد. بنابراین با عنایت به این که یکی از اهداف استراتژیک نظام جمهوری اسلامی ایران، تبیین و نشر فرایند، شاخص ها، مولفه ها و ابعاد بیداری اسلامی در منطقه و سپس جهان است، لذا با توجه به نقش محوری و رسالت نهاد آموزش و پرورش در این مورد، بنابراین در پژوهش حاضر به تحلیل ابعاد و مولفه های مختلف بیداری اسلامی در کتب درسی دوره ابتدایی پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

پژوهشی در سال (۱۳۸۷)، توسط میرشاه جعفری و همکارانش در زمینه تحقق وحدت و انسجام اسلامی به عنوان یکی از دستاوردهای بیداری و انقلاب اسلامی ایران در پرتو برنامه های مدارس صورت گرفت. نتایج نشان داد که بعد از انقلاب اسلامی ایران، موج بیداری اسلامی در کشورهای اسلامی سرعت و رنگ تازه ای به خود گرفت و باید در برنامه هدی درسی مدارس

به پرورش ایمان و تواناییهای ذهنی، رشد فضایل اخلاقی و کسب تواناییهای عملی و رفتاری در خصوص وحدت، انسجام و بیداری اسلامی توجه نمود.

اخوان کاظمی و مشتاقی (۱۳۹۱)، به بررسی بیداری اسلامی و علل آن با تاکید بر نظرات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) پرداختند. نتایج نشان داد که رشد اسلام خواهی، بازگشت به هویت اسلامی اصیل، تلاش شخصیت های بزرگ فکری و جهادی، تاثیر انقلاب اسلامی ایران، بحران فلسطین، حضور قدرتهای غربی استعمارگر در منطقه خاورمیانه و وجود حکومت های فاسد منطقه از علل بیداری اسلامی بودند.

صیادی نژاد و همکاران (۱۳۹۲)، به بررسی بازخوانی اندیشه بیداری اسلامی امام خمینی (رحمه الله علیه) در اشعار مصطفی جمال الدین پرداختند. نتایج نشان داد که اشعار مصطفی جمال الدین بر مولفه هایی نظیر: مبارزه با استکبار، برپایی حکومت عدل الهی، برکناری حکومت طاغوت، بازگشت به خویشستن، تاکید بر حقوق حقه فلسطینیان و نفی صهیونیسم، برچیده شدن بساط ظلم و ستم در عراق و تاکید بر مذهب و موقعیت اجتماعی و سیاسی ملل مسلمان داشتند.

نجفی و همکاران (۱۳۹۳)، پژوهشی در زمینه تبیین ابعاد و مولفه های بیداری اسلامی در کتب درسی تاریخ دوره دوم متوسطه انجام دادند. نتایج نشان داد که خیزش در برابر استبداد، توجه به آثار مداخله آگاهانه علمای اسلام در امور سیاسی، استکبار ستیزی، آگاهی از پیامدهای نفوذ استعمارگران و غفلت نکردن از استراتژیهای نفوذ دشمن و تقویت معرفت دینی بیشترین فراوانی را در زمینه بیداری اسلامی داشتند.

پژوهشی توسط پاک مهر و همکاران (۱۳۹۵) در خصوص بررسی و تحلیل محتوای کتب درسی دوره ابتدایی از حیث توجه به آموزه های انقلاب اسلامی ایران صورت گرفت. نتایج نشان داد که چهار مقوله عدالت اجتماعی، استقلال، آزادی و معنویت گرایی به عنوان ارزش های بنیادین انقلاب اسلامی مطرح شد و بر مولفه هایی همچون: مقاومت و ایستادگی اسلامی، پاسداری، مبارزه با ظلم و ستم، مبارزه با قدرت طلبی ابر قدرت ها و زیاده خواهی اسرائیل در مقابل حقوق ملت مظلوم فلسطین تاکید شد.

اوتربک^۱ در سال (۲۰۰۵)، پژوهشی در مورد موضوع اسلام و بیداری اسلامی در کتب درسی مدارس اسلامی کشور سوئد صورت گرفت. نتایج نشان داد که اتحاد و یگانگی، هماهنگی، گسترده‌گی و جلوگیری از تک بُعدی از خصوصیات موج بیداری اسلامی در کتب درسی بود و بر بهره گیری از دین و معنویت، روحیه شهامت و انقلابی گری، آگاهی طلبی مبتنی بر اصول و عقاید و مبانی انسانگرایی دینی در مقابل انسانگرایی غرب تاکید شده است.

در سال (۲۰۱۱)، لاکرویکس^۲ در زمینه موج بیداری اسلامی و تاثیرات آن بر کشورهای خاورمیانه پژوهشی انجام داد. در این پژوهش به تلاش مولفان کتب درسی برای گنجاندن محتوای جدید مرتبط با موضوع بیداری اسلامی بعد از سرنگونی حاکمان دیکتاتور اشاره شده است. در این پژوهش مشخص شد که مولفان محتوای کتب درسی موضوعاتی همچون: نفوذ بیداری اسلامی در منطقه، رشد و توسعه فکری و معنوی انقلابیون، جنایات و چپاول ثروت های کشورها توسط حاکمان دیکتاتور، تاثیر مقاومت در منطقه، جانفشانی و ایثارگری انقلابیون، منطق و علل بیداری ملت ها و عبرتها و درس هایی از بیداری اسلامی برای سایر ملل آزادی خواه جهان در کتب درسی گنجانده بودند.

در سال (۲۰۱۴)، پژوهشی توسط کیساری^۳ در خصوص بیداری اسلامی و شروع موج دموکراسی خواهی در زمینه های دینی، مدرنیته و دولتی صورت گرفت. در قسمتی از این پژوهش به تاثیر این بیداری اسلامی در نظام های آموزشی این کشورها اشاره شده بود. نتایج نشان داد که با شروع موج بیداری اسلامی، محتوا و متون ارائه شده در زمینه دینی در مدارس کشورهای درگیر موج بیداری اسلامی هم دستخوش تغییراتی در آگاه سازی نسل نوجوان در مورد بیداری اسلامی، آشکار کردن نظام دیکتاتوری فرمانروایان و رهبران سیاسی این کشورها، تاثیرات مثبت بیداری اسلامی و نحوه مبارزه طلبی و آزادی خواهی انقلابیون شده بود.

قاضی جرار^۴ (۲۰۱۴)، به بررسی وضعیت مفاهیم سیاسی در برنامه های درسی مدارس کشور اردن پرداخت. نتایج نشان داد که محتوا از لحاظ کمی و کیفی بسیار ضعیف بود و بیشتر بر

1. Otterbeck, J
2. Lacroix, L
3. Cesari, J
4. Ghazi Jarrar, A

فهم مسائل سیاسی منطقه تاکید داشته و بر روی مفاهیم بیداری اسلامی، بحران فلسطین، توسعه فهم سیاسی و توانایی برخورد فعال با مسائل جهانی کمتر اشاره شد.

ساسنال^۱ در سال (۲۰۱۴)، در مورد تغییرات محتوای کتب درسی مدارس کشور مصر همزمان با بهار عربی و موج بیداری اسلامی و تاثیر تبلیغات ملی گرایی رسانه ها در افزایش این موج پژوهشی انجام داد. نتایج نشان داد که در محتوای کتب درسی تغییراتی در مورد توجه به تاریخ اسلامی کشور مصر، یادبود و وصیت نامه های شهدای بیداری اسلامی، اقدامات حکومت حاکمان دیکتاتور مصر، آگاهی در مورد اهداف اصیل و انقلابی بیداری اسلامی و مبارزه با منحرفین انقلاب مردمی مصر، توجه به روح معنویت، انقلابی گری و شهادت طلبی و همچنین ایثار و در نهایت آشکار نمودن چاره واقعی دنیای غرب و دخالت های آنان در انور کشور مصر در زمان حکومت حاکمان دیکتاتور انجام گرفت.

در سال (۲۰۱۹)، پژوهشی توسط فیلان^۲ در مورد مفهوم بیداری اسلامی در دکترین سیاست خارجی ایران صورت گرفت. نتایج نشان داد که صادر کردن اصول و مبانی انقلاب اسلامی ایران، اعتماد به اسلام، تلاش برای بازاندیشی اصول و مبانی انقلاب اسلامی، ارتقاء ایده بیداری اسلامی ملل منطقه به سایر ملل آزادی خواهی جهان، تاکید بر قدرت نرم انقلاب اسلامی و تاکید بر استفاده از نخبگان برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی ایران از مهمترین مفاهیم مرتبط با بیداری اسلامی در دکترین سیاست خارجی ایران هستند. در قسمتی از این پژوهش ادامه مشخص شد که هنوز با وضعیت مطلوب اشاعه و انتقال این دکترین در مدارس ایران فاصله زیاد هست و باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

با مطالعه و بررسی مولفه های بیداری اسلامی در تحقیقات فوق، مشخص شد که بین نتایج پژوهش های مورد مطالعه با همدیگر، همخوانی مطلوبی وجود دارد و جنبه نوآورانه پژوهش حاضر این است که تمرکز بر محتوای کتب درسی دوره ابتدایی بصورت (متون نثر و نظم، تصاویر، سوالات، تکالیف و کار عملی در کلاس) به عنوان مهمترین و اساسی ترین مقطع تحصیلی در نظام تعلیم و تربیت از حیث کسب شناخت و نهادینه نمودن ابعاد و ارزش های بیداری اسلامی برای دانش آموزان از طریق تحلیل محتوای کتب درسی بوده و علاوه بر این می

1. Sasnal, P

2. Filin, N

تواند اطلاعات و رهنمودهایی مهم برای شناخت نقاط قوت و ضعف به قصد اصلاح و پیشرفت برای مولفان کتب درسی دوره ابتدایی در این زمینه هم فراهم سازد.

روش پژوهش

این پژوهش به شیوه توصیفی و از نوع تحقیقات کاربردی^۱ و به روش تحلیل اسنادی و نیز تحلیل محتوا انجام شده است. بدین صورت که ابتدا ابعاد و مولفه های مفهومی بیداری اسلامی به کمک روش تحلیل اسنادی از متون نظری و سوابق پژوهشی احصار و سپس میزان توجه به آنها در کتب درسی تحلیل محتوا شده و روش شمارش نیز، فراوانی می باشد. به عبارتی دیگر در تحلیل محتوا از طرح برآورد پدیده ها در متن داده ها، که اصلی ترین نوع طرح تحقیق در تحلیل محتواست استفاده شده است. داده ها بر حسب فراوانی وقوع، توصیف و کمیت ها، حاصل شمارش فراوانی هستند. مفروضات استنباط های آماری با توجه به منطق تحلیل محتوا اتخاذ شده است که رایج ترین شکل آن، توجه به فراوانی است. در این پژوهش، معیار مقایسه توزیع نرمال فراوانی ها در مورد مولفه های بیداری اسلامی است که فرض بر این است که مولفه های آن وزن یکسانی دارند. در زمینه کتب درسی، توزیع نرمال مجموع مولفه های بیداری اسلامی با توجه به حجم کتب درسی مورد نظر بوده است. تحلیل محتوا، معنایی است و فراوانی اشاره به مولفه های پانزده گانه بیداری اسلامی دارد. برای اعتبار بخشی تحلیل، علاوه بر نظر موجود متخصصان تعلیم و تربیت و دانشگاهی از تجربیات نظری و عملی مبلغان، روحانیون و صاحب نظران امر بیداری اسلامی هم استفاده شده است.

جامعه آماری، نمونه، روش نمونه گیری و ابزار اندازه گیری

جامعه آماری این پژوهش، در بخش تحلیل اسنادی کلیه متون مرتبط با بیداری اسلامی بوده و در بخش تحلیل محتوا نیز کتب درسی فارسی، تعلیمات اجتماعی و هدیه های آسمان چاپ شده در سال تحصیلی ۱۳۹۹/۱۴۰۰ می باشند. با توجه به ماهیت موضوع پژوهش و محدودیت جامعه پژوهشی، از نمونه گیری صرف نظر شد و کل جامعه آماری در بخش تحلیل اسنادی

بررسی شده و به علاوه کل کتاب های درسی مذکور نیز تحلیل محتوا شده اند. به عبارت دیگر نمونه های مورد بررسی به صورت هدفمند و با توجه به انطباق با منطق تحلیلی پژوهش انتخاب شدند. ابزارهای اندازه گیری هم فرم فیش برداری از اطلاعات و در بخش تحلیل محتوا نیز سیاهه (چک لیست) محقق ساخته بوده شامل (متن، تصویر، سوال، تکلیف و کار عملی) با استفاده از شاخص های توصیفی بود که به منظور تدوین آن، تعداد قابل ملاحظه ای از منابع نظری و پژوهشی مرتبط با موضوع بیداری اسلامی بررسی و ابعاد و مولفه های مرتبط با آن استخراج شدند. به منظور روایی و پایایی^۱ ابزار پژوهش، از روش روایی صوری، محتوایی و نظر متخصصان استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل یافته ها

سوال ۱: ابعاد و مولفه های بیداری اسلامی کدامند؟ مهم ترین این مولفه های عبارت اند از: شهادت طلبی و میل به جهاد در راه خدا، باز تولید فرهنگ مقاومت و ایستادگی و ثبات قدم، عدالت گرایی، حق گوئی و حق گرایی، مقابله با رفتارهای خشونت طلبانه صهیونیسم، تاکید بر حقوق مسلم انقلابیون و مسئله بیداری اسلامی، انسجام و همبستگی اسلامی، احیا گرایی و خودباوری اسلامی و اعتماد به نفس به جوانان، صبر در برابر دشواری ها، اراده طلبی الهی و پوشالی بودن قدرت های استکباری و بارزه با مداخلات قدرت های بزرگ منطقه، آزادی خواهی و جلوگیری از پیامدهای نفوذ استعمارگران، معنویت گرایی و تقویت معرفت دینی، ظلم و استکبار ستیزی، امید به آینده جهان اسلام، کامیابی ملل منطقه در مقابله با حاکمان دیکتاتور وابسته به غرب، آگاهی از حکومت مردم سالاری دینی و برانگیختگی و خودآگاهی.

سوال ۲: چه مولفه هایی در محتوای کتب درسی بیشتر مورد توجه قرار گرفته اند؟ مطابق نتایج به دست آمده، مولفه های ظلم و استکبار ستیزی، آزادی خواهی و جلوگیری از پیامدهای نفوذ استعمار، انسجام، همگرایی و همبستگی اسلامی، معنویت گرایی و تقویت معرفت دینی، شهادت طلبی و میل به ایثار و جهاد در راه خدا، مقابله با رفتارهای خشونت طلبانه، باز تولید فرهنگ مقاومت و ایستادگی و ثبات قدم، تاکید بر حقوق مسلم انقلابیون و مسئله

بیداری اسلامی و عدالت گرایی، حق گوئی و حق گرایی قرار داشتند. سایر مولفه ها در جدول شماره ۱/۱ آمده اند. همانگونه که در جدول نیز مشخص است در مقایسه فراوانی های مربوط به هر مولفه تفاوت مشاهده می شود. با توجه به این که فرض بر یکسان بودن اهمیت مولفه ها گرفته شد، آزمون آماری مجذور کای برای بررسی معنی دار بودن تفاوت های مشاهده شده اجرا گردید. باید تاکید نمود که عددی که به دست آمده مربوط به تعداد مواردی است که به آن مولفه در هر یک از کتب درسی اشاره شده است که ممکن است این اشاره شامل متن، تصاویر، نقشه ها، سوالات و یا تکالیف و فعالیت های عملی باشد. همچنین مشخص شد که پایه پنجم بیشترین توجه را به موضوع بیداری اسلامی داشت. میزان فراوانی به ترتیب در کتاب فارسی ۶۱ مورد، کتاب تعلیمات اجتماعی ۴۰ و کتاب هدیه های آسمان ۲۰۳ مورد بود و مولفه ظلم و استکبار ستیزی با ۵۱ مورد بیشترین توجه را داشت.

جدول ۱-۱. ابعاد و مولفه های بیداری اسلامی در کتب درسی دوره ابتدایی در سال

تحصیلی ۱۳۹۹/۱۴۰۰

ردیف	پایه های تحصیلی دوره ابتدایی					مولفه های بیداری اسلامی	ردیف
	اول و دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم		
۱	۱	۳	۵	۷	۵	شهادت طلبی و میل به ایثار و جهاد در راه خدا	۱
۲	۰	۲	۴	۷	۴	باز تولید فرهنگ مقاومت، ایستادگی و ثبات قدم	۲
۳	۲	۵	۷	۸	۷	عدالت گرایی و تمایل به حق گوئی و حق گرایی	۳
۴	۰	۳	۵	۷	۴	مقابله با رفتارهای خشونت طلبانه	۴
۵	۰	۳	۳	۵	۴	تاکید بر حقوق مسلم انقلابیون و مسئله بیداری اسلامی	۵
۶	۲	۳	۷	۱۱	۶	انسجام، همگرایی و همبستگی اسلامی	۶
۷	۰	۲	۲	۵	۴	احیا گرایی و خودباوری اسلامی و اعتماد به نفس به جوانان	۷
۸	۰	۲	۲	۴	۳	صبر در برابر دشواری ها و مصائب	۸

۹	اراده طلبی الهی و پوشالی بودن قدرت های استکباری و مبارزه با مداخلات قدرت های بزرگ در منطقه	۰	۱	۲	۴	۳	۱۰
۱۰	آزادی خواهی و جلوگیری از پیامدهای نفوذ استعمار گران	۳	۳	۹	۱۴	۹	۳۸
۱۱	معنویت گرایی و تقویت معرفت دینی	۲	۳	۴	۸	۵	۲۲
۱۲	ظلم و استکبار ستیزی	۶	۹	۱۴	۱۴	۸	۵۱
۱۳	امید به آینده جهان اسلام، موج بیداری اسلامی و کامیابی ملل منطقه در مقابله با حاکمان دیکتاتور وابسته به غرب	۰	۲	۳	۵	۳	۱۳
۱۴	آگاهی از حکومت مردم سالاری دینی	۰	.	۳	۴	۲	۹
۱۵	برانگیختگی و خودآگاهی	.	۳	۴	۵	۴	۱۶
	مجموع	۱۶	۴۰	۷۴	۱۰۸	۷۱	۳۰۵
Chi Square:30/44							

با توجه به این که مجذور کای (خی ۲)، در جدول از حد ۱ بزرگتر است، تفاوت های مشاهده شده در فراوانی ها معنادار است. بنابر نتایج به دست آمده، در کتب درسی بیشترین توجه به اهمیت و ضرورت مولفه ظلم و استکبار ستیزی با ۵۱ مورد (۱۶/۳) و پایه پنجم با ۱۰۸ مورد (۳۳/۶) بیشترین فراوانی را در مورد بیداری اسلامی داشتند.

نتیجه گیری و پیشنهادها

گاهی اوقات روزگار در گردش خود به نقطه ای می رسد که حق و باطل در هاله ای از ابهام فرو رفته و راه از بیراه گم می شود و این مصداق در مورد مسئله بیداری اسلامی در کشورهای منطقه صادق است و در این مجال، تحلیل ابعاد، مضامین، محتوا و مولفه های موج بیداری اسلامی به قصد روشننگری و رفع ابهام و شناخت و نهادینه نمودن ارزش های بیداری اسلامی از اهمیت زیادی برخوردار است که هدف پژوهش حاضر هم در همین راستا با استفاده از تحلیل محتوا ابعاد و مولفه های بیداری اسلامی در کتب درسی دوره ابتدایی است. در بررسی نتایج حاصل از تحلیل محتوا نشان داد که توجه به مولفه های مرتبط با مسائل بیداری اسلامی در کتب درسی به صورت طبیعی و متوازن دنبال نشده است. در میان پایه های چهارم، پنجم

و ششم بیش از حد انتظار و در بقیه پایه های تحصیلی کمتر از حد انتظار به این موضوعات توجه شده است. ولی از نظر تحلیل موضوعی، موضوع اهمیت ظلم و استکبار ستیزی توجه زیادی شده و سایر مباحث در حد کمتر توجه شده است. همچنین در مطالعه ابعاد بیداری اسلامی، فرصت هایی خوبی در زمینه شناخت و آگاهی (حیطه شناختی) در مورد ظرفیت های بیداری اسلامی، خطرات حکومت های فاسد و دیکتاتوری وابسته به غرب و جنایات آنان در منطقه، در کتب درسی برای دانش آموزان حاصل شد و محتوا نسبتاً غنی بود. ولی چالش مهم این است که در کتب درسی، فقط تمرکز بر روی شناخت و آگاهی بصورت سطحی و فقط در حد حیطه دانش و معلومات بصورت محفوظات بود و سایر طبقات یادگیری حوزه شناختی، عاطفی و عملکردی در مورد بیداری اسلامی را پوشش وسیع نداده و مسائلی همچون: اقدام و عمل (علاقه به دوستان و متحدان انقلاب اسلامی ایران در منطقه و نقش ایران در الگوسازی در جریان بیداری اسلامی ملل منطقه و همچنین بیزاری از دشمنان اسلام اصیل و نفرت و دشمنی با مداخلات قدرت های بزرگ و زورگو در منطقه) در حد بسیار کمی پرداخته بودند. باید توجه داشت که نارسایی های موجود در توجه کامل و جامع و در عین حال مشخص و دقیق به ابعاد و مولفه های بیداری اسلامی در کتب درسی دوره ابتدایی، می تواند بخش های مختلف آموزش و پرورش در این دوره را تحت الشعاع خود قرار دهد و آثار نامطلوبی در فرایند پذیرش، نهادینه سازی و اشاعه مفاهیم ارزشی، انقلابی، اسلامی و سیاسی برای دانش آموزان در وهله اول و سپس برای معلمان به عنوان مدرسان محتوای کتب درسی و انتقال دهندگان این گونه مفاهیم ایجاد نماید. با توجه به اینکه در این پژوهش مشخص شد که کتب درسی فقط در حیطه شناخت و آگاهی از وضعیت محتوایی نسبتاً خوبی برخوردار بودند ولی در حیطه عاطفی و عملکردی در وضعیت سطحی نگری بوده و بطور عمیق از محتوایی غنی برخوردار نبودند که این امر می تواند موجب شود که دانش آموزان به عنوان نسل آینده آفرین جامعه، اطلاعات ناقص و اندکی در مورد خیزش ملل مسلمان در قالب موج بیداری اسلامی و عمل آن داشته باشند و احتمال به انحراف کشیدن این موج هم وجود دارد و این مسئله خود به نوعی آینده جهان اسلام و ملل منطقه و جامعه اسلامی و اهداف سیاسی و اعتقادی بیداری اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران را با خطراتی مواجه سازد. نتایج پژوهش حاضر با تحقیقات میرشاه جعفری و همکاران (۱۳۸۷)، اخوان کاظمی و مشتاقی (۱۳۹۱)، نجفی و همکاران (۱۳۹۳)، پاک مهر و همکاران (۱۳۹۵)،

اوترپک (۲۰۰۵)، لاکرویکس (۲۰۱۱) و ساسنال (۲۰۱۴) مطابقت دارد.

اینک با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهادات زیر ارائه می گردد؛

- با بررسی انجام شده، مشاهده گردید که کتب درسی از نظر توجه به مولفه های مرتبط با مسائل بیداری اسلامی، نسبتاً خوب توجه شده است ولی لازم است برنامه ریزان و مولفان کتب درسی با توجه به اقتضائات برنامه درسی در عصر جدید و اهمیت مولفه های مطرح شده و لزوم همخوانی بیشتر در کتب درسی پایه های مختلف تحصیلی، سعی کنند این مولفه ها را به صورت تلفیقی و متوازن در خلال محتوای کتب درسی ارائه دهند و بگنجانند.

- برای اینکه جریان تحقیقی- پژوهشی از يك روند منطقی و منسجم و میدانی گسترده پیروی کند، این پژوهش در مورد محتوای سایر کتب درسی و مقاطع تحصیلی دیگر نیز انجام پذیرد. - برنامه ریزان درسی می توانند با استفاده از ابعاد و مولفه های بیداری اسلامی که در این پژوهش معرفی شده اند، به عنوان الگویی عملی جهت گزینش، طراحی و تدوین محتوای مناسب تر (برای پرورش همه جانبه تر هویت سیاسی و انقلابی دانش آموزان) استفاده نمایند.

- استفاده از روش های فعال یاددهی- یادگیری مناسب با آموزش بیداری اسلامی مانند: بحث گروهی، ایفای نقش، کاوش به شیوه محاکم قضایی، استفاده از یادیارها و تحلیل مسائل اجتماعی و سیاسی که بیشتر بر روی درونی سازی مباحث در دانش آموزان توجه دارند می توانند کمک شایانی در رفع کم توجهی کتب درسی نمایند.

- با توجه به کاستی های محتوایی موجود در کتب درسی، دست اندرکاران آموزش و پرورش می توانند با کمک آموزش های ضمن خدمت و کارگاه های آموزشی، توجیهی- تبلیغی اهمیت پرداختن به مفاهیم مرتبط با ابعاد و مولفه های بیداری اسلامی را برای مدیران و معلمان تشریح نمایند تا آنان در فرصت ها و مناسبت های گوناگون برای دانش آموزان تبیین نمایند تا این مباحث به برنامه درسی پنهان یا برنامه درسی مغفول تبدیل نشوند.

- طراحی بسته ها و نرم افزارهای مرتبط با آموزش مباحث بیداری اسلامی ویژه معلمان دانش آموزان، والدین و کارشناسان می تواند به عنوان مکمل محتوای کتب درسی مورد استفاده قرار گیرد.

- باید زمینه ای را جهت بازانديشی و بازنگری محتوای کتاب های درسی و برنامه درسی مدارس نه فقط در دوره ابتدایی، بلکه در همه مقاطع تحصیلی فراهم ساخت، تا سیاست گذاران

مطالعات

بیداری اسلامی

آموزشی در وهله اول و برنامه ریزان درسی در وهله دوم به مولفه های کمتر توجه شده در مورد بیداری اسلامی در کتب درسی، عنایت بیشتری داشته باشند.

- استفاده از روش گنجانیدن محتوای کتب درسی به شیوه مارپیچی توسط مولفان کتب درسی پیشنهاد می شود. پیشنهاد می شود صاحب نظران و مولفان کتب درسی دوره ابتدایی سعی کنند محتوا و متون در مورد ابعاد و مولفه های مسئله بیداری اسلامی را به صورت مارپیچی که تاکید بر اصل تدریج، یعنی مفاهیم و عقاید بیداری اسلامی در طول برنامه درسی به تدریج و با تعیین توالی ابعاد و مولفه ها عرضه کنند و بدون اینکه تمامی زمینه های مورد یادگیری به طور کامل و منظم تکرار شوند. این شیوه می تواند قدرت یادگیری و مطالعات دانش آموزان را در مورد بیداری اسلامی عمیق تر و پایدارتر سازد.

منابع

۱. ابوالفتحی، محمد، پیرمحمدی، سعید (۱۳۹۳)، تاثیر مولفه های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران بر گسترش بیداری اسلامی خاورمیانه، مجله ی سیاست دفاعی، سال بیست و دوم، شماره ۸۶.
۲. اخوان کاظمی، بهرام، مشتاقی، الله کرم (۱۳۹۱)، بیداری اسلامی و علل آن با تاکید بر نظرات مقام معظم رهبری، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، سال اول، شماره ۱.
۳. افتخاری، اصغر (۱۳۹۱)، بیداری اسلامی در نظر و عمل، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۴. انصاری، محمد حسین، محمدی، مصطفی (۱۳۹۴)، مولفه های اساسی بیداری اسلامی در اندیشه های سیاسی مقام معظم رهبری، اولین کنفرانس بین المللی نقش مدیریت انقلاب اسلامی در هندسه قدرت نظام جهانی (مدیریت، سیاست، اقتصاد، فرهنگ، امنیت، حسابداری).
۵. پاک مهر، حمیده و همکاران (۱۳۹۵)، بررسی و تحلیل محتوای کتب درسی دوره ابتدایی از حیث توجه به آموزه های انقلاب اسلامی ایران مبتنی بر نظرات شهید مطهری در کتاب پیرامون انقلاب اسلامی، دو فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، سال ششم، شماره ۱۴.
۶. حسینی، محمد تقی (۱۳۹۰)، بررسی نظریه بیداری اسلامی در مورد انقلاب های خاورمیانه، دو فصلنامه علمی- پژوهشی جستارهای سیاسی معاصر، دوره دوم، شماره ۲ (شماره پیاپی ۲).
۷. خامنه ای، آیت الله سید علی (رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران)، (۱۳۹۱)، یازده گفتار پیرامون بیداری اسلامی، تهران، انتشارات موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲)، لغت نامه ی دهخدا (۱۶ جلدی)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۹. دیبایی صابر، محسن و همکاران (۱۳۸۹)، میزان درگیری برنامه درسی فارسی دوره ابتدایی (پایه سوم و چهارم) با مهارت های سواد خواندن بر اساس مطالعه بین المللی پرلز، فصلنامه نوآوری های آموزشی، سال نهم، شماره ۳۶.
۱۰. شفیعی، مصطفی (۱۳۹۱)، آسیب شناسی بیداری اسلامی از نگاه امام خمینی (ره)، تهران،

انتشارات نهضت نرم افزاری.

۱۱. شیرودی، مرتضی (۱۳۹۰)، بیداری اسلامی، چشم انداز آینده و هدایت آن، تهران، انتشارات مجمع تقریب مذاهب اسلامی.

۱۲. صیادی نژاد، روح الله و همکاران (۱۳۹۲)، بازخوانی اندیشه بیداری اسلامی امام خمینی (ره) در اشعار مصطفی جمال الدین، دو فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال دوم، شماره ۴.

۱۳. غفاری هاشجین، زاهد، علیزاده، قدسی (۱۳۹۱)، مولفه های بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، دو فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال اول، شماره ۱.

۱۴. میرشاه جعفری، ابراهیم و همکاران (۱۳۸۷)، تحقق وحدت و انسجام اسلامی در پرتو برنامه های درسی مدارس، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۱۵.

۱۵. نجفی، حسن و همکاران (۱۳۹۳)، تبیین ابعاد و مولفه های بیداری اسلامی و تحلیل جایگاه آن در کتاب های درسی تاریخ دوره دوم متوسطه ایران، دو فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال سوم، شماره ۶.

16. Cesari, J (2014), The Awakening of Muslim Democracy: Religion, Modernity, and the State, Cambridge University Press.

17. Ghazi Jarrar, A (2014), Political Concepts in Jordanian Schools Curricula the Scientific and Literary Streams (Grades 11 and 12 th), Journal of Social and Behavioral Sciences, No.116. PP: 307- 315.

18. Filin, N (2019), Concept of Islamic Awakening As Foreign Policy Doctrine of Iran, Conference: SCTCMG 2019- Social and Cultural Transformation in the Context of Modern Globalism.

19. Otterbeck, J (2005), What Is Reasonable to Demand? Islam in Swedish Textbooks, Journal of Ethnic and Migration Studies, 31(4), PP: 795-812.

20. Lacroix, S (2011), Awakening Islam, Harvard University Press.

21. Sasnal, P (2014), Myths and Legends: Modern History and Nationulistic Propaganda in Egypton Textbooks, The Polish Institute of International Affairs.

روش‌های تأمین امنیت نظامی در جمهوری اسلامی ایران بر اساس رهنمودهای قرآنی

علی اکبر صیدی^۱

چکیده

در قرآن، شیوه‌های تأمین امنیت نظامی، به‌عنوان یک نیاز اساسی، بیان شده است. امروزه در جمهوری اسلامی ایران، اختلافِ گفتمان‌ها در تأمین امنیت نظامی بین دو جریان سیاسی اصلاح طلب و اصولگرا، پیامدهای منفی و شکاف داخلی را دنبال دارد، جریان اصلاح طلب، بر تعامل با جهان، اصرار دارند. ولی جناح اصول‌گرا، به مقاومت، تکیه بر توانمندی داخلی و تقویت آن اعتقاد دارند. (مسأله) تحقیق حاضر به منظور استخراج نگاه و حیانی به مقوله تأمین امنیت، به روش توصیفی- تحلیلی و اسنادی انجام شده (روش) به این پرسش پاسخ دهد که: قرآن کریم، چه روش‌هایی را برای تأمین امنیت نظامی پیشنهاد می‌کند؟ (سوال) یافته‌های پژوهش حاکی است که قرآن کریم، ضمن پرداختن به برنامه‌های ضد امنیتی دشمن، راهکار مقابله با آن را نیز بیان کرده است. برخی نقشه‌های ضد امنیتی دشمن شامل جنگ افروزی، تحریک و تجهیز مخالفان، تهدید، جاسوسی، تلاش برای تضعیف روحیه لشکریان اسلام، بهانه‌تراشی برای فرار از جنگ و غیره. (یافته) راهکارهای مقابله با آن عبارت‌اند از تقویت توان داخلی، رزمایش نظامی، مقابله به مثل، حفاظت از سران و اسرار، فراهم ساختن تجهیزات ضد جاسوسی، اشraf اطلاعاتی و غیره. مقاله پیش رو، به تشریح موارد فوق پرداخته است. (نتیجه) کلیدواژه‌ها: قرآن، امنیت، ضد امنیت، نظامی.

۱. سطح دو حوزه علمی، کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.
seidi125@gmail.com  <https://orcid.org/0000-0002-3438-4802>

۱. مقدمه

«اَمْنِیت» حالت فراغت نسبی از تهدید یا حمله یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند (آشوری، ۱۳۸۷ ص ۳۷). امنیت از نیازهای اساسی فرد و اجتماع است. این مقوله، ابعاد گوناگونی دارد (روانی، فردی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و غیره) که شیوه‌های تأمین هریک، متفاوت است. اساسی‌ترین نوع امنیت، از نظر عقل و شرع «امنیت نظامی» است؛ زیرا انسان زمانی می‌تواند سایر ابعاد امنیت را تأمین کند که جان، مال و عرض او مصون از خطرات دشمن برون مرزی یا درون مرزی باشد. طبق فرمایش امام علی (ع) آسایش زندگی، در گرو آرامش و امنیت است (تمیمی آمدی: ج ۴ ص ۱۰۰).^۱

خداوند متعال در آیات متعدد کلام‌الله مجید (فتح/۲۷؛ حجر/۸۲؛ یوسف/۹۹؛ سبأ/۱۸ و...) «امنیت» را مطرح فرموده در آیه ۲۷ سوره فتح، تأمین آن را توسط باری تعالی برای مسلمین مژده می‌دهد. پیامبر اکرم (ص) سلامتی و امنیت نظامی را دو نعمت پنهان و ناشناخته معرفی می‌نمایند (ابن بابویه، ۱۳۶۲ ج ۱ ص ۳۵).

از نگاه قرآن کریم، یهود و مشرکین سرسخت‌ترین دشمن مسلمین هستند (مانده/۸۲).^۲ از سوی دیگر، مخالفان اسلام تا تسلط کامل (شکست مسلمین) بر دشمنی خود ادامه خواهند داد (بقره/۱۲۰).^۳ خداوند متعال دستور می‌دهند که قدرتمندانه، با چنین دشمنانی بجنگید و فتنه را خاموش کنید (بقره/۱۹۳ و...).^۴ آیات متعدد قرآن (نساء/۹۰؛ فتح/۲۲ و...)، بیان می‌نماید که مخالفان دین خدا، جز با قدرت نظامی مسلمین، مطیع نشده و دست از توطئه برنمی‌دارند. فقط

۱. رَفَاهِيَةِ الْعَيْشِ فِي الْأَمْنِ (تمیمی آمدی: ج ۴ ص ۱۰۰).

۲. لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا؛ همانا یهودیان و کسانی را که شرک ورزیده اند دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت (مانده/۸۲).

۳. وَلَكِنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَبْعَ مِلَّتَهُمْ؛ هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد، (تا به طور کامل، تسلیم خواسته‌های آنها شوی و) از آیین (تحریف یافته) آنان، پیروی کنی. (بقره/۱۲۰).

۴. وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لَكُمْ؛ و با آنها پیکار کنید! تا فتنه (وبت پرستی و سلب آزادی از مردم)، باقی نماند و دین، مخصوص خدا گردد (بقره/۱۹۳).

۵. حَصْرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يَقَاتِلُوكُمْ؛ دشمن از جنگ با شما ناتوان باشند (نساء/۹۰)* وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا الْأَذْيَارُ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا؛ و اگر کافران (در سرزمین حدیبیه) با شما پیکار می‌کردند بزودی فرار می‌کردند، سپس ولی و یاورى نمی‌یافتند (فتح/۲۲).

در صورت ناتوانی، درخواست صلح داده و تسلیم می‌شوند (نسا/ ۹۰ و...).^۱ پس برای مقابله با دشمن باید قوی باشیم تا امنیت جامعه تأمین گردد.

تاریخ عصر نبی مکرم اسلام (ص)، در مقابله با دشمنان، از جمله یهود، حاکی است که آنان، فقط، بعد از شکست خوردن از یاران نبی مکرم (ص)، تسلیم شدند. نمونه آن تسلیم یهودیان بنی قینقاع و... (بلاذری ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص: ۳۰۹) است.

آمریکا - به عنوان دشمنی سرسخت که از توانمندی نظامی بالایی هم برخوردار است - بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، همواره از تمام امکانات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی خود در راستای تضعیف این انقلاب و ارزش‌های آن استفاده نموده به مقابله با آن پرداخت است. ولی در سایه اقتدار ایران، به اهدافش نرسیده است (سپهری، ۱۳۹۸ ص ۱۱۹).

از مصادیق مؤلفه‌های تهدید نظامی آمریکا می‌توان به افزایش تعداد و توان پایگاه‌های نظامی در منطقه، فروش سلاح و تجهیزات پیشرفته به کشورهای منطقه، گسترش و تقویت حضور اسرائیل در کشورهای منطقه و... اشاره نمود (سفلی شاهرودی و همکاران ۱۳۹۸، ۱۲۹).

پس نظر به اینکه نظام جمهوری اسلامی ایران، بر اساس موازین قرآنی شکل گرفته، تجربه‌های این ۴۲ سال از عمر انقلاب، در مواجهه با دشمنان، از جمله آمریکا و صهیونیسم جهانی، حاکی است که باید در تأمین امنیت نظامی قوی باشیم. به عنوان نمونه، بعد از دستیابی ایران به موشک‌های بالستیک، آمریکا، دیگر، روی «گزینه نظامی علیه ایران» مانور نمی‌دهد.

از سوی دیگر، اتخاذ رویکرد متضاد، در سیاست خارجی، بین جناح اصول‌گرا - که معتقدند به مقابله به مثل با طرف مقابل، مبارزه مستمر با مستکبرین، نفی سلطه اجانب و غیره - و جناح اصلاح‌طلب - که مجری خط و مشی‌ها و انتظارات کشورهای اروپایی و آمریکا و سازمان‌های بین‌المللی هستند - برای جمهوری اسلامی ایران، آسیب‌زا بوده، بی‌ثباتی در روابط بین‌الملل (باقری دولت‌آبادی، ۱۳۹۹: ۶۷) و شکاف‌های داخلی و... را به ارمغان آورده است! به تبع آن، خسارت‌های قابل توجه اقتصادی و غیراقتصادی، برای ایران اسلامی، به دنبال داشته است. همین‌طور، عدم پذیرش دشمن دائمی و سرسخت مانند آمریکا و هم‌دستانش، از سوی اصلاح‌طلبان، باعث غفلت از دشمن شده و برای جمهوری ایران، آسیب و تهدید جدی بشمار

۱. وَ أَلْفُوا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ و دشمن - از سر ضعف - در خواست صلح بدهد (نسا/ ۹۰).

می‌رود. چراکه آنان، ضمن، انکار دشمن خارجی، جریان انقلابی را به «توهم توطئه» متهم می‌کنند که این امر توسط اندیشمندان انقلابی (برزگر، ۱۳۹۳) نقد علمی شده است.

لذا با عنایت به موارد فوق، تأمین امنیت نظامی با روش‌های متقن، برای نظام جمهوری اسلامی بسیار ضرورت دارد.

درباره مسائل کلی امنیت از منظر آموزه‌های اسلامی، اندیشمندان و محققین، دست‌به‌قلم شده‌اند: کرمی (۱۳۹۸) در مقاله‌اش با عنوان «جلوه‌هایی از پدافند غیرعامل در راهبردهای دفاعی قرآن مجید و سیره نبوی» به تبیین مهم‌ترین ابعاد و روش‌های دفاع غیرعامل در آموزه‌های قرآن کریم و سیره پیامبر (ص) پرداخته است.

سپهری و همکاران (۱۳۹۸) که به «پیامدهای تقابل ایران و آمریکا»، پرداخته نتیجه می‌گیرند که به دلیل اقتدار ایران، ایالت متحده تاکنون به اهدافش نرسیده است. سفلی شاهوردی و همکاران (۱۳۹۸) که به «تعیین سناریوهای تهدید آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران» پرداخته با ذکر مصادیق، آمریکا را همچنان به عنوان تهدیدی جدی علیه جمهوری اسلامی ایران معرفی می‌کند.

ابراهیم کوچک، (۱۳۹۶) طی مقاله‌ای کوتاه تحت عنوان «امنیت در قرآن کریم» ضمن اشاره به جایگاه، هدف امنیت در قرآن، برخی شیوه‌های تأمین امنیت را شمارش می‌کند. اسلامی (۱۳۸۵) طی مقاله‌ای با عنوان «امنیت در قرآن» به موضوع امنیت در قرآن و ابعاد آن شامل عوامل ایجاد امنیت، تهدیدات امنیت و تعریف امنیت پرداخته‌اند.

خسروی، (۱۳۸۹) در مقاله‌ای زیر عنوان «طرح کلی نظریه‌ی امنیت در قرآن» با اشاره‌ای کلی و اجمالی به مبانی نظری امنیت، شاخص‌های ادراک امنیت، اصول و مؤلفه‌های امنیت ملی، طرح کلی اندیشه اسلام پیرامون امنیت پرداخته است.

بنا براین، محقق، به اثری دست نیافت که به صورت تخصصی، برنامه‌های ضد امنیتی دشمن و روش‌های تأمین امنیت نظامی در جمهوری اسلامی ایران، بر اساس رهنمودهای قرآنی را بررسی کرده باشد، لذا ضرورت داشت تا این تحقیق انجام گیرد.

پژوهشگر، در این تحقیق - که به روش توصیفی - تحلیلی و اسنادی انجام شده - دنبال یافتن پاسخ این پرسش است که قرآن کریم، چه روش‌هایی را برای تأمین امنیت نظامی پیشنهاد نموده است؟ مرور آیات قرآن کریم، نشان می‌دهد که خداوند متعال، ضمن تشریح نقشه‌های ضد

امنیتی دشمن، شیوه‌های ارزشمندی برای ایمن‌سازی جوامع اسلامی و خنثی نمودن ترفندهای معاندان معرفی می‌کند.

این مقاله در دو بخش تدوین شده است: در بخش اول، برخی نقشه‌های ضد امنیتی دشمن از منظر قرآن تشریح می‌شود بخش دوم مقاله، به شیوه‌های تأمین امنیت نظامی مبتنی بر آیات قرآن می‌پردازد.

۱-۲. تشریح برخی نقشه‌های ضد امنیتی دشمن از منظر قرآن کریم

برخی برنامه‌های ضد امنیتی دشمن عبارتند از:

۱-۱-۲. جنگ افروزی

دشمنان از جمله یهود یان، همیشه آغازگر جنگ علیه مسلمین بوده‌اند. چند نمونه از جنگ‌های صدر اسلام که آنان آتش جنگ را شعله‌ور کردند؛ عبارت‌اند از نبرد یهودیان بنی قینقاع، بنی نضیر، بنی قریظه و خیبر. این همه جنگ‌هایی که در اسلام واقع شد؛ همه‌اش تحمیل به اسلام بود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴ ص ۲۶۱).

در عصر کنونی، ۹۳ درصد از این عمر ایالات متحده آمریکا، در جنگ و تجاوز به کشورهای مختلف در سرتاسر جهان سپری شده است.

ایالات متحده همواره می‌کوشد تا ضمن دامن زدن به اختلافات منطقه‌ای بین ایران و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، آتش جنگ را نیز شعله‌ور نماید (شریعتی نیا، ۱۳۸۹ ص ۱۵).

۲-۱-۲. طرح ترور پیامبر اسلام (ص)

یهودیان و کفار، بارها، ترور پیامبر اسلام (ص) را در سر داشتند، که به چند مورد اشاره می‌شود: یکی از معروف‌ترین آن جریان «لیلہ المبیت» است که طبق آیه ۳۰ سوره انفال^۱، جبرئیل بر

۱. وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يَخْرُجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ؛ (به خاطر بیاور) هنگامی را که کافران نقشه می‌کشیدند که تو را به زندان بیفکنند، یا به قتل برسانند و یا (از مکه) خارج سازند آنها چاره می‌اندیشیدند (و نقشه می‌کشیدند) و خداوند هم تدبیر می‌کرد و خدا بهترین چاره‌جویان و تدبیرکنندگان است! (انفال/۳۰).

پیامبر (ص) نازل شده ایشان را از نقشه مشرکان آگاه ساخت. دیگری «توطئه بنی نصیر برای ترور حضرت» است (واقعی ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۶۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۱۳۴). از دیگر نقشه‌های دشمن، طرح ترور حضرت محمد (ص) توسط منافقان در راه بازگشت از غزوه تبوک است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص: ۴۳۹؛ ابن کثیر، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۹)، آیاتی از سوره مبارکه توبه (۶۴-۶۶)^۱ به این موضوع نیز اشاره دارد. طراحی ترور (قصص/۲۰)^۲ و عملی نمودن ترور پیامبران الهی، از برنامه‌های دشمن است (نساء/۱۵۵؛ آل عمران/۱۸۱ و ۱۱۲ و ۲۱؛ بقره/۶۱ و ۸۷؛ مائده/۷۰)^۳

یکی از شیوه‌های استکبار در مقابله با گسترش تفکر اسلام ناب و اصیل، حذف فیزیکی یعنی ترور شخصیت‌های مؤثر در جهان اسلام است (شیدائیان، ۱۳۸۶، ص ۷۷). ترور شخصیت‌های اسلامی، مخصوصاً در جمهوری اسلامی ایران با شیوه‌های گوناگون (نظامی، بیولوژیک و ...)، جزو برنامه‌های آمریکا و یهود است. به عنوان نمونه: به شهادت رساندن شخصیت‌های تراز اول انقلاب اسلامی ایران، ترور دانشمندان هسته‌ای ایران، ترور (به شهادت رساندن) سردار قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس، نمونه بارز این ترفند شیطانی در دهه‌های اخیر به شمار می‌رود.

۱. يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تَنْزَلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهْزَؤْا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَّا تَحْذَرُونَ؛ منافقان از آن بیم دارند که سوره‌ای بر ضد آنان نازل گردد و به آنها از اسرار درون قلبشان خبر دهد. بگو: «استهزا کنید! خداوند، آنچه را از آن بیم دارید، آشکار می‌سازد!» (توبه/۶۴).
۲. وَ جَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنَّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ؛ (در این هنگام) مردی با سرعت از دورترین نقطه شهر [مرکز فرعونیان] آمد و گفت: «ای موسی! این جمعیت برای کشتن توبه مشورت نهشته‌اند فوراً از شهر خارج شو، که من از خیرخواهان توام» (قصص/۲۰).
۳. وَ قَتَلَهُمُ الْآلِیَاءُ بَغْیَرٍ حَقٍّ؛ بناحق کشتن آنان، پیامبران را (نساء/۱۵۵)* وَ قَتَلَهُمُ الْآلِیَاءُ بَغْیَرٍ حَقٍّ؛ بناحق کشتن آنان، پیامبران را (آل عمران/۱۸۱). وَ یَقْتُلُونَ النَّبِیْنَ بِغَیْرِ الْحَقِّ؛ و پیامبران را بناحق می‌کشتند (بقره/۶۱)* أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِیْقًا كَذَّبْتُمْ وَ فَرِیْقًا تَقْتُلُونَ؛ پس چرا هر گاه پیامبری چیزی را که خوشایند شما نبود برایتان آورد، کبر ورزیدید؟ گروهی را دروغگو خواندید و گروهی را کشتید (بقره/۸۷)* إِنَّ الَّذِیْنَ یَكْفُرُونَ بِآیَاتِ اللَّهِ وَ یَقْتُلُونَ النَّبِیْنَ بِغَیْرِ حَقٍّ وَ یَقْتُلُونَ الَّذِیْنَ یَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِیمٍ؛ کسانی که به آیات خدا کفر می‌ورزند و پیامبران را بناحق می‌کشدند و دادگستران را به قتل می‌رسانند، آنان را از عذابی دردناک خبر ده. (آل عمران/۲۱)* وَ یَقْتُلُونَ الْآلِیَاءَ بَغْیَرٍ حَقٍّ؛ و پیامبران را بناحق می‌کشتند (آل عمران/۱۱۲)*. فَرِیْقًا كَذَّبُوا وَ فَرِیْقًا یَقْتُلُونَ؛ گروهی را تکذیب می‌کردند و گروهی را می‌کشتند (مائده/۷۰).

۲-۱-۳- تحریک و تجهیز مخالفان اسلام

سران یهود با قبایل دیگر و بت پرستان، احزابی را تشکیل دادند و در مقابل مسلمانان قرار گرفتند و مخالفان را از نظر نظامی و اقتصادی یاری کردند. سران یهود مردم عادی یهودی را با حيله تحريك به مخالفت و كارشكني كردند جنگِ احزاب، نمونه بارز اين مدعا است كه همه دشمنانِ اسلام، به منظور يك سره كردن كارِ نبي مكرم و مسلمين، اين جنگ را ترتيب دادند. دشمنان از نظر نيرو و تجهيزات ظاهري به اندازه اي زياد بودند كه طبق آيه ۱۰ سوره احزاب^۱، مسلمانان، از شدت ترس چشمانشان خيره و جانهايشان به لب رسيده بود. ولي طبق آيه ۹ سوره احزاب^۲، نصرت الهي و امداد غيبي شامل حال مسلمين شد و دشمنان شكست خوردند (مكارم شيرازي، ۱۳۷۴، ج ۱۷ ص ۲۱۶).

امروزه به عیان مشاهده می‌شود که استکبار جهانی، مخالفان را علیه مسلمانان، مخصوصاً ایران، تحریک و تجهیز می‌کند (باباجانی پور، ۱۳۹۲، ص ۱۱۵)، داعش، القاعده و حمایت از وهابیان عربستان و... نمونه‌های آن است.

۲-۱-۴- تهدید امنیت (ایجاد ناامنی و تهدید نظامی)

از جمله کارهای یهود، تهدید و ایجاد ناامنی بود. بنی قینقاع، قدرت نظامی خود را به رخ پیامبر (ص) می کشیدند و او را تشویق به جنگ کردند. آیات ۱۲ و ۱۳ سوره آل عمران^۲ نازل شد و شکست زودهنگام دشمنان را خبر داد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲ ص ۱ ص ۲۹۵).

۱. إِذْ جَاؤُكُمْ مِنْ قُودِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا؛ (به خاطر بیایورید) زمانی را که آنها از طرف بالا و پایین (شهر) بر شما وارد شدند (و مدینه را محاصره کردند) و زمانی که چشمها از شدت وحشت خیره شده و جانها به لب رسیده بود و گمانهای گوناگون بدی به خدا می‌بردید. (احزاب: ۱۰)

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا، ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت خدا را بر خود به یاد آورید در آن هنگام که لشکرهای (عظیم) به سراغ شما آمدند ولی ما باد و طوفان سختی بر آنان فرستادیم و لشکریانی که آنها را نمی‌دیدید (و به این وسیله آنها را در هم شکستیم) و خداوند همیشه به آنچه انجام می‌دهید بینا بوده است (احزاب/۹).

۳. قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَعْيُهُمْ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ: به آنها که کافر شدند بگو: (از پیروزی موقت خود در جنگ اُحد، شاد نباشید!) بزودی مغلوب خواهید شد (و سپس در رستاخیز) به سوی جهنم، محشور خواهید شد؛ و چه بد جایگاه! (آل عمران/۱۲)

در عصر کنونی، آمریکا که در ظاهر به توان نظامی و قدرت سیاسی جهانی خود می‌بالد، ایران اسلامی را به انواع گزینه‌های روی میز تهدید می‌کند (گروه مطالعات بسیج، ۱۳۸۸ ص ۱۲۴). از سوی دیگر با ایران هراسی، کشورهای اسلامی، از جمله بلاد عربی منطقه را علیه ایران تحریک و متحد می‌کند.

۲-۱-۵. جاسوسی علیه مسلمانان

جاسوسی در لغت به معنای آگاهی جستن از اخبار و اموری عمدتاً پنهان است (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷ ش، ج ۱، ص ۲۷۲). این امر توسط دو گروه انجام می‌شود، یکی مسلمین ضعیف الایمان و دیگری توسط دشمن.

نمونه‌ای از جاسوسی مسلمین ضعیف الایمان:

الف. جاسوسی و خیانت ابولبابه انصاری

قرآن کریم، در آیه ۲۷ سوره انفال^۱ مؤمنان را از خیانت به خدا، رسول و امانت‌های خود بازداشته است. در آیه ۲۸ سوره انفال^۲، دارایی و فرزندان مسلمین زمینه امتحان آنان خوانده شده و بر پاداش عظیم الهی کسانی که امانت‌های خدا و پیامبرش را پاس دارند تأکید می‌شود. از این آیه برمی‌آید که خیانت یادشده (جاسوسی ابولبابه) با انگیزه حفظ دارایی‌ها و فرزندان از گزند دشمنان صورت پذیرفته است (طباطبایی، ۱۳۷۴ ج ۹، ص: ۷۱؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۰، ص: ۱۹۸).

ب. جاسوسی حاطب بن ابی بلتعنه

قرآن کریم در آیات ۱-۳ سوره ممتحنه^۳، مؤمنان را از همگرایی و ابراز مودت و دوستی نسبت

۱. يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا لَا تَخُوْنُوْا اللّٰهَ وَ الرَّسُوْلَ وَ تَخُوْنُوْا اَمَانَاتِكُمْ وَ اَنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیامبر خیانت نکنید! و (نیز) در امانات خود خیانت روا مدارید، در حالی که میدانید (این کار، گناه بزرگی است) (انفال/۲۷).

۲. وَ اعْلَمُوْا اَنَّكُمْ اَمْوَالُكُمْ وَ اَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَ اَنَّ اللّٰهَ عِنْدَهُ اَجْرٌ عَظِيْمٌ؛ و بدانید اموال و اولاد شما، وسیله آزمایش است و (برای کسانی که از عهده امتحان برآیند)، پاداش عظیمی نزد خداست! (انفال/۲۸).

۳. يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا لَا تَتَّخِذُوْا عَدُوِّيْ وَ عَدُوْكُمْ اَوْلِيَاءَ ثَلَقْتُمْ بِالْمَوْدَّةِ وَ قَدْ كَفَرُوْا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يَخْرِجُوْنَ الرَّسُوْلَ وَ اِيَّاكُمْ اَنْ تُوْمِنُوْا بِاللّٰهِ رَبِّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِيْ سَبِيْلِ وَاِتِغَاءَ مَرْضَاتِيْ تُسْرَوْنَ اِلَيْهِمْ

به دشمنان نهی کرده و آن را مایه گمراهی خوانده است. آیه ۱۱۹ آل عمران^۱، تصریح می‌کند که «شما آن‌ها (کفار و مشرکین) را دوست می‌دارید اما آن‌ها شما را دوست ندارند». آیه دوم سوره ممتحنه تأکید می‌کند که «اگر آن‌ها بر شما مسلط شوند، دشمنانتان خواهند بود و دست و زبان خود را به بدی کردن نسبت به شما می‌کشایند و دوست دارند شما به کفر بازگردید». از آیه سوم سوره ممتحنه برمی‌آید که انگیزه این همگرایی و دوستی با دشمنان خدا، حفظ بستگان، فرزندان و دارایی‌ها از گزند آنان بوده است.

عموم مفسران آیه فوق را در شان حاطب بن ابی بلتعنه دانسته‌اند که اطلاعات محرمانه را به دشمن می‌داد (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۴، ص: ۳۵۸).

ج- جاسوسی از روی نیاز

گروهی از مسلمانان فقیر، در برابر دریافت مقداری از فرآورده‌های کشاورزی، اخبار و اطلاعات مربوط به مسلمانان را در اختیار یهودیان قرار می‌داده‌اند. آیه ۱۳ سوره ممتحنه^۲، مسلمین را از این کار منع می‌کند.

بِالْمُؤَدَّةِ وَ أَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید! شما نسبت به آنان اظهار محبت می‌کنید، در حالی که آنها به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده‌اند و رسول الله و شما را به خاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همه شماست از شهر و دیارتان بیرون می‌رانند اگر شما برای جهاد در راه من و جلب خشنودیم هجرت کرده‌اید (پیوند دوستی با آنان برقرار نسازید!) شما مخفیانه با آنها رابطه دوستی برقرار می‌کنید در حالی که من به آنچه پنهان یا آشکار می‌سازید از همه دانایترم! و هر کس از شما چنین کاری کند، از راه راست گمراه شده است (ممتحنه/ ۱).
 إِن يَتَقَفَوْكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَسْطُرُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ؛ اگر آنها بر شما مسلط شوند، دشمنانتان خواهند بود و دست و زبان خود را به بدی کردن نسبت به شما می‌کشایند و دوست دارند شما به کفر بازگردید! (ممتحنه/ ۲).

لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُهُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ هرگز بستگان و فرزندانان روز قیامت سودی به حالتان نخواهند داشت میان شما جدایی می‌افکنند و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست (ممتحنه/ ۳).

۱. هَا أَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ؛ شما کسانی هستید که آنها را دوست می‌دارید اما آنها شما را دوست ندارند (آل عمران/ ۱۱۹).

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَسْأُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَسْأَلُ الْكُفَّارُ مِنَ أَصْحَابِ الْقُبُورِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با قومی که خداوند آنان را مورد غضب قرار داده دوستی نکنید آنان از آخرت مأیوسند همان‌گونه که کفار مدفون در قبرها مأیوس می‌باشند (ممتحنه/ ۱۳).

د- جاسوسی منافقان

عده‌ای از یهودیان (منافقان) برای ضربه زدن به اسلام دست به عملیات جاسوسی زدند تا به اسرار مسلمانان پی ببرند (جدید بناب، ۱۳۸۵ ص ۴۶). گروهی از منافقان اخبار و اسرار مسلمین را در اختیار یهودیان قرار می‌دادند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص: ۳۸۱).

قرآن کریم (مائده/۴۱) از این نقشه، پرده برمی‌دارد. خداوند متعال، در آیه ۱۴ سوره مجادله ۲، از روابط دوستانه منافقان با یهودیان خبر می‌دهد.

خداوند در آیه ۱۱۸ سوره آل عمران ۳، دستور می‌دهند که مسلمانان راز خود را بین بیگانگان افشا نکنند. خداوند در این آیه از باطن دشمنان خبر می‌دهد و یادآوری می‌کند که: «آن‌ها شایسته دوستی نیستند، ما آیات (وراه‌های پیشگیری از شرّ آن‌ها) را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید».

جاسوسی‌های گوناگون استکبار، در کشورهای اسلامی از جمله ایران، بر کسی پوشیده نیست. تسخیر سفارت آمریکا در ایران (لانه جاسوسی) پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به همین خاطر، صورت گرفت. امروزه، یکی از شیوه‌های نوین جاسوسی دشمن، از طریق پهباد انجام می‌گیرد (ضیایی و محمدی، ۱۳۹۴ ص ۴۵).

۱-۲-۶. تلاش برای تضعیف روحیه لشکریان اسلام

دشمنان، از طریق نفوذی‌ها (منافقان) با انتشار اخبار و اطلاعات غلط، برای تضعیف

۱. وَ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لَقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُواكَ...؛ گروهی از یهودیان که خوب به سخنان تو گوش می‌دهند تا دستاویزی برای تکذیب تو بیابند آنها جاسوسان گروه دیگری هستند که خودشان نزد تو نیامده‌اند (مائده/۴۱).

۲. أَلَمْ تَر إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ؛ آیا ندیدی کسانی را که طرح دوستی با گروهی که مورد غضب خدا بودند ریختند؟! آنها نه از شما هستند و نه از آن (یهود) سوگند دروغ یاد می‌کنند - که از شما هستند - در حالی که خودشان می‌دانند - که دروغ می‌گویند - (مجادله/۱۴).

۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةَ مَنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَ مَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید! آنها از هر گونه شرّ و فساد در باره شما، کوتاهی نمی‌کنند. آنها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. (نشانه‌های) دشمنی از دهان (و کلام) شان آشکار شده و آنچه در دلهایشان پنهان می‌دارند، از آن مهمتر است. ما آیات (وراه‌های پیشگیری از شرّ آنها) را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید! (آل عمران/۱۱۸).

روحیه لشگریان اسلام تلاش می‌کردند، نظیر شایعه شهادت نبی مکرم اسلام در جنگ احد (آل عمران/۴۴)^۱، قوی جلوه نمودن دشمن و ترساندن از آن در غزوه حمراء الاسد و جنگ احزاب (آل عمران/۱۷۳؛ احزاب/۱۳)^۲، اظهارنظر و انتشار مطالب غیرتخصصی (نساء/۸۳)^۳، تخریب فرمانده کل قوا و متهم کردن ایشان به دروغ‌گویی (احزاب/۱۲)^۴ و غیره.

۲-۱-۷. تضعیف روحیه ایثارگران و خانواده شهدا

دشمنان، برای تضعیف روحیه ایثارگران و خانواده شهدا، خطاب به آنان می‌گفتند: «اگر به جنگ نمی‌رفتند؛ کشته (شهید) نمی‌شدند!»، قرآن کریم، طی آیات ۱۶۸ و ۱۵۶ سوره آل عمران^۵، ضمن اشاره به این قضیه، جواب دندان‌شکنی به آنان داده تصریح می‌نماید

۱. وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ؛ محمد (ص) فقط فرستاده خداست و پیش از او، فرستادگان دیگری نیز بودند آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به عقب برمی‌گردید؟ (و اسلام را رها کرده به دوران جاهلیت و کفر بازگشت خواهید نمود؟) و هر کس به عقب باز گردد، هرگز به خدا ضرری نمی‌زند و خداوند بزودی شاکران (و استقامت‌کنندگان) را پاداش خواهد داد. (آل عمران، ۱۴۴).

۲. الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ؛ اینها کسانی بودند که (بعضی از) مردم، به آنان گفتند: مردم [لشکر دشمن] برای (حمله به) شما اجتماع کرده‌اند از آنها بترسید (آل عمران/۱۷۳)؛ وَ إِذْ قَالَتْ طَافِقَةُ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا؛ و (نیز) به خاطر آورد زمانی را که گروهی از آنها گفتند: ای اهل یثرب (ای مردم مدینه)! اینجا جای توقف شما نیست (توان مقابله با دشمن ندارید) به خانه‌های خود بازگردید! (احزاب/۱۳).
۳. وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولَى الْأُمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ؛ و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آنها برسد، (بدون تحقیق)، آن را شایع می‌سازند در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان- که قدرت تشخیص کافی دارند- بازگردانند، از ریشه‌های مسائل آگاه خواهند شد (نساء/۸۳).

۴. وَ إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلَّا غُرُوراً؛ و (نیز) به خاطر آورد زمانی را که منافقان و بیماردلان می‌گفتند: «خدا و پیامبرش جز وعده‌های دروغین به ما نداده‌اند!» (احزاب/۱۲).

۵. الَّذِينَ قَالُوا لَا خَوانَهُمْ وَ قَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ فَادْرِءُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ (منافقان) آنها هستند که به برادران خود- در حالی که از حمایت آنها دست کشیده بودند- گفتند: «اگر آنها از ما پیروی می‌کردند، کشته نمی‌شدند!» بگو: «(مگر شما می‌توانید مرگ افراد را پیش‌بینی کنید؟! پس مرگ را از خودتان دور سازید اگر راست می‌گویید!» (آل عمران/۱۶۸). * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَ قَالُوا لَا خَوانَهُمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غَزًى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَ مَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَالِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ يَخِي وَ يُمِيتُ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همانند کافران نباشید که چون برادرانشان به مسافرتی می‌روند، یا در جنگ شرکت می‌کنند (و از دنیا می‌روند و یا کشته می‌شوند)، می‌گویند: «اگر آنها نزد ما بودند، نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند!» (شما از این گونه سخنان نگویند) تا خدا این حسرت را بر دل آنها [کافران] بگذارد.

که مرگ و زندگی در هر حال به دست خدا است و مسافرت (مهاجرت در راه خدا) و یا حضور در میدان جنگ نمی تواند مسیر قطعی آن را تغییر دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ج ۳، ص: ۱۳۹).

۲-۱-۸. بهانه جویی برای فرار از جنگ

دشمنان (منافقان) برای خالی کردن جبهه (میدان جنگ) از رفتن به نبرد شانه خالی کرده بهانه جویی می کردند. نمونه ای از بهانه های منافقان برای فرار از جنگ، عبارت اند از

۱. می ترسیم به گناه مبتلا شویم! (توبه/۴۹).
۲. خانه هایمان بدون حفاظ است! (احزاب/۱۳).
۴. توان مقابله با دشمن نیست (دشمن قوی است)! (احزاب/۱۳).
۵. هوا گرم است! (توبه/۸۱).

۲-۲. شیوه های ایمن سازی جوامع اسلامی و خنثی نمودن ترفندهای معاندان از دیدگاه کلام الله مجید.

استکبار در زمینه نظامی، به منظور شکست دادن اسلام، به ترفندهای گونا گونی دست زده است. قرآن کریم، ضمن، آگاه ساختن مؤمنین از این نقشه ها، راه های مقابله را نیز، بیان می کند از جمله

۲-۲-۱. تقویت توان دفاعی مسلمین (آمادگی نظامی)

آمادگی نظامی تدارک نیروها و امکانات لازم اعم از مادی و معنوی برای رویارویی با دشمنان موجود یا احتمالی است. آیات متعدد قرآن با ارائه کلیدواژگانی نظیر «اخذ حذر و اخذ اسلحه» (نساء/۱۰۲)^۱، «اعداد رباط» (انفال/۶۰) و نظایر آن، بر آمادگی نظامی مسلمین تأکید می نماید. به منظور مقابله با ترفندهای دشمن، قرآن کریم، تأکید می کند که توان دفاعی و اقتصادی

خداوند، زنده می کند و می میراند (و زندگی و مرگ، به دست اوست) و خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست. (آل عمران/۱۵۶).

۱. وَلْيَأْخُذُوا حِزْبَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ؛ آنها باید وسایل دفاعی و سلاحهایشان (را در حال نماز) با خود حمل کنند (نساء/۱۰۲).

خود را چنان تقویت کنید که دشمنان را به وحشت اندازید؛ (انفال/۶۰)^۱، این کتاب آسمانی، تقویت و ساخت ابزارهای جنگی (زره) را در زمان حضرت داوود(ع)، یادآور می‌شود که حاکی از ضرورت تقویت بنیان‌های نظامی علیه مستکبران است (انبیاء/۸۰)^۲.

حضرات معصومین (ع)، به این امر اهتمام داشتند. در ایام جنگ «حنین» به پیامبر (ص) خبر دادند که سلاح جدیدی در یمن اختراع شده است، حضرت، فوراً کسانی را به یمن فرستاد تا آن سلاح را برای ارتش اسلام تهیه کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ج ۷، ص: ۲۲۴)، حضرت علی(ع) طبق خطبه ۶۶ نهج البلاغه، روش‌های دفاع نظامی را به لشگریانش یاد می‌دهند.

۲-۲-۲. قدرت‌نمایی در برابر دشمن (رزمایش نظامی)

خداوند متعال در آیه ۱۲۳ سوره توبه^۳، دستور می‌دهد که قدرت و شوکت خود را به دشمن نشان دهید. طبق آیه ۳۱ سوره ص^۴، لشگریان الهی، از مقابل حضرت سلیمان (ع) رژه می‌رفتند و آمادگی خود برای جهاد را به پیامبر خدا، نشان می‌دادند. پیامبر اسلام (ص) به مانور و قدرت‌نمایی سپاه، اهتمام خاصی می‌ورزیدند. پس از صلح حدیبیه که مسلمانان فرصت یافتند کعبه را زیارت کنند، پیامبر (ص) به مسلمانانی که در اطراف کعبه طواف می‌کردند، فرمود: با سرعت و شدت گرداگرد کعبه بگردند تا بدین وسیله، آمادگی روحی و رزمی خود را به کافران نشان دهید. پیامبر در ماجرای فتح مکه، نیز دستور داد که مسلمانان، شبانگاه در بیابان آتش بیفروزند تا

۱. وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تَنْقِفُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ؛ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد! و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) اتفاق کنید، بطور کامل به شما بازگردانده می‌شود و به شما ستم نخواهد شد! (انفال/۶۰).

۲. وَ عَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ؛ و ساختن زره را بخاطر شما به او تعلیم دادیم تا شما را در جنگهایتان حفظ کند آیا شکرگزار (این نعمتهای خدا) هستید؟ (انبیاء/۸۰)

۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ؛ اهل ایمان! با کافرانی که هم‌جوا شما هستید، نبرد کنید؛ نا باید شما سرسختی شد یابند؛ بداند که خدا با پرهیزکارا است. (توبه/۱۲۳).

۴. إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِئَاتُ الْجِيَادُ؛ به خاطر بیاور هنگامی را که عصرگاهان اسبان چابک تندرو را بر او عرضه داشتند (در مقابل او رژه رفتند) (ص/۳۱).

مردم مکه با عظمت ارتش اسلام آشنا شوند (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۲ ص ۸۱۴). همچنین حضرت رسول (ص) در ماجرای فتح مکه، فرمان دادند تا ابوسفیان، بزرگ مکه را در گوشه‌ای - باحالت اسارت - نگاه دارند و ارتش نیرومند اسلام تکبر گویان، در برابر اورژہ برود (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۸۱۸؛ ابن هشام، بی‌تا، ج ۴ ص ۸۶۲) همین نمایش قدرت، موجب شد که در دل کفار هراس افتاده، فکر هرگونه مقاومتی از ذهن آنان رخت بربندد؛ در نتیجه، مرکز کفر و شرک، صبحگاهان، بدون خون‌ریزی به تصرف سپاه اسلام درآمد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آمریکا، پیوسته از حمله به ایران، سخن می‌گفت، اما با مشاهده قدرت نظامی ایران، مخصوصاً موشک‌ها و پهبادهای سپاه پاسداران، از این تصمیم اش، منصرف شده است؛ بنابراین، برگزاری رزمایش‌های نظامی ضمن، آمادگی نیروهای خودی و تقویت روحیه آن‌ها، باعث ترس و وحشت دشمن می‌شود.

۲-۲-۳. تأکید به مقابله به مثل (انتقام)^۱

خداوند متعال به مسلمین دستور می‌دهد، از دشمن انتقام بگیرید و مقابله به مثل کنید. (بقره/۱۹۴) و در این راه کوتاه نیایید (نساء/۱۰۴). در فرایند انتقام‌گیری، ضمن تهدید، دشمن را مدتی در حالت انتظار نگهدارید تا رعب و وحشت، او را فراگیرد (توبه/۵۲؛ طه/۱۳۵).^۴

۱. جمهوری اسلامی ایران، در مقابل مستکبرین، به این دستور خدا، پیوسته عمل می‌کند. نمونه اش، موشکباران پایگاه آمریکا در عین الاسد به دلیل ترور سردار سلیمانی. خود این عمل، یعنی مقابله به مثل، جزو جنگ سخت است؛ اما تبلیغ و ترویج آن در جامعه، از مصادیق جنگ نرم، در حوزه مسایل نظامی بشمار می‌رود.

۲. فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ؛ پس هر کس بر شما تعدی کرد، همان گونه که بر شما تعدی کرده، بر او تعدی کنید (بقره/۱۹۴).

۳. وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا؛ و در تعقیب گروه [دشمنان] سستی نورزید. اگر شما درد می‌کشید، آنان [نیز] همان گونه که شما درد می‌کشید، درد می‌کشند و حال آنکه شما چیزهایی از خدا امید دارید که آنها امید ندارند و خدا همواره دانای سنجیده‌کار است (نساء/۱۰۴).

۴. قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ؛ بگو: «آیا برای ما جز یکی از این دو نیکی را انتظار می‌برید؟ در حالی که ما انتظار می‌کشیم که خدا از جانب خود یا به دست ما عذابی به شما برساند. پس انتظار بکشید که ما هم با شما در انتظاریم.» (توبه/۵۲). * قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى؛ بگو: همه (ما و شما) در انتظاریم! (ما در انتظار وعده پیروزی و شما در انتظار شکست ما!) حال که چنین است، انتظار بکشید! اما

تأکید به مقابله به مثل (انتقام) و گسترش این شعار در جامعه، ضمن تقویت روحیه مسلمین، در دل دشمن، رعب و وحشت می‌اندازد. قرآن کریم (سجده/۱۲۲)، به این مقوله اصرار جدی دارد.

۲۲-۲-۴. مراقبت و محافظت از سران اسلامی (شخصیت‌های مهم)

در عصر نزول قرآن، دشمن طرح ترور (زندانی کردن، تبعید و کشتن) پیامبر اسلام را طراحی کرده بود که با فداکاری حضرت علی (ع)، خنثی شد (انفال/۳۰). پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تاکنون، یکی از ترفندهای استکبار، از بین بردن مسئولین و سران توانمند است. انفجار حزب جمهوری اسلامی، ترور دانشمندان (هسته‌ای، پزشکی، نظامی، فرهنگی - سیاسی) نمونه آن است. خداوند متعال یادآور می‌شود که در برابر نقشه شوم دشمن، از رسولش، محافظت نمود (انفال/۳۰).^۲ همچنین در آیه ۲۰۷ سوره بقره، از محافظ نبی مکرم اسلام (ص) یعنی حضرت علی (ع) نیز به بزرگی یاد کرده ایشان را از فداکاران می‌شمارند.

لذا جریان «لیله المبیت»^۴ الگویی مهم برای مسلمین است که از سران بلاد اسلامی (شخصیت‌های مهم) مراقبت نمایند.

۲۲-۲-۵. حفاظت از اسرار و اطلاعات

از آیات قرآن کریم (انفال/۲۷؛ ممتحنه/۱۳؛ مجادله/۵۸؛ آل عمران/آیه ۱۱۸؛ نساء/۸۳)

بزودی می‌دانید چه کسی از اصحاب صراط مستقیم و چه کسی هدایت یافته است! (طه/۱۳۵).

۱. إِنْ مِّنَ الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ؛ ما از مجرمان انتقام می‌گیریم (سجده/۲۲).

۲. وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يَخْرُجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ؛ (به خاطر بیاور) هنگامی را که کافران نقشه می‌کشیدند که تو را به زندان بیفکنند، یا به قتل برسانند و یا (از مکه) خارج سازند آنها چاره می‌اندیشیدند (و نقشه می‌کشیدند) و خداوند هم تدبیر می‌کرد و خدا بهترین چاره جویان و تدبیرکنندگان است! (انفال/۳۰).

۳. وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ؛ بعضی از مردم (با ایمان و فداکار، همچون علی (ع) در «لیله المبیت» به هنگام خفتن در جایگاه پیغمبر (ص)، جان خود را به خاطر خشنودی خدا می‌فروشد؛ و خداوند نسبت به بندگان مهربان است (بقره/۲۰۷).

۴. لَيْلَةُ الْمَبِيتِ، شبی که امام علی (ع) برای حفظ جان پیامبر (ص) در بستر ایشان خوابید. مشرکان قصد داشتند در این شب دسته‌جمعی به خانه پیامبر حمله کنند و او را به قتل برسانند. به درخواست پیامبر (ص)، امام علی (ع) در بستر ایشان خوابید و در نتیجه مشرکان متوجه عدم حضور پیامبر نشدند و رسول خدا (ص) توانست در آن شب به سمت یثرب هجرت کند.

جاسوسی مستکبرین و منافقین، علیه مسلمانان به دست می‌آید. به همین خاطر، در متون اسلامی (آل عمران/۱۱۸؛ انفال/۲۷)^۱، به حفظ اسرار و اطلاعات تأکید شده است، زیرا با لو رفتن آن‌ها، مسلمانان شکست می‌خورند.

امام صادق (ع)^۲. طی حدیثی به ابوجعفر احول، از جاسوسی و افشای راز توسط عده‌ای از مسلمانان، به شدت گله کرده آن را از قتل بدتر می‌داند.

لذا، یکی از شیوه‌های تأمین امنیت، عدم افشای راز و ندادن اطلاعات به دشمن است.

۲-۶. فراهم ساختن تجهیزات ضد جاسوسی

یکی از ضرورت‌های جامعه اسلامی، فراهم ساختن تجهیزات ضد جاسوسی است تا امنیت جامعه را تأمین نماید. خداوند در قرآن کریم، متعال، «شهاب‌سنگ» را یکی از ابزار آلات خود برای جلوگیری از جاسوسی شیطان و جن، معرفی می‌نماید (جن/۸ و ۹؛ حجر/۱۸؛ صافات/۱۰)^۳.

۱. يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا لَا تَتَّخِذُوْا بَطٰنَةً مِّنْ دُوْنِكُمْ لَا يَالُوْنَكُمْ خَبٰٓءًا وَّ دُوًّا مَّا عِنْتُمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ اَفْوَاهِهِمْ وَاِنْ تُخْفِيْ صُدُوْرُهُمْ اَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيٰتِ اِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُوْنَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید! آنها از هر گونه شر و فساد در باره شما، کوتاهی نمی‌کنند. آنها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. (نشانه‌های) دشمنی از دهان (و کلام) شان آشکار شده و آنچه در دل‌هایشان پنهان می‌دارند، از آن مهم‌تر است. ما آیات (و راه‌های پیشگیری از شر آنها) را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید! (آل عمران/۱۱۸).^{*} يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا لَا تَخَوْنَوا اللّٰهَ وَ الرَّسُوْلَ وَ تَخَوْنَوا اٰمَانَتِكُمْ وَاَنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیامبر خیانت نکنید! و (نیز) در امانات خود خیانت روا مدارید، در حالی که میدانید (این کار، گناه بزرگی است!) (انفال/۲۷).

۲. قَالَ اَبُو جَعْفَرٍ قَالَ لِيَ الصّٰدِقُ ع اِنَّ اللّٰهَ جَلَّ وَ عَزَّ عَيَّرَ اَقْوَامًا فِی الْقُرْآنِ بِالْاِذَاعَةِ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ اَيْنَ قَالَ قَالَ قَوْلُهُ وَاِذَا جَاءَهُمْ اَمْرٌ مِّنَ الْاَمْنِ اَوْ الْخَوْفِ اَذَاعُوْا بِهِ ثُمَّ قَالَ الْمُذْبِعُ عَلَيْنَا سِرْنَا كَالشّٰهْرِ بِسِيفِهِ عَلَيْنَا رَحِمَ اللّٰهُ عَبْدًا سَمِعَ بِمَكْنُونٍ عَلِمْنَا فَذَفَنَهُ تَحْتَ قَدَمَيْهِ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق. ص ۳۷۰).

۳. وَ اَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيْدًا وَ شِهَابًا؛ و ما آسمان را جستجو کردیم و همه را پر از محافظان قوی و تیرهای شهاب یافتیم! (جن/۸).^{*} وَ اَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْمَعُ الْاَنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَّصَدًا؛ و اینکه ما پیش از این به استراق سمع در آسمانها می‌نشستیم؛ اما اکنون هر کس بخواد استراق سمع کند، شهابی را در کمین خود می‌یابد! (جن/۹).^{*} اِلَّا مَنِ اسْتَرْقَى السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ مُّبِيْنٌ؛ مگر آن کس که استراق سمع کند (و دزدانه گوش فرا دهد) که «شهاب مبین» او را تعقیب می‌کند (و می‌راند) (حجر/۱۸).^{*} اِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ؛ مگر آنها که در لحظه‌ای کوتاه برای استراق سمع به آسمان نزدیک شوند، که «شهاب ثاقب» آنها را تعقیب می‌کند! (صافات/۱۰)

امروزه، آشنایی و تخصص در جنگ الکترونیکی و شیوه‌های مقابله با آن، از بایسته‌های هر کشوری است.

۲-۲-۷. اشراف اطلاعاتی به دشمن

در غزوه حمراء الاسد، پیامبر اکرم حضرت علی (ع) را برای کسب اطلاعات از دشمن، مأمور نموده و خط و مشی‌ها را نیز اعلان فرمود: «اگر دیدی که مشرکان سوار بر شتران، از اسبان کناره گرفته‌اند، معلوم می‌شود که به‌سوی مکه روانه‌اند (خطری برای ما ندارند)؛ ولی اگر سوار بر اسبان و بر کنار از شتران بودند، بدان که عازم مدینه‌اند (برای ما خطرند)» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲ ص ۸۸۷).

در جنگ احزاب، پیامبر اکرم (ص) حذیفه بن یمان را برای کسب خبر از اوضاع دشمن، روانه اردوگاه آنان می‌کرد (ابن کثیر، ۱۳۹۶، ج ۳ صص ۲۲۰-۲۲۱).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر به‌منظور تبیین روش‌های تأمین امنیت نظامی در جوامع اسلامی، بر اساس رهنمودهای قرآنی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران، به روش توصیفی-تحلیلی و اسنادی انجام‌شده به این پرسش پاسخ دهد که: قرآن کریم، چه روش‌هایی را برای تأمین امنیت نظامی پیشنهاد نموده است؟

نص آیات قرآن، نشان می‌دهد که مشرکین و کفار، مخصوصاً یهود، سرسخت‌ترین دشمن مسلمان هستند (مانده/۸۲)، آنان تا تسلط کامل (شکست مسلمانان) بر دشمنی خود ادامه خواهند داد (بقره/۱۲۰). خداوند متعال دستور می‌دهد که قدرتمندانه، با چنین دشمنانی بجنگید و فتنه را خاموش کنید (بقره/۱۹۳ و...). آیات متعدد قرآن (نساء/۹۰؛ فتح/۲۲ و...)، بیان می‌نمایند که مخالفان دین خدا، جز با قدرت مسلمانان (نظامی و غیر نظامی)، مطیع نشده و دست از توطئه برنمی‌دارند. فقط در صورت ناتوانی، درخواست صلح داده و تسلیم می‌شوند (نساء/۹۰ و...). تاریخ عصر نبی مکرم اسلام (ص)، در مقابله با دشمنان، از جمله یهود، حاکی است که آنان، فقط، بعد از شکست خوردن از یاران پیامبر (ص)، تسلیم شدند.

از سوی دیگر، اتخاذ رویکرد متضاد، در سیاست خارجی و شیوه‌های تأمین امنیت، بین

جناح اصول‌گرا و جناح اصلاح‌طلب، برای جمهوری اسلامی ایران، آسیب‌زا بوده و بی‌ثباتی در روابط بین‌الملل، شکاف‌های داخلی و... را به ارمغان آورده است! در این راستا، عمل به آموزه‌های قرآنی راهگشا خواهد بود. چون این کتاب و حیانی، از یک‌سو، ترفندهای ضد امنیتی دشمن، شامل جنگ افروزی، ترور، تحریک و تجهیز مخالفان اسلام، ایجاد ناامنی و تهدید نظامی، جاسوسی، بهانه‌جویی و فرار از جنگ و غیره تشریح نموده است؛ در آیات دیگر راه‌های مقابله با دشمن و شیوه‌های تأمین امنیت نظامی را، بیان کرده است، نظیر تقویت توان داخلی، رزمایش نظامی، مقابله به‌مثل، حفاظت از سران، حفاظت از اسرار، فراهم ساختن تجهیزات ضد جاسوسی، اشراف اطلاعاتی و غیره. لذا قرآن کریم، بر ضرورت تأمین امنیت نظامی و شیوه‌های آن اصرار داشته رهنمودهای ارزشمندی را ارائه نموده است.

در عصر حاضر، از مصادیق بارز دشمنانِ سرسختِ جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده آمریکا است؛ که باید طبق رهنمودهای الهی، ترفندهای او را شناخته و خنثی نمود.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی (۱۳۷۳)، قم: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
۲. ابراهیم کوچک، ساره (۱۳۹۶)، امنیت در قرآن کریم (حفظ امنیت از نظر قرآن کریم، چه جایگاه، هدف و ابزاری دارد؟)، مکاتبه و اندیشه، بهار ۱۳۹۶، شماره ۵۱، ص ۳۱-۴۱.
۳. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، (۱۳۶۷ ش.) (النهاية في غريب الحديث والأثر، مصحح طناحي، محمود محمد، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم).
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، مشهور به شیخ صدوق (۱۳۶۲)، الخصال، مصحح غفاری، علی اکبر، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول.
۵. ابن کثیر دمشقی، عمادالدین اسماعیل (بیتا)، البداية والنهاية، بیروت، دار الفکر.
۶. اسلامی، علیرضا (۱۳۸۵). امنیت در قرآن، فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، بهار ۱۳۸۵، شماره ۲۲، ص ۵۹-۸۰.
۷. آشوری داریوش (۱۳۸۷)، دانشنامه سیاسی، نشر مروارید، چاپ شانزدهم.
۸. اصلانی، ابراهیم؛ محمدی، رضا (۱۳۹۷)، واکاوی استنادات قرآنی مسلمانان صدر اسلام (با تأکید بر رخدادهای نظامی قرون ۱۱-۴۰ ق)، فصلنامه مطالعات تاریخی جنگ، پاییز ۱۳۹۷، شماره ۵، ص ۲۱-۳۶.
۹. باباجانی پور، زهرا (۱۳۹۲)، راهبرد ایالات متحده آمریکا در سوریه از ۲۰۱۲-۲۰۱۱، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، بهار ۱۳۹۲، شماره ۴۸، ص ۱۱۵-۱۴۰.
۱۰. باقری دولت آبادی، علی، سیاپوشی، حسین (۱۳۹۹)، تعامل و تقابل گفتمان‌های سیاسی و راهبردهای ملی در سیاست خارجی ایران، فصلنامه راهبرد سیاسی، بهار ۱۳۹۹ - شماره ۱۲، ص ۶۷-۹۴.
۱۱. برزگر، ابراهیم (۱۳۹۳)، نقد نظریه توهم توطئه و کاربرد آن در تحلیل پدیده‌ها، فصلنامه امنیت پژوهی، زمستان ۱۳۹۳ - شماره ۴۸ از ۶۹ تا ۹۰.
۱۲. بلاذری احمد بن یحیی (۱۴۱۷ ق)، أنساب الأشراف، بیروت، دار الفکر، چاپ اول.
۱۳. بیات، بهرام (۱۳۹۵)، ابعاد خصومت یهودیان با اسلام در قرآن، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، استاد راهنما: دکتر سید نادر

- محمد زاده، تاریخ دفاع، شهریور ۱۳۹۵.
۱۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰)، *غررالحکم و درر الکلم*، قم، دار الکتب الاسلامی، چاپ دوم.
۱۵. جدید بناب علی (۱۳۸۵)، *تحلیلی بر عملکرد یهود در عصر نبوی*، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، چاپ دوم.
۱۶. خسروی، مرتضی (۱۳۸۹). *طرح کلی نظریه ی امنیت در قرآن*، مجله بصیرت و تربیت اسلامی، بهار ۱۳۸۹، شماره ۱۵، ص ۹۵-۱۰۸.
۱۷. سپهری، یدالله، عباسی، مصیب؛ حسینی آهنگری، سید حسن (۱۳۹۸). *پیامدهای تقابل ایران و آمریکا، فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی*، تابستان ۱۳۹۸ - شماره ۲۹، ص ۱۱۹-۱۳۶.
۱۸. سفلی شاهوردی، ایرج و همکاران (۱۳۹۸). *تعیین سناریوهای تهدید آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه آینده پژوهی دفاعی، پاییز ۱۳۹۸ - شماره ۱۴، ص ۱۱۵-۱۳۳.
۱۹. شریعتی نیا، محسن (۱۳۸۹)، *ایران هراسی*، دلایل و پیامدها، فصلنامه بین المللی روابط خارجی، تابستان ۱۳۸۹ شماره ۶، ص ۱۹۱-۲۰۸.
۲۰. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ ق)، *نهج البلاغه*، محقق / مصحح: صبحی صالح، قم: هجرت، چاپ اول.
۲۱. شیدائیان، حسین (۱۳۸۶)، *راهبردها و راه کارهای جهان اسلام در مقابله با استکبار جهانی* از دیدگاه امام و رهبری، فصلنامه پیام، بهار ۱۳۸۶، شماره ۸۲، ص ۷۴ تا ۹۲.
۲۲. ضیایی سید یاسر و محمدی مطلق: علیرضا (۱۳۹۴)، *ورود پهنادهای جاسوسی به قلمرو هوایی ایران از منظر حقوق بین الملل*، فصلنامه مطالعات راهبردی، بهار ۱۳۹۴، شماره ۶۷، ص ۴۳-۶۸.
۲۳. طباطبایی سید محمدحسین (۱۳۷۴)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
۲۴. طبرسی فضل بن حسن (۱۳۶۰)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ترجمه عده ای از مترجمان و تحقیق رضا ستوده، تهران، فراهانی چاپ اول.
۲۵. کرمی، فیروزه (۱۳۹۸)، *جلوه هایی از پدافند غیرعامل در راهبردهای دفاعی قرآن مجید و*

سیره نبوی، فصلنامه پژوهشنامه معارف قرآنی، شماره ۳۷، ص ۷-۴۸.

۲۶. گروه مطالعات بسیج (۱۳۸۸)، رویارویی ایران - آمریکا تحلیل گزینه‌های احتمالی، مجله

مطالعات راهبردی بسیج، تابستان ۱۳۸۸ شماره ۴۳ ص ۱۱۷-۱۵۰.

۲۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ اول.

۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲)، برگزیده تفسیر نمونه، محقق علی بابایی، احمد، دار الکتب

الإسلامیة، ایران، تهران.

۲۹. واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ ق)، المغازی، بیروت، اعلمی، چاپ سوم.

The Methods of providing security In the Islamic Republic of Iran Based on Quranic guidelines

Ali Akbar Seidi¹

Level two seminary, Master of Quranic and Hadith Sciences,
Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

Abstract

Muslims always have a stubborn enemy that they are always hostile to. In this regard, the methods of providing military security and confronting the enemy are evident in the Quran. Today in the Islamic Republic of Iran, to ensure military security, two currents of thought (reformist and fundamentalist) have different views. Reformists insist on a literature of interaction and compromise with the world, ignoring some national interests. A clear example of this Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA), which had no result for Iran. But the fundamentalists believe in the literature of resistance and distrust of the enemy and insist on strengthening Iran's internal capabilities. **(Introduction)** The present research, which has been done by descriptive-analytical and documentary methods, **(Method)** seeks to find the answer to the question, what methods has the Holy Quran proposed for providing military security? **(Question)** The findings of the study indicate that the Qur'an, while addressing the anti-security programs of the enemy, has also stated the solution to deal with it elsewhere. Strategies to counter it include strengthening internal power, military exercises, retaliation, protection of chiefs and secrets, providing anti-espionage equipment, intelligence aristocracy, and so. **(Results)**

Keywords: Security, Military, anti-security, Quran.

1. seidi125@gmail.com

 <https://orcid.org/0000-0002-3438-4802>

Content Analysis of Primary Education Textbooks from the Perspective of Attention to the Dimensions and Components of Islamic Awakening (Compiled in the academic year 2020/2021)

Mehdi Mirzaei¹

Graduate of Educational Sciences (Educational Planning), Faculty of Psychology and
Educational Sciences, University of Tehran, Iran.

Abstract

The aim of this study was to analyze the content of elementary school textbooks according to the dimensions and components of the Islamic Awakening. The research community consists of two parts, namely: texts related to the dimensions and components of Islamic awakening and three titles of elementary school textbooks (Persian, social education and gifts of heaven) published in the academic year 1400/1499. **(Introduction)** The research method is descriptive, including: documentary analysis as well as content analysis and its approach is also applied to the tools of measuring the form of receipts and checklists (checklist) content analysis using descriptive statistics indicators. **(Method)** It was found that the components of oppression and arrogance, seeking freedom and preventing the consequences of colonial influence, cohesion, convergence and Islamic solidarity, spiritualism and strengthening religious knowledge, martyrdom and the desire for self-sacrifice and jihad in the way of God, confrontation With violent behaviors, reproduction of the culture of resistance and steadfastness, emphasis on the inalienable rights of revolutionaries and the issue of Islamic awakening and justice, truthfulness and righteousness are also found. Also, books of heavenly gifts, Persian and social teachings are the most abundant. It included the dimensions and components of the Islamic Awakening and the fifth grade had the most emphasis in this regard. Therefore, the content of textbooks had a relatively good knowledge and awareness in the field of Islamic awakening capacities. **(Results)**

Keywords: Content Analysis, Textbooks, Primary School, Islamic Awakening.

1. mmirza1000@gmail.com

 <https://orcid.org/0000-0002-9235-6578>

Examination of the Effects of Geopolitical Genome on Foreign Policy (Case Study: Syria and Israel)

Somaye Hamidi¹ (Corresponding author)

Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Literature and Humanities, Birjand University, Birjand, Iran.

Zeinab Ghasemi²

Master of Political Science, University of Guilan, Faculty of Political Science and Law, University of Guilan, Guilan, Iran.

Abstract

Geopolitical elements are among the main factors affecting on foreign policy of countries. Recognition of geopolitical codes available in neighboring countries, can have effective role in using foreign policy along with the geopolitical weight of countries. Syria is among the countries that because of locating in an area with special geopolitical characteristics, the geopolitical codes affect the nature of foreign policy of this country. Hence, the geopolitical codes of this country is considered a factor affecting the trend of converging and diverging of this country with the neighbors. Among the main neighbors of Syria are the country of Israel. **(Introduction)** The question of the current study is what roles do geopolitical genomes play in formation of divergent foreign policy among Syria and Israel? **(Question)** This study attempts to examine the effect of combination of water and ground genome on tense foreign policy among two countries of Syria and Israel using the geopolitical theories and analyzing geopolitical themes of Syria and Israel. **(Method)** The crisis and conflicting approach of the Zionist regime towards the Syrian crisis is rooted in the geopolitical genome, which also applies to the analysis of the Zionist regime interventions in the Syrian crisis. **(Results)**

Keywords: Geopolitical Genome, Syria, Israel, Foreign Policy, Hydro politic.

1. Somaye.hamidi@birjand.ac.ir

2. Zeynab.ghasemi1990@gmail.com

 <https://orcid.org/0000-0002-9879-056x>

 <https://orcid.org/0000-0003-2317-353x>

A Study of the Factors Affecting Saudi Foreign Policy Towards the Palestinian Case in the Time of Muhammad bin Salman

Mohammadjavad Najafi¹

PhD Student in Islamic History, Department of History, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

Alireza Safayimehr² (Corresponding author)

M.Sc. Student of Regional Studies, Department of Regional Studies, Faculty of International Studies, Imam Hossein University, Tehran, Iran.

Abstract

The issue of Palestine is one of the most challenging issues in Saudi's foreign policy, which has undergone major changes in the last decade, especially during the time of bin Salman. In general, the foreign policy behavior of each actor is shaped by the role of various factors, and because Saudi Arabia's approach as an influential actor in the Islamic world has always been influential in the course of this case; In order to properly analyze and manage this change of approach, it is necessary to identify and enumerate the effective factors and factors. **(Introduction)** The influential factors in Saudi's foreign policy are clearly after the coming to power of bin Salman. **(Method)** Accepting that the two variables of the individual and the international system have the greatest impact in this period **(Hypothesis)**, the results of this study indicate that; On the one hand, developments in Saudi Arabia's internal environment, especially the role of the new leader and his personality traits, and on the other hand, external factors such as strategic cooperation with the United States, regional tensions, including competition with the Islamic Republic of Iran, failure to The Yemeni crisis and the establishment of a balance of power have been identified as the most effective factors in changing Saudi Arabia's foreign policy towards the Palestinian cause. **(Results)**

Keywords: The Case of Palestine, Saudi Arabia, Foreign Policy, James Rosena.

1. mohammadgavad71@gmail.com

2.  <https://orcid.org/0000-0003-0961-612x>

 <https://orcid.org/5037-7347-0002-0000>

Strategy of two major regional powers (Islamic Republic and Saudi Arabia) In the field of foreign policy and terrorism in the region under their influence

Mohsen Jamshidi¹ (Corresponding author)

PhD in Political Science (Iran Issue), Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Faculty of Law and Political Science, Kermanshah, Iran.

Mer Ebrahim Sedeeh

Assistant Professor and Faculty Member, Department of Political Science, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

Mahmoud Bastami

Graduate of Master of Political Science, Ilam Branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran

Abstract

In recent decades, Iran and Saudi Arabia, as two regional powers, have been plagued by ideological-geopolitical conflicts (in the common sphere of influence). **(Introduction)** It seems that according to the developments and also the position and strategic-strategic interests of these two powers, each of them seeks to eliminate the rival and achieve the desired goal (regional hegemony) by adopting the desired policies. **(Hypothesis)** In the present study, a qualitative-interpretive method with a descriptive-analytical approach has been used. **(Method)** The Islamic Republic seeks to maintain the ideals of the Islamic Revolution and increase its power in all dimensions and expand its ideological sphere of influence, as well as maintain survival (axis of resistance - East and Shiism) and expand its soft power by increasing its influence in Disrupt the equations of the region. But Saudi Arabia, as the opposite, seeks to maintain the political survival of Sunni-Wahhabi and (Western-Arab) power, as well as to expand Wahhabi teachings and increase its relative power in the face of Iranian influence. Therefore, the analysis of the equations of the region under its influence and its future, using the dual approaches adopted by the two regional powers (Iran, Saudi Arabia). **(Results)**

Keywords: Takfiri Terrorism, the Axis of Resistance, the common sphere of influence, Potential power, Foreign Policy.

1. mohsenmd16@yahoo.com

 <https://orcid.org/0000-0001-8694-0324>

Honoring Sadat and its function in Islamic awakening

Seyed Saeid Hosseini Ramsheh¹(Corresponding author)

Student of Islamic Education, Qom University of Islamic Education, Iran.

Hamid Reza Sarvarian

Department of Islamic Education, Hazrat Masoumeh University, Qom, Iran

Abstract

Muslims have a long history with the Ahl al-Bayt (AS), which has Qur'anic, narrative and intellectual support, and Sadat is also honored. Sadat has been researched from various angles, but the reason for his reverence and the role of this reverence in socio-political developments have not been independently studied. **(Introduction & Objective)** This applied research answers the questions with a descriptive-analytical method using the library source. **(Methods)** The verse of Mawdat, the relevant narrations, the commemoration of Surah Kawthar and the payment of religion to the Prophet (PBUH) and the rule of reason have completed the whole system of authority to honor Sadat. This reverence is in the direction of friendship with the Ahl al-Bayt (AS) and there is hope for God's pleasure in it. Throughout history, this reverence has been the bedrock of many Islamist developments, such as the Islamic Awakening by Sayyid leaders in Islamic societies, that can continue. **(Results)** If Sadat's elites want to play a role in the Islamic Awakening, people will certainly accept Sadat's invitation for two reasons: right-seeking and sincere devotion. **(Conclusion)**

Keywords: Ahl al-Bayt (AS), Mawadat, honoring Sadat, Islamic awakening.

A Comparative Study of the Performance of the Islamic Revolution of Iran and the Egyptian Muslim Brotherhood in the State-Building Process

Behzad Ghasemi¹ (Corresponding author)

Assistant Professor Imam Hossein University, Tehran, Iran.

Bahador Shahriyari

Assistant Professor, Department of Islamic Education, Imam Hossein University (AS), Tehran, Iran.

Abstract

Islamic Movement of Iran and Egypt has been selected as the main issue and focus of this research. **(Method)** One of the topics that is important in the study of Iran and Egypt is the analysis of the system-building process in Iran and Egypt after the revolution. Why the Islamic Revolution of Iran succeeded in establishing a political system and the formation of an Islamic state and the Egyptian Muslim Brotherhood failed in this regard. **(Introduction)** The present research has been carried out in a qualitative manner using the description and analysis technique and with the tools of taking notes from library sources, documents and valid scientific documents. This issue has been studied along with state-building and the main question of the article is that; What were the reasons and grounds for the success of the Islamic Movement of Iran in state-building and the failure of the Muslim Brotherhood, and what are the factors affecting it? The hypothesis of the research is that the system resulting from the Islamic movement in Iran was based on Islamic principles and religious democracy, and the Muslim Brotherhood Egypt did not, and it was also unsuccessful in the establishment of a political system with democracy. **(Hypothesis)**, in addition to the Islamic revolution, based on the theory of the Islamic government, established the Islamic state; Meanwhile, in Egypt and by the Muslim Brotherhood, there was not a theory accepted by all groups and emerged from the Sunni intellectual and jurisprudence. **(Results)**

Keywords: Revolution, Iran, Egypt, political system, Islam.

1. ghasemi.b1981@gmail.com

 <https://orcid.org/0000-0003-0086-2535>

The discourse of the Islamic Revolution and facing the challenge of alternatives

Mohammad Esmail Nabatian¹

Assistant Professor and Faculty member of the Islamic Revolution Department, Faculty of Islamic Education and Thought, University of Tehran, Iran.

Abstract

Relying on the strong point of Islamic, the discourse of the Islamic Revolution triumphed and challenged secular order. But from time to time, this strength became the antithesis of this discourse and challenged it. Now, the question is how political Islam, as the strong point of the Islamic Revolution's discourse in creating revolution and systematization, how it crystallized as a threatening and weakening factor in the Islamic world?(**Introduction**) Using the descriptive-analytical method and using the theory of Laclau and Moff discourse (**Method**), the hypothesis has been discussed that the Takfiri Salafi discourse, despite its paradigm unity, defined the proof of its identity in the negation of the Islamic Revolution discourse and with different meanings to the signs. Their similarity and elaboration around the Islamic government / caliphate, and in the light of the support and guidance of the domination system, was able to instill in the protesting Muslim social forces a model of a more genuine Muslim, more law-abiding in the prophetic tradition, and more hostile to infidels. The obligation of jihad to replace the "other" crusaders and the Jews (**Hypothesis**). The end result is the conversion of the strong point of the Islamic Revolution's discourse into the antithesis and debilitator that has plagued the Islamic world with violent inter-Muslim confrontation.(**Results**)

Keywords: Discourse Theory, Islamic Revolution Discourse, Takfiri Salafi Discourse, Alternative Challenge.

Table of Contents

The discourse of the Islamic Revolution and facing the challenge of alternatives Mohammad Esmacil Nabatian	196
A Comparative Study of the Performance of the Islamic Revolution of Iran and the Egyptian Muslim Brotherhood in the State-Building Process Behzad Ghasemi, Bahador Shahriyari	195
Honoring Sadat and its function in Islamic awakening Seyed Saeid Hosseini Ramsheh, Hamid Reza Sarvarian	194
Strategy of two major regional powers (Islamic Republic and Saudi Arabia) In the field of foreign policy and terrorism in the region under their influence Mohsen Jamshidi, Mer Ebrahim Sedeegh, Mahmoud Bastami	193
A Study of the Factors Affecting Saudi Foreign Policy Towards the Palestinian Case in the Time of Muhammad bin Salman Mohammadjavad Najafi, Alireza Safayimehr	192
Examination of the Effects of Geopolitical Genome on Foreign Policy (Case Study: Syria and Israel) Somaye Hamidi, Zeinab Ghasemi	191
Content Analysis of Primary Education Textbooks from the Perspective of Attention to the Dimensions and Components of Islamic Awakening (Compiled in the academic year 2020/2021) Mehdi Mirzaei	190
The Methods of providing security In the Islamic Republic of Iran Based on Quranic guidelines Ali Akbar Seidi	189

In the name of God the compassionate the merciful

Scientific Quarterly
Journal of Islamic Awakening Studies

Volume 10, Issue 1, Serial Number 19, Spring 2021

Proprietor: The University Professor's Basij Organization(PBO)

Director-in-Charge: Mohammadreza Mardani

Editor-in-Chief: Gholamreza Behrozi Lak

Manager: Seyed Mahdi Soheili Moghdadam

Lithography, publication and Binding: The University Professor's Basij Organization(PBO)

Address: Iran, Tehran, Islamic Revolution St., in front of the main door of the University of Tehran, No. 1246.

Telephone Number: +98-21-66975605 | **E-mail:** org.05@basijasatid.ir

Editorial Board (Sorted by alphabet)

- **Sorosh Amiri** / Associate Professor of International Relations, Amin University of Law Enforcement Sciences
- **Gholamreza Behrozi Lak** / Professor of Political Science, Baqir Al-Uloom University
- **Mohammadjafar Javadi Arjmand**/ Professor of Political Science, University of Tehran
- **Alireza Rezaei** / Associate Professor of International Relations, Islamic Azad University, Hamadan Branch
- **Najaf Lakzaie** / Professor of Political Science, Baqir Al-Uloom University
- **Shamsallah Mariji** / Professor of Social Sciences, Baqir Al-Uloom Univ

Website: <http://www.iabaj.ir>